فرهنگ معاصر

فرهنگ
گفته‌های طنزآمیز

گردآوری و ترجمه:
رضی هیرمندی

فارسی
انگلیسی



فرهنگ گفته‌های طنزآمیز

انگلیسی ـ فارسی

گردآورنده و مترجم:

رضی هیرمندی

فرهنگ معاصر

فرهنگ معاصر
شمارهٔ ۱۵۴، خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۴۷۶۴۶۶۸
تلفن: ۶۶۹۵۲۶۳۲ ـ ۶۶۴۶۵۵۲۰
فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸
E-mail: info@farhangmoaser.com
website: www.farhangmoaser.com

فرهنگ گفته‌های طنزآمیز
انگلیسی ـ فارسی
گردآورنده و مترجم:
رضی هیرمندی
ویراستار: عبداله کوثری
حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:
واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر
چاپ پنجم: ۱۳۸۹ / تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

خدادادی، رضی، ۱۳۲۶ - ، گردآورنده و مترجم.
فرهنگ گفته‌های طنزآمیز، انگلیسی ـ فارسی / گردآورنده و مترجم رضی خدادادی (هیرمندی). ـ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
شانزده + ۴۷۲ ص.
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
فارسی ـ انگلیسی

۱. طنز انگلیسی ــ ترجمه شده به فارسی. ۲. طنز فارسی ــ ترجمه شده از انگلیسی. الف. عنوان.

۴ف ۴خ / PN ۶۱۷۵ ۸۲۷/۹۱۴

کتابخانه ملی ایران ۸۱-۳۷۲۷۹م

ISBN 964-5545-78-1 شابک ۱ـ۷۸ـ۵۵۴۵ـ۹۶۴

تقدیم به
طنزآوران نامدار و گمنام ایران.

ر. ه.

پیشگفتار

به مزاحت نگفتم این گفتار
هزل بگذار و جد از آن بردار
سعدی

مهمترین دفاع این فرهنگ در برابر همهٔ بلاهای زمینی و آسمانی آراسته بودن آن به زره طنز است. طنز در بسیاری از موارد دو پهلوست و از عجایب آنکه بنا به نصِّ صریح خود این کتاب، لطیفهٔ دوپهلو بیش از یک منظور ندارد. بر این اساس، از خوانندگان عزیز و نظرسنجان اهل تمییز اعم از مرد و زن و غیره استدعای عاجزانه دارم که هیچ یک از گفته‌های گوشه‌دار کتاب را به خود نگیرند و در تعمیم معانی و مصادیق آن سعی بلیغ نفرمایند و به عبارت خودمانی در کِش دادن قضیه تلاش بی‌فایده نکنند زیرا اگر قرار باشد از خواندن گفته‌های کتاب بر خاطر هر صاحب شغل و حرفه‌ای و دارندهٔ هر جنس و صفتیِ اعم از پسندیده و ناپسند گرد ملالی بنشیند، خود این گردآورنده نیز از تیرهای غیبی آن بی‌نصیب نخواهد ماند.

هر جدی هزل است پیش هازلان　　　هزلها جدّ است پیش عاقلان
مولوی

کتاب حاضر سفرهٔ گسترده‌ای است با خوراکیهایِ رنگارنگ به صورتی که خوانندگان نازک‌خوار می‌توانند لقمه‌های خوشگوار و باب طبع خود را سوا کنند و فعلاً از کنار بقیه بگذرند. به گفتهٔ جاناتان سویفت «طنز آیینه‌ای است که بینندگان چهرهٔ هر کس را در آن می‌بینند جز چهرهٔ خودشان را.»

و اما خواص و مزایای این فرهنگ:

از جمله خواصِ آن یکی خاصیت استثماری و چپاولگرانهٔ آن است به این معنا که جزء جزء آن از فرهنگ‌های دیگر برگرفته شده است که از آن جمله است فرهنگ گفته‌های طنزآمیز آکسفورد و فرهنگ گفته‌های طنزآمیز پنگوئن. به عبارت دیگر، این

گردآورنده و مترجم افتخار یافته که جنس خارجی را با سلیقهٔ شخصی و ایرانی سوا کرده، در جامهٔ فارسی عرضه کند و از این رهگذر خود را مدیون خوانندگان فارسی زبان و فرهنگ‌نویسان انگلیسی قرار دهد.

امتیازِ دیگر این فرهنگ بی‌پایان بودن آن است و صفت بی‌پایان البته با تاریخ و طبیعت خود طنز مناسبت کامل دارد. بنابراین تا هر زمان که در چارگوشهٔ این دنیای دون و درعرصهٔ این بی‌بقای دل‌فریب، طنزنویس و طنزخوان و طنزگو و طنزطلب وجود داشته باشد می‌توان بر حجم این کتابِ بی‌مثال افزود.

می‌توان چنین تصور کرد که اولین طنزگوی عالم حضرت آدم ابوالبشر بوده است.تا ببینیم توفیقِ بیانِ آخرین گفتهٔ طنز جهان از آنِ چه کسی خواهد شد!

از جمله مزایای ضمنی این فرهنگ گرانسنگ یکی این که با نقل متن انگلیسیِ گفته‌ها فرصتی طلایی در اختیار عموم سخنوران، نظریه‌پردازان، نظریه‌دوستان و دانشجویان عزیز زبان‌شناسی و ترجمهٔ کتبی و شفاهی قرار گرفته تا ضمن استفاده از کتاب از مواضع و کمینگاههای مختلف مترجم را به رگبار ملامت ببندند و هرچه نمکدان هست بر سر او بشکنند.

حالا نوبت می‌رسد به تصفیه (= تسویه) حساب با دیگران:

عبداللهِ کوثری در آرایش و پیرایش این عروس هزارداماد سنگ تمام گذاشت و دست کم یکی از فرمایشات قصار این فرهنگ را در عمل به اثبات رساند که «هیچ احساسی نمی‌تواند با شور و احساسِ دستکاری در دست نوشتهٔ دیگران برابری کند.» عبداللهِ کوثری خود می‌داند که در حق کسی چون او از من جز سپاس کاری ساخته نیست. از خوانندگان محترم اجازه می‌خواهم برای رعایت ایجاز هم که شده از ذکر این جملهٔ نخ‌نما خودداری کنم که «کاستیهایِ باقیمانده تماماً کار مترجم است و لاغیر.»!

از همسرم به خاطر «اول» بودن وی در خواندن دست‌نوشته‌های این کتاب و دستکاری در آنها در اینجا هم تشکر می‌کنم.

دکتر علی خزاعی‌فر فرهنگِ Oxford Dictionary of Quotations را بی‌آنکه پروای از دست رفتن ابدی آن را داشته باشد سخاوتمندانه در اختیارم گذاشت. از ایشان سپاسگزارم.

از جمله گرفتاریهایِ آقای داود موسایی، مدیر انتشارات فرهنگ معاصر که همواره آماده است تا پیشنهادهای جماعت فرهنگ‌نویس یا به قول ساموئل جانسون «ز حمتکشان بی‌آزار» را عملی کند یکی این که هر اهل قلمی که کاری برای چاپ به دست او سپرده زود وسوسه می‌شود تا از او تعریف و تمجید کند. نویسندهٔ این سطور سعی فراوان کرده تا از این قاعده مستثنا باشد هر چند نمی‌تواند نیمی از جملهٔ معروف

برتولت برشت را از ذهن خود پاک کند که می‌گوید: «... بیچاره کسی که دل به استثنا ببندد.»

از تمام دست‌اندرکاران فنی تولید کتاب به خصوص سرکار خانم لیدا خمّر که زحمت حروف‌نگاری و آرایش رایانه‌ای کتاب را به عهده داشتند، سپاسگزارم.

نگارنده در اینجا لازم می‌داند اکنون که به حکم وظیفه از هر خرمن خوشه‌ای کش رفته است، حرف خود را با دستبرد به گنجینهٔ لسان الغیب به پایان برساند و بدین وسیله از تمام دوستان و آشنایان خداحافظی کند.

تلقین و درسِ اهل نظر یک اشارت است
گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم...
ناصح به طنز[1] گفت که رو ترک عشق کن
محتاج جنگ نیست برادر نمی‌کنم.

رضی هیرمندی

۱. حافظ خانلری: طنز؛ حافظ قزوینی و غنی: طعن

شیوهٔ بهره‌گیری از فرهنگ

● موضوعات این فرهنگ به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. عناوین اصلی را می‌توانید در فهرست آغاز و در متن کتاب به ترتیب یاد شده ملاحظه کنید.

● اگر دنبال موضوعی هستید که در فهرست یافت نمی‌شود می‌توانید دنبال مترادف یا موضوع مرتبط با آن بگردید؛ مثلاً هر گاه می‌خواهید گفته‌های مربوط به «کیش» یا «دیانت» را بخوانید چون این عناوین در فهرست نیامده به دنبال عنوان دین و مذهب بگردید که البته آن را خواهید یافت. همین موضوع در مورد «راستگویی» نیز صادق است که گفته‌های مربوط به آن زیرمدخل **حقیقت** و **خلاف حقیقت** آمده و یا گفته‌های مربوط به «آموزگاران» که در قسمت **معلمان** و یا **آموزش و پرورش** قابل پیگیری است.

● متن انگلیسی هر گفته با همان شمارهٔ ترتیب ترجمهٔ فارسی آن در نیمهٔ دوم هر صفحه درج شده تا خوانندگان دوزبانه بتوانند ابتدا گفتهٔ انگلیسی و بعد معادل فارسی آن را بخوانند هر چند عکس قضیه نیز عملی است!

● نمایهٔ آخر کتاب شمارهٔ ترتیب گفته یا گفته‌های هر گوینده یا فرستنده را مشخص می‌کند.

چنین فرهنگی البته مدعی آن نیست که کتاب بالینی هر ایرانی است. با این حال، می‌توان آن را در کنار بالین (یا به جای بالین) گذاشت و به صورت انفرادی یا غیرانفرادی از آن استفاده کرد. این کتاب را از هر جا بخواهید می‌توانید شروع کنید گر چه هر جا بخواهید نمی‌توانید زمین بگذارید. می‌توان آن را یکسره مانند یک نوشیدنی گوارا لاجرعه سرکشید یا مثل یک شربت تلخ جرعه جرعه نوشید؛ بستگی دارد به حال و هوا و فکر و مرام خواننده.

چنین فرهنگی البته مدعی آن نیست که کتاب بالینی هر ایرانی است. با این حال، می‌توان آن را در کنار بالین (یا به جای بالین) گذاشت و به صورت انفرادی یا غیرانفرادی از آن استفاده کرد. این کتاب را از هر جا بخواهید می‌توانید شروع کنید گر چه هر جا بخواهید نمی‌توانید زمین بگذارید. می‌توان آن را یکسره مانند یک نوشیدنی گوارا لاجرعه سرکشید یا مثل یک شربت تلخ جرعه جرعه نوشید؛ بستگی دارد به حال و هوا و فکر و مرام خواننده.

فهرست

فهرست

فهرست

فرهنگ گفته‌های طنزآمیز

انگلیسی ـ فارسی

۱. ویکتور بُرج

کار درست را بابانوئل می‌کند که سالی یک بار به دیدن دیگران می‌رود.

۲. آنتونی پاول

او با اولین نگاه یک دل نه صد دل عاشق خود شد و هنوز که هنوز است به این عشق وفادار مانده.

۳. کِنِت تاینان

آنچه آدم در حالت مستی در وجود زنهای دیگر می‌بیند در هشیاری در وجود گاربو[۱] تماشا می‌کند.

۴. چارلز دوم

هم مستی‌اش را دیده‌ام، هم هشیاری‌اش را. در هر دو حال چیزی در وجودش نیافته‌ام.

* -- *

1. Victor Borge

Santa Claus has the right idea - visit people once a year!

2. Anthony Powell

He fell in love with himself at first sight and it is a passion to which he has always remained faithful.

3. Kenneth Tynan

What, when drunk, one sees in other women one sees in Garbo sober.

4. Charles II

I've tried him drunk and I've tried him sober but there's nothing in him.

۵. جرج برنارد شا

(دربارهٔ جولیوس سزار)

او مردی است خوش سلیقه و دارای عقلی بسیار سلیم، به عبارت دیگر آدمی است فاقد خلاقیت و شهامت اخلاقی.

۶. جرج برنارد شا

کاپیتال نوشتهٔ شخصی است که در زندگی عادیِ مردم آلمان و انگلیس سهمی نداشت. او (مارکس) دربارهٔ سرمایه‌داران و کارگران مثل یک خبرنگار جنگ طبقاتی مطلب نوشت نه مانند یک همنوع.

۷. پاتریک کامبل

(دربارهٔ جرج برنارد شا و گیاه‌خواری‌اش)

وای از آن روزی که به او گوشت بدهید. دیگر زنی در لندن از دست او در امان نخواهد ماند.

* -- *

5. George Bernard Shaw

(on Julius Caesar)

A man of great common sense and good taste, meaning thereby a man without originality or moral courage.

6. George Bernard Shaw

Das Kapital...is the book of a man (**Karl Marx**) who took no part in normal German or English society, and wrote of Capitalists and Workmen like a Class War Correspondent and not like a fellow creature.

7. Mrs Patrick Campbell

(On the vegetarian George Bernard Shaw)

If you give him meat no woman in London will be safe.

۸. ژان کوکتو

اگر قرار بر انتخاب باشد، جماعت همیشه باراباس را از مصلوب شدن نجات خواهد داد.

۹. منسوب به: **جوزف گوبلز**

این مرد (هیتلر) آدم خطرناکی است. به هر چه می‌گوید اعتقاد دارد.

۱۰. ناشناس

لیدی کیل چیرمن از اکابر شایعه‌پردازان این مرز و بوم است. او هرکسی را بگویید می‌شناسد الا خودش را.

۱۱. هارولد نیکلسون

صدای جیمز جویس لطیف‌ترین صدایی است که به عمرم شنیده‌ام. مثل آب روان و ملایمی است که در اعماق غل‌غل می‌کند.

* -- *

8. **Jean Cocteau**

If it has to choose who is to be crucified, the crowd will always save Barabbas.

9. **Joseph Goebbels:** attributed

This man is dangerous; he believes what he says.

10. **Anonymous**

Lady Kill-Chairman, who is one of the greatest gossips in the kingdom, knows everybody but herself.

11. **Harold Nicolson**

James Joyce has the most lovely voice I know – liquid and soft with under currents of gurgle.

۱۲. اِولین وا

البته که به وجود ابلیس اعتقاد دارم وگرنه چطور می‌توانستم موجودیت لرد بیوِربروک را توجیه کنم؟

۱۳. کین هابارد

تنها راه سرگرم کردن بعضیها گوش دادن به حرفهایشان است.

* -- *

12. Evelyn Waugh

Of course, I believe in the Devil. How otherwise would I account for the existence of Lord Beaverbrook?

13. Kin Hubbard

The only way to entertain some folks is to listen to them.

۱۴. آدلی استیونسون

آدم گرسنه آزاد نیست.

۱۵. جرج برنارد شا

آزادی یعنی مسئوولیت‌پذیری. از همین رو اکثر آدمها از آن وحشت دارند.

۱۶. جوزف هلر

اگر مردم آن قدر آزاد بودند که هر چه می‌خواستند بپرسند خدا می‌داند از چه چیزها که سر درنمی‌آوردند.

* -- *

14. Adlai Stevenson

A hungry man is not a free man.

15. George Bernard Shaw

Liberty means responsibility. That is why most men dread it.

16. Joseph Heller

There was no telling what people might find out once they felt free to ask whatever questions they wanted to.

۱۷. جان آپدایک

آمریکا توطئه‌ای است بزرگ برای خوشبخت کردن شما.

۱۸. جان آپدایک

آمریکا سرزمینی است که مرکز آن هیچ جا نیست اما انگلستان سرزمینی است که مرکز آن همه جاست.

۱۹. فِرِد آلن

کالیفرنیا جای قشنگی است برای زندگی، به شرطی که پرتقال باشی.

۲۰. استیون اسپندر

مهارت آمریکاییها در عشق‌های ده دقیقه‌ای بیش از هر ملت دیگری است.

* -- *

17. **John Updike**

America is a vast conspiracy to make you happy.

18. **John Updike**

America is a land whose centre is nowhere; England one whose centre is everywhere.

19. **Fred Allen**

California is a fine place to live- if you happen to be an orange.

20. **Stephen Spender**

(Americans are) better at having a love affair that lasts ten minutes than any other people in the world.

۲۱. جیمز ایگِت

هر زن آمریکایی دارای دو روح است که می‌تواند از آنِ خود بنامد. آن دیگری روح شوهر اوست.

۲۲. رابرت بنچلی

در آمریکا مسافرت بر دو نوع است: درجهٔ یک و با بچه‌ها.

۲۳. آرنولد جِی. توینبی

آمریکا سگ گندهٔ مهربانی است در اتاقی کوچک. هر بار که دمش را می‌جنباند صندلی‌یی را واژگون می‌کند.

۲۴. هنری جیمز

بعید نیست به آمریکا برگردم... البته برای مردن؛ برای زندگی کردن، هرگز، هرگز.

* -- *

21. **James Agate**

Every American woman has two souls to call her own, the other being her husband's.

22. **Robert Benchley**

In America there are two classes of travel-first class, and with children.

23. **Arnold J. Toynbee**

America is a large friendly dog in a small room. Every time it wags its tail, it knocks over a chair.

24. **Henry James**

I could come back to America...to die-but never, never to live.

۲۵. کلارنس دارو

بچه که بودم به من می‌گفتند هر کسی می‌تواند رئیس جمهور بشود. کم‌کم دارم باور می‌کنم.

۲۶. دیک گرگوری

اتفاقاً یک چیزهایی دربارهٔ جنوب (آمریکا) می‌دانم. آخر یک شب بیست سال آنجا گذراندم.

۲۷. گیلبرت میل‌استاین

انگلیسی را مثل اهالی نیویورک در کمال فصاحت صحبت می‌کند.

* -- *

25. Clarence Darrow

When I was a boy I was told that anybody could become President. I'm beginning to believe it.

26. Dick Gregory

I happen to know quite a bit about the South. Spent twenty years there one night.

27. Gilbert Millstein

He speaks English with the flawless imperfection of a New Yorker.

۲۸. اسکار وایلد

امروزه در واقع همه چیز ما با آمریکاییها مشترک است به جز زبان ما.

۲۹. کریستوفر هامپتون

اگر ازمن بخواهند سرمایه‌داری را تعریف کنم، این طور تعریف می‌کنم: فرایندی که ضمن آن دختران آمریکائی به زنان آمریکائی تبدیل می‌شوند.

* -- *

28. Oscar Wilde

We have really everything in common with America nowadays, except, of course, language.

29. Christopher Hampton

If I had to give a definition of capitalism I would say: the process whereby American girls turn into American women.

۳۰. جان آزبورن
حقوق این معلم به عنوان بچه‌نگهدار صد البته کم است. اما به عنوان مربی به طرز مضحکی بالاست.

۳۱. آلن بِنِت
البته که در مدرسهٔ شبانه‌روزی درس خوانده‌ام. ولی حالا که به گذشته نگاه می‌کنم می‌گویم نکند آنجا کانون اصلاح و تربیت بوده.

۳۲. آلن بنت
تعلیم و تربیت از نظر سوسیالیستها به سکس می‌ماند: تا پولی برای آن نپرداخته‌ای بلامانع است.

* -- *

30. John Osborne
The school teacher is certainly underpaid as a childminder, but ludicrously overpaid as an educator.

31. Alan Bennett
I went to public school, of course. But looking back on it, I think it may have been Borstal.

32. Alan Bennett
Education with socialists, it's like sex, all right so long as you don't have to pay for it.

۳۳. ماکس بیربوم

درمدرسه کسی از من فرار نمی‌کرد. آکسفورد از من چنین آدم غیرقابل تحملی ساخت.

۳۴. ساکی

اول باید آموزشش داد. شما چطور از بچه‌ای که هنوز به مدرسهٔ خوبی نرفته توقع دارید تخس و شرور باشد؟

۳۵. جرج برنارد شا

هر که می‌تواند عمل می‌کند. هر که نمی‌تواند درسش را می‌دهد.

۳۶. دبلیو. سی. سلار و آر. جی. یتمان

به ازای هر یک نفر که می‌خواهد درس بدهد حدود سی نفر هستند که نمی‌خواهند چیزی - یعنی چیز زیادی - یاد بگیرند.

* --- *

33. **Max Beerbohm**

I was not unpopular (**at school**) ... It is Oxford that has made me insufferable.

34. **Saki**

Good gracious, you've got to educate him first. You can't expect a boy to be vicious till he's been to a good school.

35. **George Bernard Shaw**

He who can, does. He who cannot, teaches.

36. **W. C. Sellar** and **R. J. Yeatman**

For every person who wants to teach there are approximately thirty who don't want to learn - much.

۳۷. فرانسیس ام. کورنفورد

هیچ آدم فاضلی را به مقام و منصبی برنمی‌گزینند مگر در سن و سالی که دیگر معنی کلمهٔ «نامربوط» را از یاد برده باشد.

۳۸. توماس لاو پیکاک

او را مطابق معمول به مدرسهٔ خصوصی فرستادند. در آنجا به ضرب و زور چیزهایی به مغزش فرو کردند و بعد روانهٔ دانشگاهش کردند تا در آنجا همان مقدار ناچیز را هم با دقت تمام از کله‌اش بیرون بیاورند.

۳۹. جی. سی. لیختن‌برگ

اغلب دانش‌آموختگان بیش از آنچه می‌پذیرند، نه، بیش از آنچه گمان می‌کنند، خرافه‌پرستند.

* -- *

37. Francis M. Cornford

No academic person is ever voted into the chair until he has reached an age at which he has forgotten the meaning of the word 'irrelevant'.

38. Thomas Love Peacock

He was sent as usual, to a public school, where a little learning was painfully beaten into him, and from thence to the university, where it was carefully taken out of him.

39. G. C. Lichten Berg

Most men of education are more supersti- tious than they admit, nay, than they think.

۴۰. جان مارشال

(دانش‌آموز به پدرش:)

پدر، نگاهی به سرتاپای این کارنامه بینداز، ببین می‌توانم صادرکنندهٔ این کارنامه را به خاطر توهین تحت تعقیب قانونی قرار بدهم یا نه.

۴۱. رالف نیدر

روش سقراطی (در تعلیم و تربیت) شبیه بازی‌یی است که در آن فقط یک نفر یعنی استاد می‌تواند بازی کند.

۴۲. اسکار وایلد

آموزش و پرورش امری است ستودنی اما گاه به گاه باید به یاد بیاوریم که آنچه ارزش دانستن دارد آموختنی نیست.

* -- *

40. John Marshall

(Boy handing report card to parent:)

'Look this over and see if I can sue for defamation of character.'

41. Ralph Nader

The Socratic method is a game at which only one (the professor) can play.

42. Oscar Wilde

Education is an admirable thing, but it is well to remember from time to time that nothing that is worth knowing can be taught.

۴۳. ادوارد آپلتون

وقتی از چیزهایی که در اپرا می‌خوانند سر درنمی‌آورم دیگر مهم نیست به چه زبانی خوانده می‌شود.

۴۴. نوئل کاوارد

مردم اشتباه می‌کنند که می‌گویند اپرا دیگر آن چیزی نیست که سابقاً بوده. اپرا همان است که بود. اشکالش هم در همین است.

۴۵. محمدعلی کلی

این مرد نمی‌تونه آواز بخونه. تو دنیا تنها سیاهیه که ریتم سرش نمی‌شه.

۴۶. اِد گاردنر

اپرا یعنی این که خنجری تا دسته در پشت مردی فرو کنند و او به جای خونریزی زیر آواز بزند.

* -- *

43. Edward Appleton

I do not mind what language an opera is sung in so long as it is a language I don't understand.

44. Noël Coward

People are wrong when they say that the opera isn't what it used to be. It is what it used to be - that's wrong with it.

45. Muhammad Ali

That man can't sing - he's the only nigger in the world ain't got rhythm.

46. Ed Gardner

Opera is when a guy gets stabbed in the back and, instead of bleeding, he sings.

۴۷. جان لنون

(در برنامهٔ خیریهٔ «رویال ورایتی» در حضور خانوادهٔ سلطنتی)

ممکنه خواهش کنم آنهایی که در قسمت ارزان‌قیمت نشستن دست بزنن؟ بقیه هم بی‌زحمت با طلا و جواهراتتان جلینگ‌جلینگ کنید!

۴۸. هانا مور

اپرا رفتن هم مثل مست کردن گناهی است که مکافاتش با خودش همراه است، آنهم مکافاتی بس شدید.

* -- *

47. John Lennon

(At Royal Variety performance)

Will those in the cheap seats clap their hands? All the rest of you, just rattle your jewellery!

48. Hanna More

Going to the opera, like getting drunk, is a sin that carries its own punishment with it and that a very severe one.

۴۹. نیکولا بوالو

برای احمق همیشه کسی احمق‌تر از خودش پیدا می‌شود که از او تعریف و تمجید کند.

۵۰. مارک تواین

بیایید شکرگزار وجود ابلهان باشیم که اگر آنها نبودند دیگران به جایی نمی‌رسیدند.

۵۱. منسوب به: **مارک تواین**

دهانت را ببندی و احمق جلوه کنی بهتر از آن است که با گشودن آن همهٔ شک و تردیدها را از میان برداری.

۵۲. اسکات فیتز جرالد

در هیچ همایشی اندیشهٔ بزرگی متولد نشده اما بسیاری از فکرهای احمقانه در آنجا دفن شده است.

* -- *

49. **Nicolas Boileau**

A fool can always find a greater fool to admire him.

50. **Mark Twain**

Let us be thankful for the fools. But for them the rest of us could not succeed.

51. **Mark Twain:** attributed

Better to keep your mouth shut and appear stupid than to open it and remove all doubt.

52. **Scott F. Fitzgerald**

No grand idea was ever born in a con- ference, but a lot of foolish ideas have died there.

۵۳. جرج برنارد شا

وقتی آدم احمق از کاری که می‌کند شرمنده می‌شود، عذرش همیشه انجام وظیفه است.

۵۴. جیمز راسل لوئل

تنها مردگان و ابلهان تغییر عقیده نمی‌دهند.

۵۵. هلن رولند

انسان بیش از هر چیز افسوس حماقتهایی را می‌خورد که وقتی فرصتش را داشته از آنها غفلت کرده.

۵۶. سنکا

وقتی به آنچه گفته‌ام می‌اندیشم به ابلهان غبطه می‌خورم.

* -- *

53. George Bernard Shaw

When a stupid man is doing something he is ashamed of he always declares that it is his duty.

54. James Russell Lowell

The foolish and the dead alone never change their opinions.

55. Helen Rowland

The follies which a man regrets most in his life are those which he didn't commit when he had the opportunity.

56. Seneca

When I think over what I have said, I envy dumb people.

۵۷. کاتولوس

چرا که هیچ چیز ابلهانه‌تر از خندهٔ ابلهانه نیست.

۵۸. جرج. اس. کافمن

لابد شنیده‌ای که بعضیها در بهشت ابلهان[۲] زندگی می‌کنند. حالا بشنو که لنورا در آنجا یک آپارتمان مجلل دارد.

۵۹. کتاب مقدس

ابله هر چه در سر دارد بر زبان می‌آورد.

۶۰. چارلز کیلب کولتون

امتحان چیز وحشتناکی است حتی برای آماده‌ترین افراد، زیرا احمق‌ترین اشخاص می‌توانند چیزهایی از داناترین آدمها بپرسند که از پاسخ دادن به آن عاجز بمانند.

* -- *

57. Catullus

For there is nothing sillier than a silly laugh.

58. George S. Kaufman

You've heard of people living in a fool's paradise? well, Leonora has a duplex there.

59. Bible

A fool uttereth all his mind.

60. Charles Caleb Colton

Examinations are formidable even to the best prepared, for the greatest fool may ask more than the wisest man can answer.

۶۱. اسقف اعظم سی. گاربت

هر ابلهی می‌تواند عیب‌جویی کند همچنان که بسیاری از آنان می‌کنند.

۶۲. اچ. اِل. مِنکن

ممکن است مردی احمق باشد و خودش خبر نداشته باشد اما وقتی ازدواج کرد دیگر چنین چیزی ممکن نیست.

۶۳. ویلسون میزنر

احمق بامعلومات احمقی است بزرگتر از احمق بی‌معلومات.

* -- *

61. Archbishop C. Garbett

Any fool can criticize, and many of them do.

62. H. L. Mencken

A man may be a fool and not know it, but not if he is married.

63. Wilson Mizner

A knowledgeable fool is a greater fool than an ignorant fool.

۶۴. اس. وایت

اگر راست است که «خرّم کسی که کره‌خر آمد الاغ رفت» پس چرا آدمهای شاد و خرّم زیاد نیستند؟

۶۵. جی. آرتور وِنون

فکر بعضی آدمها مثل سیمان است: قره قاطی، و همیشه ثابت.

* -- *

64. S. White

If ignorance is bliss, why aren't there more happy people?

65. J. Arthur Vennon

Some minds are like concrete: all mixed up and permanently set.

۶۶. برتراند راسل

دو نوع اخلاق داریم که دوش به دوش هم در حرکت‌اند: اول اخلاقی که موعظه‌اش می‌کنیم اما بدان عمل نمی‌کنیم. دوم اخلاقی که بدان عمل می‌کنیم اما به ندرت به موعظه‌اش می‌پردازیم.

۶۷. جرج برنارد شا

پیکرینگ: تو اخلاق سرت نمی‌شود، مرد؟

دولیتل: استطاعتش را ندارم، جناب حاکم.

۶۸. جرج برنارد شا

به اخلاق اعتقادی ندارم. از مریدان برنارد شا هستم.

* -- *

66. Bertrand Russel

We have two kinds of morality side by side: one which we preach but do not practice and the other which we practice but seldom preach.

67. George Bernard Shaw

PICKERING: Have you no morals, man?

DOOLITTLE: Can't afford them, Governor.

68. Georg Bernard Shaw

I'm a disciple of Bernard Shaw. I don't believe in morality.

۶۹. جان مورتیمر

پدرم که بسیار مدیون او هستم هیچگاه فرق بین خوب و بد را به من نگفت: فکر می‌کنم به همین دلیل امروز خودم را این قدر مدیون او می‌دانم.

۷۰. الکساندر وولکات

چه مصیبتی! تمام چیزهایی که واقعاً دوست دارم یا خلاف اخلاق است یا قاچاق است یا چاق کننده.

* -- *

69. **John Mortimer**

My father, to whom I owe so much, never told me the difference between right and wrong: now I think that's why I remain so greatly in his debt.

70. **Alexander Woollcott**

All the things I really like to do are either immoral, illegal or fattening.

۷۱. مِل بروکس

مصاحبه‌گر: شما را به بی‌نزاکتی متهم کرده‌اند.
بروکز: گُه خورده‌اند!

۷۲. اسکار وایلد

آدم واقعاً نجیب کسی است که ندانسته و ناخواسته درشتی نمی‌کند.

۷۳. پی.جی. وودهاوس

کار درست این است که آدم از کسی عذرخواهی نکند. آدمهای حسابی به عذرخواهی نیازی ندارند و آدمهای نااهل از آن سوءاستفاده می‌کنند.

۷۴. پیتر یوستینوف

اینجا کشوری آزاد است، خانم. ما حق داریم در مکانهای عمومی وارد زندگی خصوصی شما بشویم.

* -- *

71. Mel Brooks

INTERVIEWER: You'ver been accused of vulgarity.
BROOKS: Bullshit!

72. Oscar Wilde

A true gentleman is one who is never unintentionally rude.

73. P. G. Woodhouse

It is a good rule in life never to apologize. The right sort of people do not want apologies, and the wrong sort take a mean advantage of them.

74. Peter Ustinov

This is a free country, madam. We have a right to share your privacy in a public place.

۷۵. تام استاپارد
با تراژدیهای باستانی که آشنایی دارید، مگر نه؟ منظورم کلاسیکهای بزرگ آدمکشی است.

۷۶. آنیتا بروکنر
(خانم) دکتر وایس در چهل سالگی فهمید که ادبیات زندگیش را بر باد داده است.

۷۷. ماکس بیربوم
قریحهٔ ادبی اتفاق محض است. این اتفاق که از فرزانگان توانمند دریغ شده غالباً ارزانی ابلهانی می‌شود که سخنی شایان شنیدن ندارند.

۷۸. مارک تواین
اثر کلاسیک اثری است که همه کس آرزو می‌کند خوانده باشد اما هیچ کس نمی‌خواهد بخواندش.

* -- *

75. Tom Stoppard
You're familiar with the tragedies of antiquity, are you? The great homicidal classics?

76. Anita Brookner
Dr Weiss, at forty, knew that her life had been ruined by literature.

77. Max Beerbohm
The literary gift is a mere accident - is as often bestowed on idiots who have nothing to say worth hearing as it is denied to strenuous.

78. Mark Twain
A classic is something that everybody wants to have read and nobody wants to read.

۷۹. هنری جیمز

تاریخ بسیار بباید تا اندکی ادبیات بزاید.

۸۰. بنجامین دیزریلی

هر وقت می‌خواهم رمانی بخوانم، رمانی می‌نویسم.

۸۱. چارلز دیکنز

ادیب، مردی با پاهای چوبین.

۸۲. مجلهٔ پانچ

تقریباً همهٔ نوابغ ادبی ما از دنیا رفته‌اند: کارلایل، تنیسون، براونینگ و جرج الیوت! من هم که چندان حال خوشی ندارم!

---

79. Henry James

It takes a great deal of history to produce a little literature.

80. Benjamin Disraeli

When I want to read a novel, I write one.

81. Charles Dickens

A literary man - with a wooden leg.

82. Punch

Nearly all our best men are dead! Carlyle, Tennyson, Browning, George Eliot! - I'm not feeling very well myself.

۸۳. سامرست موام

رمان‌نویس باید مثل کودکان به چیزهایی باور داشته باشد که عقل سلیم برای آنها چندان ارزشی قائل نیست.

۸۴. جوزف هلر

همه چیز را دربارهٔ ادبیات می‌دانست جز لذت بردن از آن را.

* --- *

83. W. Somerset Maugham

A novelist must preserve a childlike belief in the importance of things which common sense considers of no great consequence.

84. Joseph Heller

He knew everything about literature except how to enjoy it.

۸۵. رابرت لوئیس استیونسون

با ازدواج کردن فرشتهٔ دست چپ را بیکار می‌کنی، چون وقتی متأهل شدی هیچ راهی، ولو خودکشی، برایت باقی نمی‌ماند. فقط باید سربه‌راه باشی.

۸۶. سیدنی اسمیت

ازدواج به دو تیغهٔ قیچی می‌ماند... چنان متصل به هم که جدا کردنشان میسر نیست، غالباً هم در دو جهت مخالف حرکت می‌کنند و در همان حال هر کس را که میان آن دو قرار بگیرد سر جای خود می‌نشانند.

۸۷. پی. جِی. اورورک

متأهل ماندن دارای منافع درازمدت است. مگر نه اینکه بابت ازدواج ناموفق همدردی بسیار بیشتری از دوستان و آشنایانتان کسب می‌کنید تا برای طلاق موفق.

* -- *

85. Robert Louis Stevenson

To marry is to domesticate the Recording Angel. Once you are married, there is nothing left for you, not even suicide, but to be good.

86. Sydney Smith

My definition of marriage...it resembles a pair of shears, so joined that they cannot be separated; often moving in opposite directions. Yet always punishing anyone who comes between them.

87. P. J. O'Rourke

Staying married may have long-term benefits. You can elicit much more sympathy from friends over a bad marriage than you ever can from a bad divorce.

۸۸. جرج اِید

اگر به خاطر هدیه‌های عروسی نبود بهتر از همه دست طرف را گرفتن و در رفتن بود.

۸۹. لرد بایرون

من قصد ازدواج دارم و به همین دلیل گرفتار بدبختی‌های آدمی هستم که در پی خوشبختی است.

۹۰. لرد بایرون

من از صمیم قلب امیدوارم که ما در سراسر زندگی همدیگر را چنان عاشقانه دوست بداریم که گویی هرگز ازدواج نکرده‌ایم.

۹۱. گایلز براندرت

پدر: به هر کس با دخترم ازدواج کند جایزه می‌دهم.

کلاد: ببخشید. ممکنه اول جایزه‌اش را ببینم؟

* -- *

88. **George Ade**

If it were not for the presents, an elopement would be preferable.

89. **Lord Byron**

I am about to be married - and of course in all the misery of a man in pursuit of happiness.

90. **Lord Byron**

I have great hopes that we shall love each other all our lives as much as if we had never married at all.

91. **Gyles Brandreth**

FATHER: The man who marries my daughter will get a prize.

CLAUD: Can I see the prize first?

۹۲. آرنولد بِنِت

شوهر بودن یک شغل تمام وقت است. برای همین بسیاری از شوهران شکست می‌خورند چون نمی‌توانند تمام هم و غم خود را صرف این کار کنند.

۹۳. الیزابت پاترسون بناپارت

(توصیهٔ برادر الیزابت پاترسون در دوران رنجش وی از همسرش)

جنگ و دعوا با شوهر بهتر است از تنهایی و دلتنگی بی‌شوهری.

۹۴. ویکتور بُرج

آه، بله، موتسارت ازدواج موفقی داشت، اما زنش نه!

۹۵. آمبروز بیرس

زن و مرد در مقابل محراب ایستادند و آتشی افروختند که خود در آن کباب شدند.

* -- *

92. **Arnold Bennett**

Being a husband is a whole-time job. That is why so many husbands fail. They cannot give their entire attention to it.

93. **Elizabeth Patterson Bonaparte**

Even quarrels with one's husband are preferable to the ennui of a solitary existence.

94. **Victor Borge**

Ah Mozart! He was happily married - but his wife wasn't.

95. **Ambrose Bierce**

They stood before the altar and supplied the fire themselves in which their fat was fried.

۹۶. آنتون چخوف

مرد و زن برای این با هم ازدواج می‌کنند که هیچ یک نمی‌دانند با خودشان چه کنند.

۹۷. رادنی دینجرفیلد

من و همسرم در اتاقهای جداگانه‌ای می‌خوابیم، شام را جدا می‌خوریم، به تعطیلات جداگانه می‌رویم و خلاصه هر کاری از دستمان برمی‌آید می‌کنیم تا از هم جدا نشویم.

۹۸. جرج برنارد شا

چیزی را که خدا جوش داده هیچ مردی نمی‌تواند جدا کند. این کارِ خودِ خداست.

۹۹. لُرد راسل

(وقتی خانمی از لرد راسل، قاضی عالی دادگستری، پرسید حداکثر مجازات برای مردی که دو زن می‌گیرد چیست، جواب داد:)

داشتن دو مادر زن!

* -- *

96. **Anton Chekhov**

A man and a woman marry because both of them don't know what to do with themselves.

97. **Rodney Dangerfield**

We sleep in separate rooms, we have dinner apart, we take separate vacations. We're doing everything we can to keep our marriage together.

98. **George Bernard Shaw**

What God hath joined together no man ever shall put asunder: God will take care of that.

99. **Lord Russell of Killowen**

(The Lord Chief Justice, Lord Russell, was one asked by a lady what was the maximum punishment for bigamy:)

Two mothers-in-law.

۱۰۰. هلن رولند

مرد قبل از ازدواج مدتها بیدار می‌ماند و به سخنان شما فکر می‌کند، حال آنکه بعد از ازدواج هنوز حرفتان تمام نشده خوابش برده است.

۱۰۱. هلن رولند

دختری که ازدواج می‌کند توجه چندین مرد را با بی‌توجهی یکی معاوضه می‌کند.

۱۰۲. هلن رولند

آدم مجرد هیچ وقت نمی‌تواند از این فکر دست بکشد که هم خیلی جذاب و تودل بروست و هم جوانِ ابدی.

* -- *

100. Helen Rowland

Before marriage, a man will lie awake thinking about something you said; after marriage, he'll fall asleep before you finish saying it.

101. Helen Rowland

When a girl marries, she exchanges the attentions of many men for the inattention of one.

102. Helen Rowland

A bachelor never quite gets over the idea that he is a thing of beauty and a boy forever.

۱۰۳. نیل سایمون

پال: پس می‌خواهی برایت هم ثروتمند باشم هم مشهور، درست است؟
کوری: روزها. بله. اما شبها می‌خواهم هم با من باشی هم باحال.

۱۰۴. نیل سایمون

فیلیکس: آه، واقعاً متأسفم (آه می‌کشد.) چیز وحشتناکیه. طلاق را می‌گم.
گوئندولن: درسته. اگر وکیل خوبی نداشته باشی واقعاً وحشتناکه.

۱۰۵. نیل سایمون

آیا می‌دانید میزان آدمهای باسواد در ایالات متحده چقدر است؟ ۸۶ درصد. حالا، می‌دانید نسبت زن و شوهرهایی که مرتکب زنا شده‌اند چقدر است؟ ۸۷ درصد. به این ترتیب آمریکا تنها کشور جهان است که در آن زناکار بیشتر از کتابخوان است.

* -- *

103. **Neil Simon**

PAUL: You want me to be rich and famous, don't you?
CORRIE: During the day. At night I want you to be here and sexy.

104. **Neil Simon**

FELIX: Oh, I'm awfully (**Sighs.**) sorry. It's a terrible thing, isn't it? Divorce.
GWENDOLEN: It can be...ifyou haven't got the right solicitor.

105. **Neil Simon**

Do you know what the rate of literacy is in the United States? Eighty-six percent. Do you know how many married people have committed adultery? Eighty-seven percent. This is the only country in the world that has more cheaters than readers.

۱۰۶. استیفن سوندهایم

در کنسرت با هم لذت ببرید
همسایه‌ها را با هم کلافه کنید
و بچه‌ها را با هم خراب کنید
تا ازدواجتان بر دوام باشد.

۱۰۷. ویلیام شکسپیر

بسا که یک چوبهٔ دار خوب آدمی را از شر ازدواجی بد خلاص می‌کند.

۱۰۸. ویلیام شکسپیر

جوان تأهل اختیار کرده همانا مردی است انتحار کرده.

۱۰۹. اف.سی. فرانسیس

جواز ازدواج به جواز شکاری می‌ماند که آدم را به صید یک غزال محدود می‌کند.

* -- *

106. Stephen Sondheim

The concerts you enjoy together
Neighbours you annoy together
Children you destroy together,
That keep marriage intact.

107. William Shakespeare

Many a good hanging prevents a bad marriage.

108. William Shakespeare

A young man married is a man that's marred.

109. F. C. Francis

Definition of a marriage licence is a kind of hunting permit that limits your take to one dear.

۱۱۰. هنری فیلدینگ

از هر زوج متأهل دست کم یک نفرشان احمق است.

۱۱۱. جین کارلایل (همسر توماس کارلایل)

من ابداً آن کسی که من و تو فکر می‌کردیم نیستم.

۱۱۲. ماکس کافمن

مفهوم خوشبختی واقعی را نفهمیدم تا ازدواج کردم... و آن وقت دیگر خیلی دیر شده بود.

۱۱۳. ساميوئل تیلور کالریج

سعادتمندانه‌ترین ازدواجی که در خیال من می‌گنجد ازدواج مردی است ناشنوا با زنی نابینا.

* -- *

110. **Henry Fielding**

One fool at least in every married couple.

111. **Jane Carlyle**

I am not at all the sort of person you and I took me for.

112. **Max Kauffmann**

I never knew what real happiness was until I got married. And by then it was too late.

113. **Samuel Taylor Coleridge**

The most happy marriage I can picture or imagine to myself would be the union of a deaf man to a blind woman.

۱۱۴. روی کامبل

ترجمه مثل زن است که اگر زیبا باشد به ندرت وفادار است.

۱۱۵. فرستنده: **دبلیو. جِی. کامِر**

ماه عسل وقتی تمام می‌شود که مرد به جای آنکه در شستن ظرفها به زنش کمک کند خودش به تنهایی آنها را می‌شوید.

۱۱۶. ماری کورلی

می‌دانید چرا هرگز ازدواج نکرده‌ام؟ چون سه حیوان خانگی در منزل دارم که به اتفاق کار شوهر را برایم انجام می‌دهند: سگی دارم که صبحها غُرغُر می‌کند، طوطی‌یی که عصرها یکریز بد و بیراه می‌گوید و گربه‌ای که شبها دیر به خانه می‌آید.

* --- *

114. Roy Campbell

Translations (**like wives**) are seldom strictly faithful if they are in the least attractive.

115. Contributed by W. G. Comer

The honeymoon is over when he stops helping her with the dishes and does them himself.

116. Marie Corelli

I never married because I have three pets at home that answer the same purpose as a husband. I have a dog that growls every morning, a parrot that swears all afternoon, and a cat that comes home late at night.

۱۱۷. زازا گابور

مرد عاشق تا ازدواج نکرده ناتمام است. وقتی ازدواج کرد کارش تمام می‌شود.

۱۱۸. جان گِی

امید بستن به روزگارِ خوشِ بیوگی تنها دلخوشی زنان است.

۱۱۹. آبراهام لینکلن

ازدواج نه بهشت است و نه دوزخ. برزخ است. برزخ.

۱۲۰. اریک لینک‌لیتر

شش ماه است ازدواج کرده‌ام. زنم یک تکه جواهر است. چیزی که هست همه‌اش صد و بیست کلمه می‌داند و در مجموع دو تا فکر هم بیشتر توی کله‌اش نیست.

* -- *

117. **Zsa Zsa Gabor**

A man in love is incomplete until he has married. Then he's finished.

118. **John Gay**

The comfortable estate of widowhood, is the only hope that keeps up a wife's spirits.

119. **Abraham Lincoln**

Marriage is neither heaven; nor hell; it is simply purgatory.

120. **Eric Linklater**

I've been married six months. She looks like a million dollars, but she only knows a hundred and twenty words and she's only got two ideas in her head.

۱۲۱. مجلهٔ پانچ

یک توصیه به کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند: **نکنید!**

۱۲۲. مجلهٔ پانچ

اسقف: کیست که بر اعمال و رفتار ما شاهد و ناظر است و حتی من در برابر او موجود حقیری بیش نیستم؟

پیشخدمت: عیال، عالیجناب.

۱۲۳. مجلهٔ پانچ

زن بعد از دوسال شوهرداری: میدونی، شوهرم دیگه مثل سابق دلباختهٔ من نیست. بیشتر وقتشو بیرون از خونه می‌گذرونه، دائم به من بی‌محلی می‌کنه، وقتی هم که میاد خونه عین برج زهرماره. به من بگو چه کار کنم؟

زن بیوه: هیچی. حیوون رو سیرش کن.

* -- *

121. **Punch** 1841 - 1992: vol.8 (1845)

Advice to persons about to marry. - 'Don't.'

122. **Punch** 1841 - 1992: vol.79 (1880)

BISHOP: Who is it that sees and hears all we do, and before whom even I am but as a crushed worm?

PAGE: The Missus, my Lord.

123. **Punch** 1841 - 1992: vol.89 (1885)

WIFE OF TWO YEARS STANDING: Oh yes! I'm sure he's not so fond of me as at first. He's away so much, neglects me dreadfully, and he's so cross when he comes home. What shall I do?

WIDOW: Feed the brute.

۱۲۴. آلفرد مک‌فوت

زن: این آقای وات همسایهٔ بغلی ما، هر روز صبح موقع بیرون رفتن از خانه همسرش را می‌بوسد. حالا چه می‌شد تو هم این کار را می‌کردی؟

مرد: آخه من که زن آن بندهٔ خدا را نمی‌شناسم!

۱۲۵. مالی مک گی

وقتی مردی بی‌دلیل برای همسرش گل می‌آورد، حتماً دلیلی در کار است.

۱۲۶. اچ. ال. منکن

آدمهای مجرد بیشتر از متأهلها زنها را می‌شناسند اگر جز این بود آنها هم به دام ازدواج می‌افتادند.

* -- *

124. Alfred McFote

WIFE: Mr Watt next door blows his wife a kiss every morning as he leaves the house. I wish you'd do that.

HUSBAND: But I hardly know the woman!

125. Molly Mc Gee

When a man brings his wife flowers for no reason there's a reason.

126. H. L. Mencken

Bachelors know more about women than married men. If they did not they would be married too.

۱۲۷. اریک مورکامب و ارنی وایز

اریک: می‌خواهی ماجرای خواستگاریم را از دخترش برایت تعریف کنم؟ رفتم بهش گفتم: «آقای محترم، آفتاب درخشانِ لبخند دخترتان ابرهای تیرهٔ نومیدی را از پهنهٔ وجودم محو کرده است.» گفت: «نفهمیدم. داری خواستگاری می‌کنی یا گزارش هواشناسی میدی؟» ... گفتم: «دخترتان را به عنوان همسرم می‌خوام.» گفت: «من که تا به حال همسرِتو ندیدم. اول برو همسرِتو بیار تا بعد با هم صحبت کنیم.»

ارنی: بالاخره منظورتو بهش حالی کردی یا نه؟

اریک: آره. گفت: «پس بگو که می‌خواهی با دخترم ازدواج کنی. بهتر نیست اول خانمم را ببینی؟» گفتم: «نه، آقا، خانمتان را قبلاً دیده‌ام. با این حال می‌خواهم با دخترتان ازدواج کنم.»

۱۲۸. مولیر

ازدواج و مطالعه با هم میانهٔ خوبی ندارند.

* -- *

127. Eric Morecambe and Ernie Wise

ERIC: Would you like to hear how I asked her father for his daughter's hand in marriage? I said, 'Sir, the bright sunshine of your daughter's smile has dispelled the dark clouds of my depression!' He said, 'Are you propo- sing or is this the weather forecast?' I said, 'I would like your daughter for my wife.' He said, 'But I've never even seen your wife. Bring her round and we'll talk about it.'

ERNIE: You got through to him eventually?

ERIC: Yes - he said, 'So you want to marry my daughter? Don't you think you'd better see my wife first?' I said, 'I have, sir, and I still want to marry your daughter.'

128. Moliére

Reading and marriage don't go well together.

۱۲۹. ماکس میلر

قبل از ازدواج با زنم ده سال با او معاشرت داشتم. ده سال آزگار. آن وقت رفتم پیش پدرش. زل زدم تو چشمهاش. گفت: «سلام.» گفتم: «سلام.» گفت: «چی می‌خواهی؟» گفتم: «من ده سال است با دخترت رفت و آمد دارم.» گفت: «خُب، منظور؟» گفتم: «حالا می‌خواهم باهاش ازدواج کنم.» گفت: «که این طور. خیال کردم آمدی حق بازنشستگی بگیری.» بعد ادامه داد: «اگر راستی راستی با دخترم ازدواج کنی یک گاو و سه جریب زمین بهت می‌بخشم.» بله، درست متوجه شدید. کاملاً درست. هنوز که هنوز است منتظر سه جریب زمینش هستم.»

۱۳۰. ناشناس

ازدواج اسم نیست قید است.

* -- *

129. Max Miller

Before, I was married I was courting my wife ten years. Before I was married. Then I went round to see her father. And I looked straight at him. He said, 'Hello.' 'He said, 'What do you want?' I said, 'I've been courting your daughter for ten years.' He said, 'I thought you wanted a pension.' He said, 'If you marry my daughter, I'll give you three acres and a cow.' you're quite right. You're quite right - I'm still waiting for the three acres.

130. Anonymous

Marriage is not a word but a sentence.

۱۳۱. ناشناس

اگر ازدواج نبود مردها تمام عمر در این خوش‌خیالی می‌ماندند که مرتکب هیچ اشتباهی نمی‌شوند.

۱۳۲. ناشناس

دو همسری به معنای داشتن یک شوهر زیادی است تک همسری هم همین‌طور.

۱۳۳. ناشناس

ازدواج تنها جنگی است که انسان در جریان آن کنار دشمن خود می‌خوابد.

۱۳۴. ناشناس

همهٔ ازدواجها شادی‌بخش‌اند. اشکال در زندگی مشترک بعد از آن است.

* -- *

131. Anonymous

If it weren't for marriage, men would spend their lives thinking they had no faults at all.

132. Anonymous

Bigamy is having one husband too many. Monogamy is the same.

133. Anonymous

(**Marriage is**) the only war where one sleeps with the enemy.

134. Anonymous

All marriages are happy. It's living together afterwards that is difficult.

۱۳۵. هارولد نیکلسون

(وقتی از او پرسیدند آیا با خانمش، ویتا ساکویل وست، فعالیت مشترکی داشته یا نه.)

بله، ما دو پسر داریم.

۱۳۶. هارولد نیکلسون

رمز بزرگ ازدواج موفق این است که تمام بدبختیها را به حساب اتفاق بگذاری و هیچ اتفاقی را بدبختی ندانی.

۱۳۷. آرتموس وارد

به طرزی هولناک متأهل است. او متأهل‌ترین مردی است که به عمرم دیده‌ام.

* -- *

135. **Harold Nicolson**

(On being asked if he and Mrs Nicolson (Vita Sackville-West) had ever collaborated on anything:)

Yes, we have two sons.

136. **Harold Nicolson**

The great secret of a successful marriage is to treat all disasters as incidents and none of the incidents as disasters.

137. **Artemus Ward**

He is dreadfully married. He's the most married man I ever saw in my life.

۱۳۸. اسکار وایلد
دنیا دیگر به هر چیز که شباهتی به زندگی زناشویی سعادتمندانه داشته باشد بدبین شده است.

۱۳۹. اسکار وایلد
می‌پرسید ازدواج چطور مرد را تلف می‌کند. درست مثل سیگار ناامیدکننده است، البته با هزینهٔ بسیار سنگین‌تر.

۱۴۰. پی. جی. وودهاوس
بعضی مردها آنقدر که از زخم زبان زنشان می‌ترسند از زخم شمشیر نمی‌ترسند.

۱۴۱. ویلیام ویچرلی
شعار من این است: آن که ازدواج می‌کند نادان است اما نادانتر از او کسی است که نادانی را به همسری نمی‌گیرد.

---

138. **Oscar Wilde**
The world has grown suspicious of anything that looks like a happily married life.

139. **Oscar Wilde**
How marriage ruins a man. It's as demoralizing as cigarettes, and far more expensive.

140. **P. G. Woodehouse**
There are men who fear repartee in a wife more keenly than a sword.

141. **William Wycherley**
Tis my maxim: he's a fool that marries, but he's a greater that does not marry a fool.

۱۴۲. اِی پی. هربرت

(عنوان رمان)

ازدواج: بن بست مقدس.

۱۴۳. جان سی. هیوود

عروسی کردن بسته به تقدیر است. بالای دار رفتن هم.

۱۴۴. هنی یانگمن

بخش اول زندگی زناشوییمان به خوبی و خوشی گذشت اما امان از وقتی که از مراسم عروسی برگشتیم...

* -- *

142. **A. P. Herbert**

Holy deadlock.

143. **John c. Heywood**

Wedding is destiny, and hanging likewise.

144. **Henny Youngman**

The first part of our marriage was very happy. But then, on the way back from the ceremony...

۱۴۵. هِنی یانگمن

می‌پرسند راز طولانی بودن زندگی زناشویی ما چیست. ما هفته‌ای دو بار به رستوران می‌رویم: شمع کوچکی، شامی، موسیقی آرامی و رقصی. البته خانم شب سه‌شنبه می‌روند و من شب جمعه.

۱۴۶. هنی یانگمن

می‌دونی اگه شب خونه بری و با یه ذره عشق، یه ذره محبت و یه ذره ملایمت روبه‌رو بشی معناش چیه؟ معناش اینه که زنگ خونه رو عوضی زدی.

* -- *

145. Henny Youngman

Some people ask the secret of our long marriage. We take time to go to a restaurant two times a week. A little candle-light, dinner, soft music and dancing. She goes Tuesdays, I go Fridays.

146. Henny Youngman

Do you know what it means to come home at night to a woman who'll give you a little love, a little affection, a little tenderness? It means you're in the wrong house, that's what it means.

۱۴۷. ساموئل جانسون

بازِول: حقیقت این که من اسکاتلندی‌ام اما کاریش نمی‌توان کرد...
جانسون: می‌دانم، آقا، شما تنها نیستید. بسیاری دیگر از هم‌ولایتی‌های شما هم کاریش نمی‌توانند بکنند.

* -- *

147. Samuel Johnson

BOSWELL: I do indeed come from Scotland, but I cannot help it...
JOHNSON: That, Sir, I find, is what a very great many of your countrymen cannot help.

۱۴۸. نیول دولا شوسه

وقتی همه در اشتباهند همه درست می‌گویند.

۱۴۹. دبلیو. سی. سِلار و آر. جِی. یتمان

(از غلطنامهٔ یک کتاب)

در سرتاسر کتاب هر جا به Pheasant (قرقاول) برخوردید لطفاً Peasant (روستایی) بخوانید!

۱۵۰. ضرب‌المثل فرانسوی

خطاهای بزرگ از مردان بزرگ سر می‌زند.

۱۵۱. زیگموند فروید

از این خطا به آن خطا کلِّ حقیقت را کشف می‌کنیم.

* -- *

148. **Nivelle de la Chaussée**

When everyone is wrong, everyone is right.

149. **W. C. Sellar** and **R. J. Yeatman**

For Pheasant read Peasant, throughout.

150. **French Proverb**

Only great men may have great faults.

151. **Sigmund Freud**

From error to error one discovers the entire truth.

۱۵۲. ای. فریمان

کسی که هنگام خراب شدن کاری لبخند می‌زند احتمالاً کسی را یافته که تقصیر را گردن او بیندازد.

۱۵۳. ویلیام لَم، از نخست وزیران انگلیس

آنچه من می‌خواهم آدمهایی هستند که وقتی اشتباه می‌کنم از من پشتیبانی کنند.

۱۵۴. اسکار وایلد

تجربه نامی است که آدمها بر اشتباهات خود می‌گذارند.

* -- *

152. E. Freeman

The man who can smile when things go wrong has probably just thought of someone he can blame it on.

153. William Lamb

What I want is men who will support me when I am in the wrong.

154. Oscar Wilde

Experience is the name every one gives to their mistakes.

۱۵۵. ناشناس

تیراندازی اربابِ جوان معرکه بود ولی خدا به پرنده‌ها رحم کرد!

۱۵۶. اسکار وایلد

لرد ایلینگ‌وورت: در این روزگار دموکراسی، اسم و رسم‌دار بودن مایهٔ دردسر است. زمانی من هم مثل جرج هارفورد هر چه می‌خواستم داشتم. حالا فقط صاحب تمام چیزهایی که سایر مردم می‌خواهند، هستم.

* -- *

155. Anonymous

The young Sahib shot divinely, but God was very merciful to the birds.

156. Oscar Wilde

LORD ILLINGWORTH: A title is really a nuisance in these democratic days. As George Harford I had everything I wanted. Now I have merely everything that other people want.

۱۵۷. دریک هیت‌کوت آموری

سه چیز ارزش این را ندارد که دنبالشان بدوید: اتوبوس و زن و راه‌حل اقتصادی؛ اگر کمی صبر کنید یکی دیگر از راه می‌رسد.

۱۵۸. والتر باجوت

حتی یک انگلیسی واقعاً متشخص نمی‌توانید پیدا کنید که برای مرگ یک دانشمند اقتصاد سیاسی از صمیم قلب ناراحت بشود.

۱۵۹. منسوب به: **وینستون چرچیل**

پس‌انداز چیز بسیار خوبی است مخصوصاً اگر پدرتان این کار را برای شما کرده باشد.

* -- *

157. **Derick Heathcoat - Amory**

There are three things not worth running for - a bus, a woman or a new economic panacea; if you wait a bit another one will come along.

158. **Walter Bagehot**

No real English gentleman, in his secret soul, was ever sorry for the death of a political economist.

159. **Winston Churchill:** attributed

Saving is a very fine thing. Especially when your parents have done it for you.

۱۶۰. جی.سی. اسکوایر

من آنقدرها که تو مست می‌کنی فکر نیستم.

۱۶۱. جویس ربتا بوردیت

اعتیاد به الکل بازی‌یی نیست که تماشاگر داشته باشد. همین که یک نفر در خانواده بازی را شروع کرد کم کم همه به او می‌پیوندند.

۱۶۲. منسوب به: **دیلان توماس**

الکلی کسی است که چون بیشتر از شما می‌نوشد از او خوشتان نمی‌آید.

۱۶۳. ساموئل جانسون

از مضار شراب یکی اینکه با انسان کاری می‌کند که کلمات را به جای اندیشه‌ها می‌گیرد.

* -- *

160. **J. C. Squire**

But I'm not so think as you drunk I am.

161. **Joyce Rebeta - Burditt**

Alcoholism isn't a spectator sport. Eventually the whole family gets to play.

162. **Dylan Thomas** :attributed

An alcoholic is someone you don't like who drinks as much as you do.

163. **Samuel Johnson**

One of the disadvantages of wine is that man mistakes words for thoughts.

۱۶۴. جروم. ک. جروم

در همان حال که به سلامتی هم می‌نوشیم، فاتحهٔ سلامتی خودمان را می‌خوانیم.

۱۶۵. الین داندی

از سون‌آپ که بگذریم در دنیا بیش از هر چیز از شامپانی متنفرم.

۱۶۶. چارلز دیکنز

نظر مـن این است، آقا، که این ملاقات مست است.

۱۶۷. جرج برنارد شا

الکل متاعی است بسیار ضروری... همین الکل است که به پارلمان (انگلیس) امکان می‌دهد در ساعت یازده شب دست به کارهایی بزند که از هیچ آدم هشیاری در ساعت یازدهِ روز ساخته نیست.

* -- *

164. **Jerome k. Jerome**

We drink one another's healths, and spoil our own.

165. **Elaine Dundy**

I hate champagne more than anything else in the world next to Seven-Up.

166. **Charles Dickens**

It's my opinion, sir, that this meeting is drunk, sir!

167. **George Bernard Shaw**

Alcohol is a very necessary article... It enables Parliament to do things at eleven at night that no sane person would do at eleven in the morning.

۱۶۸. جوزپه گاریبالدی
باکوس (خدای شراب) آدمها را بیش از نپتون (خدای دریا) غرق کرده است.

۱۶۹. جو ای. لوئیس
چهارده روز پیش رژیم گرفتم و عهد کردم که از مشروب و پرخوری دست بردارم.
نتیجه اینکه در این چهارده روز دو هفته از عمرم کم شد.

۱۷۰. جرج جین ناتان
می‌نوشم تا دیگران جذّاب شوند.

* -- *

168. Giuseppe Garibaldi
Bacchus has drowned more men than Neptune.

169. Joe E. Lewis
I went on a diet, swore off drinking and heavy eating, and in fourteen days I lost two weeks.

170. George Jean Nathan
I drink to make other people interesting.

۱۷۱. پی.جِی. اورورک
دیدن بارقهٔ امید در حالت خماری همیشه کار سختی است.

۱۷۲. ویلیام شکسپیر
«اگرِ» شما تنها مایهٔ تسلاست. چه خوبیها در «اگر» نهفته است.

* -- *

171. **P. J. O'Rourk**
It's always hard to see hope with a hangover.

172. **William Shakespeare**
Your 'if' is the only peace-maker; much virtue in 'if'.

۱۷۳. وودی آلن

اکنون بشر بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ برسر دو راهی قرار گرفته. یک راه به یأس و نومیدی مطلق ختم می‌شود و راه دیگر به نابودی مطلق می‌انجامد. بیایید دعا کنیم که عقل کافی نصیبمان بشود تا راه درست را برگزینیم.

* -- *

173. Woody Allen

More than any other time in history, mankind faces a crossroads. One path leads to despair and utter hopelessness. The other, to total extinction. Let us pray we have the wisdom to choose correctly.

۱۷۴. برنارد باروک

به کسی رأی بدهید که کمتر از همه وعده و وعید می‌دهد زیرا چنین کسی کمتر از دیگران مایهٔ نومیدی شما خواهد شد.

۱۷۵. هیلر بلاک

آقایان محترم، من کاتولیک‌ام... اگر شما به خاطر مذهبم به من رأی ندهید خدا را شکر خواهم گفت که مرا از وهن نمایندگی شما نجات داده.

۱۷۶. آرت بوخوالد

تا به حال هیچ نامزد انتخاباتی‌یی را دیده‌اید که در تلویزیون روی صحبتش با یک آدم پولدار باشد؟

* -- *

174. **Bernard Baruch**

Vote for the man who promises least; he'll be the least disappointing.

175. **Hilaire Belloc**

Gentlemen. I am a Catholic... If you reject me on account of my religion, I shall thank God that He has spared me the indignity of being your representative.

176. **Art Buchwald**

Have you ever seen a candidate talking to a rich person on television?

۱۷۷. آناستاسیو سوموزا (دیکتاتور نیکاراگوا)
شما آراء را بردید و من شمارش آراء را.

۱۷۸. شعار، لندن، ۱۹۸۳
اگر رأی دادن چیزی را عوض می‌کرد تا به حال غیرقانونی‌اش کرده بودند.

* -- *

177. Anastasio Somoza
You won the elections, but I won the count.

178. Badge, London, 1983
If Voting Changed Anything, They'd Make It Illegal.

۱۷۹. فرانکلین پی. جونز

پذیرفتن انتقاد صادقانه کار دشواری است مخصوصاً از جانب قوم و خویشان، دوستان و آشنایان و غریبه‌ها.

۱۸۰. اِلبرت هابارد

اگر می‌خواهید از شما انتقاد نکنند کاری نکنید، چیزی نگویید، چیزی نباشید.

* -- *

179. Franklin P. Jones

Honest criticism is hard to take, particularly from a relative, a friend, an acquaintance or a stranger.

180. Elbert Habbard

To escape criticism - do nothing, say nothing, be nothing.

۱۸۱. منسوب به: **جرج اورول**

برخی اندیشه‌ها چنان خطا هستند که پذیرفتنشان فقط از آدمهای بسیار هوشمند ساخته است.

۱۸۲. **ترنتیوس**

تاکنون چیزی گفته نشده که پیشتر نگفته باشند.

۱۸۳. **میشل دومونتانی**

در تمام جهان هیچ دوعقیده‌ای افزون بر دو ساعت و بیش از یک سرسوزن یکسان نبوده‌اند. عام‌ترین صفت گونه‌گونی است.

* -- *

181. **George Orwell:** attributed

There are some ideas so wrong that only a very intelligent person could believe in them.

182. **Terence**

Nothing has yet been said that's not been said before.

183. **Michelle Montaigne**

There never were two opinions alike in all the world. No more than two hours or two grains. The most universal quality is diversity.

۱۸۴. آبراهام لینکلن

(دربارهٔ یکی دیگر از حقوقدانهای ایلینوی به نام لئون هریس)

میان همهٔ کسانی که به عمرم دیده‌ام او بهتر از همه می‌تواند بیشترین کلمات را در حقیرترین اندیشه‌ها بگنجاند.

۱۸۵. منتسکیو

ضرب‌المثل خوبی هست که می‌گوید اگر مثلثها خدایی به وجود می‌آوردند حتماً او را سه‌گوش می‌ساختند.[۳]

۱۸۶. کریستوفر هامپتون

من آدمی هستم بی هیچ اعتقاد. لااقل به اعتقاد خودم این طور فکر می‌کنم.

۱۸۷. آلیور وِندل هولمز (پسر)

هدف اصلی انسانها طرح اندیشه‌های کلی است. و اندیشهٔ کلی پشیزی نمی‌ارزد.

* -- *

184. **Abraham Lincoln,** of another Illionis lawyer

He can compress the most words into the smallest ideas better than any man I ever met.

185. **Montesquieu**

There is a very good saying that if triangles invented a god, they would makes him three-sided.

186. **Christopher Hampton**

I'm a man of no convictions - at least I *think* am.

187. **Oliver Wendell Holmes Jr.**

The chief end of man is to frame general ideas - and ... no general idea is worth a damn.

۱۸۸. هنریک ایبسن

انسان چه باید باشد؟ پاسخ من در یک کلام این است: خودش.

۱۸۹. مارک تواین

انسان تنها حیوانی است که چهره‌اش از شرم سرخ می‌شود یا باید بشود.

۱۹۰. ویلیام سارویان

هر شخصی در جهان در همان حال که بهتر از کس دیگر است، به خوبی کسی دیگر نیست.

۱۹۱. مایلز کینگتون

انسان یگانه موجودی است که ظاهراً وقت و نیروی کافی دارد تا تمام فضولاتش را به دریا بریزد و بعد توی آن شنا کند.

* -- *

188. Henrik Ibsen

What ought a man to be? Well, my short answer is 'himself.'

189. Mark Twain

Man is the Only Animal that blushes. Or needs to.

190. William Saroyan

Every man in the world is better than someone else. And not as good as someone else.

191. Miles Kington

Man is the only creature that seems to have the time and energy to pump all his sewage out to sea, and then go swimming in it.

۱۹۲. بالتازار گراسیان

انسان در بیست سالگی طاووس است، در سی سالگی شیر، در چهل سالگی شتر، در پنجاه سالگی مار، در شصت سالگی سگ، در هفتاد سالگی میمون و در هشتاد سالگی هیچ.

۱۹۳. دبلیو. اس. گیلبرت

انسان یگانه خطای طبیعت است!

۱۹۴. وودرو ویلسون

رگ و ریشهٔ انسان مهمتر از شاخ و برگ اوست.

* -- *

192. **Baltasar Gracian**

At twenty a man is a peacock, at thirty a lion, at forty a camel, at fifty a serpent, at sixty a dog, at seventy an ape, at eighty nothing at all.

193. **W. S. Gilbert**

Man is Nature's sole mistake!

194. **Woodrow Wilson**

A man's rootage is more important than his leafage.

۱۹۵. جرج برنارد شا

انقلابها هیچ گاه بار استبداد را سبک نکرده بلکه بار را از شانه‌ای به شانهٔ دیگر منتقل کرده‌اند.

۱۹۶. جان اف. کندی

کسانی که راه بر انقلاب مسالمت‌آمیز می‌بندند راهِ انقلاب خشونت‌آمیز را می‌گشایند.

۱۹۷. آبی هافمن

(عنوان کتاب راهنمای انقلاب)

این کتاب را بدزدید!

* -- *

195. **George Bernard Shaw**

Revolutions have never lightened the burden of tyranny ; they have only shifted it to another shoulder.

196. **John F. Kennedy**

Those who make peaceful revolution impossible will make violent revolution inevitable.

197. **Abbie Hoffman**

(Title of revolutionary manual)

Steal This Book!

۱۹۸. ماتیو آرنولد

Philistinism (بی فرهنگی)! ما برای این واژه در انگلیسی معادلی نداریم، شاید از آن رو که خود مصداق بارز آنیم.

۱۹۹. توبایاس اسمالِت

اگر به من باشد می‌گویم نصف این ملت (انگلیس) دیوانه‌اند و نصف دیگر هم عقل درست و حسابی ندارد.

۲۰۰. سیدنی اسمیت

جدایی‌ناپذیرتر از انگلیس و آبجو دو چیز دیگر سراغ دارید؟

۲۰۱. جرج اورول

طبقاتی‌ترین کشور عالم انگلستان است. انگلستان سرزمین از خودراضی‌ها و نورچشمی‌هاست و به‌طور عمده زیر سلطهٔ سالمندان و سفیهان است.

* -- *

198. **Mathew Arnold**

Philistinism! We have not the expression in English. Perhaps we have not the word because we have so much of the thing.

199. **Tobias Smollett**

I think for my part one half of the nation is mad and the other not very sound.

200. **Sydney Smith**

What two ideas are more inseparable than Beer and Britannia?

201. **George Orwell**

England is the most class ridden country under the sun. It is the land of snobbery and privilege and ruled largely under the old and silly.

۲۰۲. ریموند پوستگیت

شِکوِه از تغییر، عادتِ تغییرناپذیر همهٔ انگلیسیهاست.

۲۰۳. ساموئل جانسون

وقتی دو انگلیسی به هم می‌رسند اولین حرفشان دربارهٔ هواست.

۲۰۴. جرج برنارد شا

انگلیسیها هرگز برده نخواهند شد: آنها آزادند به هر کاری که دولت و افکار عمومی مجاز می‌شمرد دست بزنند.

۲۰۵. جرج برنارد شا

انگلیسی جماعت تنها زمانی فکر می‌کند شریف و پاکدامن است که احساس ناراحتی بکند.

* -- *

202. **Raymond Postgate**

Deploring change is the unchangeable habit of all Englishmen.

203. **Samuel Johnson**

When two Englishmen meet, their first talk is of the weather.

204. **George Bernard Shaw**

Englishmen never will be slaves: they are free to do whatever the Government and public opinion allow them to do.

205. **George Bernard Shaw**

An Englishman thinks he is moral when he is only uncomfortable.

۲۰۶. جرج برنارد شا

انگلیسیها در بند زبان خود نیستند و حرف زدن به این زبان را به فرزندان خرد نمی‌آموزند. آنها انگلیسی را چنان نفرت‌انگیز تکلم می‌کنند که هیچ کس سر از این زبان در نمی‌آورد. ممکن نیست یک انگلیسی دهان باز کند و انگلیسی دیگری را از خود بیزار نکند.

۲۰۷. جرج برنارد شا

اگر دخانیات و قمار را از زندگی انگلیسیها حذف کنید خواهید دید که تقریباً تمام تفریحشان به سگهایشان محدود خواهد شد البته حالا هم اکثراً همین طور است.

۲۰۸. منسوب به: **جرج برنارد شا**

انگلستان و آمریکا دو کشورند که با یک زبان مشترک از هم جدا شده‌اند.

* -- *

206. **George Bernard Shaw**

The English have no respect for their language and will not teach their children to speak it. They spell it so abominably that no man can teach himself what it sounds like. It is impossible for an Englishman to open his mouth without making some other Englishman hate or despise him.

207. **George Bernard Shaw**

If you eliminate smoking and gambling, you will be amazed to find that almost all an Englishman's pleasures can be, and mostly are, shared by his dog.

208. **George Bernard Shaw:** attributed

England and America are two countries divided by a common language.

۲۰۹. لرد گودمن

یکی از آزادیهای اساسیِ هر انگلیسی آزادی از فرهنگ است.

۲۱۰. ای. وی. لوکاس

شوخ طبع بودن در انگلستان چیز بسیار خطرناکی است.

۲۱۱. جرج مایکز

انگلیسی جماعت اگر تنها هم باشد یک صف مرتب یک نفره می‌بندد.

۲۱۲. منتسکیو

انگلیسیها آدمهای پرمشغله‌ای هستند؛ وقت زیادی برای مؤدب بودن ندارند.

* -- *

209. **Lord Goodman**

One of the basic freedoms of the Englishman is freedom from culture.

210. **E. V. Lucas**

In England it is very dangerous to have a sense of humour.

211. **George Mikes**

An Englishman, even if he is alone, forms an orderly queue of one.

212. **Montesquieu**

The English are busy; they don't have time to be polite.

۲۱۳. جکی میسون

انگلیسی جماعت اگر زیر چرخهای کامیون هم برود از کامیون عذرخواهی می‌کند.

۲۱۴. اِولین وا

انگلیسی بدبخت و بیچاره هیچ جا پیدا نمی‌شود، جز در خود انگلستان.

۲۱۵. اسکار وایلد

او انگلیسی نمونه‌ای است: همیشه کسل کننده و معمولاً خشن.

۲۱۶. اسکار وایلد

من در انگلستان آرزوی تغییر هیچ چیزی ندارم جز تغییر آب و هوا.

* -- *

213. **Jackie Mason**

If an Englishman gets run down by a truck he apologizes to the truck.

214. **Evelyn Waugh**

You never find an Englishman among the underdogs - *except* in England, of course.

215. **Oscar Wilde**

He is a typical Englishman, always dull and usually violent.

216. **Oscar Wilde**

I don't desire to change anything in England except the weather.

۲۱۷. جان باریمور

تنها تأسف من در تئاتر این است که نمی‌توانم جلوِ صحنه بنشینم و خودم را تماشا کنم.

۲۱۸. نوئل کاوارد

(دربارهٔ مری بیکر اِدی)

این زن از هر جهت شبیه هیتلر است. تنها سبیلش را کم دارد.

۲۱۹. منسوب به: **نوئل کاوارد**

من به ستاره‌شناسی اعتقادی ندارم. تنها ستارگانی که مرا بیچاره کرده‌اند همان‌هایی هستند که دوروبرِ صحنه ظاهر می‌شوند.

۲۲۰. جرج گلاس

بازیگر از آن قماش آدمهایی است که وقتی راجع به خودش حرف نمی‌زنی به حرفت گوش نمی‌دهد.

* -- *

217. **John Barrymore**

My only regret in the theatre is that I could never sit out front and watch myself.

218. **Noël Coward** of Mary Baker Eddy

She had much in common with Hitler, only no moustache.

219. **Noël Coward**: attributed

I don't believe in astrology. The only stars I can blame for my failures are those that walk about the stage.

220. **George Glass**

An actor is a kind of a guy who if you ain't talking about him ain't listening.

۲۲۱. گروچو مارکس

(در حال گرفتن نبض بیمار)

یا این آدم مرده، یا ساعت من خوابش برده.

۲۲۲. گروچو مارکس

من هرگز قیافهٔ کسی را فراموش نمی‌کنم. ولی در مورد شما با کمال میل استثناء قائل می‌شوم.

۲۲۳. گروچو مارکس

(استعفانامه به باشگاه)

لطفاً استعفای مرا بپذیرید. من مایل نیستم به عضویت باشگاهی درآیم که حاضر است مرا به عضویت بپذیرد.

* -- *

221. **Grucho Marx**

Either he's dead, or my watch has stopped.

222. **Grucho Marx**

I never forget a face, but in your case I'll be glad to make an exception.

223. **Grucho Marx** 1895 - 1977

Please accept my resignation. I don't want to belong to any club that will accept me as a member.

۲۲۴. چیکو مارکس

(وقتی همسرش مچ او را در حال بوسیدن یکی از دختران گروه همسرا می‌گیرد.)

نمی‌بوسیدمش که. داشتم تو دهنش زمزمه می‌کردم.

۲۲۵. جرج جین ناتان

خانم مارین استاپلتون طوری بازی می‌کرد که گویی هنوز قراردادش را با تهیه کننده امضاء نکرده است.

۲۲۶. اسکار وایلد

من عاشق نقش‌بازی کردن‌ام. نقش بازی کردن به مراتب واقعی‌تر از زندگی است.

۲۲۷. ویلیام هازلیت

بازیگران تنها ریاکاران صادق‌اند.

* -- *

224. **Chico Marx**

(American film comedian on being discoverd by his wife with a chorus girl.)

I wasn't kissing her, I was just whispering in her mouth.

225. **George Jean Nathan**

Miss (**Maureen**) Stapleton played the part as though she had not yet signed her contract with the producer.

226. **Oscar Wilde**

I love acting. It is so much more real than life.

227. **William Hazlitt**

Actors are the only honest hypocrites.

۲۲۸. وودی آلن

مغزم را می‌گویی؟ دومین عضوِ مورد علاقهٔ من است.

۲۲۹. لرد بایرون

و این اجساد ما که می‌باید روزی سر از خاک بردارند، آیا به راستی ارزش برخاستن دارند؟ اگر پیکر من نیز می‌باید چنین کند باشد که پایی بهتر از آنچه در این بیست و دو سال مرا بر خود کشیده نصیبم شود وگرنه در غوغای محشر حسرتزده از بهشت باز خواهم ماند.

۲۳۰. آیزاک داینسن

چون نیک بنگری آدمی چیزی نیست مگر دستگاهی دقیق و ابتکاری که با کارآمدی تمام شراب ارغوانی شیراز را به پیشاب تبدیل می‌کند.

* -- *

228. Woody Allen

My brain? It's my second favorite organ.

229. Lord Byron

And our carcases which are to rise again, are they worth raising? I hope, if mine is, that I shall have a better pair of legs than I have moved on these two - and- twenty years, or I shall be sadly behind in the squeerze into Paradise.

230. Isak Dinesen

What is man, when you come to think upon him, but a minutely set, ingenious machine for turning, with infinite artfulness, the red wine of Shiraz into urine?

۲۳۱. نیل سایمون

پیکر زن جوان خود شاهکار آفریدگار است... هم او می‌توانست چنانش بسازد که مدتی بیشتر دوام داشته باشد. اما چه می‌توان کرد، همیشه باید چیزی کم داشته باشیم.

۲۳۲. ویلیام شکسپیر

می‌بینی که پیکری فربه‌تر از دیگران دارم. به همین سان ضعف و سستی من نیز افزونتر است.

۲۳۳. سیرل کانولی

درون هر آدم چاق و فربه انسانی لاغر زندانی شده که برای آزادی فریاد می‌کشد.

* -- *

231. Neil Simon

The body of a young woman is God's greatest achievement...Of course, He could have built it to last longer but you can't have everything.

232. William Shakespeare

Thou seest I have more flesh than another man, and therefore more frailty.

233. Cyril Connolly

Imprisoned in every fat man a thin one is wildly signalling to be let out.

۲۳۴. ناشناس

ـ من برای این از کارم دست کشیدم که رئیسم حرف بسیار زشتی به من گفت.
ـ مگه چی گفت؟
ـ گفت: تو اخراجی!

* -- *

234. Anonymous

'I quit because the boss used repulsive language.'
'What did he say?'
'He said, "you're fired!"'

۲۳۵. ویلیام اوسلر

گپ زدن در مورد بیماریها مثل قصه‌های هزار و یک شب جزء سرگرمیهاست.

۲۳۶. کِنت تاینان

روان رنجوری رازی است که در خود دارید و از آن بی‌خبرید.

۲۳۷. جرج برنارد شا

از دورهٔ نقاهت خیلی خوشم می‌آید. فقط همین است که بیماری را تحمل‌پذیر می‌کند.

* -- *

235. William Osler

To talk of diseases is a sort of Arabian Nights entertainment.

236. Kenneth Tynan

A neurosis is a secret you don't know you're keeping.

237. George Bernard Shaw

I enjoy convalescence. It is the part that makes illness worth while.

۲۳۸. آنتون چخوف
وقتی برای علاج یک بیماری راههای مختلفی پیشنهاد می‌شود مفهومش این است که آن بیماری غیرقابل علاج است.

۲۳۹. دیوار نبشته، نیویورک، ۱۹۷۸
بیماری خیالی تنها بیماریی است که من ندارم.

۲۴۰. گای فاکس
بیماری صعب‌العلاج درمان خطرناکی می‌طلبد.

۲۴۱. مِل کالمن
مرد (در بستر بیماری): حتی بیماران خیالی هم بیمار می‌شوند.

* -- *

238. **Anton Chekov**
If a lot of cures are suggested for a disease, it means that the disease is incurable.

239. **Graffito,** New York, 1978
Hypochondria is the only disease I haven't got.

240. **Guy Fawkes**
A desperate disease requires a dangerous remedy.

241. **Mel Calman**
MAN (in bed): Even hypochondriacs get ill...

۲۴۲. ایس گودمن

بهترین علاجِ بیماری خیالی این است که جسم خود را به دست فراموشی بسپرید و به جسم دیگری علاقه‌مند شوید.

۲۴۳. فلورانس نایتینگل

نخستین شرط برای بیمارستان این است که به بیماران آسیبی نرساند.

* -- *

242. **Ace Goodman**

The best cure for hypochondria is to forget about your own body and get interested in someone else's.

243. **Florence Nightingale**

The very first requirement in a hospital is that it should do the sick no harm.

۲۴۴. تونی بلاک برن

اصلاً کی گفته پاپ نزدیکتر از من به خدا باشد؟

۲۴۵. پاپ جان بیست و سوم

بارها پیش می‌آید که شب از خواب می‌پرم، در مورد موضوع مهمی فکر می‌کنم و تصمیم می‌گیرم بروم آن موضوع را با پاپ در میان بگذارم. بعد که کاملاً از خواب بیدار می‌شوم می‌بینم پاپ خودم هستم.

* -- *

244. Tony Blackburn

Why should Pope be any closer to God than I am?

245. Pope John XXIII

It often happens that I wake at night and begin to think about a serious problem and decide I must tell the Pope about it. Then I wake up completely and remember that I *am* the Pope.

۲۴۶. جان آزبورن

سلطنت طلائی است که دندان پوسیده‌ای را با آن پر می‌کنند.

۲۴۷. ادوارد هفتم

(وقتی از ادوارد هفتم پرسیدند آیا به ملکه ویکتوریا در بهشت خوش خواهد گذشت، در پاسخ گفت:)

در آنجا باید پشت سر فرشته‌ها راه برود و این چیزی نیست که او دوست داشته باشد.

۲۴۸. ملکه ماری آنتوانت (همسر لوئی شانزدهم)

(پس از شنیدن این گزارش که مردم نان ندارند بخورند)

پس کیک بخورند!

۲۴۹. رالف والدو امرسون

وقتی به سلطانی تیراندازی می‌کنی حتماً باید بکشیش.

* -- *

246. **John Osborne**

Monarchy is the gold filling in the mouth of decay.

247. **Edward VII**

(On being asked if Queen Victoria would be happy in heaven:)

She will have to walk behind the angels - and she won't like that.

248. **Marie Antoinette**

(Queen consort of Louis XVI 1755 - 93)

(on being told that her people had no bread)

Let them eat cake!

249. **Ralph Waldo Emerson**

If you shoot at a king you must kill him.

۲۵۰. ماکس بیربوم

(دربارهٔ کارولین آو برونزویک، همسر جرج چهارم)

سرنوشت تراژدی بسیار باشکوهی برای او رقم زد و او در سرتاسر این نمایش با جوراب شلواری ایفای نقش کرد.

۲۵۱. جرج دوم

(وقتی ملکه کارولین در بستر مرگ به اصرار از جرج دوم خواست تا تجدید فراش کند)

ـ نه دیگر زن نخواهم گرفت: رفیقه می گیرم. (ملکه در پاسخ گفت:) آه، فرقی نمی‌کند.

۲۵۲. دوکِ ولینگتون

(وقتی مشتی مردم غوغایی دوکِ ولینگتون را ناگزیر کردند که برای ملکه کارولین که معروف به بی‌بند و باری بود ابراز احساسات کند، گفت:)

علیاحضرت به سلامت باشند و زنان همه‌تان مثل علیاحضرت!

* -- *

250. Max Beerbohm

Fate wrote her a most tremendous tragedy, and she played it in tights.

251. George II

(When Queen Caroline, on her deathbed, urged him to marry again:)

No I shall have mistresses. The Queen replied, 'oh, my God! That won't make any difference.'

252. Duke of Wellington

(When forced by a mob to cheer George IV's wife Caroline of Brunswick:)

God Save the Queen, and may all your wives be like her!

۲۵۳. منسوب به: تئودور روزولت

(امپراتور آلمان در مراسم تشییع جنازهٔ ادوارد هفتم از تئودور روزولت خواست تا فردای آن روز رأس ساعت دو به دیدنش برود و اضافه کرد: «چون فقط چهل و پنج دقیقه می‌توانم به شما وقت بدهم.» روزولت در پاسخ گفت:)

البته رأس ساعت دو خواهم آمد اما متأسفانه بیش از بیست دقیقه نمی‌توانم به شما وقت بدهم.

۲۵۴. کاترین کبیر

من خودکامگی پیشه خواهم کرد چرا که رسم و راه من این است و پرودگار مهربان مرا خواهد بخشید که رسم و راه او نیز چنین است.

۲۵۵. لویی چهاردهم

(وقتی انگلستان دو هفته بعد از جلوس ملکه «آن» به لویی چهاردهم پادشاه فرانسه اعلان جنگ داد:)

وقتی خانمها به من اعلان جنگ می‌دهند معنایش این است که دیگر پیر شده‌ام.

* -- *

253. Theodore Roosevelt: attributed

(At the funeral of Edward VII the Kaiser asked Roosevelt to call on him the next day 'at two o'clock sharp - for I can give you only 45 minutes'.)

I will be there at two, but unfortunately I have just 20 minutes to give you.

254. Catherine the Great

I shall be an autocrat: that's my trade. And the good Lord will forgive me: that's his.

255. Louis XIV

(England had declared war on France two weeks after the accession of Queen Anne:)

It means I'm growing old when ladies declare war on me.

۲۵۶. منسوب به: **ملکه مری**

(پس از آنکه به ملکه مری اطلاع دادند که یکی از نقاشی‌های سلطنتی اثر مرسیه است نه نولکنز.)

ما ترجیح می‌دهیم همچنان اثر نولکنز باشد.

۲۵۷. **ملک فاروق**، پادشاه مصر

روزی خواهد رسید که در تمام دنیا پنج شاه بیشتر نخواهد بود: شاه دل، شاه پیک، شاه خشت، شاه خاج و شاه انگلستان.

۲۵۸. منسوب به: **ناپلئون**

(می‌گویند یک شب قبل از جنگی مهم، ژوزفین به ناپلئون که سخت در فکر بوده نزدیک می‌شود ...)

امشب نه، ژوزفین.

* -- *

256. **Queen Mary:** attributed

(On being told that one of the Royal paintings was a Mercier, not by Nollekens:)

We prefer the picture to remain as by Nollekens.

257. **King Farouk of Egypt**

One day there will only be five kings left: hearts, spades, diamonds, clubs, and England.

258. **Napoleon I:** attributed

Not tonight, Josephine.

۲۵۹. ناشناس

(هجویه‌ای برای ملکه کارولین که بدکاریش زبانزد خاص و عام بود:)

شاهبانوی شهره در انفاق
برو وُ ترک این مناهی کن
لیک گر این دو فوق طاقت توست
ترک ما کن و هر چه خواهی کن

۲۶۰. ناشناس

(مجلس اعیان برای بحث دربارهٔ لایحه جزا و کیفر تشکیل جلسه می‌دهد. جرج چهارم قصد دارد با تصویب این لایحه کارولین آو برونزویک، همسر متارکه کردهٔ خود را طلاق دهد. کارولین در این جلسه شرکت می‌کند اما بنا بر عادتش خوابش می‌برد.)

پناه بر خدا! دیگر کسی جلودارش نیست. درباریان به کنار، با نمایندگان اعیان هم می‌خوابد.

* -- *

259. **Anonymous**

Most Gracious Queen, we thee implore
To go away and sin no more,
But if that effort be too great,
To go away at an any rate.

260. **Anonymous**

(Caroline of Brunswick, estranged wife of George IV, while attending the debate in the House of Lords on the Bills of Pains and Penalties whereby George IV was attempting to divorce her, habitually fell asleep:)

Her conduct at present no censure affords,
She sins not with courtiers but sleeps with the Lords.

۲۶۱. ویلیام چهارم

(وقتی ویلیام چهارم را از خواب بیدار کردند تا خبر شاه شدنش را به اطلاع وی برسانند به رختخواب بازگشت و گفت:)

پس بگذارید اول از غنودن در آغوش یک ملکه بهره‌مند شویم.

* -- *

261. William IV

(Having been wakened with the news of his accession, William IV returned to bed:)

To enjoy the novelty of sleeping with a queen.

۲۶۲. وودی آلن

شیر و گوساله می‌توانند پیش هم دراز بکشند. نهایت اینکه خواب به چشم گوساله نخواهد آمد.

۲۶۳. جان بیلینگز

سگ تنها موجود روی زمین است که تو را بیشتر از خودت دوست دارد.

۲۶۴. ا. توسنل

هر چه بیشتر مردها را بشناسی، بیشتر قدر سگها را می‌دانی.

* --- *

262. **Woody Allen**

The lion and the calf shall lie down together but the calf won't get much sleep.

263. **John Billings**

A dog is the only thing on earth that loves you more than you love yourself.

264. **A. Toussenel**

The more one gets to know of men, the more one values dogs.

۲۶۵. وینستون چرچیل

من دوستدار خوکم. سگ از موضع پایین به آدم نگاه می‌کند و گربه از موضع بالا. در این میان، خوکها هستند که ما را به چشم برابری نگاه می‌کنند.

۲۶۶. جرج برنارد شا

وقتی انسان می‌خواهد ببری را بکشد اسمش را می‌گذارد شکار و تفریح، اما اگر ببر بخواهد او را شکار کند به آن می‌گوید درنده‌خویی.

۲۶۷. مایلز کینگتون

عنکبوتها در طبیعت کار یکان ویژه هوائی بریتانیا را می‌کنند. ساعتها با طنابشان در هوا چرخ می‌زنند و وقتی فرود می‌آیند حشرهٔ فلک‌زده‌ای را بی‌رحمانه سؤال‌پیچ می‌کنند. سؤالشان هم معمولاً یکی است: «وصیّتت چیست؟»

* -- *

265. **Winston Churchill**

I am fond of pigs. Dogs look up to us. Cats look down on us. Pigs treat us as equal.

266. **George Bernard Shaw**

When a man wants to murder a tiger, he calls it sport; when a tiger wants to murder him, he calls it Ferocity.

267. **Miles Kington**

Spiders are the SAS of nature, and will spend hours flying through the air on their ropes, prior to landing and subjecting some hapless insect to savage interrogation. The question they usually ask is: 'Have you any last requests?'

۲۶۸. فران لیبوویتس

سگهایی که با شرکت در پیامهای بازرگانی امرار معاش می‌کنند و با حرص و ولع دائماً گوشت می‌طلبند باید به خاطر داشته باشند که دست کم در یکی از کشورهای خاور دور خودشان هم گوشت محسوب می‌شوند.

۲۶۹. اِی. اِی. میلن

ایور، الاغ پیر خاکستری، کنار نهر آب ایستاد، خود را در آب نگریست و گفت: «غم‌انگیز است، غم‌انگیز. چه می‌توان کرد!»

* -- *

268. **Fran Lebowitz**

Dogs who earn their living by appearing in television commercials in which they constantly and aggressively demand meat should remember that in at least one Far Eastern country they *are* meat.

269. **A. A. Milne**

Eeyore, the old grey Donkey, stood by the side of the stream, and looked at himself in the water. 'Pathetic,' he said. 'That's what it is. Pathetic!'

۲۷۰. سِنت آگوستین

پروردگارا! به من پرهیزکاری و پاکدامنی عطا فرما، اما فعلاً نه!

* -- *

270. St. Augustine

Give me chastity and continence, but not yet!

۲۷۱. ویلیام اوسلر

اشتیاق به دارو خوردن شاید بزرگترین خصیصه‌ای باشد که انسانها را از حیوانات متمایز می‌سازد.

۲۷۲. آدام دی پتو

دیگرآزار (سادیست) به پزشکی می‌گویند که گوشی‌اش را در یخچال نگهداری می‌کند.

۲۷۳. ماتیو پرایور

همین دیروز از بیماری شفا یافتم و همین دیشب با دست طبیب به آن دنیا شتافتم.

۲۷۴. نیل سایمون

تحمل شنیدن پچ پچ را ندارم. هر وقت پزشکی در بیمارستان پچ پچ می‌کند، روز بعدش تشییع جنازه است.

* -- *

271. William Osler

The desire to take medicine is perhaps the greatest feature which distinguishes man from animals.

272. Adam Di Petto

A sadist is a doctor who keeps his stethoscope in the refrigerator.

273. Matthew Prior

Cured yesterday of my disease, I died last night of my physician.

274. Neil Simon

I can't stand whispering. Every time a doctor whispers in the hospital, next day there's funeral.

۲۷۵. هرب شراینر

دکترِ ما دست به عمل جراحی نمی‌زد مگر وقتی که احساس ضرورت می‌کرد. این طور بود دیگر. وقتی به پول احتیاج نداشت محال بود به شما دست بزند.

۲۷۶. جیمز شِرمن

دکتر (در حین دادن نسخه به بیمار): اگر این دارو تأثیر کرد به من اطلاع بده چون خودم هم همین درد را دارم.

۲۷۷. سام گولدوین

هر کسی که پیش روان پزشک می‌رود باید مخش را معاینه کرد.

* -- *

275. **Herb Shriner**

Our doctor would never really operate unless it was necessary. He was just that way. If he didn't need the money, he wouldn't lay a hand on you.

276. **James Sherman**

DOCTOR (giving prescription to patient):
'Let me know if this stuff works. I'm having the same trouble myself.'

277. **Sam Goldwyn**

Any man who goes to a psychiatrist should have his head examined.

۲۷۸. آگاستوس

آرام بشتاب.

۲۷۹. الکساندر پوپ

انسان نباید از پذیرشِ اینکه بر خطا بوده پیش خود شرمسار باشد. به کلام دیگر، قبول خطا بدان معناست که امروز داناتر از دیروز است.

۲۸۰. جان سلدِن

واعظان می‌گویند: آنچه می‌گویم بکن، نه آنچه می‌کنم.[۴]

۲۸۱. جرج برنارد شا

سعی کنید آنچه را دوست دارید به دست بیاورید و گرنه ناگزیر خواهید شد هرچه را به دست می‌آورید دوست داشته باشید.

* -- *

278. Augustos

Festina lente.

Make haste slowly.

279. Alexander Pope

A man should never be ashamed to own he has been in the wrong, which is but saying, in other words, that he is wiser to-day than he was yesterday.

280. John Selden

Preachers say: Do as I say, not as I do.

281. George Bernard Shaw

Take care to get what you like or you will be forced to like what you get.

۲۸۲. ضرب المثل آلمانی

وقتی روباه موعظه می‌کند، مواظب مرغ و خروسهاتان باشید.

۲۸۳. اسکار وایلد

پند و اندرز را همیشه به دیگران رد می‌کنم. کار دیگری با آن نمی‌توان کرد. این چیزها هیچ وقت به درد خود آدم نمی‌خورد.

* -- *

282. German Proverb

When the fox preaches, look to your geese.

283. Oscar Wilde

I always pass on good advice. It is the only thing to do with it. It is never any use to oneself.

۲۸۴. توماس بیلی آلدریچ
داشتن طلا عدهٔ کمتری را به خاک سیاه نشانده تا نداشتن آن.

۲۸۵. ویک آلیور
اگر کسی دنبال پول بدود می‌گویند دیوانهٔ پول است؛ اگر پول پس‌انداز کند می‌گویند سرمایه‌دار است؛ اگر پول خرج کند می‌گویند خوشگذران است؛ اگر پول در نیاورد می‌گویند بی‌عرضه است و اگر برای پولدار شدن تلاش نکند می‌گویند بلندپروازی ندارد. اگر بدون کارکردن پول به چنگ بیاورد می‌گویند مفتخور است و خلاصه اگر بعد از یک عمر جان کندن پولی جمع کرده باشد می‌گویند از آن احمقهایی بود که از زندگیش چیزی نفهمید.

۲۸۶. فرستنده: **هنری باتون**
میلیونر آمریکایی به پسرش: ببین پسرم، پول همه چیز آدم نیست. آدمی هم که نُه میلیون دلار دارد می‌تواند به اندازهٔ کسی که ده میلیون دلار دارد خوشبخت باشد.

* -- *

284. Thomas Bailey Aldrich
The possession of gold has ruined fewer men than the lack of it.

285. Vic Oliver
If a man runs after money, he's money-mad; if he keeps it he's a capitalist; if he spends it, he's a playboy; if he doesn't get it he's a ne'er-do-well; if he doesn't try to get it, he lacks ambition. If he gets it without working for it, he's a parasite; and if he accumulates it after a lifetime of hard work, people call him a fool who never got anything out of life.

286. Contributed by Henry Button
'Money is not everything,' as the American millionaire said to his son. 'A man with nine million dollars can be just as happy as the man with ten million.

۲۸۷. جیمز بالدوین

پول دقیقاً به رابطهٔ جنسی می‌ماند که تا دسترسی به آن ندارید به چیزی غیر از آن فکر نمی‌کنید و وقتی به آن می‌رسید به چیزهای دیگر فکر می‌کنید.

۲۸۸. جی.پی دانلیوی

وقتی پول نداری مشکلت غذاست، پول که به دست می‌آوری مسأله‌ات سکس است و وقتی هر دو میسر شد، گرفتاری‌ات سلامتی است.

۲۸۹. بنجامین فرانکلین

اگر می‌خواهی قدر پول را بدانی برو از دیگران قرض بخواه.

۲۹۰. سامرست موام

پول به حس ششمی می‌ماند که بدون آن نمی‌توانید از پنج حس دیگرتان بهرهٔ کامل ببرید.

* -- *

287. **James Baldwin**

Money, it turned out, was exactly like sex, you thought of nothing else if you didn't have it and thought of other things if you did.

288. **J. P. Donleavy**

When you don't have any money, the problem is food. When you have money, it's sex. When you have both, it's health.

289. **Benjamin Franklin**

If you would know the value of money, go try to borrow some.

290. **W. Somerset Maugham**

Money is like a sixth sense without which you cannot make a complete use of the other five.

۲۹۱. مارگارت کیس هاریمن

پول چیزی است که بدون آن خیلی خوب می‌شد زندگی کرد به شرطی که دیگران برای آن این قدر له له نمی‌زدند.

۲۹۲. هوراس

در صورت امکان از راه شرافتمندانه و اگر نشد از هر راهی که می‌شود پولدار شو.

۲۹۳. کاترین وایت هورن

قاعده‌ای مهم داریم که می‌گوید با آدمهایی که خیلی بیشتر یا خیلی کمتر از شما پول دارند، نباید در مورد پول صحبت کنید.

۲۹۴. لوگان پیرسال اسمیت

بدبختی پولدار شدن این است که باید با پولدارها زندگی کنی.

* -- *

291. Margaret Case Harriman

Money is what you'd get on beautifully without if only other people weren't so crazy about it.

292. Horace

If possible honestly, if not, somehow, make money.

293. Katharine Whitehorn

The great rule is not to talk about money with people who have much more or much less than you.

294. Logan Pearsall Smith

It is the wretchedness of being rich that you have to live with rich people.

۲۹۵. مارگوت آسکوئیت

حالا دیگر رزق من شده است ماکارونی و مجالس ترحیم.

۲۹۶. بارونس استاکس

مجلس اعیان یک خانهٔ سالمندان تمام‌عیار است.

۲۹۷. پی. جی. اورورک

در خصوص سالمندان یک چیز دیگر هم هست که خیلی هولناک است و آن اینکه من هم به زودی جزء آن‌ها خواهم شد.

۲۹۸. برنارد باروک

پیری همیشه از نظر من یعنی پانزده سال بیشتر از سن و سال خودم.

* -- *

295. **Margot Asquith**

All I have to live on now is macaroni and memorial services.

296. **Baroness Stocks**

The House of Lords is a perfect eventide home.

297. **P. J. O'Rourke**

There's one more terrifying fact about old people: I'm going to be one soon.

298. **Bernard Baruch**

To me old age is always fifteen years older than I am.

۲۹۹. یوبی بلیک

(در آستانهٔ صدسالگی)

اگر می‌دانستم این‌قدر زیاد عمر می‌کنم بیشتر از خودم مواظبت می‌کردم.

۳۰۰. فرستنده: **دبلیو. اچ. بورن**

اگر به مرحلهٔ بعد از پیری فکر کنید می‌بینید پیری آنقدرها هم بد نیست.

۳۰۱. الکساندر پوپ

وقتی آدم‌ها پیرانه‌سر پرهیزگار می‌شوند در حقیقت از پس‌مانده‌های شیطان برای خدا قربانی می‌برند.

۳۰۲. لئون تروتسکی

پیری نامنتظرترین چیزی است که به سراغ انسان می‌آید.

* -- *

299. **Eubie Blake**

(On reaching the age of 100:)

If I'd known I was gonna live this long, I'd have taken better care of myself.

300. **Contributed by W. H. Boorne**

Old age isn't so bad, when you consider the alternative.

301. **Alexander Pope**

When men grow virtuous in their old age, they only make a sacrifice to God of the devil's leavings.

302. **Leon Trotsky**

Old age is the most unexpected of all things that happen to a man.

۳۰۳. جرج برنارد شا

انسان با خواندن دفتر خاطرات خود به طرزی مطبوع احساس پیری و اندوه می‌کند.

۳۰۴. لئو روزنبرگ

اول اسمها را فراموش می‌کنی، بعد کم کمک چهره‌ها را. آن وقت به جایی می‌رسی که بالا کشیدن زیپ شلوارت را فراموش می‌کنی و دست آخر پایین کشیدنش را.

۳۰۵. استیفن فرای

لازم نکرده شما پیری‌ام را به رخم بکشید. خودم مثانه‌ای دارم که این کار را برایم می‌کند.

۳۰۶. ناشناس

پزشک: شما تا هشتاد سالگی عمر می‌کنید.
بیمار: من همین حالا هشتاد ساله‌ام.
پزشک: خُب، مگر من چه گفتم؟

* -- *

303. **George Bernard Shaw**

Reminiscences make one feel so deliciously aged and sad.

304. **Leo Rosenberg**

First you forget names, then you forget faces, then you forget to pull your zipper up, then you forget to pull your zipper down.

305. **Stephen Fry**

I don't need you to remind me of my age, I have a bladder to do that for me.

306. **Anonymous**

DOCTOR: You're going to live to be eighty.
PATIENT: I AM eighty!
DOCTOR: What did I tell you?

۳۰۷. ای. وای. هاربورگ

در چهل سالگی توهماتم بر باد رفت
در پنجاه سالگی موهایم
در شصت سالگی آرزوها و دندانهایم از دست رفت
و پاهایم از رفتار بازماند
هشتاد سالگی دست و پایم را بست
و اکنون خمیده و دل‌شکسته سر به زانو گرفته‌ام
و دل از زندگی برنمی‌کنم
زیرا حماقت‌هایم هنوز سالم و دست‌نخورده است.

۳۰۸. باب هوپ

وقتی قیمت شمعها بیشتر از قیمت کیک تولدت شد بدان که دیگر وارد عالم پیری شده‌ای.

* -- *

307. E. Y. Harburg

At forty I lost my illusions,
At fifty I lost my hair,
At sixty my hope and teeth were gone,
And my feet were beyond repair.
At eighty life has clipped my claws,
I'm bent and bowed and cracked;
But I can't give up the ghost beacause
My follies are intact.

308. Bob Hope

You know you're getting old when the candles cost more than the cake.

۳۰۹. آمبروس بیرس

تاریخ گزارشی غالباً دروغ از وقایعی غالباً بی‌اهمیت است که به دست حاکمانی اکثراً رذل و سربازانی اکثراً احمق ساخته و پرداخته می‌شود.

۳۱۰. آ. جی. پی. تیلور

مثل بیشترکسانی که تاریخ می‌خوانند او (ناپلئون سوم) نیز از اشتباهات گذشته آموخت که چگونه خطاهای تازه‌ای مرتکب شود.

۳۱۱. جرج برنارد شا

حق با هگل بود که می‌گفت آنچه ما از تاریخ می‌آموزیم این است که انسانها هیچگاه از تاریخ چیزی نمی‌آموزند.

* -- *

309. Ambrose Bierce

An account, mostly false, of events, mostly unimportant, which are brought about by rulers, mostly knaves, and soldiers, mostly fools.

310. A. J. P. Taylor

Like most of those who study history, he (**Napoleon III**) learned from the mistakes of the past how to make new ones.

311. George Bernard Shaw

Hegel was right when he said that we learn from history that men never learn anything from history.

۳۱۲. جرج برنارد شا

سویندون: تاریخ چه خواهد گفت؟
برگوین: تاریخ، مثل همیشه، قربان، دروغ خواهد گفت.

۳۱۳. فیلیپ گویدالا

تاریخ خود را تکرار می‌کند و تاریخ نویسان یکدیگر را.

۳۱۴. کارل مارکس

هگل در جایی می‌گوید همهٔ وقایع و شخصیتهای بزرگ تاریخ جهان از نو به شکلی ظاهر می‌شوند، اما فراموش کرده اضافه کند که: بار اول به شکل تراژدی و بار دوم به شکل کمدی.

* -- *

312. George Bernard Shaw

SWINDON: What will history say?
BURGOYNE: History, sir, will tell lies as usual.

313. Philip Guedalla

History repeats itself; historians repeat each other.

314. Karl Marx

Hegel says somewhere that all great events and personalities in world history reappear in one fashion or another. He forgot to add: the first time as tragedy, the second as farce.

۳۱۵. ناشناس

بعد از شنیدن شرح یک تصادف از زبان دو شاهد عینی، آدم بی‌اختیار به فکر تاریخ می‌افتد.

۳۱۶. مارگارت هاسی

یکی از دلایلی که تاریخ (حرفهای) خود را تکرار می‌کند این است که بسیاری از مردم بار اول گوش نمی‌دهند.

* -- *

315. Anonymous

After you've heard two eye witnesses accounts of an auto accident it makes you wonder about history.

316. Margaret Hussey

One reason that history repeats itself is that so many people were not listening the first time.

۳۱۷. جرج اورول

تبلیغات مثل تلق و تلوق چوبی است در سطل آشغال.

۳۱۸. ادگار واتسون هاو

تجارت بدون تبلیغات مثل چشمک زدن به دختری است در تاریکی: خودت می‌دانی چه می‌کنی اما دیگران نمی‌دانند.

* -- *

317. George Orwell

Advertising is the rattling of a stick inside a swill bucket.

318. Edgar Watson Howe

Doing business without advertising is like winking at a girl in the dark: you know what you are doing, but nobody else does.

۳۱۹. ارسطو اوناسیس

رمز تجارت دانستن چیزی است که کسی دیگر نمی‌داند.

۳۲۰. الکساندر دوما پدر

تجارت را می‌گویی؟ خیلی ساده است. یعنی پول دیگران.

۳۲۱. ویلیام ریگلی (پسر)

وقتی دو نفر در امر تجارت دائماً هم‌عقیده‌اند یکی شان زیادی است.

۳۲۲. آندرو یانگ

وقتی صد تا آدم پولدار تصمیم به کاری می‌گیرند هیچ چیز غیرقانونی نیست. این اصل در همه جای دنیا صادق است.

* -- *

319. Aristotle Onassis

The secret of business is to know something that nobody knows.

320. Alexandre ('Pere') Dumas

Business? It's quite simple. It's other people's money.

321. William Wrigley Jr

When two men in business always agree, one of them is unnecessary.

322. Andrew Young

Nothing is illegal if a hundred businessmen decide to do it, and that's true anywhere in the world.

۳۲۳. جرج سانتایانا

آنان که در یادآوری گذشته ناتوانند محکوم به تکرار آن‌اند.

۳۲۴. ضرب‌المثل بلژیکی

تجربه شانه‌ای است که طبیعت زمانی به دست ما می‌دهد که کچل شده‌ایم.

* -- *

323. George Santayana

Those who cannot remember the past are condemned to repeat it.

324. Belgian Proverb

Experience is the comb that Nature gives us when we are bald.

۳۲۵. هارولد مک میلان

(در اثناء سخنرانی ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۰ در سازمان ملل متحد در حالی که خروشچف کفشش را روی میز می‌کوبید:)

خوب متوجه نمی‌شوم. شاید بهتر باشد یکی ترجمه کند.

۳۲۶. جیمز هاول

از نظر برخی ترجمه بی شباهت به پشت فرش نیست.

* -- *

325. Harold Macmillan

(during his speech to United Nations, 29.September.1960 **When Khrushchev began banging his shoe on the desk:**)

Perhaps we could have a translation, I could not quite follow.

326. James Howell

Some hold translations not unlike to be the wrong side of a Turkey tapestry.

۳۲۷. مارک تواین

برای مقابله با وسوسه چند راه خوب وجود دارد که مطمئن‌ترین آنها ترسیدن است.

* -- *

327. Mark Twain

There are several good protections against temptations, but the surest is cowardice.

۳۲۸. آلن آیکبورن

هنگام تملق‌گویی به زنان باید کمی بیشتر محتاط بود، اما در مورد مردها جای هیچ نگرانی نیست چون هر تعریف و تمجیدی را بی‌درنگ به خود می‌گیرند.

۳۲۹. مارک تواین

با یک تعریف و تمجید خوب می‌توانم دو ماه زندگی کنم.

۳۳۰. کین هابارد

بعضیها طوری از آدم تعریف و تمجید می‌کنند که گویی رسید می‌خواهند.

* -- *

328. Alan Ayckbourn

If you are flattering a woman, it pays to be a little more subtle. You don't have to bother with men, they believe any compliment automatically.

329. Mark Twain

I can live for two months on a good compliment.

330. Kin Hubbard

Some people pay a compliment as if they expected a receipt.

۳۳۱. رابیند رانات تاگور

تعصب برای پاسداری از حقیقت چنانش محکم در چنگ می‌فشارد که خفه‌اش می‌کند.

۳۳۲. وینستون چرچیل

(وقتی «هلن آگدن میلز رید»، خواهر صاحب‌امتیاز ضد بریتانیایی شیکاگو تریبیون در سال ۱۹۴۳ در ضیافت ناهاری در کاخ سفید با چرچیل روبه‌رو شد و بلافاصله او را به خاطر سیاست بریتانیا در قبال هند به باد ملامت گرفت:)

قبل از اینکه پیشتر برویم بگذارید اول چیزی را روشن کنیم. آیا ما دربارهٔ هندی[5]های قهوه‌ای‌رنگ هند صحبت می‌کنیم که در لوای بریتانیا روزبه‌روز به نحو نگران‌کننده‌ای بر جمعیتشان افزوده می‌شود یا از هندی‌های سرخپوست امریکا که تا آنجا که من اطلاع دارم در حال انقراض‌اند؟

* -- *

331. Sir Rabindranath Tagore

Bigotry tries to keep truth safe in its hand. With a grip that kills it.

332. Winston Churchill

(Helen Ogden Mills Reid, sister of the anti - British owner of the Chicago Tribune, encountered Churchill at a White House lunch in 1943 and immediately attacked him on the grounds of Britain's treatment of India)

Before we proceed further let us get one thing clear. Are we talking about the brown Indians in India, who have multiplied alarmingly under the benevolent British rule? Or are we speaking of the red Indians in America who, I understand, are almost extinct?

۳۳۳. سِر دبلیو. دراموند

آنکه نمی‌خواهد استدلال کند متعصب است؛
آنکه قدرت استدلال ندارد نادان است و آنکه جرأت استدلال ندارد برده.

۳۳۴. نیکولاس سباستین شامفور

یا برادرم باش یا تو را می‌کُشم.

* -- *

333. Sir W. Drummond

He that will not reason is a bigot; he that cannot reason is a fool; and he that dares not reason is a slave.

334. Nicolas Se'bastien Chamfort

Sois mon frére, ou je te tue.
(Be my brother, or I kill you.)

۳۳۵. برتراند راسل

یکی از علائم نزدیک شدن به بحران روانی این است که فکر کنید کارتان فوق‌العاده مهم است، آن قدر که اگر به تعطیلات بروید آسمان به زمین می‌آید.

۳۳۶. اِرل ویلسون

چقدر خوب بود اگر دو هفته تعطیلی به اندازهٔ دو هفته رژیم گرفتن طول می‌کشید.

* -- *

335. **Bertrand Russel**

One of the symptoms of approaching nervous breakdown is the belief that one's work is terribly important, and that to take a holiday would bring all kinds of disaster.

336. **Earl Wilson**

Wouldn't it be nice if two weeks holiday seemed to last as long as two weeks on a diet?

۳۳۷. جرج الیوت

مثلِ خروس بود که فکر می‌کند خورشید برای قوقولی قوقوی اوست که طلوع می‌کند.

۳۳۸. توماس اووِربری

کسی که تنها مایهٔ افتخار او اجداد نامدارش هستند بی‌شباهت به سیب‌زمینی نیست که بر و بار اصلی‌اش زیر خاک پنهان است.

۳۳۹. دوروتی پارکر

(وقتی به دوروتی پارکر گفتند که کلر بود لوس با زیردستانش همیشه با مهربانی رفتار می‌کند گفت:)

حالا این زیردستها را از کجا می‌آورد؟

* -- *

337. George Eliot

He was like a cock who thought the sun had risen to hear him crow.

338. Thomas Overbury

The man who has not anything to boast of but his illustrious ancestors is like a potato-the only good belonging to him is underground.

339. Dorothy Parker

(On being told that Clare Boothe Luce was always kind to her inferiors:)

And where does she find them?

۳۴۰. وینستون چرچیل

(چرچیل هنگام بیرون آمدن از حمام با روزولت روبه‌رو می‌شود و وقتی می‌بیند که روزولت یکه خورده است می‌گوید:)

ناراحت نباشید. نخست‌وزیر انگلستان چیزی ندارد که از رئیس‌جمهور آمریکا پنهان کند.

۳۴۱. دیوار نبشته، لندن

می‌خواهم همان چیزی باشم که وقتی می‌خواستم چیزی که الان هستم باشم بودم.

۳۴۲. فرانکلین دی. روزولت

(دربارهٔ ژنرال داگلاس مک آرتور)

هیچ گاه کسی را که خودش را دست بالا می‌گیرد دست کم نگیر.

* -- *

340. Winston Churchill

(On stepping from his bath in the presence of a startled President Roosevelt:)

The Prime Minister has nothing to hide from the President of the United States.

341. Graffito, London

I want to be what I was when I wanted to be what I am now.

342. Franklin D. Roosevelt

(On General Douglas Mac Arthur)

Never underestimate a man who overestimates himself.

۳۴۳. ادیت سیتوِل

بارها آرزو کرده‌ام که فرصتی می‌داشتم خود را برای تواضع آماده سازم اما چه کنم که کار زیاد مجالی برای پرداختن به خودم باقی نگذاشته.

۳۴۴. ویلیام شکسپیر

از بزرگی مهراس: مردانی بزرگ زاده می‌شوند و مردانی دیگر بزرگی را به چنگ می‌آورند و نیز هستند کسانی که بزرگی بر آن‌ها تحمیل می‌شود.

۳۴۵. لرد لانگ‌فورد

من در سال ۱۹۶۹ کتاب کوچکی دربارهٔ تواضع به چاپ رساندم که آغازگر راه بود و تا آنجا که من اطلاع دارم کتاب دیگری نتوانسته بر آن پیشی گیرد.

* -- *

343. Edith Sitwell

I have often wished I had time to cultivate modesty... But I am too busy thinking about myself.

344. William Shakespeare

But be not afraid of greatness: some men are born great, some achieve greatness, and some have greatness thrust upon them.

345. Lord Longford

In 1969 I published a small book on *Humility*. It was a pioneering work which has not, to my knowledge been superseded

۳۴۶. اسکار لِوانت

چیزی که دنیا احتیاج دارد تعداد بیشتری نابغهٔ متواضع است. متأسفانه تعدادمان خیلی کم شده.

۳۴۷. تام لهرر

وقتی موتسارت به سن من بود یک سال از مرگش گذشته بود. این هشدار را باید جدی بگیرم.

۳۴۸. گُلدا میر

این قدر تواضع نکن آن قدرها هم بزرگ نیستی.

۳۴۹. اسکار وایلد

عاشق خود شدن سرآغاز یک ماجرای عاشقانهٔ مادام‌العمر است.

* -- *

346. Oscar Levant

What the world needs is more geniuses with humility. There are few of us left.

347. Tom Lehrer

It is sobering to consider that when Mozart was my age he had already been dead for a year.

348. Gloda Meir

Don't be so humble. You're not that great.

349. Oscar Wilde

To love oneself is the beginning of a life-long romance.

۳۵۰. رابرت بنچلی

(تلگرام هنگام ورود به ونیز)

خیابانها سیلابی. لطفاً راهنمایی.

۳۵۱. نوئل کاوارد

(تلگرام نوئل کاوارد به همکارش جک ویلسون در نیویورک هنگام افزایش احتمال بروز جنگ، ۱۹۳۸)

وضع وخیم، تا چند هفته یا چند روز دیگر جنگ محتمل. در آن صورت نمایش قطعاً تعطیل. همهٔ ما احتمالاً نابود.

* -- *

350. **Robert Benchley**

STREETS FLOODED. PLEASE ADVISE.

351. **Noël Coward**

(Telegram sent to his partner Jack Wilson in NewYork in 1938 as the threat of war increased:)

GRAVE POSSIBILITY WAR WITHIN FEW WEEKS OR DAYS MORE IF THIS HAPPENS POSTPONEMENT REVUE INEVITABLE AND ANNIHILATION ALL OF US PROBABLE.

۳۵۲. بیاتریس لیلی

(مدیر بنگاه معاملاتی در برمودا به خانم لیلی اطلاع داد که خانه‌ای که او در نظر گرفته دارای کلفت، منشی و راننده است.)

لطفاً عکس راننده با پست هوایی.

۳۵۳. جیمز مک‌نیل ویسلر

(تلگرام عذرخواهی از اسکاروایلد به جهت نرسیدن به مراسم عروسی او)

احتمالاً سر وقت به عروسی‌ات نخواهیم رسید. دست به کار شو.

* -- *

352. **Beatrice Lilie**

(An estate agent in Bermuda told her that the house she was considering came with a maid, a secretary and a chauffeur.)

AIRMAIL PHOTOGRAPH OF CHAUFFEUR.

353. **James McNeill Whistler**

(Telegram of apology for missing Oscar Wilde's wedding)

FEAR I MAY NOT BE ABLE TO REACH YOU IN TIME FOR THE CEREMONY. DON'T WAIT.

۳۵۴. تی. اِس. الیوت

تلویزیون وسیله‌ای است که به میلیونها نفر از مردم امکان می‌دهد به طور همزمان به یک لطیفه گوش بدهند و با این حال تنها باقی بمانند.

۳۵۵. فرانک لوید رایت

تلویزیون آدامس چشم است.

۳۵۶. فریدا هنری

توصیه می‌کنم، پیش از آنکه تصمیم به بازنشستگی بگیرید حتماً یک هفته‌ای در منزل بمانید و برنامه‌های روزانهٔ تلویزیون را تماشا کنید.

* -- *

354. T. S. Eliot

Television is a medium of entertainment which permits millions of people to listen to the same joke at the same time, and yet remain lonesome.

355. Frank Lloyd Wright

Television is the chewing gums for the eyes.

356. Freida Henry

Before making up your mind to retire, it is highly advisable to stay home for a week and watch day time television shows.

۳۵۷. گرترود استاین
تا تو به آنجا برسی آنجا دیگر آنجا نیست.

۳۵۸. ضرب‌المثل یهودی
سخت‌ترین کار بیکاری است.

۳۵۹. ضرب‌المثل یهودی
اگر می‌خواهید دنبال عزرائیل بفرستید چه کسی بهتر از آدم تنبل.

* -- *

357. **Gertrude Stein**
When you get there, there isn't any there there.

358. **Jewish Proverb**
The hardest work is to go idle.

359. **Jewish Proverb**
Make sure to send a lazy man for the Angel of Death.

۳۶۰. بازیل بودروید

لبخند او مثل کِرِمِ گرم شیر و تخم‌مرغ سرتاپا شستشویمان داد.

۳۶۱. جان فیلپوت کوران

(در توصیف لبخند رابرت پیل)

لبخند رابرت پیل به لوح سیمین روی تابوت می‌ماند.

---

360. Basil Boothroyd

His smile bathed us like warm custard.

361. John Philpot Curran

(Describing Robert Peel's smile)

Like the silver plate on a coffin.

۳۶۲. نانسی آستور

نانسی آستور: من اگر همسر شما بودم توی قهوه‌تان سم می‌ریختم.
وینستون چرچیل: من هم اگر شوهر شما بودم می‌خوردمش.

۳۶۳. سیدنی اسمیت

(دربارهٔ ویلیام هیوئل، استاد ترینیتی کالج)

علم نقطهٔ قوت اوست و علّامگی نقطهٔ ضعف‌اش.

۳۶۴. الکساندر پوپ

(دربارهٔ لرد هاروی)

چهره‌ای فرشته‌آسا و مابقی جانوری موذی.

۳۶۵. الکساندر پوپ

مغزی چون پَرِ کاه و دلی چون آهن.

---

362. Nancy Astor

NANCY ASTOR: If I were your wife I would put poison in your coffee.
WINSTON CHURCHILL: And if I were your husband I would drink it.

363. Sydney Smith

(Of William Whewell, Master of Trinity College Cambridge)

Science is his forte, and omniscience his foible.

364. Alexander Pope

A cherub's face, a reptile all the rest.

365. Alexander Pope

A brain of feathers, and a heart of lead.

۳۶۶. لیندون بینز جانسون (رئیس جمهور امریکا)
جرالد فورد[۶] از آن خِنگهایی است که در آن واحد نمی‌تواند هم بگوزد و هم آدامس بجود.

۳۶۷. سام گُلدوین
این حرامزاده را دیگر به اتاق من راه نده... مگر وقتی که به او احتیاج داشته باشم.

۳۶۸. اسکار لِوانت
هر لحظه ندیدنش را غنیمت می‌شمرم.

* -- *

366. Lyndon Baines Johnson of Gerald Ford
So dumb he can't fart and chew gum at the same time.

367. Sam Goldwyn
Never let the bastard back into my room again - unless I need him.

368. Oscar Levant
I treasure every moment that I do not see her.

۳۶۹. جان ویلکس (احتمالاً ساختگی)

کنتِ ساندویچ: به جان خودم سوگند، ای ویلکس، عاقبت نفهمیدم تو بر چوبهٔ دار خواهی مرد یا از سیفلیس.

ویلکس: تا چه پیش آید سرورم، بسته به این است که من اول گرفتار قوانین حضرت اشرف شوم یا گرفتار معشوقه‌های ایشان.

۳۷۰. جوزف هِلِر

کم‌مایگی برای بعضی مادرزادی است، برای بعضی اکتسابی و برای بعضی تحمیلی. این آدم مصداق هر سه مورد است.

۳۷۱. سام هوستون

(دربارهٔ توماس جفرسون گرین)

این مرد یک سگ به تمام معنی است، منهای وفاداریش.

---

369. **John Wilkes** probably apocryphal

EARL OF SANDWICH: 'Pon my soul, Wilkes, I don't know whether you'll die upon the gallows or of the pox.

WILKES: That depends my Lord, whether I first I embrace your Lordship's principles, or your Lordship's mistresses.

370. **Joseph Heller**

Some men are born mediocre, some men achieve mediocrity, and some men have mediocrity thrust upon them. With Major Major it had been all three.

371. **Sam Houston** Of Thomas Jefferson Green

He has all the characteristics of a dog except loyalty.

۳۷۲. جیمز ایگِت

نمایشنامه‌های جرج برناردشا بهایی است که باید به خاطر مقدمه‌هایش بپردازیم.

۳۷۳. برندان بیهان

(وقتی پس از اجرای «گروگان» از برندان بیهان پرسیدند: پیام نمایشنامهٔ شما چه بود؟ در جواب گفت:)

پیام؟ پیام دیگر چه کوفتی است؟ نکند خیال کردید من پستچی‌ام.

۳۷۴. ساميوئل جانسون

بله، ارزش دیدن دارد اما ارزش رفتن و دیدن نه.

۳۷۵. جرج برنارد شا

شما که انتظار ندارید من دربارهٔ نمایشنامه‌ای اظهار نظر کنم که نویسنده‌اش را نمی‌شناسم، دارید؟

* -- *

372. **James Agate**

Shaw's plays are the price we pay for Shaw's prefaces.

373. **Brendan Behan**

(On being asked 'What was the message of your play' after a performance of The Hostage:)

Message? Message? What the hell do you think I am, a bloody postman?

374. **Samuel Johnson**

Worth seeing, yes; but not worth going to see.

375. **George Bernard Shaw**

You don't expect me to know what to say about a play when I don't know who the author is, do you?

۳۷۶. ویلیام شکسپیر

کمدی بس غم‌انگیز و مرگ بسیار دردناک پیراموس و تیزبی.

۳۷۷. اریک مورکامب و ارنی وایز

اریک: هیچ وقت اولین کلماتم را در تئاتر فراموش نمی‌کنم.
ارنی: اولین کلماتت چه بود؟
اریک: از این طرف لطفاً! برنامه!

۳۷۸. اسکار وایلد

(پس از نخستین اجرای بادبزن خانم ویندرمیر)

نمایشنامه موفق بود اما تماشاگران ناموفق از کار درآمدند.

---

376. William Shakespeare

The most lamentable comedy, and most cruel death of Pyramus and Thisby.

377. Eric Morecambe and Ernie Wise

ERIC: I'll never forget the first words I spoke in the theatre.
ERNIE: What were they?
ERIC: 'This way please! Pro - grammes!...'

378. Oscar Wilde

(After the first performance of Lady Windermere's fan)

The play was a great success, but the audience was a total failure.

۳۷۹. وودی آلن

به دلایلِ اقتصادی هم که باشد، ثروت بهتر از فقر است.

۳۸۰. لوگان پیرسال اسمیت

این که آدم فکر کند (همان طور که همهٔ ما فکر می‌کنیم) انسان می‌تواند در عین پولدار بودن مثل پولدارها رفتار نکند، مثل این است که کسی صبح تا شب عرق خوری کند و باز کاملاً هشیار باشد.

۳۸۱. موریس برینگ

اگر می‌خواهی نظر خدا را در مـورد ثروت بدانی کافی است به کسانی که خدا پولدارشان کرده نگاهی بیندازی.

---

*

379. Woody Allen

Money is better than poverty, if only for financial reasons.

380. Logan Pearsall Smith

To suppose, as we all suppose, that we could be rich and not behave as the rich behave, is like supposing that we could drink all day and keep absolutely sober.

381. Maurice Baring

If you would know what the Lord God thinks of money, you have only to look at those to whom he gives it.

۳۸۲. هسکت پیرسون

در جهان هیچ اشتیاقی شدیدتر از اشتیاق ثروتمندان به داشتن عنوان نیست مگر اشتیاق صاحبان عنوان به داشتن ثروت.

۳۸۳. سوفی تاکر

من هم پولدار بوده‌ام هم بی‌پول. پولدار بودن بهتر است.

۳۸۴. ساموئل جانسون

توانگر زیستن به که توانگر مردن.

۳۸۵. پیتر دو وریس

نه، ثروتمندان مثل ما نیستند ـ آنها مالیات کمتری می‌پردازند.

* -- *

382. **Hesketh pearson**

There is no stronger craving in the world than that of the rich for titles, except perhaps that of the titled for riches.

383. **Sophie Tucker**

I've been rich and I've been poor; rich is better.

384. **Samuel Johnson**

It is better to live rich than to die rich.

385. **Peter de Vries**

The Rich aren't like us-they pay less taxes.

۳۸۶. جرج برنارد شا

مندوزا: من راهزنم. با غارت ثروتمندان گذران می‌کنم.
تِنِر: من هم نجیب زاده‌ام. با غارت فقرا زندگی می‌کنم.

۳۸۷. جرج برنارد شا

من میلیونرم. مذهب من این است.

۳۸۸. دبلیو. سی. فیلدز

ثروتمند کسی نیست جز تهیدستی که پول دارد.

۳۸۹. پیتر یوستینوف

گاه آرزو می‌کردم این مرد می‌دانست که فقیر و ندار است، نه آن موجود اعصاب خراب‌کن یعنی پولدار بدون پول.

* -- *

386. George Bernard Shaw

MENDOZA: I am a brigand: I live by robbing the rich.
TENNER: I am a gentleman: I live by robbing the poor.

387. George Bernard Shaw

I am a millionaire. That is my religion

388. W. C. Fields

A rich man is nothing but a poor man with money.

389. Peter Ustinov

I sometimes wished he would realize that he was poor instead of being that most nerve-racking of phenomena, a rich man without money.

۳۹۰. نیل سایمون

جاسوس اول: وقتی آنجا می‌رسی با مردی ملاقات می‌کنی که بارانی سیاه پوشیده. او از تو سراغ الماسها را می‌گیرد.

جاسوس دوم: من هم الماسها را به او می‌دهم؟

جاسوس اول: نه. این کار را نمی‌کنی. او از همه سراغ الماس‌ها را می‌گیرد. بعد تو با یک خوشگل موشرابی رو به رو می‌شوی. الماس‌ها را به او بده.

جاسوس دوم: او کی هست؟

جاسوس اول: خودم.

جاسوس دوم: آهان! پس قیافه‌ات را عوض می‌کنی؟

جاسوس اول: نه! الان قیافه‌ام را عوض کرده‌ام.

* -- *

390. Neil Simon

FIRST SPY: When you arrive you will meet a man in a black trench coat. He will ask you for the diamonds.

SECOND SPY: And I give him the diamonds?

FIRST SPY: No. Don't. He asks everyone for the diamonds. You will then meet a lovely redhead. Give her the diamonds.

SECOND SPY: Who is she?

FIRST SPY: That will be me.

SECOND SPY: Oh, you'll be in disguise?

FIRST SPY: No, I'm in disguise now.

۳۹۱. ارسطو

آنکه قادر به زیستن در جامعه نیست و یا به دلیل خودبسندگی نیازی بدان ندارد یا جانور است یا خدا.

۳۹۲. آلن بِنِت

ما اقدام به تشکیل یک جامعهٔ کوچک آنارشیستی (هرج و مرج‌طلبانه) کردیم اما مردم (متأسفانه) قوانینش را رعایت نکردند.

۳۹۳. ساکی

این روزها تمام آدمهای آبرودار فوق استطاعت خودشان زندگی می‌کنند و تمام بی‌سروپاها فوق استطاعت دیگران.

* -- *

391. Aristotle

He who is unable to live in society, or who has no need because for he is sufficient himself, must be either a beast or a god.

392. Alan Bennett

We started off trying to set up a small anarchist community, but people wouldn't obey the rules.

393. Saki

All decent people live beyond their incomes nowadays, and those who aren't respectable live beyond other people's.

۳۹۴. سامرست موام

مناسبات فرد و اجتماع به بازی رولت می‌ماند. جامعه بانکدار است. افراد گاه می‌برند و گاه می‌بازند؛ اما بُرد همیشگی با بانکدار است.

* -- *

394. W. Somerset Maugham

The relations between the individual and society are like a roulette table. Society is the banker. Individuals sometimes win and sometimes lose: but the banker wins always.

۳۹۵. ادوارد ریس

شهر کوچک: جایی که در آن محلی نیست که نباید بروید.

۳۹۶. ساکی

نشانی (آدرس) برای این است که بتوانیم مخفیگاه خود را پنهان نگاه داریم.

۳۹۷. نوئل کاوارد

نمی‌دانم آخر و عاقبت لندن به کجا خواهد کشید ـ هر قدر ساختمانهایش بالاتر می‌رود اخلاق مردمش پایین‌تر می‌آید.

۳۹۸. آلیور سِنت جان گوگارتی

(وقتی پیشنهاد شد درختهای ساحلِ «لیفی» را قطع کنند آنهم به این علت که آنجا محل کسب و کار روسپیها شده بود)

دیگران در حق درختها گناه می‌کنند آن وقت درختهای بیچاره را قصاص می‌کنند.

* -- *

395. Edward Reis

Definition of a small town: a place in which there is no place to go that you shouldn't.

396. Saki

Addresses are given to us to conceal our whereabouts.

397. Noël Coward

I don't konw what London's coming to – the higher the buildings the lower the morals.

398. Oliver St. John Gogarty

(It had been proposed that the trees lining the banks of the Liffey, against which prostitutes entertained their clients, be cut down:)

Surely the trees are more sinned against than sinning.

۳۹۹. آلیور سِنت جان گوگارتی

لندن دانشگاهی است که تخصص ده میلیون آموزش‌دیدهٔ آن این است که زندگی کنند و بگذارند دیگران هم زندگی کنند.

۴۰۰. دی. اچ. لارنس

سیدنی عین لندن بود بی‌آنکه لندن باشد، بدون آن شکوه قدیمی و زیبایی که لندن را لندن کرده است. این لندنِ نیمکرهٔ جنوبی را گویی ظرف پنج دقیقه به عنوان بدل نمونهٔ اصلی ساخته‌اند، درست همان طور که کرهٔ نباتی را به جای کره می‌سازند.

۴۰۱. ناشناس

خدا بندر را آفرید و خوب کاری کرد، اما لعنت به شیطان که سیدنی را آفرید.

* -- *

399. Oliver St. John Gogarty

London is a university with ten million graduates qualified to live and let live.

400. D. H. Lawrence

(**Sydney**) was all London without being London. Without any of the lovely old glamour that invests London. This London of the Southern hemisphere was all, as it were, made in five minutes, a substitute for the real thing. Just a substitute - as margarine is a substitute for butter.

401. Anonymous

God made the harbour, and that's all right, but Satan made Sydney.

۴۰۲. برتولت برشت

سرقت بانک در قیاس با تأسیس آن چیزی نیست.

۴۰۳. لرد دارلینگ

(زندانی در اعتراض به اینکه در محضر قاضی دارلینگ دزد حرفه‌ای نامیده شده)

زندانی: ما همه‌ش دو مورد دزدی داشتیم، جناب قاضی. هر دو مورد هم دستگیر شدیم.

لرد دارلینگ: کسی هم ادعا نکرده که تو در کارت موفق بوده‌ای.

۴۰۴. آلیور نورت

من توکلم به خدا و یک وکیل خوب است.

* -- *

402. **Bertolt Brecht**

What is robbing a bank compared with founding a bank?

403. **Lord Darling**

(A prisoner before Mr Justice Darling objected to being called 'a professional crook')

PRISONER: I've only done two jobs, and each time I've been nabbed.

LORD DARLING: It has never been suggested that you are successful in your profession.

404. **Oliver North**

I'm trusting in the Lord and a good lawyer.

۴۰۵. بنجامین دیزریلی

هوگو بوهون گفت: «آدم قابل قبول از نظر من کسی است که نظرات مرا قبول داشته باشد.»

۴۰۶. ناشناس

خونسردی‌ات را حفظ کن و بجای جر و بحث با آدم عصبانی جوابش را با ملایمت بده زیرا این دستور کتاب مقدس است. از این گذشته، با این کار بیش از هر چیز دیگری کفر طرف را درمی‌آوری.

* -- *

405. **Benjamin Disraeli**

'My idea of an agreeable person', said Hugo Buhon, 'is a person who agrees with me.'

406. **Anonymous**

Keep your temper. Do not quarrel with an angry person, but give him a soft answer. It is commanded by the Holy Writ and, furthermore, it makes him madder than anything else you could say.

۴۰۷. جیلی کوپر

جلسهٔ اداری مثل کوکتل پارتی است که هم رغبتی به رفتنش ندارید و هم اگر دعوتتان نکنند دلخور می‌شوید.

* -- *

407. Jilly Cooper

Meetings... are rather like cocktail parties. You don't want to go, but you're cross not to be asked.

۴۰۸. بروکس آتکینسون

بعد از هر جنگ دموکراسی کمتری به جا می‌ماند.

۴۰۹. جرج اورول

سریع‌ترین راه پایان دادن به جنگ شکست خوردن است.

۴۱۰. رابرت بایرون

(با احساس خطرِ قدرت گرفتن نازی‌ها)

بر گذرنامه‌ام عنوانِ جنگ طلب را خواهم نوشت.

۴۱۱. جروم راگنی و جیمز رادو

(دربارهٔ جنگ ویتنام)

خدمت سربازی یعنی این که سفیدپوستها، سیاه‌پوستها را به جنگ زردپوستها می‌فرستند تا از این طریق به کشوری خدمت کنند که خودِ سفیدپوستها از سرخ‌پوستها دزدیده‌اند.

* -- *

408. **Brooks Atkinson**

After each war there is a little less democracy to save.

409. **George Orwell**

The quickest way of ending a war is to lose it.

410. **Robert Byron**

(On becoming aware of the Nazi threat:)

I shall put warmonger on my passport.

411. **Gerome Ragni** and **James Rado**

(On Vietnam's War)

The draft is white people sending black people to fight yellow people to protect the country they stole from red people.

۴۱۲. آرتور شلزینگر

همهٔ جنگها در سی روز اول پرطرفدارند.

۴۱۳. ژرژ کلمانسو

جنگ کردن آسان‌تر از صلح کردن است.

۴۱۴. جان اِف. کندی

انسان باید کار جنگ را یکسره کند و گرنه جنگ کار او را یکسره خواهد کرد.

۴۱۵. امرالد کونارد

(هنگام بمباران لندن)

با تلفن و شکسپیر زیر میز بودم.

* -- *

412. Arthur Schlesinger

All wars are popular for the first thirty days.

413. George Clemenceau

It is easier to make war than to make peace.

414. John F. Kennedy

Mankind must put an end to war or war will put an end to mankind.

415. Emerald Cunard

(When Park Lone was bombed:)

I was under the table with the telephone and Shakespeare.

۴۱۶. فران لابوویتس

نخستین گام به سوی پیروزی در هر جنگ متقاعد کردن مردم به جنگیدن است.

۴۱۷. میرابو

جنگ صنعت ملی پروس است.

۴۱۸. هربرت هوور (سی و یکمین رئیس جمهور آمریکا)

اعلان جنگ با سن و سال‌دارهاست. جنگیدن و کشته شدن با جوانها.

* -- *

416. **Fran Labowitz**

The first step in having any successful war is getting people to fight.

417. **Comte de Mirabeau**

War is the national industry of Prussia.

418. **Herbert Hoover**

Older men declare war. But it is youth who must fight and die.

۴۱۹. سیریل اسکات

زندگی کولی‌وار به سرخک می‌ماند که باید در جوانی از سر گذراند.

۴۲۰. لوگان پیرسال اسمیت

کدام نغمه فرح بخش‌تر از صدای جوانان است آنگاه که نمی‌شنوید چه می‌گویند؟

۴۲۱. مارک تواین

زندگی بی‌اندازه خوشتر می‌گذشت اگر در هشتاد سالگی به دنیا می‌آمدیم و خوش خوشک به هیجده سالگی می‌رسیدیم.

۴۲۲. جرج برنارد شا

کاری که جوانها می‌توانند در حق پیران انجام بدهند این است که آنها را تکانشان بدهند تا پا به پای روز حرکت کنند.

* -- *

419. Cyril Scott

Bohemianism is like measles; it is something you should get over young.

420. Logan Pearsall Smith

What music is more enchanting than the voices of young people, when you can't hear what they say?

421. Mark Twain

Life would be infinitely happier if we could only be born at the age of eighty and gradually approach eighteen.

422. George Bernard Shaw

It's all that the young can do for the old, to shock them and keep them up to date.

۴۲۳. ویلیام فِدِر

مرد پنجاه ساله در چشم دختری بیست ساله همان قدر جوان است که بابانوئل!

۴۲۴. فرستنده: **اِس. میلر**

جوانی: پنجاه سال اوّلِ زندگی خودتان و بیست سالِ اول زندگی دیگران.

۴۲۵. اسکار وایلد

برای بازیافتن جوانی‌ام هر کار بگویید حاضرم بکنم. جز ورزش کردن، صبح زود از خواب برخاستن و عضو مفیدی برای جامعه بودن.

* -- *

423. William Feather

A man of fifty looks as old as Santa Claus to a girl of twenty!

424. Contributed by S. Miller

Youth - the first 50 years of your life, the first 20 of anyone else's.

425. Oscar Wilde

To win back my youth ... there is nothing I wouldn't do - except take exercise, get up early, or be a useful member of the community.

۴۲۶. منسوب به: **اِی. جِی. آیر**
اگر این قدر باهوش نبودم شغل ساده‌تری انتخاب می‌کردم مثل راه انداختن انتشارات. ساده‌ترین کاری که به فکرم می‌رسد همین است.

۴۲۷. ساميوئل باتلر
من از ناشرانم آن‌قدر چیزها دیده‌ام که حالا بفهمم ناشر جماعت چیزی از ادبیات سرشان نمی‌شود. جز اینکه سفت و سخت به این عقیده چسبیده‌اند که از نظر کاسبی با آن می‌شود به نوایی رسید.

۴۲۸. جی. اِم. باری
اوضاع و احوال با زمانی که نویسنده‌ای به خاطر قتلِ ناشرش اعدام شد فرق کرده. می‌گویند وقتی نویسنده‌ای روی سکوی اعدام ایستاده بود با کشیش و خبرنگاران وداع کرد. آن وقت چشمش به چند تا ناشر افتاد که آن پایین در صف اول نشسته بودند، با آنها خداحافظی نکرد. در عوض گفت: «به امید دیدار!»

* -- *

426. **A. J. Ayer**: attributed
If I had been someone not very clever, I would have done an easier job like publishing. That's the easiest job I can think of.

427. **Samuel Butler**
I have seen enough of my publishers to know that they have no ideas of their own about literature save what they can clutch at as believing it to be a straight tip from a business point of view.

428. **J. M. Barrie**
Times have changed since a certain author was executed for murduring his publisher. They say that when the author was on the scaffold he said goodbye to the minister and to the reporters, and then he saw some publishers sitting in the front row below, and to them he did not say goodbye. He said instead, 'I'll see you later.'

۴۲۹. اس. جی. پرلمان

نویسندگان از نظر ناشران آدم‌هایی پرافاده، حقیر و خام و تحمل‌ناپذیرند. بنابراین بی‌فایده است که بخواهید با آن‌ها از در عقل و منطق وارد شوید یا برای‌شان ثابت کنید که شمای نویسنده برای خود عزت و احترامی قائلید و تنها انتظاری که از آن‌ها دارید عرضه کردن کتابتان است و این کاری است که آن‌ها غالباً با هیچ معیار تجاری صلاحیت انجام آن را ندارند.

۴۳۰. مایکل جوزف

با نویسنده جماعت نمی‌توانید یا حداقل نباید جر و بحث کنید. بیشترشان مثل بچه‌ها هستند که زود اشکشان به لبخند مبدل می‌شود. فقط باید راهش را بلد باشید.

* -- *

429. S. J. Perelman

Publishers regard writers as vain, petty, juvenile, and thoroughly impossible ... So there's no use in attempting to be reasonable with them, or trying to prove that you, as a writer, are a person with a sense of dignity who's merely interested in their merchandising your work, a job they frequently aren't equipped to do by any business standards.

430. Michael Joseph

You cannot or at least you should not try to argue with authors. Too many are like children whose tears can suddenly be changed to smiles if they are handled in the right way.

۴۳۱. توماس کامبل

(توماس کامبل در خلال یک ضیافت ادبی در دوران جنگ‌های ناپلئون لیوانش را به سلامتی ناپلئون بالا برد و در توضیح آن گفت:)

اشتباه نکنید آقایان. من قبول دارم که امپراتور فرانسه مستبد است. قبول دارم که هیولاست و می‌پذیرم که او دشمن سوگندخوردهٔ ملت و بلکه تمام نژاد بشر است. اما آقایان محترم، بیایید در حق دشمن بزرگمان منصف باشیم. فراموش نکنیم که ناپلئون یک‌بار کتابفروشی را با تیر زده است.

۴۳۲. گراهام گرین

(پس از اینکه ناشر آمریکاییِ گراهام گرین در مورد کتاب «سفرهای من و عمه‌ام» پیام زیر را مخابره کرد: «عالی است اما عنوان کتاب باید عوض شود»:)

لازم نیست عنوان کتاب عوض شود. عوض کردن ناشر راحت‌تر است.

۴۳۳. اسکار وایلد

به گمان من ناشر جماعت غیرقابل اعتمادند. از قیافه‌شان پیداست.

* -- *

431. Thomas Campbell

(At a literary dinner during the Napoleonic Wars, Thomas Campbell proposed a toast to Napoleon:)

Gentlemen, you must not mistake me. I admit that the French Emperor is a tyrant. I admit he is a monster. I admit that he is the sworn foe of our nation, and, if you will, of the whole human race. But, gentlemen , we must be just to our great enemy. We must not forget that he once shot a bookseller.

432. Graham Greene

(telegram to his American publishers in 1958.)

(On being sent the manuscript of Travels With My Aunt, Greene's American publishers had cabled, 'Terrific book, but we'll need to change the title':)

No need to change title. Easier to change publishers.

433. Oscar Wilde

I suppose publishers are untrustworthy. They certainly always look.

۴۳۴. پی. جی. وودهاوس

کار ناشر این است که گاه‌به‌گاه چکی را امضاء کند. حال آنکه کارهای اصلی را یک عده آدم لایق و زحمتکش دوروبرش انجام می‌دهند.

۴۳۵. جی. ام. یانگ

کتاب چاپ کردن در انتشارات دانشگاه آکسفورد مثل ازدواج کردن با دوشس‌ها است که بیشتر افتخار به همراه دارد تا لذت.

* -- *

434. P. G. Woodehouse

All a publisher has to do is write cheques at intervals, while a lot of deserving and industrious chappies rally round and do the real work.

435. G. M. Young

Being published by the Oxford University Press is rather like being married to a duchess: the honour is almost greater than the pleasure.

۴۳۶. رابرت لوئیس استیونسون
حافظهٔ من برای فراموش کردن معرکه است.

۴۳۷. اریک مروکام و ارنی وایز
اریک: خانمم حافظه‌اش افتضاحه.
ارنی: راستی؟
اریک: آره، جون تو. محاله چیزی رو فراموش کنه.

* -- *

436. **Robert Louis Stevenson**
I've a grand memory for forgetting, David.

437. **Eric Morecambe** and **Ernie Wise**
ERIC: My wife's got a terrible memory.
ERNIE: Really?
ERIC: Yes, she never forgets a thing.

۴۳۸. جرج برنارد شا

هر حرفه توطئه‌ای است بر ضد آدمهای غیرحرفه‌ای.

۴۳۹. جان کلیس، گراهام چاپمن، تری جونز، مایکل پالین و اریک آیدل

... گزارش مربوط به شما اینجا نشان می‌دهد که شما شخص بسیار کسل‌کننده‌ای هستید. کارشناسان ما از شما به عنوان فردی شدیداً خرف، فاقد تخیل، ترسو، بی‌جربزه، دنباله‌رو، ملال‌آور و بی‌ذوق و به نحو لاعلاجی خشک و بدعنق یاد می‌کنند. هر چند این خصوصیات برای بسیاری از مشاغل نقطهٔ ضعف به حساب می‌آیند، در شغل حسابداری مزیت محسوب می‌شوند.

* -- *

438. George Bernard Shaw

All professions are conspiracies against the laity.

439. John Cleese, Graham Chapman, Terry Jones, Michael Palin and **Eric Idle**

In your report here, it says that you are an extremely dull person. Our experts describe you as an appallingly dull fellow, unimaginative, timid, spineless, easily dominated, no sense of humour, tedious, comparnty and irrepressibly drab and awful. And whereas in most professions these would be considered drawbacks, in accountancy they are a positive boon.

۴۴۰. رابرت اچ. جکسون

هر وقت از مسند قضاوت سؤالی به گوش می‌رسد خوشحال می‌شوم زیرا همین خود دلیل روشنی است بر اینکه قاضی بیدار است.

۴۴۱. ویلیام شکسپیر

بیایید پیش از هر کاری وکیلان را سر به نیست کنیم.

۴۴۲. منسوب به: **رابرت فراست**

هیأت منصفه دوازده نفرند و برای این انتخاب می‌شوند تا تعیین کنند چه کسی وکیل بهتری دارد.

۴۴۳. روی ام. کوهن

من نمی‌خواهم بدانم قانون چیست. می‌خواهم بدانم قاضی کیست.

* -- *

440. **Robert H. Jackson**

I always feel that there should be some comfort derived from any question from the bench. It is clear proof that the inquiring Justice is not asleep.

441. **William Shakespeare**

The first thing we do, let's kill all the lawyers.

442. **Robert Frost:** attributed

A jury consists of twelve persons chosen to decide who has the better lawyer.

443. **Roy M. Cohn**

I don't want to know what the law is, I want to know who the judge is.

۴۴۴. فران لبوویتس

اگر می‌خواهی در زندگی پیشرفت کنی وکیل خوبی پیدا کن ـ نه کتاب خوبی!

۴۴۵. اچ. ال. مِنکن

دادگاه مکانی است که در آن عیسی مسیح و یهودای اسخریوطی دوش به دوش هم قرار می‌گیرند و شانسِ بُرد با یهوداست.

۴۴۶. مولیر

اینجا (در پاریس) اول آدم را دار می‌زنند بعد محاکمه می‌کنند.

* -- *

444. Fran Lebowitz

If you want to get ahead in this world get a lawyer - not a book!

445. H. L. Mencken

Courtroom - A place where Jesus Christ and Judas Iscariot would be equals, with the betting odds in favour of Judas.

446. Moliére

Here (**in Paris**) they hang a man first, and try him afterwards.

۴۴۷. ارسطو

افلاطون برایم عزیز است اما حقیقت عزیزتر از افلاطون است.

۴۴۸. رابرت لوئیس استیونسون

بی‌رحمانه‌ترین دروغها اغلب با سکوت گفته می‌شود.

۴۴۹. رالف والدو امرسون

هر قدر او با صدای بلندتر از شرافتش دم می‌زد ما سریعتر قاشقهامان را می‌شمردیم.

۴۵۰. ژرژ براک

حقیقت خودش وجود دارد. دروغ است که ساخته می‌شود.

* -- *

447. **Aristotle**

Plato is dear to me, but dearer still is truth.

448. **Robert Louis Stevenson**

The cruellest lies are often told in silence.

449. **Ralph Waldo Emerson**

The louder he talked of his honour, the faster we counted our spoons.

450. **George Braque**

Truth exists; only lies are invented.

۴۵۱. فرستنده: اس.سی.بریتل

در این دنیا دو دسته آدم وجود دارد: آدمهایی که حق با آنهاست و آدمهایی که حق با آنها نیست. در این میان آدمهای برحق هستند که تعیین می‌کنند حق با چه کسانی نیست.

۴۵۲. هاری اس. ترومن

(دربارهٔ ریچارد نیکسون)

گمان نمی‌کنم این حرامزاده فرق بین راست و دروغ حالیش باشد.

۴۵۳. وِرا جانسون

در همه چیز جانبِ اعتدال را نگاه دار، حتی در بیان حقیقت.

۴۵۴. خلیل جبران

اغراق حقیقتی است از کوره در رفته.

* -- *

451. **Contributed by S. C. Brittle**

In this world there are the righteous and unrighteous. It is the righteous who decide who are the unrighteous.

452. **Harry S. Truman**

I don't think the son of a bitch knows the difference between telling the truth and lying.

453. **Vera Johnson**

There's such a thing as moderation, even in telling the truth.

454. **Khalil Gibran**

An exaggeration is a truth that has lost its temper.

۴۵۵. جروم کی. جروم

هیچ چیز بهتر از راستگویی نیست مگر اینکه دروغگوی کارکشته‌ای باشید.

۴۵۶. منسوب به: **بنجامین دیزریلی**

دروغ بر سه نوع است: دروغ، دروغ شاخدار و آمار.

۴۵۷. سقراط

اما ای آگاتون عزیز، بدان که مخالفت با سقراط به هیچ روی مشکل نیست. آنچه مخالفت برنمی‌دارد حقیقت است.

۴۵۸. آلجرنون سیدنی

آدم دروغگو باید حافظهٔ خوبی داشته باشد.

* -- *

455. **Jerome K. Jerome**

It is always the best policy to speak the truth - unless, of course, you are an exceptionally good liar.

456. **Benjamin Disraeli:** attributed

There are three kinds of lies: lies, damned lies and statistics.

457. **Socrates**

But, my dearest Agathon, it is truth which you cannot contradict; you can without any difficulty contradict Socrates.

458. **Algernon Sidney**

Liars ought to have good memories.

۴۵۹. جرج برنارد شا
تمام حقایق بزرگ در آغاز توهین به مقدسات تلقی می‌شوند.

۴۶۰. ضرب المثل یهودی
نصف حقیقت دروغ کامل است.

۴۶۱. جان پنت لند ماهافی
هیچ وقت ماجرایی را به صرف راست بودنش تعریف نکن. اگر ماجرای جالبی بود نقلش کن.

۴۶۲. بت میدلر
هیچ وقت نمی‌فهمم از حرفهایی که می‌زنم چقدرش راست است.

* -- *

459. **George Bernard Shaw**
All great truths begin as blasphemies.

460. **Jewish Proverb**
A half truth is a whole lie.

461. **John Pentland Mahaffy**
Never tell a story because it is true: tell it because it is a good story.

462. **Bette Midler**
I never know how much of what I say is true.

۴۶۳. اسکار وایلد

وقتی حقیقت را می‌گویی باید مطمئن باشی که دیر یا زود مچت باز می‌شود.

۴۶۴. اسکار وایلد

حقیقت به ندرت خالص است و هیچ گاه هم ساده نیست. اگر یکی از این دو بود زندگی امروزی بسیار کسل کننده و ادبیات امروزی کاملاً ناممکن می‌شد.

۴۶۵. ریچارد ویلبر

گاو جهان را می‌دوشیم و در همان حال در گوشش زمزمه می‌کنیم: «تو حقیقت نداری.»

* -- *

463. Oscar Wilde

If one tells the truth, one is sure, sooner or later, to be found out.

464. Oscar Wilde

The truth is rarely pure and never simple. Modern life would be very tedious if it were either, and modern literature a complete impssibility.

465. Richard Wilbur

We milk the cow of the world, and as we do we whisper in her ear, 'You are not true'.

۴۶۶. دین آچسون

اولین شرط برای دولتمرد بودن خنگ بودن است.

۴۶۷. کنت آکسنس‌تی‌یرنا

مگر نمی‌دانی فرزندم، که دنیا با چه اندک مایه‌ای از خرد اداره می‌شود؟

۴۶۸. آی. اِف. استون

حکومتها همه در دست دروغگویان است؛ پس به هیچ یک از سخنانشان نباید دل بست.

۴۶۹. ادوارد اِوِرت هِیل (روحانی امریکایی)

- دکتر هیل، آیا برای سناتورها دعا می‌کنید؟

- خیر. با این سناتورهایی که من می‌بینم، برای مملکت دعا می‌کنم.

---

466. Dean Acheson

The first requirement of a statesman is that he be dull.

467. Count Oxenstierna

Dost thou not know, my son, with how little wisdom the world is governed?

468. I. F. Stone

Every government is run by liars and nothing they say should be believed.

469. Edward Everett Hale

'Do you pray for the senators, Dr Hale?' 'No, I look at the senators and I pray for the country.'

۴۷۰. هنری وارد بیچر

از هرج و مرج که بگذریم، بدترین چیز عالم حکومت است.

۴۷۱. شارل دوگل

چگونه می‌توان بر کشوری حکومت کرد که ۲۴۶ نوع پنیر دارد؟

۴۷۲. سی.اچ. سیسون

اینجا مستخدم دولت خفته است، کسی که خدمت می‌کرد و در خدمت شیطان بود.

۴۷۳. جرج برنارد شا

حکومتی که جیب پیتر را می‌زند و در جیب پل می‌گذارد همیشه می‌تواند به پل پشتگرم باشد.

* -- *

470. **Henry Ward Beecher**

The worst thing in this world, next to anarchy, is government.

471. **Charles de Gaulle**

How can you govern a country which has 246 varieties of cheese?

472. **C. H. Sisson**

Here lies a civil servant. He was civil
To everyone and servant to the devil.

473. **George Bernard Shaw**

A government which robs Peter to pay Paul can always depend on the support of Paul.

۴۷۴. هارولد مک میلان

بعد از یک عمر حالا به این نتیجه رسیده‌ام که هیأت حاکمه هر وقت متحد می‌شود اشتباه می‌کند.

۴۷۵. ولتر

حکومتها هم به چوپان نیازمندند هم به سلّاخ.

---

474. Harold Macmillan

After a long life I have come to the conclusion that when all the Establishment is united it is always wrong.

475. Voltaire

Governments need both shepherds and butchers.

۴۷۶. فرستنده: **دبلیو. اچ. بورن**

بعضی آدمها چیزی در چنته ندارند اما برای فهمیدن همین مطلب باید مدتها به حرفشان گوش بدهید.

۴۷۷. ویل راجرز

همهٔ آدمها نادان‌اند. نهایت اینکه هر کسی در چیز متفاوتی نادان است.

* -- *

476. **Contributed by W. H. Boorne**

Some people have little to say, but you have to listen a long time to find out.

477. **Will Rogers**

You know everybody is ignorant, only on different subjects.

۴۷۸. مادام دو سیوینیه

هرچه بیشتر مردها را می‌شناسم، قدر سگها را بیشتر می‌دانم.

۴۷۹. توماس فولر

خر اگر به سفر هم برود وقتی برمی‌گردد باز خر است نه اسب.[۷]

۴۸۰. ناشناس (فرانسوی)

چه حیوان بدی! وقتی بهش حمله می کنی از خودش دفاع می‌کند.

۴۸۱. بیل وان

امیدوارم وقتی حشرات دنیا را گرفتند با حق‌شناسی به یاد بیاورند که ما در تمام گردشهایمان آنها را همراه خود می‌بردیم.

* -- *

478. **Mme de Sevigne**

The more I see of men, the more I admire dogs.

479. **Thomas Fuller**

If an ass goes travelling, he'll not come back a horse.

480. **Anon. French**

This animal is very bad; when attacked it defends itself.

481. **Bill Vaughan**

We hope that when the insects take over the world they will remember with gratitude how we took them along on all our picnics.

۴۸۲. سوُ تاون سند

به امید اینکه زندگی‌ام چنگی به دل بزند تصمیم گرفته‌ام خاطراتم را بنویسم، بلکه زندگی‌ام روی کاغذ جالب‌تر جلوه کند.

* -- *

482. Sue Townsend

I have decided to keep a full journal, in the hope that my life will perhaps seem more interesting when it is written down.

۴۸۳. پی. جِی. اورورک

رسم و راه تربیت بچه را همه می‌دانند جز آدمهای بچه‌دار.

۴۸۴. اسکار وایلد

بعد از صرفِ یک شام خوب انسان از تقصیر هر کسی می‌تواند بگذرد حتی از سر تقصیرات قوم و خویشهایش.

* -- *

483. P. J. O'rourke

Everybody knows how to raise children, except the people who have them.

484. Oscar Wilde

After a good dinner one can forgive anybody, even one's own relations.

۴۸۵. پی. جِی. اورورک

خانه‌داری به اندازهٔ کار در معدن زغال سنگ کثیف و نامطبوع است، اما دستمزدش پایین‌تر است.

۴۸۶. جیمز تاد

شوهر با عصبانیت به زنش: این گردوخاک روی میز را چکارش کردی؟ من یک شماره تلفن روش نوشته بودم!

۴۸۷. فیلیس دیلر

تمیز کردن خانه پیش از بزرگ شدن بچه‌ها مثلِ تمیز کردن راه است پیش از بند آمدن برف.

* -- *

485. P. J. O'Rourke

Keeping house is as unpleasant and filthy as coal mining, and the pay's a lot worse.

486. James Tod

HUSBAND SCOLDING WIFE: 'where's the dust on this table? I had a phone number written on it!'

487. Phyllis Diller

Cleaning your house while your kids are still growing is like shoveling the walk before it stops snowing.

۴۸۸. جون ریورز

از خانه‌داری بیزارم! می‌آیی رختخوابها را مرتب می‌کنی، ظرفها را می‌شویی، آن وقت شش ماه بعد دوباره باید همهٔ این کارها را از نو شروع کنی.

۴۸۹. جرج برنارد شا

بزرگترین امتیاز هتل این است که انسان می‌تواند از زندگی خانوادگی به آنجا پناه ببرد.

۴۹۰. خانم پاتریک کامبل

می‌گویند کاغذ توالت خانه تمام شده. حالا چه طور از من انتظار دارید هم به فکر کاغذ توالت باشم و هم نقش رمانتیک بازی کنم؟

* -- *

488. Joan Rivers

I hate housework! You make the beds, you do the dishes, and six months later you have to start all over again.

489. George Bernard Shaw

The great advantage of a hotel is that it's a refuge from home life.

490. Mrs. Patrick Campbell

They tell me there is no more toilet paper in the house. How can I be expected to act a romantic part and remember to order toilet paper?

۴۹۱. پی. جی. اورورک

جنگ خلیج نخستین جنگی است که به صورت زنده از تلویزیون پخش می‌شود. از این گذشته اولین جنگی است که روزنامه‌نگاران اخبار آن را در حالت هشیاری گزارش می‌کنند.

۴۹۲. آدولف اِس. اوکس

وقتی روزنامه‌های دیگر شرح یک جنایت سکسی را چاپ می‌کنند اسمش هرزه‌نگاری است اما اگر همین مطلب را روزنامهٔ نیویورک تایمز چاپ کند اسمش می‌شود تحقیق جامعه‌شناختی!

۴۹۳. جان بی. بوگارت

این که سگی آدمی را گاز گرفته باشد، خبر نیست چون از این اتفاقها زیاد می‌افتد. اما اگر آدمی سگی را گاز گرفت، این خبر است.

* -- *

491. **P. J. O'Rourke**

Not only is this (the Gulf War) the first live televised war, it's also the first war ever covered by sober journalists.

492. **Adolph S. Ochs**

If a newspaper prints a sex crime, it is smut: but when the New York Times prints it, it is a sociological study!

493. **John B. Bogart**

When a dog bites a man, that is not news, because it happens so often. But if a man bites a dog, that is news.

۴۹۴. جِی. بی. پریستلی

بیشتر به یک آدم محترم شبیه است تا روزنامه‌نگار.

۴۹۵. مارک تواین

برای حمایت از آزادیِ روزنامه‌ها قانون وضع کرده‌اند حال آنکه برای حمایت از مردم در مقابل روزنامه‌ها کسی قانونِ به‌درد بخوری وضع نکرده.

۴۹۶. لرد توماس آو فلیت

بخشی از رسالت اجتماعی هر روزنامهٔ بزرگ این است که برای فوجی از جک و جانورهای حقوق بگیر مسکن و مأوا فراهم کند.

* -- *

494. J. B. Priestley

More like a gentleman than a journalist.

495. Mark Twain

There are laws to protect the freedom of the press's speech, but none that are worth anything to protect the people from the press.

496. Lord Thomas of Fleet

It is part of the social mission of every great newspaper to provide a refuge and a home for the largest possible number of salaried eccentrics.

۴۹۷. کلاد کوکبرن

(کلاد کوکبرن گفته است که به خاطر عنوانِ خبری زیر جایزهٔ اول بی‌روح‌ترین عنوان در مسابقهٔ روزنامهٔ تایمز را از آن خود کرده است:)

وقوع زلزلهٔ خفیف با تلفات اندک در شیلی.

۴۹۸. الکساندر کوکبرن

پیش‌داوری‌های موجود را نفی نکنید. تأییدشان کنید. این است قانون اول روزنامه‌نگاری.

۴۹۹. یهودی منوحین

هر وقت روزنامه‌ای می‌بینم یاد درختهای بیچاره می‌افتم که تا درخت هستند زیبایی و سایه و سرپناه نثار ما می‌کنند اما وقتی به صورت کاغذ روزنامه درمی‌آیند فقط آشغال تحویل می‌دهند.

* -- *

497. Claud Cockburn

(The words with which Cockburn claimed to have won a competiton at The Times for the dullest headline:)

Small earthquake in Chile. Not many dead.

498. Alexander Cockburn

The first law of journalism - to confirm existing prejudice rather than contradict it.

499. Yehudi Menuhin

Whenever I see a newspaper I think of the poor trees. As trees they provide beauty, shade and shelter. But as paper all they provide is rubbish.

۵۰۰. هارولد نیکلسون

(وقتی از طرف روزنامهٔ ساندی اکسپرس تلفنی از وی پرسیدند بزرگترین آرزویش برای سال ۱۹۵۶ چیست:)

بزرگترین آرزویم این است که وقتی سرگرم کار هستم از ساندی اکسپرس به من تلفن نزنند.

۵۰۱. اسکاروایلد

(فرق میان روزنامه‌ها و ادبیات)

روزنامه‌ها خواندنی نیستند و ادبیات خوانده نمی‌شود.

* -- *

500. **Harold Nicolson**

(On being telephoned by the Sunday Express to ask what was his main wish for 1956:)

Not to be telephoned by the Sunday Express when I am busy.

501. **Oscar Wilde**

(The difference between journalism and literature:)

Journalism is unreadable, and literature is not read.

۵۰۲. ساميوئل باتلر

(در دفاع از ابلیس:)

فراموش نکنیم که ما به سخنان یک طرف دعوا گوش داده‌ایم. آخر کتابهای آسمانی را خدا نازل کرده است.

۵۰۳. پیتر بارنز

کلر: از کجا می‌دانی خدا هستی؟

ارلِ گورنی: (مدعیِ خدایی) خیلی ساده است. وقتی با او راز و نیاز می‌کنم می‌بینم دارم با خودم حرف می‌زنم.

۵۰۴. دانته گابریل روستی

بدترین لحظه برای آدم ملحد زمانی است که واقعاً می‌خواهد سپاس‌گزاری کند اما نمی‌داند از کی.

* -- *

502. Samuel Butler

(An apology for the Devil:)

It must be remembered that we have only heard one side of the case. God has written all the books.

503. Peter Barnes

CLAIRE: How do you know you're...God?

EARL OF GURNEY: Simple. When I pray to Him I find I'm talking to myself.

504. Dante Gabriel Rossetti

The worst moment for the atheist is when he is really thankful, and has nobody to thank.

۵۰۵. توماس شَش

وقتی با خدا حرف می‌زنی اسمش راز و نیاز است اما اگر خدا با تو حرف بزند می‌گویند دچار دوگانگی (اسکیزوفرِنی) شده‌ای.

۵۰۶. فردریش کلوپستاک

زمانی من و خدا هر دو می‌دانستیم معنایش چیست. حالا فقط خدا می‌داند.

۵۰۷. ناشناس

خدایا، اگر وجود داری، روح مرا، اگر وجود دارد نجات ده!

۵۰۸. آرتور هیوکلاف

تو باید یک خدا داشته باشی. کیست که بتواند با دو خدا طرف شود؟

* --- *

505. **Thomas Szasz**

If you talk to God, you are praying; if God talks to you, you have schizophrenia.

506. **Friedrich Klopstock**

God and I both knew what it meant once; now God alone knows.

507. **Anonymous**

O God, if there be a God, save my soul, if I have a soul!

508. **Arthur Hugh Clough**

Thou shalt have one God only; who would be at the expense of two?

۵۰۹. ساميوئل جانسون

حقوق بازنشستگی: پولی که به مزدبگیر دولتی در ازای خیانت به کشورش پرداخت می‌شود.

* -- *

509. Samuel Johnson

Pension: Pay given to a state hireling for treason to his country.

۵۱۰. رابرت لوئیس استیونسون
آن که عجله می‌کارد سوء هاضمه می‌درود.

۵۱۱. پُل الوار
ما در درجات مختلف به جوش می‌آییم.

۵۱۲. رونالد ریگان
از اسمارتیز خوردن یک آدم هم می‌شود به خیلی چیزها دربارهٔ شخصیتش پی برد.

۵۱۳. جرج برنارد شا
هر قدر انسان از چیزهای بیشتری شرمنده باشد بیشتر قابل احترام است.

۵۱۴. ویلیام شکسپیر
به صندلی آرایشگران می‌ماند که با هر نشیمنگاهی سازگار است.

* -- *

510. **Robert Louis Stevenson**
He sows hurry and reaps indigestion.

511. **Paul Èluard**
We boil at different degrees.

512. **Ronald Reagan**
You can tell a lot about a fellow's character by his way of eating jellybeans.

513. **George Bernard Shaw**
The more things a man is ashamed of, the more respectable he is.

514. **William Shakespeare**
It is like a barber's chair that fits all buttocks.

۵۱۵. رابرت فراست

دنیا پر از آدمهای مصمم است. عده‌ای تصمیم می‌گیرند کار کنند و عده‌ای هم تصمیم می‌گیرند بگذارند آنها کار کنند.

۵۱۶. جرج گروسمیت و ویدون

ساکت و باوقار از اتاق بیرون می‌رفتم که دم در پایم به پادری گرفت.

۵۱۷. گوته

بی‌شتاب اما بی‌قرار باش.

۵۱۸. تام ماسون

"خودت باش!" شاید بدترین پندی باشد که به بعضیها می‌توان داد.

* -- *

515. **Robert Frost**

The world is full of willing people; some willing to work, the rest willing to let them.

516. **George Grossmith** and **weedon**

I left the room with silent dignity, but caught my foot in the mat.

517. **Johann Wolfgang von Goethe**

Without haste, but without rest.

518. **Tom Masson**

Be yourself is about the worst advice you can give to some people.

۵۱۹. ویلیام مک فی
جهان به کام کسی است که پرشور است و خونسرد.

۵۲۰. ناشناس
او وقتی از تمام راههای دیگر مأیوس می‌شد، هرگز از جستجوی راه حل مسالمت‌آمیز سرباز نمی‌زد.

۵۲۱. اسکار وایلد
متأسفانه طبیعت او از آن طبیعتهای ضعیف است که از هیچ چیز تأثیر نمی‌پذیرند.

۵۲۲. اسکار وایلد
سسیل گراهام: بدبین چه کسی است؟
لرد دارلینگتون: بدبین کسی است که قیمت هر چیز را می‌داند ولی ارزش هر چیز را نه.

* -- *

519. **Williame Mc Fee**
The world belongs to the enthusiast who keeps cool.

520. **Anonymous**
He never failed to seek a peaceful solution of a problem when all other possibilities had failed.

521. **Oscar Wilde**
I am afraid that he has one of those terribly weak natures that are not susceptible to influence.

522. **Oscar Wilde**
CECIL GRAHAM: What is a cynic?
LORD DARLINGTON: A man who konws the price of everything and the value of nothing.

۵۲۳. آلن ایکبورن

یک نحلهٔ فکری هست که خواب را مخصوص شب می‌داند. این طور که پیداست تو (امشب) می‌خواهی این نظریه را باطل کنی.

۵۲۴. ماکس بیربوم

از مصیبت‌های صبحگاهی کسانی هستند که با اصرار و ابرام می‌خواهند سر میز صبحانه خوابهایی را که دیده‌اند تعریف کنند.

۵۲۵. مارک تواین

معلوم نیست چرا آدمهایی که خرناس می کشند صدای خرناس خودشان را نمی‌شنوند.

* -- *

523. Alan Ayckbourn

There is a school of thought that believes that sleep is for the night. You seem to be out to disprove them.

524. Max Beerbohm

People who insist on telling their dreams are among the terrors of the breakfast table.

525. Mark Twain

There ain't no way to find out why a snorer can't hear himself snore.

۵۲۶. وودی آلن

من یک دورهٔ تندخوانی گذرانده‌ام و یاد گرفته‌ام چه طور در یک چشم به هم زدن یک صفحه را بخوانم. «جنگ و صلح» تولستوی را به همین طریق ظرف ۲۰ دقیقه خواندم: دربارهٔ روسیه است.

۵۲۷. لوگان پیرسال اسمیت

مردم می‌گویند مهم زندگی است اما من مطالعه را ترجیح می‌دهم.

۵۲۸. برتراند راسل

انگیزهٔ کتاب خواندن دو چیز است: یکی لذت بردن، دیگری فخر فروختن.

* -- *

526. **Woody Allen**

I took a course in speed reading, learning to read straight down the middle of the page, and was able to read 'War and Peace' in 20 minutes. It's about Russia.

527. **Logan Pearsall Smith**

People say that life is the thing, but I prefer reading.

528. **Bertrand Russell**

There are two motives for reading a book; one, that you enjoy it; the other, that you can boast about it.

۵۲۹. آنتونی ایدن

تجربهٔ دراز مدت به من آموخته که در معرض انتقاد قرارگرفتن همیشه دلیل بر خطا بودن نیست.

۵۳۰. کِنِت تامپسون

وقتی سوار چرخ و فلک شدی چاره‌ای جز چرخیدن نداری.

۵۳۱. اِلنور روزولت

تا خودتان نخواهید هیچ کس نمی‌تواند تحقیرتان کند.

* -- *

529. **Anthony Eden**

Long experience has taught me that to be criticized is not always to be wrong.

530. **Kent Thompson**

If you're on the merry-go-round, you have to go round.

531. **Eleanor Roozevelt**

No one can make you feel inferior without your consent.

۵۳۲. فرانسوا دوک دو لا روشفوکو
به ضعفهای کوچکمان اعتراف می‌کنیم تا مردم باورشان بشود که ضعفهای بزرگ نداریم.

۵۳۳. جین ریس
من یک پادری‌ام در دنیای چکمه‌ها.

۵۳۴. جین کارلایل (همسر توماس کارلایل)
من ابداً آن آدمی که من و تو خیال می‌کردیم نیستم.

۵۳۵. سیریل کانولی
همهٔ ما محکوم به حبس ابد در سیاهچال خویشتن‌ایم.

* -- *

532. François Duc de La Rochefoucauld
We only confess our little faults to persuade people that we have no large ones.

533. Jean Rhys
(I am) a doormat in a world of boots.

534. Jane Carlyle
I am not at all the sort of person you and I took me for.

535. Cyril Connolly
We are all serving a life-sentence in the dungeon of self.

۵۳۶. لیو گرید

همهٔ نمایشهای من محشرند، البته بعضیهایشان ضعیف‌اند، با این حال همه‌شان محشرند.

۵۳۷. نیکولای گوگول

اگر چهره‌ات نقص دارد گناه آینه نیست. (= خودشکن، آینه شکستن خطاست.)

۵۳۸. فرانک. جی. گیبلین دوم

خودت باش. مگر بهتر از خودت سراغ داری؟

۵۳۹. فریدریش نیچه

هرگز از خود سخن نگفتن نوعی ریاورزی است.

* -- *

536. Lew Grade

All my shows are great. Some of them are bad. But they are all great.

537. Nikolai Gogol

Don't blame the mirror if your face is faulty.

538. Frank J Giblin II

Be yourself. Who else is better qualified?

539. Friedrich Nietzsche

Never to talk of oneself is a form of hypocrisy.

۵۴۰. اسکار وایلد

من علاقه‌ای ندارم بدانم مردم پشت سرم چه می‌گویند. این کار مرا بیش از اندازه مغرور و خودبین خواهد کرد.

۵۴۱. پیتر یوستینوف

پاواروتی آدم خودپسندی نیست. چیزی که هست از بی‌نظیر بودن خود آگاه است.

* -- *

540. **Oscar Wilde**

I don't at all like knowing what people say of me behind my back. It makes me far too conceited.

541. **Peter Ustinov**

Pavarotti is not vain, but conscious of being unique.

۵۴۲. سیریل کانولی

خیلی‌ها برای این دست به خودکشی نمی‌زنند که فکر می‌کنند در و همسایه چه خواهند گفت!

۵۴۳. فریدریش نیچه

فکر خودکشی تسلابخشی قوی است. چه بسیار شبهای بد را که به مدد آن می‌توان از سرگذراند.

* --- *

542. **Cyril Connolly**

There are many who dare not kill themselves for fear of what neighbours will say!

543. **Friedrich Wilhelm Nietzche**

The thought of suicide is a great consolation: by means of it one gets successfully through many a bad night.

۵۴۴. لوئیس. بی. نایزر

بعضی آدمها هر حرفی را باور می‌کنند به شرطی که در گوشی به آنها بگویید.

* -- *

544. Louis B. Nizer

Some people will believe anything if you whisper it to them.

۵۴۵. وودی آلن و مارشال بریکمن
زندگی انسان قسمت شده است میان وحشت و فلاکت.

۵۴۶. برنامهٔ لاف این، اِن. بی. سی. ۱۹۶۹
خوشبختی یعنی تصادم با راکوئل ولش. خیلی... خیلی... آرام.

۵۴۷. آلن بِنت
ورونیکا: شما خوشبختید؟
هیلاری: چرا همه یکسر این را از من می‌پرسند؟ خیر، خوشبخت نیستم اما از این بابت احساس بدبختی هم نمی‌کنم.

۵۴۸. لئو تولستوی
همهٔ خانواده‌های خوشبخت شبیه هم‌اند، اما هر خانوادهٔ بدبخت، بدبختی خودش را دارد.

* -- *

545. Woody Allen and Marshall Brickman
Life is divided into the horrible and the miserable.

546. Laugh-In, NBC TV, 1969
Happiness is bumping into Raquel Welch...very slowly.

547. Alan Bennett
VERONICA: Are you happy?
HILARY: Why does everybody keep asking me that? No. I'm not happy. But I'm not unhappy about it.

548. Leo Tolstoy
All happy families resemble one another, but each unhappy family is unhappy in its own way.

۵۴۹. برتراند راسل

آدمهای گرفتارِ بدبختی مثل آدمهایی که دچار بدخوابی هستند همیشه به گرفتاری خود می‌نازند.

۵۵۰. جرج برنارد شا

دو چیز در زندگی مصیبت است: اول نرسیدن به آمال و آرزوها، دوم رسیدن به آنها.

۵۵۱. جرج برنارد شا

خوشبختی مادام العمر: یعنی جهنم روی زمین، چیزی که هیچ انسان زنده‌ای قادر به تحمل آن نیست.

۵۵۲. دُن مارکویس

خوشبختی فرجه‌ای است در فاصلهٔ دو بدبختی.

* -- *

549. **Bertrand Russel**

Men who are unhappy, like men who sleep badly, are always proud of the fact.

550. **George Bernard shaw**

There are two tragedies in life. One is not to get your heart's desire. The other is to get it.

551. **George Bernard shaw**

But a lifetime of happiness: No man alive could bear it: it would be hell on earth.

552. **Don Marquis**

Happiness is the interval between periods of unhappiness.

۵۵۳. ادوارد نیوتون

دستورالعمل خوشبختی غرق شدن در چیزهای بی‌مقدار است.

۵۵۴. گیهان ویلسون

جوان که بودم فکر می‌کردم ثروت و قدرت خوشبختی می‌آورد...حالا می‌بینم درست فکر می‌کردم.

۵۵۵. کین هابارد

گفتن اینکه چه چیزی واقعاً خوشبختی می‌آورد آسان نیست. فقر و ثروت که نتوانسته‌اند.

* -- *

553. **Edward Newton**

The formula for complete happiness is to be very busy with the unimportant.

554. **Gahan Wilson**

When I was young, I used to think that wealth and power would bring me happiness...I was right.

555. **Kin Hubbard**

It's pretty hard to tell what does bring happiness; poverty and wealth have both failed.

۵۵۶. ژان روستان

بدبینی من تا بدانجا پیش می‌رود که در صداقت بدبینان نیز شک می‌کنم.

۵۵۷. جرج برنارد شا

می‌دانید بدبین به کی می‌گویند؟ به کسی که خیال می‌کند تمام مردم مثل خودش هرزه و کثیف‌اند و به همین جهت از آنها متنفر است.

۵۵۸. ناشناس

خوشبین کسی است که فکر می‌کند آینده معلوم نیست.

* -- *

556. Jean Rostand

My pessimism goes to the point of suspecting the sincerity of the pessimists.

557. George Bernard Shaw

'Do you know what a pessimist is?' 'A man who thinks everybody is as nasty as himself, and hates them for it.'

558. Anonymous

An optimist is someone who thinks the future is uncertain.

۵۵۹. وودی آلن

این ساعت را ملاحظه می‌فرمایید؟ این ساعت طلای واقعاً عالی و شیک و قشنگ حکایت از چیز فهمی و آداب‌دانی می‌کند و پدربزرگم در بستر مرگش آن را به من فروخته.

۵۶۰. اِی. اِی. میلر

خرگوش گفت: «نمی‌خواهم ببینمش. اما همیشه به نفعت هست بدانی که دوستان و فک و فامیلت کجا هستند. حالا چه بخواهی ببینیشان چه نخواهی.»

۵۶۱. ترنتیوس

نزدیکترین خویشاوندم خودم هستم.

* -- *

559. **Woody Allen**

You see this watch? This is an absolutely fantastic, very fine, elegant gold watch which speaks of breeding and was sold to me by my grandfather on his deathbed.

560. **A. A. Miller**

'I don't want him.' said Rabbit. "But it's always useful to know where a friend and relation *is*, whether you want him or whether you don't."

561. **Terence**

My closest relation is myself.

۵۶۲. ام. اچ. بیوچات

(دست نوشتهٔ روی تابلوی خیابان):

مواظب دانش‌آموزان باشید، به خصوص وقتی در حال رانندگی هستند!

۵۶۳. والتر رالی

در جلسهٔ امتحان کسانی که نمی‌خواهند چیزی یاد بگیرند از کسانی سؤال می‌کنند که نمی‌توانند چیزی بگویند.

۵۶۴. نشریهٔ نشنال آبزرور

معلم به معلم دیگر: این دانش‌آموز گذشته از این که بی‌انضباط‌ترین دانش‌آموز مدرسه است همیشه هم سر کلاس حاضر است.

* -- *

562. **M. H. Beuchat**

(SIGN AT STREET CROSSING):

'Watch out for school children, especially if they are driving cars!'

563. **Sir Walter Raleigh**

In examination, those who do not wish to know ask questions of those who cannot tell.

564. **National Observer**

ONE TEACHER TO ANOTHER: 'Not only is he the worstbehaved child in school, but he also has a perfect attendance record.'

۵۶۵. هوریشو باتوملی

(سخنرانی در دانشگاه آکسفورد)

آقایان محترم! من از امتیازات شما بهره‌ای نبرده‌ام. آموزش ناچیزم را همه در دانشگاه زندگی کسب کرده‌ام.

۵۶۶. ماکس بیربوم

من پسری محجوب و بگو بخند بودم. این آکسفورد بود که از من آدمی غیرقابل تحمل ساخت.

* -- *

565. **Horatio Bottomley**

Gentlemen: I have not had your advantages. What poor education I have received has been gained in the University of Life.

566. **Max Beerbohm**

I was a modest, good-humoured boy. It is Oxford that has made me insufferable.

۵۶۷. اِل. بین

در یکی از کوپه‌های قطار لندن آقایی سیگاری از جیبش درآورد و به خانم ریز نقش مسنّی که روبه‌رویش نشسته بود گفت: «ببخشید خانم، اجازه هست سیگار بکشم؟»
خانم گفت: «راحت باشید. اینجا را خانهٔ خودتان بدانید.»
مرد آهی کشید و گفت: «بسیار خوب.» و سیگار را با ناراحتی گذاشت تو جیبش.

۵۶۸. منسوب به: **دبلیو. سی. فیلدز**

من تا نه سالگی اصلاً لب به سیگار نزدم.

۵۶۹. فرستنده: **آنا.اِم. کِروان**

وقتی در جایی خواند سیگار کشیدن سرطان می‌آورد آنقدر ناراحت شد که خواندن را به کلی ترک کرد.

* -- *

567. **L. Bean**

In a London train compartment, a gentleman took out a cigar from his pocket. 'Excuse me, madam,' he said, to a little old lady opposite, 'May I smoke a cigar?'
'Do exactly as you would at home,' she replied.
'All right,' sighed the gentleman, and sadly put the cigar back into his breast pocket.

568. **W. C. Fields**: attributed

I never smoked a cigarette until I was nine.

569. **Contributed by Anna M. Kirwan**

He was so worried when he read somewhere that smoking could cause cancer he gave up reading.

۵۷۰. فرستنده: **تونی گاد**

خسیس: آدمی که وقتی زیر پل می‌رسد برف پاکنش را خاموش می‌کند.

۵۷۱. ادوارد بولِور لیتون

یک عدد سیگار خوب برای مرد همان قدر آرامش بخش است که یک فصل گریهٔ درست و حسابی برای زن.

۵۷۲. اسکار وایلد

سیگار نمونهٔ کاملی از یک لذت کامل است. هم به دل می‌چسبد و هم انسان را ارضاء نشده باقی می‌گذارد.

* -- *

570. **Contributed by Tony Gadd**

Mean - someone who switches his windscreen wipers off whenever he goes under a bridge.

571. **Edward Bulwer-Lytton**

A good cigar is as great a comfort to a man as a good cry is to a woman.

572. **Oscar Wilde**

A cigarette is the perfect type of a perfect pleasure. It is exquisite and it leaves one unsatisfied.

۵۷۳. آندریا نیومان

صرف اینکه کسی دیگر سرطان دارد دلیل نمی‌شود که عذاب دندان درد را حس نکنیم.

* -- *

573. Andrea Newman

Toothache does't stop hurting because someone else has cancer.

۵۷۴. آدلی استیونسون

(در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری)

به رقبایم پیشنهاد معامله می‌کنم: آنها از دروغگویی دربارهٔ ما دست بردارند تا من هـ از گفتن حقیقت دربارهٔ آنها دست بکشم.

۵۷۵. میشل دومونتانی

آدم تا از حافظهٔ خود خاطرجمع نباشد نباید به دروغ متوسل شود.

۵۷۶. ماری مک کارتی

(دربارهٔ لیلیان هلمن)

تک‌تک کلماتی که این زن می‌نویسد دروغ است حتی «را» و «که» اش.

* -- *

574. **Adlai Stevenson**

I offer my opponents a bargain: if they will stop telling falsehoods about us, I will stop telling the truth about them.

575. **Michel De Montaigne**

Unless a man feels he has a good enough memory, he should never venture to lie.

576. **Mary McCarthy**

Every word she writes is a lie, including "and"and "the".

۵۷۷. فرانکلین. پی. آدامز

این که افرادی در انتخابات برنده می‌شوند بیشتر به این دلیل است که اغلب مردم می‌خواهند علیه فلان رأی بدهند نه به نفع بهمان.

۵۷۸. تام استاپارد

دموکراسی در رأی‌شماری معلوم می‌شود نه در رأی‌گیری.

۵۷۹. جرج اورول

تمام حیوانات برابرند اما بعضی‌شان برابرترند.

۵۸۰. آنورین بِوان

(سخنرانی در مجلس عوام)

بدترین چیزی که در مورد دموکراسی می‌توانم بگویم این است که همین دموکراسی بود که این حضرت اشرف (نِویل چمبرلین) را چهار سال و نیم تحمل کرده است.

* -- *

577. **Franklin P. Adams**

Elections are won by men and women chiefly because most people vote against somebody rather than for somebody.

578. **Tom Stoppard**

It's not the voting that's democracy, it's the counting.

579. **George Orwell**

All animals are equal but some animals are more equal than others.

580. **Aneurin Bevan**

The worst thing I can say about democracy is that it has tolerated the Right Honourable Gentleman (**Neville Chamberlain**) for four and a half years.

۵۸۱. بنجامین دیزریلی
اکثریت همیشه جواب جانانه‌ای است.

۵۸۲. دبلیو. سی. فیلدز
مرده شورشان ببرد. من همیشه مخالف کسی رأی می‌دهم نه موافق کسی.

۵۸۳. اسکار وایلد
دموکراسی به عبارت ساده یعنی کوبیدن مردم به دست مردم برای مردم.

۵۸۴. اسکار وایلد
پادشاهانِ خوب تنها دشمنان خطرناکی هستند که دموکراسی امروزی را تهدید می‌کنند.

* -- *

581. **Benjamin Disraeli**
A majority is always the best repartee.

582. **W. C. Fields**
Hell, I never vote *for* anybody. I always vote *against*.

583. **Oscar Wild**
Democracy means simply the bludgeoning of the people by the people for the people.

584. **Oscar Wilde**
Good kings are the only dangerous enemies that modern democracy has.

۵۸۵. جرج برنارد شا

تعطیلات دائمی: این است یکی از تعریفهای کارآمد دوزخ.

* -- *

585. **George Bernard Shaw**

A perpetual holiday is a good working definition of hell.

۵۸۶. هنری بروکز آدامز
دوست به قدرت رسیده را از دست رفته گیر.

۵۸۷. لوگان پیرسال اسمیت
ضعفهای اجتماعی دوستانت را به آنان گوشزد مکن چرا که ضعفها را برطرف خواهند کرد و کینهٔ تو را به دل خواهند گرفت.

۵۸۸. برتولت برشت
با هم دوستیم، چون به او اعتماد ندارم.

۵۸۹. سال بلو
هر آدمی به خوبی چیزی است که دوست می‌دارد.

* -- *

586. **Henry Brooks Adams**
A friend in power is a friend lost.

587. **Logan Pearsall Smith**
Don't tell your friends their social faults; they will cure the fault and never forgive you.

588. **Bertolt Brecht**
Because I don't trust him, we are friends.

589. **Saul Bellow**
A man is olny as good as what he loves.

۵۹۰. ترنتیوس

از میان همهٔ دوستانم تنها خودم باقی مانده‌ام.

۵۹۱. جی.کی. چسترتون

کتاب مقدس به ما می‌گوید همسایگان و دشمنانمان را دوست بداریم؛ شاید به این دلیل که این دو یکی هستند.

۵۹۲. نورمن داگلاس

برای یافتن دوست یک چشم خود را باید بست و برای نگه داشتنش هر دو را.

۵۹۳. برتراند راسل

اگر نیرویی جادویی به همهٔ ما قدرت خواندن فکر یکدیگر را می‌بخشید اولین نتیجهٔ آن به هم خوردن دوستیهایمان بود.

* -- *

590. Terence

Of my friends I am the only one I have left.

591. G. K. Chesterton

The Bible tells us to love our neighbors and also love our enemies; probably because they are the same people.

592. Norman Douglas

To find a friend one must close one eye. To keep him two.

593. Bertrand Russel

If we were all given by magic the power to read each other's thoughts, I suppose the first effect would be to dissolve all friendships.

۵۹۴. ویلیام شکسپیر

ژاک: نامش را دوست نمی‌دارم.
اورلاندو: آنگاه که بر او نام می‌نهادند کسی در اندیشهٔ خوش‌آمد شما نبود.

۵۹۵. مارشال دو ویلار

خدایا مرا از شر دوستانم در امان بدار. از پسِ دشمنانم خودم برمی‌آیم.

۵۹۶. اِلبرت هابارد

دوست تو کسی است که از همه چیزت باخبر است و با این حال دوستت می‌دارد.

۵۹۷. داستایوفسکی

آدمها پیامبرانشان را از خود می‌رانند و به قتل می‌رسانند اما شهیدان خود را دوست می‌دارند و به آنان که کشته‌اند ارج می‌نهند.

* -- *

594. **Shakespeare**

JOQUE: I do not like her name?
ORLANDO: There was no thought of pleasing you when she was christened.

595. **Marshall de Villars**

God save me from my friends. I can protect myself from my enemies.

596. **Elbert Hubbard**

Your friend is the man who knows all about you, and still likes you.

597. **Fyodor Dostoevsky**

Men reject their prophets and slay them, but they love their martyrs and honour those whom they have slain.

۵۹۸. لستر بولز پیرسون

مشخصهٔ اصلی دیپلمات این است که «نه» را طوری می‌گوید که «آری» به نظر بیاید.

۵۹۹. فردریک سایر

دیپلمات کسی است که قبل از آن که حرف بزند دوبار فکر می‌کند.

۶۰۰. رابرت فراست

دیپلمات مردی است که روز تولد زنها را همیشه به خاطر دارد اما سن و سال‌شان را هرگز.

۶۰۱. وین کاتلین

دیپلماسی «نازی، نازی، سگ مامانی» گفتن است تا وقتی که سنگ و کلوخی گیربیاوری.

* -- *

598. Lester Bowles Pearson

The chief distinction of a diplomat is that he can say no in such a way that it sounds like yes.

599. Fredrick Sawyer

A diplomat is a man who thinks twice before he says nothing.

600. R. Frost

A diplomat is a man who always remembers a woman's birthday but never remembers her age.

601. Wynn Catlin

Diplomacy is the art of saying 'Nice Doggie!' till you can find a rock.

۶۰۲. هنری کیسینجر
هفتهٔ آینده بحرانی در کار نیست. برنامهٔ من از قبل پر شده است.

۶۰۳. هنری واتون
سفیر انسان شریفی است که به خارج اعزام می‌شود تا به نفع کشورش دروغ بگوید.

* -- *

602. **Henry Kissinger**
There cannot be a crisis next week. My schedule is already full.

603. **Henry Wotton**
An ambassador is an honest man sent to lie abroad for the good of his country.

۶۰۴. وینستون چرچیل

دیکتاتورها سوار بر ببر به این سوی و آن سوی می‌تازند و جرأت پیاده شدن از آنها را ندارند و ببرها لحظه به لحظه گرسنه‌تر می‌شوند.

۶۰۵. دانیل دِفو

بدترین بلایی که تاکنون دامنگیر بشر شده استبداد کلیسایی است.

۶۰۶. برتراند راسل

اصل این است که انسان تا آنجا به افکار عمومی احترام بگذارد که برای نمردن از گرسنگی و نیفتادن به زندان ضروری است اما از این بیشتر چیزی نیست جز تسلیم داوطلبانه به استبدادی غیرضروری.

* -- *

604. **Sir Winston Churchill**

Dictators ride to and fro upon tigers which they dare not dismount. And the tigers are getting hungry.

605. **Daniel Defoe**

And of all plagues with which mankind are curst, ecclesiastic tyranny's the worst.

606. **Bertrand Russel**

One should as a rule respect public opinion in so far as is necessary to avoid starvation and to keep out of prison, but anything that goes beyond this is voluntary submission to an unnecessary tyranny.

۶۰۷. ضرب المثل هندو

دیکتاتورها بر پشت ببر سوارند و جرأت پایین آمدن ندارند.

۶۰۸. منسوب به: **کاترین کبیر**

من خودکامه خواهم بود: این کار من است؛ و خداوند مهربان مرا خواهد بخشید: این هم کار اوست.

۶۰۹. **کاساندرا** (ویلیام کانور)

(دربارهٔ مرگ استالین)

انگشت شمارند کسانی که می‌توانند با مرگ خود مایهٔ خوشحالی این همه خلایق بشوند.

* -- *

607. **Hindu Proverb**

Dictators ride to and fro upon tigers from which they dare not dismount.

608. **Catherine the Great**: Attributed

I shall be an autocrat: that's my trade. And the good Lord will forgive me: that's his.

609. **Cassandra (William Connor)**

Few men by their death can have given such deep satisfaction to so many.

۶۱۰. یان ماساریک

دیکتاتورها فرمانروایانی هستند که تا ده دقیقه مانده به سرنگونی‌شان موجه جلوه می‌کنند.

۶۱۱. آلدوس هاکسلی

تا زمانی که مردم سزارها و ناپلئونها را می‌پرستند طبیعی است که سزارها و ناپلئونهایی ظهور خواهند کرد و آنها را به خاک سیاه خواهند نشاند.

* -- *

610. **Jan Masaryk**

Dictators are rulers who always look good until the last ten minutes.

611. **Aldous Huxley**

So long as men worship the Caesars and Napoleons, Caesars and Napoleons will duly arise and make them miserable.

۶۱۲. سیدنی اسمیت
به قول فرانسوی‌ها جنسیت بر سه نوع است: مرد، زن و کشیش.

۶۱۳. جان باکان
ملحد کسی است که پشتیبان نامرئی ندارد.

۶۱۴. ریچارد بانکرافت (اسقف اعظم انگلیس)
هر جا مسیح کلیسایی برپا می‌کند شیطان نیز در حیاط آن برای خود کلیسای کوچکی می‌سازد.

۶۱۵. لرد بایرون
من همیشه در روزهای آفتابی بیش از اوقات دیگر مذهبی هستم.

* -- *

612. **Sydney Smith**
As the French say, there are three sexes - men, women, and celergymen.

613. **John Buchan**
An atheist is a man who has no invisible means of support.

614. **Richard Bancroft**
Where Christ erecteth his church, the devil in the same churchyard will have his chapel.

615. **Lord Byron**
I am always most religious upon a sunshiny day.

۶۱۶. والنتاین بلاکر
پسرانم، به خدا توکل کنید و باروت خود را خشک نگه دارید.

۶۱۷. لوئی بونوئل
خدا را شکر که هنوز خدا نشناسم!!

۶۱۸. منسوب به: **بنجامین دیزریلی**
والدرشیر گفت: عاقلان همه اهل یک مذهب‌اند.
ـ ... لطفاً بفرمایید آن مذهب کدام است؟
ـ عاقلان نمی‌گویند.

* -- *

616. **Valentine Blacker**
Put your trust in God, my boys, and keep your powder dry.

617. **Luis Bunuel**
Thanks to God, I'm still an atheist.

618. **Benjamin Disraeli:** attributed
Said Waldershare, 'Sensible men are all of the same religion.' 'And pray what is that?' ... 'Sensible men never tell.'

۶۱۹. جرج برنارد شا

مسیحیت هیچگاه نتوانست دنیا را قبضه کند مگر زمانی که عملاً به این بسنده کرد که شهروند عادی روز هفتم هر هفته دو سه ساعتی وقت خود را صرف مذهب کند و مابقی را به حال خود باشد.

۶۲۰. جرج برنارد شا

مذهب یکی است، گیریم
که با صد روایت.

۶۲۱. ضرب المثل ایتالیایی

زیر ناف از دین و ایمان خبری نیست.

* -- *

619. **George Bernard Shaw**

Christianity never got any grip of the world until it virtually reduced its claims on the ordinary citizen's attention to a couple of hours every seventh day, and let him alone on week-days.

620. **George Bernard Shaw**

There's only one religion, though
there are a hundred versions of it.

621. **Italian Proverb**

Below the navel there is neither religion nor truth.

۶۲۲. گروچو مارکس

(در پاسخ به کشیشی که از او تشکر کرده و گفته بود: «به خاطر این همه شادی که به جهان داده‌اید از شما تشکر می‌کنم»:)

من هم از شما به خاطر این همه شادی که از جهان گرفته‌اید تشکر می‌کنم.

۶۲۳. اچ. ال. منکن

امروزه جلوگیری از بارداری برای زن کاتولیک با توسل به علم ریاضی کاملاً قانونی است حال آنکه استفادهٔ او از علم فیزیک و شیمی برای همین منظور ممنوع است.

۶۲۴. اولین وا

گونه‌ای آدم به نام «کشیش امروزی» وجود دارد که در عین بهره‌مندی از حقوق یک روحانیِ مواجب بگیر خود را ملزم به هیچ اعتقاد مذهبی نمی‌داند.

* -- *

622. **Groucho Marx**

(To a clergyman who thanked him for the enjoyment he'd given the world:)

And I want to thank you for all the enjoyment you've taken out of it.

623. **H. L. Mencken**

It is now quite lawful for a Gatholic woman to avoid pregnancy by a resort to mathematics, though she is still forbidden to resort to physics and chemistry.

624. **Evelyn Waugh**

There is a species of person called a 'Modern Churchman' who draws the full salary of a beneficed clergyman and need not commit himself to any religious belief.

۶۲۵. ساميوئل بکت
همهٔ ما دیوانه به دنیا می‌آییم. بعضی به همان حال باقی می‌مانیم.

۶۲۶. سال بلو
موزس هرتسوگ با خود گفت: دیوانه هستم که هستم؛ از نظر من هیچ اشکالی ندارد.

۶۲۷. دیوژن
بُهتان هیاهوی دیوانگان است و بس.

۶۲۸. باج راسلز
جنون موروثی است. از بچه‌هاتان به شما می‌رسد.

* -- *

625. **Samuel Beckett**
We all are born mad. Some remain so.

626. **Saul Bellow**
If I am out of mind, it's all right with me, thought Moses Herzog.

627. **Diogenes**
Calumny is only the noise of mad men.

628. **Badge Russels**
Insanity is hereditary. You get it from your kids.

۶۲۹. رنه دکارت

عقل سلیم متاعی است که بهتر از هر چیز در دنیا توزیع شده است. زیرا همه فکر می‌کنند به اندازهٔ کافی از آن بهره‌مندند.

۶۳۰. منسوب به: **جیمز دِوار**

فکر مثل چترنجات وقتی کار می‌کند که باز باشد.

۶۳۱. فینلی پیتر دورانت

زورکی می‌شود کسی را به دانشگاه فرستاد اما به زور نمی‌توان او را به فکر کردن واداشت.

۶۳۲. آمبروز بیرس

ذهن چیزی است که با آن فکر می‌کنیم که فکر می‌کنیم.

* -- *

629. **RenéDescartes**

Common sense is the best distributed commodity in the world, for every man is convinced that he is well supplied with it.

630. **Sir James Dewar:** attributed

Minds are like parachutes. They only function when they are open.

631. **Finley Peter Donne**

You can lead a man up to the university, but you can't make him think.

632. **Ambrose Bierce**

An apparatus with which we think that we think.

۶۳۳. دوروتی پارکر

همهٔ کسانی که سر میز بودند برای رقص از جا بلند شدند جز من و او. و من حالا تو تله افتاده بودم. مثل تله‌ای که توی تلهٔ دیگر افتاده باشد.

۶۳۴. آر. اس. سرتیز

همه می‌دانند که آدم در مجلس رقص یا دنبال زن می‌گردد، یا مواظب زن خودش است یا مواظب زن دیگری.

۶۳۵. جرج برنارد شا

رقصیدن بیان عمودی یک اشتیاق افقی است.

۶۳۶. لوئیس کارول

می‌خوای، نمی‌خوای، می‌خوای، نمی‌خوای، می‌خوای برقصی؟

* -- *

633. **Dorothy Parker**

Everyone else at the table had got up to dance, except him and me. There I was, trapped. Trapped like a trap in a trap.

634. **R. S. Surtees**

Everyone knows that the real business of a ball is either to look out for a wife, to look after a wife, or to look after somebody else's wife.

635. **George Bernard Shaw**

(Dancing is) a perpendicular expression of a horizontal desire.

636. **Lewis Carroll**

Will you, won't you, will you, won't you, will you join the dance?

۶۳۷. بروس پاترسون

روانشناس مردی است که وقتی دختری زیبا وارد اتاق می‌شود چهرهٔ دیگران را تماشا می‌کند.

۶۳۸. جروم لارنس

روان‌رنجور کسی است که قصری خیالی می‌سازد. روان‌پریش شخصی است که در چنین قصری زندگی می‌کند و روان‌پزشک کسی است که اجاره بهای چنین قصری را می‌گیرد.

۶۳۹. جان وان

روانشناسی که به پدر و مادرها توصیه می‌کند اوقات بیشتری را با بچه‌هایشان بگذرانند در واقع برای کاسبی آیندهٔ خود بازارگرمی می‌کند.

* -- *

637. **Bruce Patterson**

Psychologist - a man who, when a beautiful girl enters the room, watches everybody else.

638. **Jerome Lawrence**

A neurotic is a person who builds a castle in the air. A psychotic is the person who lives in it. A psychiatrist is the one who collects the rent.

639. **John Vaughan**

Psychologists who advise parents to spend more time with their children are just trying to drum up future business.

۶۴۰. فرانکلین پی. آدامز

وقتی مقاله‌نویس‌های سیاسی می‌گویند «هر انسان با شعور» منظور خودشان هستند و هرگاه نامزدهای انتخاباتی از «همهٔ رأی‌دهندگان هوشمند» تقاضای پشتیبانی می‌کنند منظور همهٔ کسانی هستند که می‌خواهند به آنها رأی بدهند.

۶۴۱. آدلی استیونسون

دقّت برای روزنامه مثل عفت برای زن است. با این تفاوت که روزنامه هر وقت خواست می‌تواند تکذیبیه چاپ کند.

۶۴۲. اِلبرت هابارد

سردبیر: کسی که روزنامه استخدامش می‌کند تا گندم را از کاه جدا کند و مواظب باشد که کاه به چاپ برسد.

* -- *

640. Franklin P. Adams

When the political columnists say 'Every thinking man' they mean themselves, and when candidates appeal to 'Every intelligent voter' they mean everybody who is going to vote for them.

641. Adlai Stevenson

Accuracy to a newspaper is what virtue is to a lady; but a newspaper can always print a retraction.

642. Elbert Hubbard

EDITOR: a person employed by a newspaper, whose business it is to separate the wheat from the chaff, and to see that the chaff is printed.

۶۴۳. نیکولاس بِرتون
با چکاوکها از خواب برمی‌خیزیم و با گوسفندان به خواب می‌رویم.

۶۴۴. ویلیام کاوپر
خداوند ده را آفرید و انسان شهر را.

۶۴۵. ملکه مری
(ملکه مری پس از آنکه در اثنای جنگ جهانی دوم به منطقهٔ ییلاقی بدمینتون منتقل شد:)
اِ. پس کاه که میگن اینه!

۶۴۶. اسکار وایلد
در ده هر کسی می‌تواند خوب باشد.

* --- *

643. **Nicholas Breton**
We rise with the lark and go to bed with the lamb.

644. **William Cowper**
God made the country, and man made the town.

645. **Queen Mary**
(Said at Badminton House, where she was evacuated during the Second World War:)
So that's what hay looks like!

646. **Oscar Wilde**
Anybody can be good in the country.

۶۴۷. ماکس بیربوم

در دنیا هیچ کس تا آنجا که من می‌دانم (یادتان باشد که من سالها در منابع تحقیق کرده و برای این کار دستیار هم گرفته‌ام) به خاطر دست کم گرفتن هوشمندی توده‌های عظیم آدمهای معمولی پولی از دست نداده است.

۶۴۸. اچ. اِل. منکن

کمتر آدم فاضلی دیده‌ام که قیافهٔ خوبی داشته باشد و بسا که ظاهر این جماعت جوانها را از صرافت تحقیق و مطالعه انداخته است.

* -- *

647. **Max Beerbohm**

No one in this world, so far as I know - and I have searched the records for years, and employed agents to help me - has ever lost money by underestimating the intelligence of the great masses of the plain people.

648. **H. L. Mencken**

The learned are seldom pretty fellows, and in many cases their appearance tends to discourage a love of study in the young.

۶۴۹. لارنس استرن

از تمام ریاکاریهای این دنیای ریایی، ریا در نقد عذاب آورتر است، گو اینکه ریای اهل نفاق ممکن است بدتر از همه باشد.

۶۵۰. لرد بایرون

در انگلستان یگانه تکریم در حق فضیلت ریاکاری است.

۶۵۱. فرانسوا دوک دو لا روشفوکو

ریاکاری اداي احترامِ شرارت است به فضیلت.

۶۵۲. چارلز دیکنز

ما خیلی خیلی متواضعیم.

* -- *

649. **Laurence Sterne**

Of all the cants which are canted in this canting world, - though the cant of hypocrites may be the worst, - the cant of criticism is the most tormenting!

650. **Lord Byron**

In England the only homage which they pay to Virtue is hypocrisy.

651. **François Duc de la Rochefoucauld**

Hypocrisy is a tribute which vice pays to virtue.

652. **Charles Dickens**

We are so very 'umble.

۶۵۳. جودیت مارتین

ریاکاری معمولاً نه گناهی اجتماعی که فضیلت شمرده می‌شود.

۶۵۴. سامرست موام

ریاکاری دشوارترین و دلهره‌آورترین شرارتی است که انسان می‌تواند دنبال کند: لازمهٔ آن مراقبتی است دائمی و اضطرابی است غریب. مثل زن بارگی و شکمبارگی هم نیست که بتوان در اوقات فراغت به آن پرداخت؛ مشغله‌ای است تمام وقت.

* -- *

653. **Judith Martin**

Hypocrisy is not generally a social sin, but a virtue.

654. **W. Somerset Maugham**

Hypocrisy is the most difficult and nerve-racking vice that any man can pursue; it needs an unceasing vigilance and a rare detachment of spirit. It cannot, like adultery or gluttony, be practised at spare moments; it is a wholetime job.

۶۵۵. باربارا استرایسند

(دربارهٔ بیل کلینتون، ۱۹۹۸)

ما رئیس جمهور انتخاب کردیم نه پاپ.[۸]

۶۵۶. آدلی استیونسون

در آمریکا هر پسربچه‌ای ممکن است روزی رئیس جمهور بشود.

۶۵۷. دیوید برودر

کسی که آن قدر شیفتهٔ مقام ریاست جمهوری است که حاضر است دو سال تمام به خاطر آن دار و دسته راه بیندازد و مبارزه کند به طور حتم شایستهٔ این مقام نیست.

۶۵۸. هاری اس. ترومن

در همان چند ماه اول متوجه شدم که رئیس جمهور بودن مثل سواری گرفتن از ببر است. یا باید بتازی یا بلعیده می‌شوی.

* --- *

655. **Barbra Streisand**

(Of Bill Clinton, in 1998)

We elected a President, not a Pope.

656. **Adlai Stevenson**

In America any boy may become president.

657. **David Broder**

Anybody that wants the presidency so much that he'll spend two years organizing and compaigning for it is not to be trusted with the office.

658. **Harry S. Truman**

Within the first few month I discovered that being a president is like riding a tiger. A man has to keep riding or be swallowed.

۶۵۹. تی.اِس. الیوت

وقتی باهات حرف می‌زنم باید از کلمات استفاده کنم.

۶۶۰. بِریل پیزر

نمی‌دانم حالا که همه به زبان رانندگان کامیون صحبت می‌کنند خود راننده‌ها به چه زبانی حرف می‌زنند.

۶۶۱. مارک تواین

(در مورد کاربرد ضمیر اول شخص جمع)

حق استفاده از لفظ «ما» در مقالات روزنامه‌ها ویژهٔ رؤسای جمهور، سردبیرها و دارندگان کرم کدوست.

* -- *

659. **T. S. Eliot**

I gotta use words when I talk to you.

660. **Beryl Peizer**

I wonder what language truck drivers are using, now that everyone is using theirs?

661. **Mark Twain**

(On the first - person plural pronoun:)

Only presidents, editors, and people with tapeworms have the right to use the editorial 'we'.

۶۶۲. منسوب به: **مادام دستال**

(وقتی از او پرسیدند با محبوب خود از چه سخن می‌گوید در پاسخ گفت:)

او با کلمات سخن نمی‌گوید.

۶۶۳. ریچارد برینسلی شریدان

باور کن برای من فهمیدن حرف‌های مترجم این شخص مشکل‌تر از حرف‌های خودش است!

۶۶۴. ویلیام شکسپیر

مگر نمی‌دانی من زنم؟ به وقت فکر کردن باید سخن بگویم.

۶۶۵. هاینریش هاینه

اگر قرار بود رُمیها قبل از دست زدن به هر کاری اول زبان لاتین یاد بگیرند هرگز فرصت جهانگشایی نمی‌یافتند.

* -- *

662. **Mme de Stael:** attributed

Speech happens not to be his language.

663. **Richard Brinsley Sheridan**

Egad I think the interpreter is the hardest to be understood of the two!

664. **William Shakespeare**

Do you not know I am a woman? when I think, I must speak.

665. **Heinrich Heone**

The Romans would never have had time to conquer the world if they had been obliged to learn Latin first of all.

۶۶۶. ساميوئل بکت

ولاديمير: اين طوری وقت گذشت.
استراگون: وقت به هر حال می‌گذشت.
ولاديمير: اما نه به اين سرعت.

۶۶۷. آيزاک ديزريلی

تو می‌گويی زمان درگذر است؟ آه، نه. زمان می‌ماند، ما در گذريم.

۶۶۸. لرد چِستر فيلد

توصيه می‌کنم مواظب دقيقه‌ها باشی چون ساعتها خود مواظب خود هستند.

* -- *

666. **Samuel Beckett**

VLADIMIR: That passed the time.
ESTRAGON: It would have passed in any case.
VLADIMIR: Yes, but not so rapidly.

667. **Isaac D'Israeli**

Time goes, you say? Ah no! Alas, Time stays, *we* go.

668. **Lord Chesterfield**

I recommend to you to take care of minutes: for hours will take care of themselves.

۶۶۹. مایکل کالینز

(وقتی مایکل کالینز در شانزدهم ژانویهٔ ۱۹۲۲ برای تحویل قدرت از نیروهای بریتانیایی به کاخ دوبلین وارد شد به او گفتند هفت دقیقه تأخیر دارد:)

ما ۷۰۰ سال انتظار کشیدیم. چه می‌شود اگر شما هم ۷ دقیقه انتظار بکشید!

۶۷۰. اسکار وایلد

زنها در صورتی کاملاً خشنود می‌شوند که ده سال جوانتر از دختر خودشان به نظر بیایند.

* -- *

669. **Michael Collins**

(On arriving at Dublin Castle for the handover by British forces on 16 January 1922, and being told that he was seven minutes late:)

We've been waiting 700 years, you can have the seven minutes!

670. **Oscar Wilde**

As long as a woman can look ten years younger than her own daughter, she is perfectly satisfied.

۶۷۱. بی. دبلیو. آلوِر
پشت سر هر مرد موفق زنی انگشت به دهان ایستاده.

۶۷۲. منسوب به: **گلوریا استاینِم**
زن بدون مرد مثل ماهی بدون دوچرخه است.

۶۷۳. ریچارد استیل
زنان معمولاً نیّت خود را بر قلم نمی‌آورند، مگر در پی‌نوشت.

۶۷۴. کورنلیا اوتیس اسکینر
زنان گوشهٔ خاصی از قلبشان را برای گناهانی نگه می‌دارند که هرگز مرتکب نشده‌اند.

* -- *

671. **B. W. Olver**
Behind every successful man is an astonished wife.

672. **Gloria Steinem**: attributed
A woman without a man is like a fish without a bicycle.

673. **Richard Steele**
A woman seldom writes her mind but in her postscript.

674. **Cornelia Otis Skinner**
Women keep a special corner of their hearts for sins they have never committed.

۶۷۵. پی. جِی. اورورک و جان هیوز

وقتی مردی به جسم زنی اظهار علاقه می‌کند، زن او را ملامت می‌کند که تنها جسم او را دوست دارد و باز وقتی مرد به جسم وی علاقه نشان نمی‌دهد زن او را متهم می‌کند که جسم زن دیگری را دوست می‌دارد.

۶۷۶. اُوید

زنان چه سَرِ بخشندگی داشته باشند، چه از دَرِ امتناع درآیند در هر حال نیاز شما را خوش می‌دارند.

۶۷۷. ساميوئل باتلر

شنیدم مردی می‌گفت راهزنها یا مالت را می‌خواهند یا جانت را، حال آنکه زنها هر دو را یکجا می‌خواهند.

* -- *

675. **P. J. O'Rourke** and **John Hughes**

When a man takes an interest in a woman's body she accuses him of only taking an interest in her body, but when he doesn't take an interest in her body she accuses him of taking an interest in someone else's body.

676. **Ovid**

Whether they give or refuse, women are glad to have been asked.

677. **Samuel Butler**

I heard a man say that brigands demand your money or your life, whereas women require both.

۶۷۸. نیومی بلیون
پشت سرِ تقریباً تمام زنانی که اسمشان را شنیده‌ام مردی ایستاده است که ناامیدش کرده است.

۶۷۹. گئورگ بورن
زنها وقتی می‌ترسند از هر زمان دیگری دلرباتر می‌شوند به همین دلیل، هیچ نشده ترس برشان می‌دارد.

۶۸۰. فرانسیس بیکن
زن در جوانیِ مرد معشوق وی، در میانسالی همدم و همصحبتش و در روزگار پیری پرستار اوست.

۶۸۱. فرستنده: **فیلیپ پاین**
دختری که دندانهای قشنگی دارد محال است لطیفه‌ای را نگیرد.

* -- *

678. **Naomi Bliven**
Behind almost every woman you ever heard of stands a man who let her down.

679. **George Börne**
Women are most adorable when they are afraid; that's why they frighten so easily.

680. **Francis Bacon**
Wives are young men's mistresses, companions for middle age, and old men's nurses.

681. **Contributed by Philip Pine**
When a girl has pretty teeth she never fails to see the joke.

۶۸۲. اسکات ای. فیتس جرالد
این زن صدایش لبریز از پول است.

۶۸۳. آنتون چخوف
وقتی زنی زیبا نیست مردم مدام می‌گویند: «به، به، چه چشمهای قشنگی داری. موهات چقدر زیباست.»

۶۸۴. دیوار نبشته
زنی که نهایت تلاشش این است که مثل مردها بشود بلند همت نیست.

۶۸۵. هلنا روبنشتاین
زن زشت وجود ندارد، چیزی که هست، بعضی زنها تنبل‌اند.

* -- *

682. **Scott E. Fitzgerald**
Her voice is full of money.

683. **Anton Chekhov**
When a woman isn't beautiful, people always say, 'You have lovely eyes, you have lovely hair.'

684. **Graffito, New York, 1982**
A woman who strives to be like a man lacks ambition.

685. **Helena Rubinstein**
There are no ugly women, only lazy ones.

۶۸۶. موریتس، جی. سافیر

آیینه ضمیر روشن زنان است. بدون رایزنی با او محال است دست به کاری بزنند.

۶۸۷. آر. اس. سرتیز

خانمهای جوان با شور و حال تمام و با خصومتی خواهرانه پا به اتاق پذیرایی گذاشتند.

۶۸۸. آر. اس. سرتیز

سه چیزم را اصلاً و ابداً به کسی قرض نمی‌دهم: اسبم، زنم، اسمم.

۶۸۹. جرج برنارد شا

خانه زندان دختر و نوانخانهٔ زن است.

* -- *

686. **Moritz G. Saphir**

The mirror is the conscience of women; they never do thing without first consulting it.

687. **R. S. Surtees**

The young ladies entered the drawing - room in the full fervour of sisterly animosity.

688. **R. S. Surtees**

Three things I never lends - my'oss, my wife, and my name.

689. **George Bernard Shaw**

Home is the girl's prison and the woman's workhouse.

۶۹۰. جرج برنارد شا

تو دربارهٔ تفاوت یک زن جوان با زن جوان دیگر مثل همهٔ مردهای جوان سخت غلوّ می‌کنی.

۶۹۱. جرج برنارد شا

آن زن، هنر گفت و شنود را از دست داده بود اما بدبختانه قدرت تکلم را نه.

۶۹۲. جِی. فاینجر

زنها در زندگی عاشق چیزهای ساده می‌شوند و چه چیزی ساده‌تر از مردها!

۶۹۳. جی. کارتر

بارها سعی کرده‌ام گرفتاریهایم را به آب بسپرم اما تا حالا نتوانسته‌ام همسرم را متقاعد کنم به دریا برود.

* -- *

690. George Bernard Shaw

Like all young men, you greatly exaggerate the difference between one young woman and another.

691. George Bernard Shaw

She had lost the art of conversation, but not, unfortunately, the power of speech.

692. J. Fineger

Women love the simpler things in life - men!

693. J. Carter

I have often wanted to drown my troubles, but I can't get my wife to go swimming.

۶۹۴. هانا کاولی

آخر مگر زن چیست؟ یک اشتباه مطبوع طبیعت. همین.

۶۹۵. اسکات ام. کروس

زیست‌شناسی حکم می‌کند که اگر چیزی شما را گاز گرفت احتمال ماده بودنش را بدهید.

۶۹۶. ای. کریگ

اگر هوای رانندگی به سرِ خانمتان زد جلوش نایستید.

۶۹۷. فرستنده: **ویکتور گرانت**

به گمان من اعضای جامعهٔ دندانپزشکی تنها کسانی هستند که بدون خطر می‌توانند به خانمی بگویند کی دهانش را باز کند و کی ببندد.

* -- *

694. **Hanna Cowley**

But what is a woman? Only one of Nature's agreeable blunders.

695. **Scott M. Kruse**

As a matter of biology, if something bites you it is probably female.

696. **E. Craig**

If your wife wants to drive, don't stand in her way.

697. **Contributed by Victor Grant**

I believe the members of the dental profession are the only men who can tell a woman to open or close her mouth and get away with it.

۶۹۸. رونا گریر

هیچ گاه در قوهٔ تشخیص خانمتان چون و چرا نکنید. ببینید با کی ازدواج کرده.

۶۹۹. جیمز مک لود

زن به شوهر: یکی از قزل‌آلاهایی که هفتهٔ گذشته برای صیدش رفته بودی زنگ زد و شماره تلفنش را گذاشت.

۷۰۰. جرج مِردیت

پیش بینی می‌کنم زن آخرین موجودی باشد که به دست مرد اهلی می‌شود.

۷۰۱. اچ. اِل. منکن

مردها و زنها دست کم در یک مورد اتفاق نظر دارند. هیچ کدام به زنها اعتماد ندارند.

* -- *

698. **Rona Greer**

Never question your wife's judgement. Look at who she married.

699. **James McLeod**

WIFE TO HUSBAND: 'One of the trout you were fishing for last weekend phoned and left her number.'

700. **George Meredith**

I expect that Woman will be the last thing civilized by Man.

701. **H. L. Mencken**

On one issue at least, men and women agree; they both distrust women.

۷۰۲. لیدی مری ورتلی مونتاگو

هرگز برای اکثریت جنس لطیف قدر و منزلت زیاد قائل نبوده‌ام و تنها تسلای خاطرم از تعلق به این جنس این یقین بوده که هیچگاه با یکی از آنها ازدواج نخواهم کرد.

۷۰۳. فریدریش نیچه

زن دومین خطای خدا بود.

۷۰۴. جان وانبرو

همین قدر که زنی دلش را به تو بخشید دیگر از بقیهٔ جسمش رهایی نخواهی داشت.

۷۰۵. اسکار وایلد

به زنی که سن و سال واقعی‌اش را می‌گوید هرگز نباید اعتماد کرد. از چنین زنی گفتن هر چیزی بر می‌آید.

* -- *

702. **Lady Mary Wortley Montagu**

I have never had any great esteem for the generality of the fair sex, and my only consolation for being of that gender has been the assurance it gave me of never being married to anyone amongst them.

703. **Friedrich Nietzsche**

Woman was God's second blunder.

704. **Sir John Vanbrugh**

When once a woman has given you her heart, you can never get rid of the rest of her body.

705. **Oscar Wilde**

One should never trust a woman who tells one her real age. A woman who would tell one that, would tell one anything.

۷۰۶. اسکار وایلد

سی و پنج سالگی سن بسیار جذابی است. شهر لندن پر است از زنان با اصل و نسبی که سالهاست با طیب خاطر در این سن باقی مانده‌اند.

۷۰۷. ربکا وست

شخصاً هیچ وقت نتوانستم معنی فمنیسم را بفهمم الا اینکه هر وقت ابراز عقیده‌ای کردم که نشان می‌داد با روسپیها و توسری‌خورها فرق دارم اسم فمنیست بر من گذاشتند.

۷۰۸. ویرجینیا وولف

زنی که می‌خواهد داستان بنویسد باید پول و اتاقی از آنِ خود داشته باشد.

* -- *

706. **Oscar Wilde**

Thirty-five is a very attractive age. London society is full of women of the very highest birth who have, of their own choice remained thirty - five for years.

707. **Rebecca West**

I myself have never been able to find out precisely what feminism is: I only know that people call me a feminist whenever I express sentiments that differentiate me from a doormat or a prostitute.

708. **Virginia Woolf**

A woman must have money and a room of her own if she is to write a fiction.

۷۰۹. ویرجینیا وولف

زنان چند قرن است که نقش آینه‌هایی خوشایند و جادویی را برای مردان بازی کرده و آنها را دوبرابر اندازهٔ طبیعی‌شان نشان داده‌اند.

۷۱۰. ویلیام هازلیت

حرفهای چارلز لَمز به نامهٔ خانمها می‌ماند که لُب مطلبش در پی‌نوشت آن است.

۷۱۱. ال. هنری

مرد پای تلفن: خانم منزل نیستند، خانم بارلو. لطفاً شایعه‌تان را بفرمایید.

۷۱۲. هنی یانگمن

زازا گابور خانه‌دارِ ماهری است. بعد از هر طلاق خانه را برای خودش نگه‌می‌دارد.

* --- *

709. Virginia Woolf

Women have served all these centuries as looking glasses possessing the magic and delicious power of reflecting the figure of a man twice its natural size.

710. William Hazlitt

His sayings are generally like women's letters; all the pith is in the postscript.

711. L. Henry

HUSBAND OVERHEARD AS HE ANSWERED THE PHONE: She's not at home, Mrs Barlow. Would you like to leave a rumour?

712. Henny Youngman

Zsa Zsa Gabor is an expert housekeeper. Every time she gets divorced, she keeps the house.

۷۱۳. موریل اسپارک

از تجربهٔ شخصی‌ام به این شعار رسیده‌ام: «از مردهای گُل به دست برحذر باشید!»

۷۱۴. پی. جِی. اورورک

یک چیز هست که زنها هرگز نمی‌توانند از مردها بگیرند. ما زودتر می‌میریم.

۷۱۵. جیم باکوس

بسیارند مردهایی که موفقیت خود را مدیون زن اولشان هستند و زنِ دومشان را مدیون موفقیت خود.

۷۱۶. فرستنده: پی. بی. دی. بونیان

زن خطرناک وجود ندارد مردها خودشان آسیب‌پذیرند.

* -- *

713. Muriel Spark

From my experience of life I believe my personal motto should be 'Beware of men bearing flowers!'

714. P. J. O'Rourke

There is one thing women can never take away from men. We die sooner.

715. Jim Backus

Many a man owes his success to his first wife and his second wife to his success.

716. Contributed by P. B. D. Bunyan

There are no dangerous women, only susceptible men.

۷۱۷. جیل تویدی
به شغلهایی که مردها با طیب خاطر به زنها واگذار می‌کنند با سوءظن نگاه کنید.

۷۱۸. پال جرالدی
همین که نتوانستی چیزی را از زنی پنهان کنی بدان که دوستش داری.

۷۱۹. منسوب به: **وینستون چرچیل**
من و زنم می‌خواستیم هر روز با هم صبحانه بخوریم اما به ناچار از این کار صرف نظر کردیم. آخر زندگی مشترکمان در خطر بود.

* -- *

717. **Jill Tweedie**
Always suspect any job men willingly vacate for women.

718. **Paul Geraldy**
As soon as you cannot keep anything from a woman you love her.

719. **Winston Churchill:** attributed
My wife and I tried to breakfast together, but we had to stop it or our marriage would have been wrecked.

۷۲۰. جرج برنارد شا

(زنی ناشناس به برنارد شا نوشت شما باهوش‌ترین مرد جهان هستید و من زیباترین زن دنیا. پیشنهاد می‌کنم با هم ازدواج کنیم تا صاحب کامل‌ترین بچهٔ دنیا بشویم. شا در جواب نوشت:)

اگر بچه زیبایی را از من و هوش را از شما به ارث ببرد، آن وقت چه خاکی به سرمان بریزیم؟

۷۲۱. جرج برنارد شا

محک تربیت هر مرد و زنی نحوهٔ رفتار او در دعوا و مرافعه است.

۷۲۲. ریچارد برینسلی شریدان

(خطاب به خانمی جوان:)

لطفاً به باغ من قدم رنجه کنید. می‌خواهم شما را به گلهایم نشان بدهم.

* -- *

720. George Bernard Shaw

(An unknown woman wrote to Shaw suggesting that as he had the greatest brain in the world, and she the most beautiful body, they ought to produce the most perfect child:)

What if the child inherits my body and your brains?

721. George Bernard Shaw

The test of a man or woman's breeding is how they behave in a quarrel.

722. Richard Brinsley Sheridan

Won't you come into the garden? I would like my roses to see you.

۷۲۳. میلی‌سنت فِنویک

(در جواب یکی از همکارانش در کنگره که ضمن حمله به بخشی از قانون حقوق زنان گفته بود: نظر من همیشه این بوده که زنان به کار بوییدن و بوسیدن و در آغوش گرفتن می‌آیند.)

من هم دربارهٔ مردها همین طور فکر می‌کردم. فقط امیدوارم شما به اندازهٔ من ناامید نشده باشید.

۷۲۴. فرستنده: **آنا اِم. کِروان**

مرد به زنش: خیال نکن من خانوادهٔ تو را دوست ندارم. اتفاقاً من مادر شوهر تو را خیلی بیشتر از مادر زن خودم دوست دارم.

۷۲۵. فرستنده: **دی. ام. کلارک**

شوهر (ضمن جر و بحث خانوادگی) : حالا بیا راجع به این موضوع منطقی صحبت کنیم.
زن : نخیر. این‌طوری همیشه تو برنده می‌شی.

* -- *

723. Millicent Fenwick

(A fellwo Congressman attacked a piece of women's rights legislation with the words, 'I've always thought of women as kissable, cuddly, and smelling good':)

That's what I feel about men. I only hope you haven't been disappionted as often as I have.

724. Contributed by Anna M. Kirwan

MAN TO HIS WIFE: 'It isn't true that I don't like your family. As a matter of fact I prefer your mother-in-law to my own.'

725. Contributed by D. M. Clark

During a domestic row, a **husband** said: 'Now let's talk this matter over reasonably'.
WIFE: 'No! That way you always win'.

۷۲۶. فرستنده: **آرتور جی. لوئیس**

مرد جوان: خبرداری که من و خواهرت می‌خواهیم با هم ازدواج کنیم؟
برادر کوچکتر دختر: به! تازه فهمیدی؟

۷۲۷. **پل والری**

وقتی خداوند مرد را آفرید دید او چنان که بایست تنها نیست پس همدمی برایش خلق کرد تا تنهایی‌اش را با شدت بیشتری احساس کند.[۹]

۷۲۸. **اسکار وایلد**

دوستی میان زن و مرد امکان‌پذیر نیست. میان آن دو می‌تواند شور و احساس، دشمنی، پرستش یا عشق وجود داشته باشد اما دوستی، نه.

۷۲۹. **می وست**

همین که دست مردی را باز بگذاری، تو را در دست می‌گیرد.

* -- *

726. **Contributed by Arthur J. Lewis**

BOY FRIEND: 'Your sister and I are going to be married.'
YOUNGER BROTHER: 'Have you only just found that out?'

727. **Paul valéry**

God created man and, finding him not sufficiently alone, gave him a companion to make him feel his solitude more keenly.

728. **Oscar Wilde**

Between men and women there is no friendship possible. There is passion, enmity, worship, love, but no friendship.

729. **Mae West**

Give a man a free hand and he'll try to put it all over you.

۷۳۰. می وست

بهترین وسیله برای نگه داشتن یک مرد استفاده از بازوهاست.

۷۳۱. ویکتوریا وود

لیل: مارکوس بیشتر از زنهای ریز نقش خوشش می‌آید.
ویکتوریا: بله، چون راحت‌تر می‌تواند زیر پا لهشان کند.

* -- *

730. Mae West

The best way to hold a man is in your arms.

731. Victoria Wood

LILL: Marcus prefers petite women.
VICTORIA: Yes, because they're easier to tread on.

۷۳۲. روزان آرنولد

سابق بر این فکر می‌کردم آدم جالبی هستم ولی حالا باید اعتراف کنم چقدر عاقلانه است انسان به این نتیجه برسد که نه کل زندگی‌اش می‌تواند چیزی بیشتر از سی و پنج صفحه را سیاه کند و نه بیش از این حرفی برای گفتن دارد.

۷۳۳. جیمز ایگِت

هر بار که زندگینامهٔ خودنوشتِ کسی منتشر می‌شود قبل از هر چیز به نمایه‌اش رجوع می‌کنم تا ببینم آیا اسم من هم آمده یا نه و البته هیچ وقت نمی‌آید.

۷۳۴. آرتور جیمز بالفور

زندگینامه شخص را باید دشمن سرسخت او بنویسد.

* -- *

732. **Roseanne Arnold**

I used to think I was an interesting person, but I must tell you how sobering a thought it is to realize your life's story fills about thirty-five pages and you have, actually, not much to say.

733. **James Agate**

Every time somebody's Autobiography comes out I turn to the Index to see if my name occurs, and of course it never does.

734. **Arthur James Balfour**

Biography should be written by an acute enemy.

۷۳۵. هنری فیلیپ پتَن

زندگینامهٔ خود را نوشتن یعنی بدگویی کردن از همه غیر از خود.

۷۳۶. کوئنتین کریسپ

زندگینامهٔ خودنوشت آگهی درگذشتی است که به صورت دنباله‌دار نوشته شده و بخش آخر را کم دارد.

۷۳۷. هنری کیسینجر

من در این کتاب دربارهٔ خودم به صراحت سخن گفته و از اولین اشتباهم در صفحهٔ ۸۵۰ یاد کرده‌ام.

۷۳۸. منسوب به: **اِولین وا**

وقتی انسان هر نوع کنجکاوی در مورد آینده را از دست می‌دهد دیگر به سنی رسیده که باید بنشیند و زندگینامهٔ خود را بنویسد.

* -- *

735. Henri Philippe Pétain

To write one's memoirs is to speak ill of everybody except oneself.

736. Quentin Crisp

An autobiography is an obituary in serial form with the last instalment missing.

737. Henry Kissinger

I am being frank about myself in this book. I tell you of my first mistake on page 850.

738. Evelyn Waugh :attributed

Only when one has lost all curiosity about the future has one reached the age to write autobiography.

۷۳۹. ژان آنوی

زندگی تا وقتی آدم دربارهٔ آن حرف می‌زند یا در کتابهای تاریخ راجع به آن می خواند چیز جالبی است اما در عمل افتضاح است.

۷۴۰. آدلی استیونسون

جنگیدن در راه اصول اغلب آسان‌تر از زیستن بر وفق اصول است.

۷۴۱. آدلی استیونسون

مهم چقدر زندگی کردن است نه چند سال زیستن.

۷۴۲. آلبرت اینشتین

اگر A را موفقیت در زندگی بگیریم، آنگاه A مساوی است با X به علاوهٔ Y به علاوهٔ Z. X کار، Y تفریح و سرگرمی و Z لب فروبستن است.

* -- *

739. **Jean Anouilh**

Life is a wonderful thing to talk about in history books–but it is terrible when one has to live it.

740. **Adlai Stevenson**

It is often easier to fight for principles than to live up to them.

741. **Adlai Stevenson**

It is not the years in your life but the life in your years that counts.

742. **Albert Einstein**

If A is a success in life, then A equals X plus Y plus Z . Work is X; Y is play; and Z is keeping your mouth shut.

۷۴۳. ساميوئل باتلر
زندگی داستان دراز خستگی است.

۷۴۴. ساميوئل باتلر
اگر قرار است زندگی را زیاد جدی نگیریم مرگ را هم نباید زیاد جدی گرفت.

۷۴۵. دیلان توماس
آه، زندگی آیا چیز وحشتناکی نیست، خدا را شکر؟

۷۴۶. ساميوئل جانسون
در خیال دست شستن از جهان مباش مگر آنگاه که جهان برکناره‌جویی تو افسوس بخورد.

* -- *

743. Samuel Butler
Life is one long process of getting tired.

744. Samuel Butler
If life must not be taken too seriously then so neither must death.

745. Dylan Thomas
Oh, isn't life a terrible thing, thank God?

746. Samuel Johnson
Don't think of retiring from the world until the world will be sorry that you retire.

۷۴۷. آنتون چخوف

مدودِنکو: چرا همیشه سیاه می‌پوشی؟
ماشا: سوگوار زندگی خودم هستم.

۷۴۸. کِنِت دارژانسون

(پس از آنکه دفونتن جزوه‌ای هجوآمیز علیه ولی نعمت خود، دارژانسون، می‌نویسد)
دِفونتن: می‌خواهم زنده بمانم.
دارژانسون: لزومی نمی‌بینم.

۷۴۹. دیوار نبشته، لندن، ۱۹۸۴

زندگی یک بیماری موروثی است.

۷۵۰. برتراند راسل

یا با هم زیستن یا نزیستن.

* -- *

747. Anton Chekov

MEDVEDENKO: Why do you wear black all the time?
MASHA: I'm in mourning for my life.

748. D'Argenson

(On Desfontaines having produced a pamphlet satirizing D'Argenson, his benefactor.)
DESFONTAINES: I must live.
D'ARGENSON: I do not see the necessity.

749. Graffito, London, 1984

Life is a hereditary disease.

750. Bertrand Russell

It's co-existence or no existence.

۷۵۱. نیل سایمون

من عاشق زندگی کردنم. زندگی البته بی‌مشکل نیست اما زندگی کردن بهترین چیزی است که تا کنون به فکر کسی رسیده.

۷۵۲. رابرت فراست

همهٔ آنچه دربارهٔ زندگی آموخته‌ام در یک کلمه خلاصه می‌شود: می‌گذرد!

۷۵۳. آبراهام کاولی

زندگی بیماری درمان‌ناپذیری است.

۷۵۴. رنه کوتی

عمری تلف کردم تا بفهمم فهمیدن همه چیز لازم نیست.

* -- *

751. Neil Simon

I *Love* living. I have some problems with my *life*, but living is the best thing they've come up with so far.

752. Robert Frost

In three words I can sum up everything. I've learned about life. It goes!

753. Abraham Cowley

Life is an incurable disease.

754. René Coty

It's taken all my life to understand that it is not necessary to understand everything.

۷۵۵. ژان کوکتو

زندگی سقوطی است افقی.

۷۵۶. فران لبوویتس

وقتی آدم خوابش نمی‌برد، زندگی کردن تنها کاری است که از او بر می‌آید.

۷۵۷. میریام مارگولیس

زندگی اگر چاق باشی، به میدان مین می‌ماند که باید با احتیاط در آن پیش بروی وگرنه منفجر خواهی شد.

۷۵۸. کریستوفر مورلی

زندگی زبانی خارجی است که همهٔ آدمها با تلفظ اشتباه بدان سخن می‌گویند.

* -- *

755. **Jean Cocteau**

Life is a horizontal fall.

756. **Fran Lebowitz**

Life is something to do when you can't get to sleep.

757. **Miriam Margolyes**

Life, if you're fat, is a minefield you have to pick your way otherwise you blow up.

758. **Christopher Morley**

Life is a foreign language: all men mispronounce it.

۷۵۹. اچ. ال. مِنکن

در همه چیز تعادل. زندگیِ زیاد هم لازم نکرده؛ خودش غالباً زیادی طول می‌کشد.

۷۶۰. دزموند موریس

زندگی به دیداری کوتاه از یک مغازهٔ اسباب‌بازی فروشی می‌ماند در فاصلهٔ میان تولد و مرگ.

۷۶۱. ناشناس. دیوار نبشتهٔ قطار زیرزمینی لندن

زندگی یک بیماری واگیردار است که از طریق مقاربت منتقل می‌شود.

۷۶۲. هارولد نیکلسون

یکی از تفریحات کوچک زندگی مختصری کسالت است.

* -- *

759. **H. L. Mencken**

Moderation in all things. Not too much of life. It often lasts too long.

760. **Desmond Morris**

Life is like a very short visit to a toyshop between birth and death.

761. **Anonymous** Graffito found on the London Underground

Life is a sexually transmitted disease.

762. **Harold Nicolson**

One of the minor pleasures of life is to be slightly ill.

۷۶۳. اسکار وایلد

زندگی بسیار بسیار مهمتر از آن است که دربارهٔ آن جدی صحبت کنیم.

۷۶۴. کارولین وِلز

باید زندگی کرد و آموخت، اما افسوس که وقتی آموختیم دیگر مجالی برای زندگی نداریم.

۷۶۵. سیدنی جِی. هاریس

هر وقت می‌شنوم کسی با افسوس می‌گوید: "زندگی سخت است" دلم می‌خواهد از او بپرسم: "در مقایسه با چی؟"

* -- *

763. **Oscar Wilde**

Life is much too important a thing ever to talk seriously about it.

764. **Carolyn Wells**

We should live and learn; but by the time we've learned, it's too late to live.

765. **Sydney J. Harris**

When I hear somebody sigh, 'Life is hard', I am always tempted to ask, 'Compared to what?'

۷۶۶. آدلی استیونسون

زیبا کسی است که نظرتان به او جلب می‌شود، دلربا کسی است که نظرتان را جلب می‌کند.

۷۶۷. اسکار وایلد

این زن در همه چیز طاووس علیین است اِلّا در زیبایی.

* -- *

766. **Adlai Stevenson**

A beauty is a woman you notice; a charmer is one who notices you.

767. **Oscar Wilde**

She is a peacock in everything but beauty.

۷۶۸. ماریس ایدلمان

من از سانسور بدم می‌آید چون به آپاندیسیت می‌ماند که اگر فعال نباشد بی فایده است و اگر فعال باشد خطرناک.

۷۶۹. آلن بِنِت

من کاملاً طرفدار آزادی بیانم به شرط آنکه شدیداً تحت کنترل باشد.

۷۷۰. لارنس جِی. پیتر

سانسورچی کسی است که چیزهایی می‌داند که به نظر او شما نباید بدانید.

۷۷۱. جرج برنارد شا

آدم‌کشی شکل نهایی سانسور است.

* -- *

768. **Maurice Edelman**

I dislike censorship. Like an appendix it is useless when inert and dangerous when active.

769. **Alan Bennett**

I'm all in favour of free expression provided it's kept rigidly under control.

770. **Laurence J. Peter**

A censor is a man who knows more than he thinks you ought to.

771. **George Bernard Shaw**

Assasination is the extreme form of censorship.

۷۷۲. پل گودمن

هر وقت سانسور رسمی وجود دارد علامت این است که وضع آزادی بیان وخیم است و هروقت سانسوری در کار نیست مطمئناً همهٔ بلندگوها در دست سخنگویان رسمی است.

۷۷۳. والت ویتمن

آلوده‌ترین کتاب، کتابی است تطهیر شده.

* -- *

772. **Paul Goodman**

When there is official censorship it is a sign that speech is serious. When there is none, it is pretty certain that the official spokesman have all the loudspeakers.

773. **Walt Whitman**

The dirtiest book of all is the expurgated book.

۷۷۴. استیفن اسپندر

می‌ترسم نتوانم سخنرانی جالبی ایراد کنم. آخر همین حالا کتابی خواندم که می‌گفت: "آدمهای نابغه از طنز و شوخ‌طبعی بی‌بهره‌اند."

۷۷۵. پات اومالی

سخنرانی مثل بچه در دل پروراندنش ساده است و به دنیا آوردنش مشکل.

۷۷۶. دکتر اِل. بایندر

مغز واقعاً چیز عجیبی است. از زمانی که به دنیا می‌آیید تا لحظه‌ای که برای سخنرانی از جا بلند می‌شوید از کار نمی‌ماند.

۷۷۷. لرد بیرکت

به آدمهایی که هنگام سخنرانی‌ام به ساعتشان نگاه می‌کنند اعتراضی ندارم اما به این که ساعتشان را تکان می‌دهند تا از کارکردنش مطمئن شوند شدیداً معترضم.

* -- *

774. Stephen Spender

I fear I cannot make an amusing speech. I have just been reading a book which says that 'all geniuses are devoid of humour'.

775. Pat O'Malley

Speaches are like babies easy to conceive but hard to deliver.

776. Dr. L. Binder

The brain is a wonderful thing. It never stops functioning from the time you are born until the moment you stand up to make a speech.

777. Lord Birkett

I do not object to people looking at their watches when I am speaking. But I strongly object when they start shaking them to make certain they are still going.

۷۷۸. مارک تواین

آماده کردن هر سخنرانیِ فی‌البداهه چیزی حدود سه هفته وقتم را می‌گیرد.

۷۷۹. ساميوئل جانسون

یک نفر باید باشد که شکاف بین حرفهای پیش پا افتاده و سر نیزه‌ها را پر کند.

۷۸۰. فری لوئیس دولئون (شاعر و نویسندهٔ مذهبی اسپانیایی)

(هنگام از سرگیری سخنرانی‌اش در دانشگاه سالامانکا در سال ۱۵۷۷ بعد از تحمل پنج سال زندان)

دیروز داشتیم می‌گفتیم که...

* -- *

778. **Mark Twain**

It usually takes more than three weeks to prepare a good impromptu speech.

779. **Samuel Johnson**

Someone must fill the gap between platitude and bayonetes.

780. **Fray Luis de Léon**

(Spanish Poet and religious writer, on resuming a lecture at Salamanca University in 1577, after five years' imprisonment)

We were saying yesterday...

۷۸۱. هنری کلی

الکساندر اسمیت: شما برای نسل حاضر صحبت می‌کنید، آقا، اما من برای نسلهای آینده.

هنری کلی: و این طور که پیداست تصمیم گرفته‌اید تا آمدن شنوندگانتان همین طور حرف بزنید.

۷۸۲. استیون لیکاک

اکثر مردم بعد از ده دقیقه از گوش دادن به سخنرانی خسته می‌شوند. آدمهای باهوش می‌توانند از این جلوتر بروند و ظرف پنج دقیقه خسته شوند و اما آدمهای فهمیده اصلاً پا به جلسات سخنرانی نمی‌گذارند.

۷۸۳. گور ویدال

خوشم می‌آید که بدیهیات را همیشه طوری مطرح می‌کنی که انگار کشف بزرگی کرده‌ای.

* -- *

781. Henry Clay

ALEXANDER SMYTH: You, sir, speak for the present generation, but I speak for posterity.

HENRY CLAY: Yes, and you seem resolved to speak until the arrival of your audience.

782. Stephen Leacock

Most people tire of a lecture in ten minutes; clever people can do it in five. Sensible people never go to lectures at all.

783. Gore Vidal

I like the way you always manage to state the obvious with a sense of real discovery.

۷۸۴. جرج برنارد شا

ابلهان همواره طرفدار نابرابری درآمدند (زیرا این تنها شانس ترقی‌شان است) و انسانهای حقیقتاً بزرگ هوادار برابری.

۷۸۵. دی.اچ. لارنس

راستی که بورژوا عجب جانوری است، علی‌الخصوص جنس نر آن.

* -- *

784. George Bernard Shaw

Idiots are always in favour of inequality of income (their only chance of eminence), and the really great in favour of equality.

785. D. H. Lawrence

How beastly the bourgeois is
Especially the male of the species.

۷۸۶. دبلیو. اچ. آدن
صورتم مثل کیک عروسی‌یی است که زیر باران مانده باشد.

۷۸۷. بیل برایسون
از قیافهٔ این بابا می‌شود به شوخ‌طبعی آفریدگار پی برد.

۷۸۸. اسکار وایلد
فقط آدمهای سطحی هستند که از روی ظاهر قضاوت نمی‌کنند.

* -- *

786. W. H. Auden
My face looks like a wedding cake left out in the rain.

787. Bill Bryson
He had the sort of face that makes you realise God does have a sense of humour.

788. Oscar Wilde
It is only the shallow people who do not judge by appearances.

۷۸۹. پدر روحانی سیدنی اسمیت
گهگاه بارقه‌ای از سکوت گفتارش را دلنشین می‌کند.

۷۹۰. کریستینا روستی
سکوت از هر آوازی خوش آهنگ‌تر است.

۷۹۱. هنری جی. کایزر
وقتی اثرت برای خودش حرف می‌زند تو حرف زیادی نزن.

۷۹۲. اسکار وایلد
او از لحاظ روان‌شناسی دقیقاً می‌دانست کی چیزی نگوید.

* -- *

789. **The Rev. Sydney Smith**
He has occasional flashes of silence that make his conversation perfectly delightful.

790. **Christina Rossetti**
Silence is more musical than any song.

791. **Henry J. Kaiser**
When your work speaks for itself, don't interrupt.

792. **Oscar Wilde**
He knew the precise psychological moment when to say nothing.

۷۹۳. منسوب به: **رابرت بنچلی**

(گور نوشتهٔ پیشنهادی برای یکی از ستارگان هوسران سینما)

سرانجام تنها خوابید.

۷۹۴. **دوروتی پارکر**

(سنگ نبشتهٔ پیشنهادی برای مزار خود)

بر خاک من ببخشایید.

* -- *

793. **Robert Benchley**: attributed

(Suggested epitaph for an unnamed movie queen whose love-life had been notorious:)

She sleeps alone at last.

794. **Dorothy Parker**

Excuse My Dust.

۷۹۵. جرج برنارد شا

پاسخ دادن به هیچ سؤالی دشوارتر از سؤالی نیست که جوابش روشن است.

۷۹۶. آلبر کامو

می‌دانی افسونگری یعنی چه؟ یعنی گرفتن جواب مثبت بدون پرسیدن سؤالی روشن.

* -- *

795. George Bernard Shaw

No question is so difficult to answer as that to which the answer is obvious.

796. Albert Camus

You know what charm is: a way of getting the answer yes without having asked any clear question.

۷۹۷. ناشناس

ـ خاخام، سوسیالیسم را می‌شود در یک کشور بنا کرد؟
ـ بله، فرزندم. اما خودت باید در کشور دیگری زندگی کنی.

۷۹۸. ارل وارِن

بسیاری از مردم کارهایی را که دولت برای خودشان انجام می‌دهد پیشرفت اجتماعی به حساب می‌آورند اما به کارهایی که برای دیگران می‌کند برچسب سوسیالیسم می‌زنند.

* -- *

797. Anonymous

'Rabbi, can one build socialism in one country?'
'Yes, my son, but one must live in another.'

798. Earl Warren

Many people consider the things which government does for them as social progress, but they consider the things government does for others as socialism.

۷۹۹. **دین آچسون**، سیاستمدار آمریکایی، ۱۹۷۰
اولین شرط سیاستمدار شدن خنگ بودن است. رسیدن به این مرحله همیشه کار ساده‌ای نیست.

۸۰۰. **هربرت آسکوئیت**
وزارت جنگِ سه نوع آمار و ارقام داشت: یکی برای گول زدن مردم، یکی برای گمراه کردن هیأت دولت و سومی برای فریب دادن خود.

۸۰۱. **آدلی استیونسون**
بهترین دلیلی که برای داوطلب نشدن برای ریاست جمهوری آمریکا به فکرم می‌رسد این است که باید روزی دوبار اصلاح کنم.

* -- *

799. **Dean Acheson,** American Statesman, 1970
The first requirement of a statesman is that he be dull. This is not always easy to achieve.

800. **Herbert Asquith**
The War Office kept three sets of figures: one to mislead the public, another to mislead the cabinet, and the third to mislead itself.

801. **Adlai Stevenson**
The best reason I can think of for not running for President of the United States is that you have to shave twice a day.

۸۰۲. منسوب به اف. ای. اسمیت

وینستون (چرچیل) بهترین سالهای زندگی‌اش را صرف تهیهٔ سخنرانیهای فی‌البداهه‌اش کرده.

۸۰۳. پی. جی. اورورک

سیاست مثل رحمتِ بی‌پایانِ پروردگار آخرین راه چاره است.

۸۰۴. جان اوکانور

قاطران سیاست: نه افتخاری به اسلاف نه امیدی به اعقاب.

۸۰۵. آر. اِی، باتلر

در سیاست باید همیشه همراه گله حرکت کنی چون همین که از خود سستی نشان دادی و معلوم شد زخمی شده‌ای بقیهٔ گرگ‌ها بر سرت خواهند ریخت.

* -- *

802. **F. E. Smith**: Attributed

Winston has devoted the best years of his life to preparing his impromptu speeches.

803. **P. J. O'Rourke**

Politics are, like God's infinite mercy, a last resort.

804. **John O'connor**

The mules of politics: without pride of ancestry, or hope of posterity.

805. **R. A. Butler**

In politics you must always keep running with the pack. The moment that you falter and they sense that you are injured, the rest will turn on you like wolves.

۸۰۶. موریس باره

سیاستمدار بندبازی است که تعادلش را با گفتن عکس آنچه انجام می‌دهد، حفظ می‌کند.

۸۰۷. هی‌وود برون

لیبرال کسی است که هنوز دعوا شروع نشده اتاق را ترک می‌کند.

۸۰۸. هیلر بِلاک

جنازهٔ سیاستمدار آنجا
با جلال و جبروتی مضحک افتاده بود.
آشنایانش همه ریشخندزنان نفرینش می‌کردند
اما من در گوشه‌ای می‌گریستم:
آخر سالیان سال آرزوی بر دار رفتنش را داشتم.

* -- *

806. **Maurice Barrés**

The politician is an acrobat. He keeps his balance by saying the opposite of what he does.

807. **Heywood Broun**

A Liberal is a man who leaves the room before the fight begins.

808. **Hilaire Belloc**

Here richly, with ridiculous display,
The Politician's corpse was laid away.
While all of his acquaintances sneered and slanged,
I wept: for I had longed to see him hanged.

۸۰۹. آنورین بِوان

چرچیل از شکستش به گونه‌ای یاد می‌کند که گویا شکست او مشیت پروردگار بوده اما از پیروزی‌اش چنان دم می‌زند که گویی خود نصیب خویش کرده است.

۸۱۰. منسوب به: **آنورین بوان**

برای نائل آمدن به مقام وزارت دو راه بیشتر وجود ندارد یا خوش‌رقصی کردن یا جفتک انداختن.

۸۱۱. پاپ پیوس هفتم

(اشاره به تلاش برای رسیدن به توافق با ناپلئون)

ما حاضریم تا دروازهٔ جهنم پیش برویم اما از آن جلوتر، نه.

* -- *

809. **Aneurin Bevan**

He refers to a defeat as disaster as though it came from God, but to a victory as though it came from himself.

810. **Aneurin Bevan**: attributed

There are two ways of getting into the cabinet - you can crawl in or kick your way in.

811. **Pius VII**

(Pope from1800) Attempting to reach an agreement with Napoleon

We are prepared to go to the gates of Hell - but no further.

۸۱۲. وینستون چرچیل

پرسش: خصوصیات مطلوب مرد جوانی که می‌خواهد سیاستمدار بشود چیست؟
وینستون چرچیل: قدرت پیش‌گویی این که فردا و هفتهٔ آینده و ماه آینده و سال آینده چه پیش خواهد آمد. و بعد، قدرت توجیه اینکه چرا این اتفاقات روی نداده است.

۸۱۳. وینستون چرچیل

من هیچ راهی برای تشکیل سازمان جهانی، آن هم ظرف پنج شش روز، سراغ ندارم. قادر متعال هم به هفت روز نیاز داشت.

۸۱۴. بنجامین دیزریلی

آنچه افکار عمومی می‌نامیم معمولاً احساسات عمومی است.

* -- *

812. Winston Churchill

QUESTION: What are the desirable qualifications for any young man who wishes to become a politician?
MR CHURCHILL: It is the ability to foretell what is going to happen tomorrow, next week, next month, and next year. And to have the ability afterwards to explain why it didn't happen.

813. Winston Churchill

I do not see any other way of realizing our hopes about World Organization in five or six days. Even the Almighty took seven.

814. Benjamin Disraeli

What we call public opinion is generally public sentiment.

۸۱۵. ویل راجرز

شمار کسانی که در فاصلهٔ غروب و طلوع آفتاب انتخاب شده‌اند بیش از کسانی است که میان طلوع و غروب رأی آورده‌اند.

۸۱۶. ویل راجرز

هر قدر دربارهٔ سیاست بیشتر تأمل کنید بهتر متوجه می‌شوید که احزاب یک از یک بدترند.

۸۱۷. فرانکلین. دی. روزولت

(در مورد سوموزا، رئیس جمهور نیکاراگوآ، ۱۹۳۸)

این آدم حرامزاده هم که باشد حرامزادهٔ خودمان است.

* -- *

815. **Will Rogers**

More men have been elected between sundown and sun-up than ever were elected between sun-up and sundown.

816. **Will Rogers**

The more you read and observe about this politics thing, you got to admit that each party is worse than the other.

817. **Franklin D. Roozevelt** on President Somoza of Nicaragua, 1938

He may be a son of a bitch, but he's our son of a bitch.

۸۱۸. جرج برنارد شا

هیچ چیز نمی‌داند اما خیال می‌کند همه چیز می‌داند. این خود نشانهٔ روشنی است از شغل سیاسی او.

۸۱۹. جرج برنارد شا

هرج و مرج‌طلبی نوعی بازی است که ضمن آن پلیس می‌تواند شما را کتک بزند.

۸۲۰. رابرت فراست

در جوانی هرگز نخواستم رادیکال باشم تا در ایام پیری محافظه‌کار از آب درنیایم.

۸۲۱. رابرت فراست

آدم لیبرال بلندنظرتر از آن است که در دعوا طرف خودش را بگیرد.

* -- *

818. **George Bernard Shaw**

He knows nothing; and he thinks he knows everything. That points clearly to a political career.

819. **George Bernard Shaw**

Anarchism is a game at which the police can beat you.

820. **Robert Frost**

I never dared be radical when young for fear it would make me conservative when old.

821. **Robert Frost**

A liberal is a man too broadminded to take his own side in a quarrel.

۸۲۲. فوسیون

دموستن: ای فوسیون، اگر آتنی‌ها بر سر خشم آیند تو را خواهند کشت.
فوسیون: و اگر بر سر عقل آیند تو را.

۸۲۳. توماس کارلایل

یک دولتمرد بذله‌گو گفته است با آمار و ارقام هر چیزی را می‌توان ثابت کرد.

۸۲۴. کلاد کوکبرن

در جنگ و دعوا نکتهٔ حائز اهمیت همیشه این است که به تمام طرفداران خود ثابت کنید که دشمن کمر به غارت زمین یا دام و احشام شما بسته است یا رونق بازار شما را با پارچه‌های نخی ارزان قیمت خود می‌شکند و از همهٔ اینها گذشته موجودی شرور و به قول ایرلندی‌ها «دشمن خدا» است.

* -- *

822. Phocion

DEMOSTHENES: The Athenians will kill thee, phocion, should they go crazy.
PHOCION: But they will kill thee, should they come to their senses.

823. Thomas Carlyle

A witty statesman said, you might prove anything by figures.

824. Claud Cockburn

It is always important in conflict to prove to the satisfaction of all the people on your side that the enemy is not only out to steal your land or your cattle or your market for cheap cotton goods, but is at the same time vicious and, as the Irish say 'an affront to God'.

۸۲۵. ای. ای. کامینگز
سیاستمدار حماری است که جز انسان همه بر پشتش سوار شده‌اند.

۸۲۶. آلن کلارک
در سیاست دوست واقعی پیدا نمی‌شود، همهٔ ما چرخ‌زنان مثل کوسه منتظریم تا ردِ خونی پیدا شود.

۸۲۷. جان اِف. کندی
وقتی قدرت را به دست گرفتیم آنچه مایهٔ حیرتم شد این بود که دیدم وضع به همان خرابی‌یی است که می‌گفتیم.

* -- *

825. E. E. Cummings
A politician is an arse upon which everyone has sat except a man.

826. Alan Clark
There are no true friends in politics. We are all sharks circling, and waiting, for traces of blood to appear in the water.

827. John F. Kennedy
When we got into office, the thing that surprised me most was to find that things were just as bad as we'd been saying they were.

۸۲۸. جو کوئینان

ببینید، در کشور خود ما (آمریکا) جمهوری در دست چه کسانی بوده: آندرو جانسون، یک میخوارهٔ بی‌خاصیت؛ وارِن هاردینگ، آن هم یک میخوارهٔ بی‌خاصیت و بالاخره جرالد فورد که برای بی‌خاصیت بودن احتیاج به میخوارگی هم نداشت.

۸۲۹. لرد کیلموئیر

حق‌شناسی از ویژگی‌های طبیعی زندگی سیاسی نیست.

۸۳۰. گلین گریفیت

ما نمی‌توانیم ویلسون را به خاطر همهٔ مشکلات امروز بریتانیا ملامت کنیم. ضررهایی را که او به مملکت وارد کرده از هیچ کسی به تنهایی ساخته نیست.

* -- *

828. Joe Queenan

In our own country, the Republic has been governed by Andrew Johnson, an ineffective drunk; Warren Harding, an ineffective drunk; and Gerald Ford, who didn't even need to be a drunk to be ineffective.

829. Lord Kilmuir

Gratitude is not a normal feature of political life.

830. Glyn Griffiths

We cannot blame Wilson for everything that is wrong with Britain today; no one man could do all the damage that he has done.

۸۳۱. باری گولدواتر

هیوبرت هامفری چنان سریع حرف می‌زند که گوش دادن به حرفهایش به این می‌ماند که وقتی خانمتان مجله پلی‌بوی را ورق می‌زند سعی کنید مطالبش را بخوانید.

۸۳۲. اچ. اِل. منکن

سیاستمدار خوب همان‌قدر غیرقابل تصور است که راهزن شرافتمند.

۸۳۳. فیلد مارشال لرد مونتگامری

من بیشتر عمرم را صرف جنگیدن با آلمانیها و سیاستمدارها کرده‌ام. باید بگویم جنگ با آلمانیها به مراتب ساده‌تر است.

۸۳۴. ناشناس

توی انقلاب گلاب به سر و روی کسی نمی‌پاشند.

* -- *

831. **Barry Goldwater**

Hubert Humphrey talks so fast that listening to him is like trying to read *Playboy* magazine with your wife turning over the pages.

832. **H. L. Mencken**

A good politician is quite unthinkable as an honest burglar.

833. **Field Marshall Lord Montgomery**

I have spent much of my life fighting the Germans and fighting the politicians. It is much easier to fight the Germans.

834. **Anonymous**

Revolutions are not made with rosewater.

۸۳۵. فریدریش نیچه

سیاستمدار انسان را به دو طبقه تقسیم می‌کند: ابزارها و دشمنان.

۸۳۶. آلن واتکینز

(دربارهٔ ویلیام وایت لا در همایش حزب محافظه‌کار)

او مثل جانوری بسیار پیر که در جنگل یا بیشه‌ای کمین کرده باشد، آنجا نشسته و چشمان درشت و غمگینش را به جستجوی دشمن گاه به این سو و گاهی به سوی دیگر می‌گرداند و در همان حال با خود می‌اندیشد که جا خالی کند یا به حمله‌ای متقابل برخیزد.

۸۳۷. پل والری

سیاست فن بازداشتن مردم از مشارکت در اموری است که به راستی مربوط به خودشان است.

* -- *

835. Friedrich Nietzsche

A politician divides mankind into two classes: tools and enemies.

836. Alan Watkins of William Whitelaw at the Conservative Party conference

There he sits, like a very old beast of the jungle or veldt, turning his great sad eyes now this way, now that, in an attempt to locate his enemies, and contemplating the while whether to take evasive action or mount a counter-attack.

837. Paul Valéry

Politics is the art of preventing people from taking part in affairs which properly concern them.

۸۳۸. پیتر دو وریس

سیاستمدار کسی است که «بهتر» از هر کس با کمترین کلمات بیشترین لفّاظی‌ها را می‌کند.

۸۳۹. دوکِ ولینگتون

(هنگام مشاهدهٔ نمایندگان نخستین مجلس اصلاح طلب)

به عمرم این همه کلاه زشت و بدقواره ندیده بودم.

۸۴۰. گور ویدال

اگر می‌خواهید در امریکا در عالم سیاست ترقی کنید، فقط گِرد یک موضوع نباید بگردید و آن سیاست است.

* -- *

838. Peter de Vries

A politician is a man who can be verbose in fewer words than anyone else.

839. Duke of Wellington on seeing the first Reformed Parliament

I never saw so many shocking bad hats in my life.

840. Gore vidal

If you want to rise in politics in the United States, there is one subject you must stay away from and that is politics.

۸۴۱. فرستنده: اِل. هاریس

سیاست به درد آنهایی می‌خورد که بیشتر به فکر خودشان هستند، کمتر به فکر دیگران و به فکر حقیقت هرگز!

* -- *

841. Contributed by L. Harris

Politics are for those who have a great regard for themselves, little regard for others and no regard for the truth!

۸۴۲. ادوارد استریتر

لطف سفر در چیست؟ نود درصد به توقعات و شور و شوق قبل از آن و ده درصد به تجدید خاطراتش.

۸۴۳. رابرت بنچلی

مسافرت بر دو نوع است: درجهٔ یک و با بچه‌ها.

۸۴۴. آرت بوخوالد

پیدا کردن همسفر ساده‌تر است تا خلاص شدن از دست همسفر.

۸۴۵. ساچل پیج

هواپیما ممکن است شما را به‌کشتن بدهد. در عوض احتمال اینکه زخمی‌تان بکند کم است.

* -- *

842. Edward Streeter

Travel is ninety per cent anticipation and ten per cent recollection.

843. Robert Benchley

There are two classes of travel: first class and with children.

844. Art Buchwald

It is easier to find a traveling companion than to get rid of one.

845. Satchel Page

(Airplanes) may kill you, but they ain't likely to hurt you.

۸۴۶. ساموئل جانسون

سوار بر کشتی بودن همان در حبس بودن است، به علاوهٔ احتمال غرق شدن.

۸۴۷. جی. کِی. چسترتون

می‌گویند سفر فکر آدم را باز می‌کند. این درست، اما اول باید فکرش را داشت.

* -- *

846. Samuel Johnson

Being in a ship is being in a jail, with the chance of being drowned.

847. G. K. Chesterton

They say travel broadens the mind; but you must have the mind.

۸۴۸. چارلی چاپلین

همهٔ آنچه برای ساختن یک کمدی نیاز دارم عبارت است از: یک پارک، یک پلیس و یک دختر زیبا.

۸۴۹. ژان لوک گودار

ژرژ فرانژو: فیلم باید آغاز و میان و پایانی داشته باشد.
ژان لوک گودار: البته، اما نه الزاماً به همین ترتیب.

۸۵۰. آنتونی نیولی و لسلی بریکوس

(اسم فیلم موزیکال)

آهای دنیا، نگه‌دار! می‌خوام پیاده شم.

* -- *

848. **Charlie Chaplin**

All I need to make a comedy is a park, a policeman and a pretty girl.

849. **Jean - Luc Godard**

GEORGE FRANJU: Movies should have a beginning, a middle and an end.
JEAN LUC GODARD: Certainly, but not necessarily in that order.

850. **Anthony Newley** and **Lesli Bricusse**

Stop the world, I want to get off.

۸۵۱. والتر باجوت

شادی بزرگ زندگی انجام دادن کاری است که به گفتهٔ مردم از شما ساخته نیست.

۸۵۲. فرستنده: **وی. اِی. شارپ**

جوش زدن به صندلی گهواره‌ای می‌ماند. دائم شما را حرکت می‌دهد اما به جایی نمی‌رساند.

۸۵۳. میویس گالانت

در این دنیا، آراء و افکار فراوان است و دست کم نیمی از آنها را کسانی ابراز کرده‌اند که غم و غصه‌ای نداشته‌اند.

* -- *

851. **Walter Bagehot**

The great pleasure in life is doing what people say you cannot do.

852. **Contributed by V. A. Sharp**

Worry is like a rocking chair, keeps you going but gets you nowhere.

853. **Mavis Gallant**

There are a great many opinions in this world, and a good half of them are professed by people who have never been in trouble.

۸۵۴. ماتیو آرنولد
شعر در ژرفای خود نقد زندگی است.

۸۵۵. پل الوار
زبان، شعرِ سنگواره شده است.

۸۵۶. تی. اس. الیوت
شاعر بی‌تجربه تقلید می‌کند و شاعر کارکشته سرقت.

۸۵۷. جی. کِی. چسترتون
شعرا به طرز اسرارآمیزی در خصوص پنیر سکوت اختیار کرده‌اند.[۱۰]

۸۵۸. رابرت فراست
من شعر آزاد را با همان سرعتی می‌گویم که تنیس را با تور پایین کشیده بازی می‌کنم.

* -- *

854. **Mathew Arnold**
Poetry is at bottom a criticism of life.

855. **Pau Èluard**
Language is fossil poetry.

856. **T. S. Eliot**
Immature poets imitate; mature poets steal.

857. **G. K. Chesterton**
Poets have been mysteriously silent on the subject of cheese.

858. **Robert Frost**
I'd as soon write free verse as play tennis with the net down.

۸۵۹. مولیر

هر آنچه نثر نیست نظم است، و هر چه نظم نیست نثر.

۸۶۰. مولیر

آقای ژاردن: چی؟ اگر بگویم: نیکول، شبکلاهم را بده و برو نعلین‌هایم را بیاور، این نثر است؟

معلم فلسفه: بله آقا.

آقای ژاردن: یاللعجب! پس من چهل سال و بلکه بیشتر به نثر صحبت کرده‌ام و خودم خبر نداشته‌ام.

۸۶۱. آدریان میچل

علت بی‌اعتنایی بیشتر مردم به بیشتر شعرها این است که بیشتر شعرها به بیشتر مردم بی‌اعتنایند.

* -- *

859. **Molière**

All that is not prose is verse; and all that is not verse is prose.

860. **Molière**

M. JOURDAIN: What? When I say: 'Nicole, bring me my slippers, and give me my night-cap,' is that prose?

PHILOSOPHY TEACHER: Yes, sir.

M. JOURDAIN: Good heavens! for more than forty years I have been speaking prose without knowing it.

861. **Adrian Mitchell**

Most people ignore most poetry because most poetry ignores most people.

۸۶۲. اسکار وایلد

تمام شعرهای بی‌ارزش از احساسات واقعی سرچشمه می‌گیرد.

۸۶۳. هوراس

نه خدایان، نه آدمیان و نه حتی کتابفروشها هیچ یک تاب تحمل شاعر درجهٔ دوم را ندارند.

* -- *

862. **Oscar Wilde**

All bad poetry springs from genuine feeling.

863. **Horace**

Not gods, nor men, nor even booksellers have put up with poets being second rate.

۸۶۴. باب براون

در پشت سر هر مرد موفق سالها شکست قرار گرفته.

۸۶۵. ساموئل بکت

(ساموئل بکت ضمن تمرین بازیگران در تئاتر رویال کورت به بازیگری که با آه و ناله گفته بود «من موفق نشدم» گفت:)

بسیار خوب. ادامه بده. باز هم شکست بخور. فقط سعی کن دفعهٔ بعد بهتر شکست بخوری.

۸۶۶. آمبروز بیرس

موفقیت گناهی نابخشودنی است که در حق همتایان‌مان مرتکب می‌شویم.

---

854. **Bob Brown**

Behind every successful man there's a lot of unsuccessful years.

855. **Samuel Beckett**

(During a rehearsal at the Royal Court, Beckett encouraged an actor who had lamented, 'I'm failing.')

Go on failing. Go on. Only next time, try to fail better.

856. **Ambrose Bierce**

Success is the one unpardonable sin against our fellows.

۸۶۷. پیروس

(پادشاه اپیروس بعد از پیروزی بر رومیان به بهای از دست دادن اکثر سربازانش:)

با یک پیروزی دیگر از این دست کارِ ما ساخته است!

۸۶۸. هربرت بایارد سوئوپ

برای موفقیت نمی‌توانم به شما دستورالعمل بدهم اما اگر می‌خواهید، دستورالعمل شکست این است: طوری رفتار کنید که همه از شما راضی باشند.

۸۶۹. اس. فردریک

وقتی تمام راهها به بن‌بست رسید، تسلیم شو.

۸۷۰. نوئل کاوارد

پیروزی بسان افعیِ مادر مرا در آغوش گرفت.

* -- *

857. **Pyrrhus**

(King of Epirus from 306BC)

One more such victory and we are lost!

858. **Herbert Bayard Swope**

I cannot give you the formula for success, but I can give you the try to formula for failure, which is-please everybody.

859. **S. Frederick**

If all else fails, give up.

860. **Noël Coward**

Success took me to her bosom like a maternal boa constri...

۸۷۱. دنیس کوفی

سن یک ناکام قرن بیستمی‌ام: مجردی کم شهوت و خوشحال.

۸۷۲. ژان کوکتو

معلوم است که من به بخت و اقبال اعتقاد دارم و گرنه چطور موفقیت آدمهایی را که ازشان متنفرم توجیه می‌کردم.

۸۷۳. لولیا، دوشسِ وست مینستر

هر آدمی را که بعد از سی سالگی سوار اتوبوس دیدید جزء ناموفقها بگذارید.

۸۷۴. اچ. اِل. مِنکن

قضیه ظاهراً از این قرار است که هر آدمی مادام که ناموفق است در زمرهٔ ابناءالله محسوب می‌شود ولی به محض موفق شدن به دامن شیطان می‌افتد.

* -- *

871. Denise Coffey

I am that twentieth-century failure, a happy undersexed celibate.

872. Jean Cocteau

Of course I believe in luck. How otherwise do you explain the success of the people you detest?

873. Loelia, Duchess of Westminster

Anybody seen in a bus over the age of 30 has been a failure in life.

874. H. L. Mencken

The theory seems to be that as long as a man is a failure he is one of God's children, but that as soon as he succeeds he is taken over by the Devil.

۸۷۵. جان مورتیمر

برای شکست خوردن همیشه فرصت باقی است.

۸۷۶. دوایت مورو

دنیا پر است از آدمهایی که کار می‌کنند و آدمهایی که حاصل کارها به نام آنها تمام می‌شود. سعی کنید جزء گروه اول باشید چون رقابتش کمتر است.

۸۷۷. شپرد مید

(عنوان یک کتاب)

رمزِ موفقیتِ بدون زحمت در تجارت.

۸۷۸. اسکار وایلد

موفقیت به علم می‌ماند. اگر شرایطش را داشته باشید به نتیجه می‌رسید.

* -- *

875. John Mortimer

There is always time for failure.

876. Dwight Morrow

The world is divided into people who do things and people who get the credit. Try, if you can, to belong to the first class. There's far less competition.

877. Shepherd Mead

How to succeed in business without really trying.

878. Oscar Wilde

Success is a science; if you have the conditions, you get the result.

۸۷۹. گور ویدال

هر وقت دوستی موفقیتی به دست می‌آورد اندک چیزی در من می‌میرد.

۸۸۰. گور ویدال

پیروز شدن شما کافی نیست. شکست دیگران هم لازم است.

۸۸۱. ویکتور هوگو

همه چیز در برابر موفقیت سر تعظیم فرو می‌آورد، حتی دستور زبان.

* -- *

879. **Gore Vidal**

Whenever a friend succeeds, a little something in me dies.

880. **Gore Vidal**

It is not enough to succeed. Others must fail.

881. **Victor Hugo**

Everything bows to success, even grammar.

۸۸۲. لرد بایرون

نوعی بی اعتقادی گریبانگیرم شده که به هیچ رو نمی‌توانم خود را از چنگ آن خلاص کنم.
در یک کلام: هیچ چیز را رد نمی‌کنم اما به همه چیز شک دارم.

۸۸۳. نیلز بور

(وقتی از او پرسیدند: آیا واقعاً اعتقاد داری کوبیدن نعل اسب بر سر در خانه بخت و اقبال می‌آورد؟)
ـ اعتقاد که نه. ولی می‌گویند اگر اعتقاد هم نداشته باشی تأثیر می‌کند!

۸۸۴. تَلمود

(مجموعه قوانین شرعی و عرفی یهود)

سه چیز اندکش خوب است، زیادش بد: خمیرمایه، نمک و شک.

* -- *

882. **Lord Byron**

There is something pagan in me that I cannot shake off. In short, I deny nothing, but doubt everything.

883. **Niels Bohr**

(When asked whether he really believed a horseshoe hanging over his door would bring him luck.)

Of course not, but I am told it works even if you don't believe in it.

884. **THE TALMUD**

Three things are good in little measure and evil in large; yeast, salt and hesitation.

۸۸۵. منسوب به: **سام گلدوین**

پاسخ من به شما از آن شایدهای قطعی است.

۸۸۶. **ملکه ویکتوریا**

می‌خواهم جداً به تو هشدار بدهم که در پی یافتن دلیل و توضیح همه چیز نباشی. جستجو کردن و پی بردن به علت هر چیز کار بسیار خطرناکی است که جز نومیدی و حرمان حاصلی نخواهد داشت و عاقبت انسان را آشفته و بدبخت خواهد کرد.

۸۸۷. **اسکار وایلد**

شکاکیت سرآغاز ایمان است.

* --- *

885. **Sam Goldwyn:** attributed

I'll give you a definite maybe.

886. **Queen Victoria**

I would earnestly warn you against trying to find out the reason for and explanation of everything...To try and find out the reason for everything is very dangerous and leads to nothing but disappointment and dissatisfaction, unsettling your mind and in the end making you miserable.

887. **Oscar Wilde**

Scepticism is the beginning of Faith.

۸۸۸. رونی بارکر
نکتهٔ جالب در مورد لطیفهٔ دوپهلو این است که فقط یک معنی دارد.

۸۸۹. جان باکان
بدون شوخ طبعی دکّهٔ آب نبات فروشی را هم نمی‌توان اداره کرد، چه رسد به یک کشور.

۸۹۰. ویکتور بُرج
کوتاه‌ترین فاصله میان دونفر خنده است.

۸۹۱. مِل بروکس
شوخ طبعی به واقع یکی از راههای دفاع از خود است در برابر این دنیا (ی غدّار).

* -- *

888. Ronnie Barker
The marvellous thing about a joke with a double meaning is that it can only mean one thing.

889. John Buchan
Without humour you cannot run a sweetie-shop, let alone a nation.

890. Victor Borge
Laughter is the shortest distance between two people.

891. Mel Brooks
Humour is just another defence against the universe.

۸۹۲. آلن بنت

این حرف مرا به خاطر داشته باشید. وقتی جامعه‌ای برای ابراز شوخ طبعی‌اش به توالت پناه می‌برد، همین خود اعلان فاجعه است.

۸۹۳. سامیوئل جانسون

در زندگی، هر کسی گاه در دلش می‌گوید: کاش من هم بذله گو بودم.

۸۹۴. بِت دیویس

کمربندهای نجات را ببندید. شب ناهمواری در پیش روست.

۸۹۵. فرستنده: **جان بیگز دیویسون**

توبه کار: پدر مقدس، تا کجا می‌شود با یک دختر پیش رفت؟

کشیش: تا هر جا دوست داری، فرزندم؛ به شرطی که همچنان راه بروی.

* -- *

892. **Alan Bennett**

Mark my words, when a society has to resort to the lavatory for its humour, the writing is on the wall.

893. **Samuel Johnson**

Every man has, some time in his life, an ambition to be a wag.

894. **Bette Davis**

Fasten your seatbelts. It's going to be a bumpy night.

895. **Contributed by John Biggs - Davison**

PENITENT TO PRIEST: 'How far is it right to go with a girl?'

PRIEST TO PENITENT: 'As far as you like, my son - provided you keep walking.'

۸۹۶. ویل راجرز

همه چیز تا وقتی برای دیگران اتفاق می‌افتد شوخی و تفریح است.

۸۹۷. جوزف کنراد

کاریکاتور، گذاشتن چهرهٔ شوخی است بر پیکر حقیقت.

۸۹۸. مجلهٔ پانچ

بیا ببینم، گارسون! اگر این قهوه است من چای می‌خواهم و اگر چای است برایم قهوه بیار.

* -- *

896. Will Rogers

Everything is funny as long as it is happening to somebody else.

897. Joseph Conrad

Caricature: putting the face of a joke upon the body of a truth.

898. Punch

Look here, steward, if this is coffee, I want tea; but if this is tea, then I wish for coffee.

۸۹۹. اریک مورکامب و ارنی وایز

ارنی: چرا صورتت را نمی‌شویی؟ من از صورتت می فهمم که امروز صبح چه خورده‌ای!

اریک: خُب، اگه راست می‌گی بگو.

ارنی: سوسیس و تخم‌مرغ با سُس گوجه‌فرنگی.

اریک: دیدی اشتباه کردی؟ اینها که گفتی دیروز خوردم.

۹۰۰. رودی والی

دختر: چند روز پیش دیدمت که سر پیچ خیابان به دخترها چشمک می‌زدی.

مرد: چشمک نمی‌زدم. سر آن پیچ خیلی باد میاد، یک چیزی رفت تو چشمهام.

دختر: درسته، بعدش هم رفت تو ماشینت!

* -- *

899. Eric Morecambe and Ernie Wise

ERNIE: Why don't you wash your face? I can see what you had for reakfast this morning!

ERIC: Oh, yeah! What did I have?

ERNIE: Bacon and eggs and tomato sauce.

ERIC: Wrong! that was *yesterday* morning!

900. Rudy Vallee

GIRL: I saw you the other day at the corner of Hollywood and Vine winking at the girls.

RUDY VALLEE: I wasn't winking. That's a windy corner. Something got in my eye.

GIRL: She got in your car too.

۹۰۱. هاری هرشفیلد

ـ حالا نزدیک به یک سال و نیم است که دخترم را می‌بینید. بالاخره قصدتان شرافتمندانه است یا غیر شرافتمندانه؟

ـ یعنی می‌توانم انتخاب کنم؟

* -- *

901. Harry Hershfield

A: You've been seeing my daughter Nellie for nearly a year now. What are your intentions - honorable or dishonorable?

B: You mean I've got a choice?

۹۰۲. منسوب به: **آلک ایسیگونیس**

(دربارهٔ بی‌میلی‌اش به کار گروهی)

شتر اسبی است که به صورت شورایی طراحی شده.

۹۰۳. **رابرت کاپلند**

برای اینکه شورایی بتواند کاری انجام بدهد باید تعداد افراد آن از سه تجاوز نکند و از آن عده هم دو نفر غایب باشند.

* -- *

902. **Alec Issigonis** :attributed

(On his dislike of working in teams:)

A camel is a horse designed by a committee.

903. **Robert Copeland**

To get something done a committee should consist of no more than three men, two of whom are absent.

۹۰۴. نشنال لامپون، ۱۹۷۹

شوهران: گروه کوچکی از مردان مسلح به کیف پول که در محاصرهٔ دسته‌ای مرکب از زن و بچه درآمده‌اند.

۹۰۵. اسکار وایلد

مردها وقتی شوهران خوبی هستند سخت ملال‌آورند و هرگاه شوهران خوبی نیستند به طرز مشمئزکننده‌ای از خودراضی و متکبرند.

* -- *

904. **National Lampoon, 1979**

Small band of men, armed only with wallets, besieged by a horde of wives and children.

905. **Oscar Wilde**

Men are horribly tedious when they are good husbands, and abominably conceited when they are not.

۹۰۶. فِرِد آلن

چهرهٔ سرشناس کسی است که یک عمر برای مشهور شدن تلاش می‌کند و وقتی مشهور شد عینک دودی می‌زند تا کسی او را نشناسد.

۹۰۷. جری روبین

من مشهورم. شغل من این است.

۹۰۸. فران لبوویتس

بهترین شهرت، شهرت نویسندگان است. چون آن قدر هست که در رستورانی خوب برایتان میزی خالی کنند اما آن قدر نیست که هنگام غذاخوردن مزاحمتان بشوند.

۹۰۹. اسکار وایلد

در دنیا یک چیز بدتر از آن است که مردم دربارهٔ آدم حرف بزنند و آن این که دربارهٔ آدم حرف نزنند.

* -- *

906. **Fred Allen**

A celebrity is a person who works hard all his life to become well known, then wears dark glasses to avoid being recognized.

907. **Jerry Rubin**

I'm famous. That's my job.

908. **Fran Lebowitz**

The best fame is a writer's fame: it's enough to get a table at a good restaurant, but not enough that you get interrupted when you eat.

909. **Oscar Wilde**

There is only one thing in the world worse than being talked about, and that is not being talked about.

۹۱۰. جرج برنارد شا
صمیمی بودن خطرناک است مگر اینکه احمق هم باشی.

۹۱۱. اسکار وایلد
صمیمیت اندکش خطرناک است و زیادش صددرصد کشنده.

* -- *

910. George Bernard Shaw
It is dangerous to be sincere unless you are also stupid.

911. Oscar Wilde
A little sincerity is a dangerous thing, and a great deal of it is absolutely fatal.

۹۱۲. جرج برنارد شا

مردی نسبتاً شریف و زنی نسبتاً وفادار که هر دو بفهمی نفهمی مشروب می‌خورند و در منزلی نسبتاً تمیز زندگی می‌کنند. این است تصویرِ واقعی یک خانوادهٔ طبقهٔ متوسط.

۹۱۳. جرج برنارد شا

باید به خاطر دیگران زندگی کنم نه برای خودم؛ این است اخلاق طبقهٔ متوسط.

۹۱۴. مارک

من به اختلاف طبقاتی اعتقاد ندارم. خوشبختانه سرخدمتکارم با من هم عقیده نیست.

* -- *

912. **George Bernard Shaw**

A moderately honest man with a moderately faithful wife, moderate drinkers both, in a moderately healthy house: that is the true middle - class unit.

913. **George Bernard Shaw**

I have to live for others and not for myself: that's middle class morality.

914. **Marc**

I don't believe in class differences, but luckily my butler disagrees with me.

۹۱۵. وودی آلن

اول مردد بودیم که مرخصی بگیریم و برویم گردش یا اینکه طلاق بگیریم. خوب که فکر کردیم دیدیم گردش برمودا دوهفته‌ای بیشتر دوام ندارد در حالی که طلاق همیشه برای آدم می‌ماند.

۹۱۶. منسوب به: **جانی کارسون**

فرق بین طلاق و متارکهٔ قانونی این است که در مورد دوم مرد فرصت پنهان کردن پولهایش را دارد.

۹۱۷. جان کِنِت گالبریت

شادترین وقت زندگی آدم بلافاصله بعد از اولین طلاق است.

* -- *

915. Woody Allen

For a while we pondered whether to take a vacation or get a divorce. We decided that a trip to Bermuda is over in two weeks, but a divorce is something you always have.

916. Johnny Carson: attributed

The difference between divorce and legal separation is that a legal separation gives a husband time to hide his money.

917. John Kenneth Galbraith

The happiest time of anyone's life is just after the first divorce.

۹۱۸. فرستنده: **توماس اپریل**

(وقتی در هواپیما به گروچو مارکس گفتند: "اگر مزاحم خانمها نشوید می‌توانید سیگار بکشید" در پاسخ گفت:)

اگر حق انتخاب دارم، ترجیح می‌دهم مزاحم خانمها بشوم.

۹۱۹. ژوونالیس

چه دشوار است طنز ننوشتن.

۹۲۰. جاناتان سویفت

طنز آیینه‌ای است که بینندگان چهرهٔ هر کسی را در آن می‌بینند جز چهرهٔ خودشان را.

* -- *

918. **Contributed by Thomas April**

(Groucho Marx, when told he could smoke cigars on the aeroplane if he didn't annoy the lady passengers:)

'You mean there's a choice? Then I'll annoy the ladies.'

919. **Juvenal**

It's hard not to write satire.

920. **Jonathan Swift**

Satire is a sort of glass, wherein beholders do generally discover everybody's face but their own.

۹۲۱. ریچارد برینسلی شریدان

لیدی اسنیروِل: بذله‌گویی بدون اندک مایه‌ای از بدجنسی ممکن نیست. موذیگری مثل خاری است که باعث چسبیدنش می‌شود.

۹۲۲. ویلیام شکسپیر

بنگر چگونه ساعتِ بذله‌گویی‌اش را کوک می‌کند تا به زودی ضربه زدن آغاز کند.

۹۲۳. جیمز مک نیل ویسلر

اسکار وایلد: چقدر دلم می‌خواست این حرف را من بزنم.

ویسلر: خواهی زد، اسکار، خواهی زد.

* -- *

921. **Richard Brinsley Sheridan**

LADY SNEERWELL: There's no possibility of being witty without a little ill-nature; the malice of a good thing is the barb that makes it stick.

922. **William Shakespeare**

Look, he's winding up the watch of his wit, by and by it will strike.

923. **James McNeill Whistler**

OSCAR WILDE: How I wish I had said that.

WHISTLER: You will, Oscar, you will.

۹۲۴. چارلز براکت و بیلی وایلدر
نینوچکا: چرا باید چمدانهای دیگران را حمل کنی؟
باربر: خُب، این شغلم است، خانم.
نینوچکا: این شغل نیست. بی‌عدالتی اجتماعی است.
باربر: بستگی به انعامش دارد.

* -- *

924. **Charles Brackett** and **Billy Wilder**
NINOTCHKA: Why should you carry other people's bags?
PORTER: Well, that's my business, Madame.
NINOTCHKA: That's no business. That's social injustice.
PORTER: That depends on the tip.

۹۲۵. ماری اِبنرفُن اشنباخ
رماتیسم و عشق حقیقی را باور نمی‌کنیم مگر بعد از اولین حملهٔ آنها.

۹۲۶. هی‌وود برون
توانایی عشق‌ورزیِ هوسکارانه خصیصهٔ عمده‌ای است که آدمها را از حیوانات متمایز می‌کند.

۹۲۷. ساميوئل جانسون
عشق فرزانگی ابلهان و دیوانگی عاقلان است.

۹۲۸. داگلاس جرولد
عشق مثل سرخک است، هر چه دیرتر سراغ آدم بیاید بدتر است.

* -- *

925. **Marie Ebner von Eschenbach**
We don't believe in rheumatism and true love until after the first attack.

926. **Heywood Broun**
The ability to make love frivolously is the chief characteristic which distinguishes human beings from beasts.

927. **Samuel Johnson**
Love is the wisdom of the fool and the folly of the wise.

928. **Douglas Jerrold**
Love is like the measles - all the worse when it comes late in life.

۹۲۹. سامرست موآم

رختخواب را می‌گویی؟ اگر عشقی در میان نباشد هیچ زنی ارزش یک شاهی را ندارد.
اما وقتی عشق در کار باشد هر چه به پایش بریزی کم است..

۹۳۰. چارلز دیکنز

در قلب انسان تارهایی است... همان بهتر که این تارها به لرزه درنیایند.

۹۳۱. لرد دیوار

عشق دریایی است از احساسات که از همه سو به هزینه محدود است.

* -- *

929. W. Somerset Maugham

Bed. No woman is worth more than a fiver unless you're in love with her. Then she's worth all she costs you.

930. Charles Dickens

There are strings...in the human heart that had better not be vibrated.

931. Lord Dewar

Love is an ocean of emotions entirely surrounded by expenses.

۹۳۲. جان ساکلینگ
عشق به بادی می‌ماند
که در دل می‌پیچد:
اگر نگاهش داری خود آزرده می‌شوی
و اگر رهایش کنی دیگران را آزرده خواهی کرد.

۹۳۳. چارلز سِدلی
او می‌فریبد
من باور می‌کنم
عشاق بیش از این چه می‌خواهند؟

۹۳۴. نیکولاس سباستین شامفور
عشق به صورتی که امروزه در جامعه وجود دارد چیزی نیست مگر تبادل دو توهّم و تماس سطحی دو جسم.

* -- *

932. John Suckling
Love is the fart
Of every heart:
It pains a man when 'tis kept close,
And others doth offend, when 'tis let loose.

933. Sir Charles Sedley
She deceiving
I believing
What need lovers for more?

934. Nicolas Se'bastien Chamfort
Love in the form in which it exists in society, is nothing but the exchange of two fantasies and the superficial contact of two bodies.

۹۳۵. ویلیام شکسپیر
اوفیلیا: کوتاه است، سرورم.
هملت: همچون عشق زنان.

۹۳۶. وِندی کوپ
دل من فکرهایش را کرده
و از بخت بد تو را برگزیده.

۹۳۷. دبلیو. او. مان
بوسیدن شیرین‌ترین شیوه برای اثبات این گفته است که دو مویز بهتر از یک خرماست.

۹۳۸. رُز مک کالی
عشق بیماری است. اما درمان‌پذیر است.

* -- *

935. **William Shakespeare**
OPHELIA: 'Tis brief, my Lord.
HAMLET: As woman's love.

936. **Wendy Cope**
My heart has made its mind up
And I'm afraid it's you.

937. **W. O. Mann**
Kissing is a pleasant way of proving that two heads are better than one.

938. **Rose Macaulay**
Love's a disease. But curable.

۹۳۹. اچ. اِل. مِنکن
عشق توهمی است که گویا یک زن با زنی دیگر فرق می‌کند.

۹۴۰. اچ. اِل. مِنکن
عشق به جنگ می‌ماند. آغاز کردنش ساده است و پایان دادنش دشوار.

۹۴۱. نانسی میتفورد
عشق، مثل بیماری، وقتی به سراغ آدم می‌آید که آمادگی‌اش را داشته باشد.

۹۴۲. منسوب به: **می وِست**
عشق بر همه چیز چیره می‌شود - مگر بر بی‌پولی و دندان درد.

۹۴۳. فریدریش نیچه
آنگاه که انسان عاشق می‌شود بیش از هر زمانی رنج می‌کشد و به هر چیزی تن می‌دهد.

* -- *

918. **H. L. Mencken**
Love is the delusion that one woman differs from another.

919. **H. L. Mencken**
Love is like war: easy to begin but very hard to stop.

920. **Nancy Mitford**
To fall in love you have to be in the state of mind for it to take, like a disease.

921. **Mae West** :attributed
Love conquers all things - except poverty and toothache.

922. **Friedrich Nietzche**
When a man is in love he endures more than at other times; he submits to everything.

۹۴۴. آناتول فرانس

خطاهای شور و احساس را بر بی‌اعتنایی عقل و خرد ترجیح می‌دهم.

۹۴۵. بنجامین فرانکلین

دانا کیست؟ آنکه از همه می‌آموزد.
توانا کیست؟ آنکه بر احساسات خود حکم می‌راند.
توانگر کیست؟ آنکه قناعت پیشه می‌کند.
چنین آدمی کجاست؟ هیچ کجا.

۹۴۶. جی.ای. لسینگ

کسی که در پاره‌ای امور عقل از کف نمی‌دهد عقلی ندارد که از کف بدهد.

* -- *

944. **Anatole France**

I prefer the errors of enthusiasm to the indifference of wisdom.

945. **Benjamin Franklin**

Who is wise? He that learns from everyone.
Who is powerful? He that governs his passions.
Who is rich? He that is content.
Who is that? Nobody.

946. **G. E. Lessing**

A man who does not lose his reason over certain things has none to lose.

۹۴۷. جان هولمز

صرف اینکه کسی با حرفهایتان مخالفت نمی‌کند نمی‌تواند دلیل عقل و کمال شما باشد. از کجا معلوم رئیس نباشید؟

* -- *

947. John Holmes

Just because nobody disagrees with you does not necessarily mean you are brilliant. Maybe you're the boss.

۹۴۸. آلبرت اینشتین

از نظر من معادله مهم‌تر است زیرا سیاست برای حال است و معادله برای ابد.

۹۴۹. آلبرت اینشتین

وقتی انسان با دختری زیبا نشسته یک ساعت در نظرش یک دقیقه می‌آید اما اگر روی بخاری داغ بنشیند یک دقیقه برایش طولانی‌تر از هر ساعتی خواهد بود. نسبیت یعنی همین.

۹۵۰. بیل برایسون

بیایید با هم رو راست باشیم. نقش ایتالیایی‌ها در فناوری با اختراع فِرِ پیتزاپزی به پایان رسیده.

* -- *

927. **Albert Einstein**

Equations are more important to me, because politics is for the present, but an equation is something for eternity.

928. **Albert Einstein**

When a man sits with a pretty girl for an hour, it seems like a minute. But let him sit on a hot stove for a minute and it's longer than any hour. That's relativity.

929. **Bill Bryson**

Let's be frank, the Italian's technological contribution to humankind stopped with the pizza oven.

۹۵۱. برتراند راسل

گرچه این نکته متناقض نما به نظر می‌رسد، با این حال تمام علوم دقیقه در سیطرهٔ تقریب قرار دارند. اگر کسی به شما بگوید که حقیقتِ چیزی را به طور دقیق می‌داند با خیال آسوده او را در زمرهٔ آدمهای بی‌دقت بگذارید.

۹۵۲. جرج برنارد شا

علم تنها زمانی خطرناک می‌شود که خیال کند به هدف خود رسیده است.

۹۵۳. آرتور. سی. کلارک

اگر دانشمندی سالمند و سرشناس بگوید فلان چیز محتمل است به احتمال قریب به یقین درست می‌گوید اما اگر بگوید چیزی غیرممکن است به احتمال زیاد اشتباه می‌کند.

* -- *

951. Bertrand Russell

Although this may seem a paradox, all exact science is dominated by the idea of approximation. When a man tells you that he knows the exact truth about anything, you are safe in inferring that he is an inexact man.

952. George Bernard Shaw

Science becomes dangerous only when it imagines that it has reached its goal.

953. Arthur C. Clarke

If an elderly but distinguished scientist says that something is possible he is almost certainly right, but if he says that it is impossible he is very probably wrong.

۹۵۴. مایلز کینگتون

شیوه‌ای که گیاه‌شناسان برای تقسیم‌بندی گل‌ها به کار می‌گیرند مرا به یاد سیاستمدارها می‌اندازد و این که چطور آفریقا را به کشورهای مختلف تقسیم کردند.

۹۵۵. فران لبوویتس

دانشمندان را مشکل بتوان در جرگهٔ آدم‌های خوش‌مشرب جا داد. این جماعت در میهمانی‌ها دست و پای خود را گم می‌کنند، با غریبه‌ها غریبی می‌کنند، در طنز کم می‌آورند و خلاصه چاره‌ای ندارند جز اینکه خود رابه مطالعهٔ دقیق چیزهای روزمره سرگرم کنند.

۹۵۶. استیون لیکاک

گرفتاری واقعی را اینشتین شروع کرد. او بود که سال ۱۹۰۵ اعلام کرد که چیزی به نام سکون یا آرامش مطلق وجود ندارد. از آن به بعد همین طور هم شد.

* -- *

954. Miles Kington

The way botansists divide up flowers reminds me of the way Africa was divided into countries by politicians.

955. Fran Lebowitz

Scientists are rarely to be counted among the fun people. Awkward at parties, shy with strangers, deficient in irony-they have had no choice but to turn their attention to the close study of everyday objects.

956. Stephen Leacock

It was Einstein who made the real trouble. He announced in 1905 that there was no such thing as absolute rest. After that there never was.

۹۵۷. اِی.ای. هاوسمن

چطور است که فقط از دانشمندان و اهل علم همیشه توقع دارند که از خود ذوق و احساس نشان بدهند.

۹۵۸. پیتر یوستینوف

ترس من از آینده‌ای است که زیر سلطهٔ کامپیوترها باشد و کامپیوترها سؤالهایی مطرح کنند که تنها خودشان قادر به جواب دادن آنها باشند.

* -- *

957. A. E. Houseman

Why is it that the scholar is the only man of science of whom it is ever demanded that he should display taste and feeling?

958. Peter Ustinov

What terrifies me is a future ruled by computers devising questions which can only be answered by computers.

۹۵۹. توماس بیکن

وقتی شراب وارد می‌شود، عقل بیرون می‌رود.

۹۶۰. کول پورتر

(بعد از چلاق شدن در سانحهٔ اسب سواری در سال ۱۹۳۷)

دیگر ثابت شد که پنجاه میلیون فرانسوی اشتباه نمی‌کنند که به جای سوار شدن بر اسب گوشتش را می‌خورند.

۹۶۱. سنکا

جای شگفتی نیست که این همه بیماری در دنیا وجود دارد. ببینید چقدر آشپز هست!

۹۶۲. کلیفتون فدیمن

پنیر جهش شیر است به جانب جاودانگی!

* --- *

959. **Thomas Bacon**

When the wine is in, the wit is out.

960. **Cole porter** having been crippled in a riding accident in 1937

It just proves that fifty million Frenchmen can't be wrong. They eat horses instead of ride them.

961. **Seneca**

You won't be surprised that diseases are innumerable - count the cooks!

962. **Clifton Fadiman**

(Cheese is) milk's leap toward immortality!

۹۶۳. دیوید گاریک

خداوند گوشتهای لذیذ را برای ما می‌فرستد و شیطان آشپزها را.

۹۶۴. سامرست موام

مردم بیشتر از آن جهت شکم گرسنه‌ها را سیر می‌کنند که چیزی مزاحم لذت بردنشان از غذاهای لذیذ نشود.

۹۶۵. رونالد ناکس

مخالفت من با آب به جهت طعم آن نیست بلکه به خاطر عوارض بعدی آن است.

---

963. David Garrick

Heaven sends us good meat, but the Devil sends cooks.

964. W. Somerset Maugham

People often feed the hungry so that nothing may disturb their enjoyment of a good meal.

965. Ronald Knox

It's not the taste of water I object to. It's the after-effects.

۹۶۶. پدر روحانی دبلیو. ای. اسپونر

اسمت خوب یادم است اما چهره‌ات را اصلاً به خاطر نمی‌آورم.

۹۶۷. اِلبرت هابارد

حافظهٔ قوی شاید چیز خوبی باشد. اما نشان حقیقی بزرگی توانایی فراموش کردن است.

* -- *

966. Rev. W. A. Spooner

I remember your name perfectly, but I just can't think of your face.

967. Elbert Hubbard

A retentive memory may be a good thing, but the ability to forget is the true token of greatness.

۹۶۸. فرستنده: اِم. تورپین
وراثت چیزی است که وقتی فرزند باهوشی دارید به آن اعتقاد پیدا می‌کنید.

۹۶۹. کلارنس دارو
نیمهٔ اول زندگی را پدر و مادرمان تباه می‌کنند و نیمهٔ باقیمانده را فرزندانمان.

۹۷۰. آن لاندرز
اگر می‌خواهی بچه‌هایت گوش بدهند، آهسته با یکی دیگر صحبت کن.

۹۷۱. اِل. اِل. هندرن
دلیل اینکه پدرها پسرانشان را به دانشگاه می‌فرستند جز این نیست که خودشان یا به دانشگاه رفته‌اند یا نرفته‌اند.

* -- *

968. **Contributed by M. Turpin**
Heredity - something you believe in if you have a bright child.

969. **Clarence Darrow**
The first half of our lives is ruined by our parents and the second half by our children.

970. **Ann Landers**
If you want your children to listen to someone else, try talking softly to somebody.

971. **L. L. Hendren**
Fathers send their sons to college either because they went to college, or because they didn't.

۹۷۲. اف. اچ. برادلی
وقتی همه چیز بد است، خوب است بدترین را بشناسیم.

۹۷۳. جرج سانتایانا
زادن و مردن چاره ناپذیرند. پس باید فرصت میان این دو را غنیمت بشمریم!

۹۷۴. ضرب المثل ایتالیایی
حالا که خانه می‌سوزد لااقل خودمان را گرم کنیم.

۹۷۵. ضرب المثل یدی
اگر نمی‌توانی گاز بگیری دندان نشان نده.

* -- *

972. F. H. Bradley
Where everything is bad it must be good to know the worst.

973. George Santayana
There is no cure for birth and death save to enjoy the interval!

974. Italian Proverb
Since the house is on fire let us warm ourselves.

975. Yiddish Proverb
If you can't bite, don't show your teeth.

۹۷۶. فلَن اوبراین
به گمان من تا دنیا دنیاست آدمها فرهنگ لغت چاپ خواهند کرد تا مجهولات را با کلماتی به همان اندازه مجهول تعریف کنند.

۹۷۷. جان براون
موجودات عجیبی هستند این فرهنگ‌نویس‌ها.

۹۷۸. ریچارد دبلیو. بیلی
فرهنگهای بزرگ چیزی نیستند جز انبارهایی با سوراخ سمبه‌هایِ متروک و غبار گرفته.

* -- *

976. **Flann O'Brien**
I suppose that so long as there are people in the world, they will publish dictionaries defining what is unknown in terms of something equally unknown.

977. **John Brown**
They are strange beings, these lexicographers.

978. **Richard W. Bailey**
Big dictionaries are nothing but storerooms with infrequently visited and dusty corners.

۹۷۹. ساميوئل جانسون

واژه نگار: فرهنگ‌نویس یا زحمتکش بی‌آزار.

۹۸۰. ساميوئل جانسون

ملال‌آور: فرهنگ‌نویسی کار ملال‌آوری است.

۹۸۱. آليور گلد اسميت

با (ساميوئل) جانسون نمی‌شود جر و بحث کرد. بر فرض که تپانچه‌اش خطا کند، با پاشنهٔ تپانچه حسابت را می‌رسد.

* -- *

979. **Samuel Johnson**

LEXIOOGRAPHER: A writer of dictionaries, a harmless drudge.

980. **Samuel Johnson**

DULL: To make dictionaries is dull work.

981. **Oliver Goldsmith**

There is no arguing with Johnson; for when his pistol misses fire, he knocks you down with the butt end of it.

۹۸۲. رالف والدو امرسون

علف هرز چیست؟ گیاهی که فوایدش هنوز کشف نشده.

۹۸۳. وینستون چرچیل

او تمام فضایلی را که من از آنها بیزارم داراست و هیچ یک از رذائلی را که تحسین می‌کنم ندارد.

۹۸۴. جاناتان سویفت

در جهان هیچ چیز ثباتی ندارد جز بی‌ثباتی.

۹۸۵. ویلیام شکسپیر

اگر در سرشت خویش شرافتمند نیستم، باری، گهگاه به تصادف چنین می‌شوم.

* -- *

982. Ralph Waldo Emerson

What is a weed? A plant whose virtues have not been discovered.

983. Sir Winston Churchill

He has all of the virtues I dislike and none of the vices I admire.

984. Jonathan Swift

There is nothing in this world constant, but inconstancy.

985. William Shakespeare

Though I am not naturally honest, I am so sometimes by chance.

۹۸۶. بیلی گراهام
در هر کسی اندک مایه‌ای از واترگیت[۱۱] می‌توان یافت.

۹۸۷. والت ویتمن
من در بدی هم پایهٔ بدترین‌هایم اما، خدا را شکر، که در خوبی هم‌ترازِ بهترین‌هایم.

* -- *

986. **Billy Graham**
Everybody has a little bit of Watergate in him.

987. **Walt Whitman**
I am as bad as the worst, but, thank God, I am as good as the best.

۹۸۸. افرا بن

دور شو، فقر واگیردار است.

۹۸۹. ویلِم دوکونینگ

اشکال فقیر بودن این است که تمامِ وقتِ آدم را می‌گیرد.

۹۹۰. جرج برنارد شا

بلایی بزرگتر و جنایتی زشت‌تر از فقر نیست ... نخستین وظیفهٔ ما ـ وظیفه‌ای که همهٔ ملاحظات دیگر را باید فدای آن کنیم این است که فقیر نباشیم.

۹۹۱. جرج برنارد شا

مشکل فقرا تهیدستی و مشکل اغنیا بی‌فایدگی است.

* -- *

988. **Aphra Behn**

Come away; poverty's catching.

989. **Willem de Kooning**

The trouble with being poor is that it takes up all your time.

990. **George Bernard Shaw**

The greatest of evils and the worst of crimes is poverty ... our first duty - a duty to which every other consideration should be sacrificed - is not to be poor.

991. **George Bernard Shaw**

What is the matter with the poor is Poverty: What is the matter with the rich is Uselessness.

۹۹۲. ویلیام شکسپیر

سرورم، من در تنگدستی همپایهٔ ایوبم اما نه در صبوری.

۹۹۳. ضرب المثل هندو

از آدم گرسنه بپرسید دو و دو، می‌گوید چهار قرص نان.

۹۹۴. جان لابوک

می‌گویند یک بار زن بینوایی از اهالی منچستر را کنار دریا بردند و او که برای اولین بار چشمش به دریا می‌افتاد با خوشحالی گفت: خدا را شکر که از این یکی برای همه هست.

۹۹۵. ناشناس

بازنشستگی یعنی شوهر ضربدر ۲ و درآمد تقسیم بر ۲.

* -- *

992. **William Shakespeare**

I am as poor as Job, my lord, but not so patient.

993. **Hindu Proverb**

If you ask the hungry man how much is two and two, he replies four loaves.

994. **John Lubbock**

A poor woman from Manchester, on being taken to the seaside, is said to have experessed her delight on seeing for the first time something of which there was enough for everybody.

995. **Anonymous**

Retirement means twice as much husband and half as much money.

۹۹۶. ناشناس

فقرا بچهٔ بیشتر دارند و اغنیا فک و فامیل بیشتر.

۹۹۷. اسکار وایلد

پولی در بساط ندارم ... با هفته‌ای چند فرانک در روز زندگی می‌کنم یا مثلاً زندگی می‌کنم ... من هم مثل عالیجناب سنت فرانسیس آسیسیِ عزیز و ارجمند با فقر پیمان زناشویی بسته‌ام با این تفاوت که ازدواج من موفق از کار در نیامده.

۹۹۸. فرانک مک کینی هابارد

فقیر بودن مایهٔ شرمساری نیست، گرچه می‌تواند باشد.

* -- *

996. Anonymous

The poor have more children, but the rich have more relatives.

997. Oscar Wilde

I have no money at all: I live, or am supposed to live, on a few francs a day ... Like dear St Francis of Assisi I am wedded to Poverty: but in my case the marriage is not a success.

998. Frank Mc Kinney ('Kin') Hubard

It's no disgrace t'be poor, but it might as well be.

۹۹۹. برتراند راسل
ترس از عشق یعنی ترس از زندگی و آنان که از زندگی در هراس‌اند پیشاپیش سه چهارم وجودشان مرده است.

۱۰۰۰. برتراند راسل
از میان انواع احتیاط احتمالاً احتیاط در عشق مهلک‌ترین چیز برای خوشبختی است.

۱۰۰۱. ناشناس
یک چیز هست که از تمام ارتشهای دنیا قوی‌تر است و آن اندیشه‌ای است که زمانش فرا رسیده.

* -- *

999. **Bertrand Russel**
To fear love is to fear life, and those who fear life are already three parts dead.

1000. **Bertrand Russel**
Of all forms of caution, caution in love is perhaps the most fatal to true happiness.

1001. **Anonymous**
There is one thing stronger than all the armies in the world; and that is an idea whose time has come.

۱۰۰۲. آلیور ادواردز

من هم به وقت خود کوشیده‌ام فیلسوف بشوم اما چه بگویم که نشاط و سرزندگی‌ام همواره مانع کار بوده.

۱۰۰۳. تام استاپارد

ابدیت فکر وحشتباری است. منظورم این است که، آخرش به کجا ختم می‌شود؟

۱۰۰۴. تام استاپارد

اگر عقلانی بودن جواز موجودیت چیزها می‌بود دنیا خلاصه می‌شد به مزرعه‌ای بسیار بزرگ از سویا.

* -- *

1002. Oliver Edwards

I have tried too in my time to be a philosopher; but I don't know how, cheerfulness was always breaking in.

1003. Tom Stoppard

Eternity's a terrible thought. I mean, where's it all going to end?

1004. Tom Stoppard

If rationality were the criterion for things being allowed to exist, the world would be one gigantic field of soya beans.

۱۰۰۵. تام استاپارد

(در مورد انتخاب رشته برای خود در دانشگاه)

تقریباً تمام کسانی که در کار خود حیران مانده بودند، به فلسفه روی آوردند و این البته منطقی است.

۱۰۰۶. برتراند راسل

ارسطو عقیده داشت تعداد دندان‌های زن کمتر از دندان‌های مرد است؛ او دوبار ازدواج کرد اما هیچ‌گاه به صرافت نیفتاد که صحت نظر خود را با معاینهٔ دهان زن‌هایش به اثبات برساند.[۱۲،۱۳،۱۴]

۱۰۰۷. سقراط

(هنگام مشاهدهٔ انبوهی از اثاثیهٔ فروشی)

اوه، چقدر چیزها که من بدون آنها می‌توانم سر کنم!

* -- *

1005. **Tom Stoppard**

(On the speaker's choice of subject at university)

Almost everyone who didn't know what to do, did philosophy. Well, that's logical.

1006. **Bertand Russell**

Aristotle maintained that women have fewer teeth than men; although he was twice married , it never occourred to him to verify this statment by examining his wives' mouths.

1007. **Socrates, Greek philosopher**

(On looking at a multitude of wares for sale)

How many things I can do without!

۱۰۰۸. ویلیام شکسپیر

هیچ فیلسوفی تاکنون نتوانسته دندان درد را صبورانه تاب بیاورد.

۱۰۰۹. اچ. ال. مِنکن

در تاریخ بشر نشانی از یک فیلسوف شادمان نمی‌یابید.

* -- *

1008. William Shakespeare

There was never yet philosopher that could endure the toothache patiently.

1009. H. L. Mencken

There is no record in human history of a happy philosopher.

۱۰۱۰. دوروتی پارکر

تنها گرایش موجود در هالیوود سرقت گرایی است.

۱۰۱۱. جرج برنارد شا

مشکل، آقای گلدوین، در این است که شما فقط به هنر فکر می‌کنید و من فقط به پول.

۱۰۱۲. ویلیام فادیمن

هالیوود از شمال و جنوب و شرق و غرب محدود است به دلالها.

۱۰۱۳. تونی کرتیس

(وقتی از او می‌پرسند: بوسیدن مریلین مونرو چگونه است؟)

مثل بوسیدن هیتلر است.

* -- *

1010. Dorothy Parker

The only 'ism' in Hollywood is plagiarism.

1011. George Bernard Shaw

The trouble, Mr Goldwyn, is that you are only interested in art and I am only interested in money.

1012. William Fadiman

Hollywood is bounded on the north, south, east, and west by agents.

1013. Tony Curtis

(When asked what it was like to kiss Marilyn Monroe:)

It's like kissing Hitler.

۱۰۱۴. منسوب به: **سام گلدوین**

آنچه ما نیاز داریم ماجرایی است که با زلزله شروع شود و در ادامه‌اش به یک نقطهٔ اوج برسد.

۱۰۱۵. منسوب به: **ماس هارت**

(دربارهٔ هالیوود)

زیباترین محلهٔ برده‌ها در جهان!

۱۰۱۶. آلفرد هیچکاک

(وقتی مری آندرسون از هیچکاک می‌پرسد «کدام طرف»ش برای عکس‌برداری مناسب‌تر است)

روش نشستی، عزیزم.

۱۰۱۷. هوارد هیوز (پسر)

این آدم (کلارک گیبل) با آن گوشهایش شبیه به تاکسی‌یی است که دوتا درش باز باشد.

* -- *

1014. **Sam Goldwyn:** attributed

What we need is a story that starts with an earthquake and works its way up to a climax.

1015. **Moss Hart:** attributed

(On Hollywood)

The most beautiful slave-quarters in the world.

1016. **Alfred Hitchcock**

(During the making of Lifeboat in 1944, Mary Anderson asked Hitchcock what he thought her 'best side' for photography was:)

My dear, you're sitting on it.

1017. **Howard Hughes Jr.**

That man's ears make him look like a taxi-cab with both doors open.

۱۰۱۸. جان آربوتنات

قانون چاله‌ای است بی‌انتها.

۱۰۱۹. چارلز دیکنز

آقای بامبل گفت: «اگر قانون اینو میگه ... قانون احمقه، قانون خره.»

۱۰۲۰. سیسرون

قانون در دوران جنگ سکوت اختیار می‌کند.

۱۰۲۱. هنری کیسینجر

برای ما کار غیرقانونی مثل آب خوردن است. چیزی که کمی وقت می‌برد کار مغایر با قانون اساسی است.

* -- *

997. **John Arbuthnot**

Law is a bottomless pit.

998. **Charles Dickens**

'If the law supposes that,' said Mr Bumble ... 'the law is a ass - a idiot.'

999. **Cicero**

Laws are silent in time of war.

1000. **Henry Kissinger**

The illegal we do immediately. The unconstitutional takes a little longer.

۱۰۲۲. فرستنده: **مایکل هاینز**
آدمهای زرنگ قانون را نمی‌شکنند. فقط کمی خمش می‌کنند.

* --- *

1022. **Contributed by Michael Hynes**
Smart people dont' break the law, they just bend it a little.

۱۰۲۳. مارک تواین

اگر میل به کشتن و فرصت کشتن همیشه همزمان دست می‌داد چه کسی از خطر اعدام در امان می‌ماند؟

۱۰۲۴. ملکه الیزابت اول

(خطاب به رهبران شوراکه مخالف رفتار او با مری کوئین بودند.)

شما را از طرف سر کوتاه خواهم کرد.

۱۰۲۵. آلفرد هیچکاک

تلویزیون قتل و جنایت را به خانه‌ها برگردانده یعنی به زادگاه اصلی آن.

* -- *

1023. Mark Twain

If the desire to kill and the opportunity to kill came always together, who would escape hanging?

1024. Elizabeth I

(To the leaders of her Council, who were opposing her course towards Mary Queen of Scots.)

I will make you shorter by the head.

1025. Alfred Hitchcock

Television has brought back murder into the home - where it belongs.

۱۰۲۶. لرد بارون آکتون

قدرت گرایش به فساد دارد و قدرت مطلقه فساد مطلق به همراه می‌آورد.

۱۰۲۷. ویلیام جونز

به عقیدهٔ من به قدرت نباید اعتماد کرد. در دست هر کس باشد.

۱۰۲۸. نورمن داگلاس

بی اعتمادی به قدرت باید در رأس وظائف مدنی قرار گیرد.

۱۰۲۹. برتراند راسل

از خوش‌گذرانی که بگذریم بزرگترین عیش آدمها جلوگیری از خوش‌گذرانی دیگران یا به عبارت کلی‌تر کسب قدرت است.

* -- *

1005. **Lord Baron Acton**

Power tends to corrupt and absolute power corrupts absolutely.

1006. **Sir William Jones**

My opinion is, that power should always be distrusted, in whatever hands it is placed.

1007. **Norman Douglas**

Distrust of authority should be the first civic duty.

1008. **Bertrand Russel**

Next to enjoying ourselves, the next greatest pleasure consists in preventing others from enjoying themselves, or, more generally, in the acquisition of power.

۱۰۳۰. هنری کیسینجر
قدرت بزرگترین محرّک شهوت است.

۱۰۳۱. کاترین وایت هورن
بچه‌ها و زیپ با زور درست نمی‌شوند. مگر گاهی اوقات.

* -- *

1030. **Henry kissinger**
Power is the great aphrodisiac.

1031. **Katherine Whitehorn**
Children and zip fasteners do not respond to force ... Except occasionally.

۱۰۳۲. فردریک سایر

قرارداد توافقی است که فقط برای طرف ضعیف لازم الاجراست.

۱۰۳۳. لوئیس بی. مایر

قرارداد شفاهی چیزی است که ارزش کاغذی را که بر آن نوشته شود ندارد.

* -- *

1032. Frederick Sawyer

Contract: an agreement that is binding only on the weaker party.

1033. Louis B. Mayer

A verbal agreement isn't worth the paper it's written on.

۱۰۳۴. مایلز کینگتون

پدرم در مورد صورتحسابها دو نصیحت به من کرده. اول همیشه در آنها تردید کنم و دوم هیچ وقت پرداختشان نکنم مگر اینکه چاره‌ای نداشته باشم.

۱۰۳۵. اسکار وایلد

این روزها آدم باید مشغولیاتی داشته باشد. خود من اگر قرض نداشتم به چی فکر می‌کردم؟

* -- *

1034. **Miles Kington**

My father taught me two things about bills; always query them and never pay till you have no alternative.

1035. **Oscar Wilde**

One must have some sort of occupation nowadays. If I hadn't my debts I shouldn't have anything to think about.

۱۰۳۶. جروم کی. جروم

محال است آدم از ول گشتن لذت کامل ببرد مگر اینکه زیاد کار داشته باشد.

۱۰۳۷. وینستون چرچیل

آقای چمبرلن زحمتکشان را دوست دارد. نمی‌دانید چقدر از تماشای کارکردنشان لذت می‌برد.

۱۰۳۸. بروس گروکات

مدتهاست به این نتیجه رسیده‌ام که اگر کار حقیقتاً چیز دلچسبی بود پولدارها بیشترش را برای خودشان نگه می‌داشتند.

۱۰۳۹. استیون لیکاک

متخصص بودن یک چیز است و کارگیرآوردن چیز دیگر.

* -- *

1036. **Jerome K. Jerome**

It is impossible to enjoy idling thoroughly unless one has plenty of work to do.

1037. **Winston Churchill**

Mr Chamberlain loves the working man, he loves to see him work.

1038. **Bruce Grocott**

I have long been of the opinion that if work were such a splendid thing the rich would have kept more of it for themselves.

1039. **Stephen Leacock**

Being a specialist is one thing, getting a job is another.

۱۰۴۰. جان مارشال

(زن خطاب به دوستش و با اشاره به همسر خود که در ننو لم داده است:)

سرگرمی «فرِد» این است که می‌گذارد پرنده‌ها تماشایش کنند.

۱۰۴۱. جرج وایتفیلد

فرسوده شدن بهتر از زنگ‌زدگی است.

۱۰۴۲. رابرت ای. ویلسون

برای آغاز کردن روز باید راهی بهتر از بیداری در صبح وجود داشته باشد.

۱۰۴۳. ادگار واتسون هاو

آدمی که حقیقتاً سرگرم کار است هیچ وقت نمی‌داند وزنش چقدر است.

* -- *

1040. **John Marshall**

(Wife, pointing to her husband stretched out in the hammock, explains to her friend:)

Fred's hobby is letting birds watch him.

1041. **George Whitefilld**

It is better to wear out than to rust out.

1042. **Robert E. Wilson**

There ought to be a better way to start the day than by getting up in the morning.

1043. **Edgar Watson Howe**

A really busy person never knows how much he weighs.

۱۰۴۴. جرج پنجم

کتاب جالبی است. اما بعضی مطالبش خیلی عجیب غریب است.

۱۰۴۵. اسکار وایلد

لرد ایلینگ وورت: کتاب حیات با ماجرای مرد و زنی در یک باغ آغاز می‌شود.
خانم آلون بی: و با مکاشفهٔ یوحنا[۱۵] پایان می‌یابد.

* -- *

1044. George V

A wonderful book, but there are some very queer things in it.

1045. Oscar Wilde

LORD ILLINGWORTH: The Book of Life begins with a man and a woman in a garden.
MRS. ALLONBY: It ends with Revelations.

۱۰۴۶. لوگان پیرسال اسمیت

کتاب پرفروش: آرامگاه مطلّای استعدادهای متوسط.

۱۰۴۷. سیدنی اسمیت

از میان لوازم خانه چیزی چشم‌نوازتر از کتاب نیست.

۱۰۴۸. فلَن اوبراین

صفحهٔ ۹۶ را باز کردم. این صفحهٔ رمز من است که در آنجا اسمم را می‌نویسم تا مچ امانت‌گیرها و کتابخورها را بگیرم.

۱۰۴۹. فرانسیس بیکن

برخی کتابها را باید چشید، بعضی را باید بلعید و معدودی دیگر را باید خوب جوید و هضم کرد.

* -- *

1025. **Logan Pearsall Smith**

A bestseller is the gilded tomb of a mediocre talent.

1026. **Sydney Smith**

No furniture so charming as books.

1027. **Flann O'Brien**

I opened it at page 96 - the secret page on which I write my name to catch out borrowers and book-sharks.

1028. **Francis Bacon**

Some books are to be tasted, others to be swallowed, and some few to be chewed and digested.

۱۰۵۰. دوروتی پارکر

این از آن کتابهایی نیست که راحت به گوشه‌ای بیندازیمش. باید با تمام نیرو پرتش کنیم.

۱۰۵۱. مارک تواین

اثر کلاسیک: کتابی که مردم از آن تعریف می‌کنند و نمی‌خوانندش.

۱۰۵۲. مِروین گریفیت جونز

(در دادگاه، خطاب به وی. اچ. لارنس نویسندهٔ کتاب «عاشق خانم چاترلی»)

آیا مایلید این کتاب را همسر یا نوکرانتان هم بخوانند؟

۱۰۵۳. ژان ژاک روسو

از کتاب متنفرم. کتاب فقط این را به ما می‌آموزد که از چیزهایی سخن بگوییم که چیزی از آنها نمی‌دانیم.

* -- *

1050. **Dorothy Parker**

This is not a novel to be tossed aside lightly. It should be thrown with great force.

1051. **Mark Twain**

CLASSIC: A book which people praise and don't read.

1052. **Mervyn Griffith Jones**

Is it a book you would even wish your wife or your servants to read?

1053. **Jean Jacques Rousseau**

I hate books; they only teach us to talk about things we know nothing about.

۱۰۵۴. هنری رید
این خانم آن طور که من او را می‌شناسم تمام شب نه حرفی از کتاب به میان می‌آورد و نه در واقع از هیچ چیز ناخوشایند دیگری.

۱۰۵۵. دابلیو. سی. سلار و آر. جی. یتمان
(سپاسگزاری مؤلفان کتاب)
مؤلفان این کتاب همچنین از خانمهاشان سپاسگزارند که نمایهٔ پرغلطی به دست نداده‌اند. کتاب بدون نمایه است.

۱۰۵۶. منسوب به: **جرج برنارد شا**
نمایهٔ کتاب: همسطح‌کنندهٔ بزرگ.

* -- *

1054. **Henry Reed**
I have known her pass the whole evening without mentioning a single book or *in fact anything unpleasant* at all.

1055. **W. C. Sellar** and **R. J. Yeatman**
(The Editors' acknowledgements:)
Their thanks are also due to their wife for not preparing the index wrong. There is no index.

1056. **George Bernard Shaw:** attributed
An index is a great leveller.

۱۰۵۷. آناتول فرانس

هیچ وقت به کسی کتاب امانت نده چون هرگز آن را پس نخواهد داد. در کتابخانهٔ خودم فقط کتابهایی یافت می‌شود که دیگران به من امانت داده‌اند.

۱۰۵۸. منسوب به: **نوئل کاوارد**

«مادام بواری» شهوانی‌ترین کتابی است که می‌شود تصورش را کرد. این زن یک شهوت‌بارهٔ به تمام معناست حال آنکه در سرتاسر کتاب یک کلمهٔ ناباب پیدا نمی‌کنید.

۱۰۵۹. کتاب مقدس، ایوب

ای کاش ... رقیبم کتابی نوشته بود!

* -- *

1057. **Anatole France**

Never lend books, for no one ever returns them; the only books I have in my library are books that other folk have lent me.

1058. **Noël Coward**: attributed

Madam Bovary is the sexiest book imaginable. The woman's virtually a nymphomaniac but you won't find a vulgar word in the entire thing.

1059. **Bible. Job**

My desire is ... that mine adversary had written a book!

۱۰۶۰. گروچو مارکس

(پشت‌نویس کتاب انتقام دان گینزبرگ اثر اس.جِی. پرلمان)

از لحظه‌ای که کتابتان را به دست گرفتم تا وقتی که آن را زمین گذاشتم همین طور یکریز می‌خندیدم. باید یکروز بخوانمش.

۱۰۶۱. نانسی میتفورد

در عمرم فقط یک کتاب خوانده‌ام. و آن سپید دندان بود. این کتاب چنان خوب بود که دیگر زحمت خواندن هیچ کتابی را به خود ندادم.

۱۰۶۲. اسکار وایلد

کتاب اخلاقی و غیراخلاقی نداریم. کتاب یا خوب نوشته شده یا بد.

* -- *

1060. **Groucho Marx**

(A blurb written for S.J.Perlman's 1928 book Dawn Ginsberg's Revenge)

From the moment I picked up your book until I laid it down, I was convulsed with laughter. Some day I intend reading it.

1061. **Nancy Mitford**

I have only ever read one book in my life, and that is White Fang. It's so frightfully good I've never bothered to read another.

1062. **Oscar Wilde**

There is no such thing as a moral or an immoral book. Books are well written, or badly written.

۱۰۶۳. منسوب به: **اسکار وایلد**

در ایام قدیم ادبا کتاب می‌نوشتند و عامهٔ مردم می‌خواندند. امروزه عامهٔ مردم کتاب می‌نویسند و هر کسی آن را می‌خواند.

* -- *

1063. **Oscar Wilde:** attributed

In the old days books were written by men of letters and read by the public. Nowadays books are written by the public and read by anybody.

۱۰۶۴. پی. جی. اورورک

کارتهای تبریک خنده دار را برای عید کریسمس و جشن تولد نفرستید. آنها را برای مراسم ترحیم کنار بگذارید چون آن وقت بیشتر به شادی احتیاج است.

۱۰۶۵. بایرون راجرز

عید کریسمس زمانی از سال است که آدم در دامچالهٔ خانواده گرفتار می‌شود.

* -- *

1064. **P. J. O'Rourke**

Don't send funny greetings cards on birthdays or at Christmas. Save them for funerals when their cheery effect is needed.

1065. **Byron Rogers**

Christmas, that time of year when people descend into the bunker of the family.

۱۰۶۶. جرج بوش

مگر عیبی دارد آدم کسل‌کننده باشد؟

۱۰۶۷. دیلان توماس

دیلان همین طور که تند و تند حرف می‌زد مکثی کرد و گفت: «یک نفر دارد حوصله‌ام را سر می‌برد. فکر کنم خودم باشم.»

۱۰۶۸. بِرت لستون تیلور

آدم کسل‌کننده کسی است که اگر حالش را بپرسید به شما می‌گوید چطور است.

* -- *

1066. **George Bush**

What's wrong with being a boring kind of guy?

1067. **Dylan Thomas**

Dylan talked copiously, then stopped. 'Somebody's boring me.' he said, 'I think it's me.'

1068. **Bert Leston Taylor**

A bore is a man who, when you ask him how he is, tells you.

۱۰۶۹. اچ. اِل. مِنکِن

ظاهراً استعداد آدمها برای کسل کردن همدیگر بسیار بیشتر از هر حیوان دیگری است. بعضی از ابداعات گرانقدرِ آنها هیچ هدفی جز این ندارد. از آن جمله است: میهمانیهای شامِ بیش از دو نفر، اشعار حماسی و علم ماوراءالطبیعه.

۱۰۷۰. اسکار وایلد

انگلیسی‌ها خیلی دلشان می‌خواهد سر میز صبحانه باهوش جلوه کنند و این البته مایهٔ آبروریزی است! آخر فقط آدمهای کودن سر صبحانه باهوش می‌شوند.

* -- *

1069. **H. L. Mencken**

The capacity of human beings to bore one another seems to be vastly greater than that of any other animals. Some of their most esteemed inventions have no other apparent purpose, for example, the dinner party of more than two, the epic poem, and the science of metaphysics.

1070. **Oscar Wilde**

In England people actually try to be brilliant at breakfast. That is so dreadful of them! Only dull people are brilliant at breakfast.

۱۰۷۱. جان آپدایک

روسیه تنها کشور جهان است که انسان در عین اقامت در آن دچار غم دوری از وطن می‌شود.

۱۰۷۲. برتولت برشت

آندره: بیچاره کشوری که قهرمان ندارد!
گالیله: نه. بیچاره کشوری که نیاز به قهرمان دارد.

۱۰۷۳. آلن بِنِت

سوئد: جایی که مردمش خودکشی می‌کنند و پادشاهش دوچرخه سواری.

۱۰۷۴. ساميوئل جانسون

کسی که ایتالیا را ندیده همواره این عقده را به دل دارد که آنچه را که باید ببیند ندیده است.

* -- *

1071. **John Updike**

Russia is the only country of the world you can be homesick for while you're still in it.

1072. **Bertolt Brecht**

ANDREA: Unhappy the land that has no heroes!...
GALILEO: No. Unhappy the land that needs heroes.

1073. **Alan Bennett**

It's where they commit suicide and the king rides a bicycle, Sweden.

1074. **Samuel Johnson**

A man who has not been in Italy, is always conscious of an inferiority, from his not having seen what it is expected a man should see.

۱۰۷۵. نوئل کاوارد

(وقتی از او پرسیدند: در استرالیا چه چیز یاد گرفتید؟)

کانگورو.

۱۰۷۶. جرمین گریر

استرالیا خانهٔ سالمندانی است وسیع که هیچ خبر ناخوشایندی از آنجا بر صفحهٔ بدترین روزنامه‌های جهان نقش نمی‌بندد.

۱۰۷۷. آزبرت لانکاستر

اگر قرار بود خارجی باشم آلمانی بودن و به طریق اولی پروسی بودن را بر همه ترجیح می‌دادم. حقیقتاً اگر آلمانیها از شوخ طبعی بهره‌مند بودند کم و بیش صلاحیت آن را می‌داشتند که انگلیسی افتخاری شمرده شوند.

* -- *

1075. **Noël Coward**

(A reporter had asked Noël Coward to tell her something he had learned in Australia:)

Kangaroo.

1076. **Germaine Greer**

Australia is a huge rest home, where no unwelcome news is ever wafted on to the pages of the worst newspapers in the world.

1077. **Osbert Lancaster**

If one had to be foreign it was far better to be German, preferably a Prussian... Indeed, had the Germans only possessed a sense of humour, they might almost have qualified as honorary Englishmen.

۱۰۷۸. کریستوفر مورلی
نیویورک غدهٔ تیروئید ملت آمریکاست.

۱۰۷۹. مارگارت میهی
کاناداییها همان آمریکاییها هستند اما بدون دیزنی‌لند.

۱۰۸۰. اِولین وا
من از نروژیها ابداً خوشم نمی‌آید. در سرزمین آنها خورشید هرگز غروب نمی‌کند، میخانه‌ها هیچ وقت باز نمی‌شود و سرتاپای کشورشان بوی ماهی دودی می‌دهد.

۱۰۸۱. جوزف هِلِر
کشور قطعه زمینی است که از همه طرف به مرز محدود شده، مرزهایی معمولاً غیرطبیعی.

* -- *

1078. **Christopher Morley**
New York, the nation's thyroid gland.

1079. **Margaret Mahy**
Canadians are Americans with no Disneyland.

1080. **Evelyn Waugh**
I don't like Norwegians at all. The sun never sets, the bar never opens, and the whole country smells of kippers.

1081. **Joseph Heller**
A country is a piece of land surrounded on all sides by boundaries, usually unnatural.

۱۰۸۲. آدلی استیونسون

انسان تنها با حرف زندگی نمی‌کند. گو اینکه گاهی ناچار می‌شود حرفش را بخورد.

۱۰۸۳. لرند هاند

واژه‌ها همچون آفتاب‌پرست رنگ محیط را باز می‌تابانند.

* -- *

1082. **Adlai Stevenson**

Man does not live by words alone, despite the fact that he sometimes has to eat them.

1083. **Learned Hand**

Words are chameleons, which reflect the colour of their environment.

۱۰۸۴. منسوب به: **اچ. ال. منکن**

کلیسا جایی است که حضرات مستطابی که هیچگاه پایشان به بهشت نرسیده برای کسانی که هرگز پایشان به بهشت نخواهد رسید پرچانگی می‌کنند.

* -- *

1084. **H. L. Mencken:** Attributed

A church is a place in which gentlemen who have never been to heaven brag about it to people who will never get there.

۱۰۸۵. هری پولیت

(اسپنسر در جواب استیفن اسپندر که در سالهای ۱۹۳۰ از او پرسید شاعر چگونه می‌تواند به آرمان کمونیستی خدمت کند، گفت:)

به اسپانیا برو و خودت را به کشتن بده. جنبش به یک بایرون دیگر نیاز دارد.

۱۰۸۶. گاری ترودو

دونزبری: ... واقعاً مسخره است. چین و روسیه دشمن خونی همدیگرند. چین به ویتنام حمله می‌کند. ویتنام به کامبوج یورش می‌برد. روسیه به افغانستان لشکرکشی می‌کند. با این حساب، تنها کشورهایی که کمونیستها در این اواخر مورد حمله قرار داده‌اند کشورهای کمونیستی بوده‌اند!

بی. دی.: عجب خنگی هستی! آنها برای این به یکدیگر حمله می‌کنند که آمادگی‌شان را حفظ کنند.

* -- *

1085. **Harry Pollitt**

(On being asked by Stephen Spender in the 1930s how best a poet could serve the Communist cause:)

Go to Spain and get killed. The movement needs a Byron.

1086. **Garry Trudeau**

DOONESBURY: ... That's complete nonsense. China and Russia are deadly enemies. China invaded Vietnam. Vietnam invaded Cambodia. Russia invaded Afghanistan. The only countries communists have been invading lately are communist!

B. D.: Of *course*, dummy! They invade each other to stay in shape.

۱۰۸۷. ویل راجرز

کمونیسم مثل تحریم مشروبات الکلی[۱۶] است. فکر خوبی است اما عملی نیست.

۱۰۸۸. کارل مارکس

من فقط این را می‌دانم که مارکسیست نیستم.

۱۰۸۹. ناشناس

کمونیست کسی است که چیزی در بساط ندارد اما می‌خواهد آن را با تمام مردم دنیا قسمت کند.

* -- *

1087. **Will Rogers**

Communism is like Prohibition, It's a good idea but it won't work.

1088. **Karl Marx**

All I know is that I am not a Marxist.

1089. **Anonymous**

A communist is one who has nothing and wishes to share it with the world.

۱۰۹۰. جیمز آشر

همهٔ ما در چهار سالگی با کلاه کاغذی بر سر و شمشیر چوبی در دست ژنرال هستیم. چیزی که هست عده‌ای از ما هرگز از این بزرگتر نمی‌شویم.

۱۰۹۱. گریسی آلن

وقتی به دنیا آمدم چنان حیرت زده شدم که تا یک سال و نیم قدرت تکلم نداشتم.

۱۰۹۲. لین اوبلینگ هاوس

سریع‌ترین راه برای پدر یا مادری که بخواهد توجه بچه‌اش را به خود جلب کند این است که گوشه‌ای بنشیند و نفس راحتی بکشد.

* -- *

1090. **James Usher**

At the age of four with paper hats and wooden swords we're all Generals. Only some of us never grow out of it.

1091. **Gracie Allen**

When I was born, I was so surprised I couldn't talk for a year and a half.

1092. **Lane Oblinghouse**

The quickest way for a parent to get a child's attention is to sit down and look comfortable.

۱۰۹۳. پی. جی. اورورک

این حرف مهمل را که هنوز هم در کلاسهای دانشگاه تکرار می‌شود، اول بار ژان ژاک روسو سر زبانها انداخت و آن اینکه انسان طبیعی طبیعتاً خوب است... هرکسی که یک بار در عمرش بچهٔ نوپایی را دیده باشد می‌داند این حرف چقدر یاوه است.

۱۰۹۴. اِما بامبِک

یک نظریهٔ روانشناسی خواندم که می‌گوید: «هیچ وقت هنگام عصبانیت بچه را کتک نزنید!» خُب، پس بفرمایید کی بچه را کتک بزنم؟ روز تولدم وقتی مرا می‌بوسد یا وقتی تازه از بستر بیماری سرخک بلند شده؟ یا در حین تلاوت کتاب مقدس؟

۱۰۹۵. لرد بایرون

جای بسیار خوب و آرامی است و بچه‌ها هم فقط خیلی یواش جیغ می‌زنند.

* -- *

1093. P. J. O'Rourke

There is this horrible idea, beginning with Jean-Jacques Rousseau and still going strong in college classrooms, that natural man is naturally good...Anybody who's ever met a toddler knows this is nonsense.

1094. Erma Bombeck

I read one psychologist's theory that said, 'Never strike a child in anger.' When could I strike him? When he is kissing me on my birthday? When he is recuperating from measles? Do I slap the Bible out of his hand on a Sunday?

1095. Lord Byron

The place is very well and quiet and the children only scream in a low voice.

۱۰۹۶. فرستنده: لِسلی پیج
اکثر بچه‌ها از درآمدن گلها خوشحال می‌آید. البته بیشتر از ریشه.

۱۰۹۷. مارک تواین
اُنس و اُلفت بی‌حرمتی به بار می‌آورد، به علاوهٔ بچه.

۱۰۹۸. اف. دبلیو. جونز
سابق بر این پدر مادرها بچه‌ها را به قصد تربیتشان می‌زدند امروزه به خاطر دفاع از خود.

۱۰۹۹. نوئل کاوارد
(وقتی از او پرسیدند در دوران کودکی‌اش چه جور بچه‌ای بوده.)
وقتی مرتب به من می‌رسیدند خیلی ماه بودم. وقت‌هایی هم که به من توجه نمی‌کردند حسابی خر می‌شدم.

* -- *

1096. Contributed by Leslie Page
Most children enjoy seeing flowers come up - mostly by the roots.

1097. Mark Twain
Familiarity breeds contempt and children.

1098. F. W. Jones
Parents used to strike children to discipline them; now it is usually in self-defence.

1099. Noël Coward
(On being asked what sort of child he was)
When paid constant attention, extremely lovable. When not, a pig.

۱۱۰۰. آلیس روزولت لانگ‌وورت

داشتن بچهٔ نوزاد به این می‌ماند که انسان پیانوی بزرگی را از پنجرهٔ کوچکِ بالای در رد کند.

۱۱۰۱. منسوب به: **دبلیو. سی. فیلدز**

در تمام آمریکا یک مرد پیدا نمی‌کنید که پنهانی آرزوی اردنگی زدن بچه‌ای را نکرده باشد.

۱۱۰۲. سایمون گری

استیفن: دلایل شما علیه بچه‌دار شدن چیست؟
سایمون: اولاً جا کم داریم. دوم اینکه بچه‌ها زندگی پدر و مادرشان را به گند می‌کشند، سوم اینکه بعدها زندگی خودشان را هم به گند می‌کشند و اما چهارم: فایدهٔ آوردنشان به این دنیای هشت الهفت چیست؟ پنجم و ششم و قبل از هر چیز اینکه از بچه خوشم نمی‌آید. درست شد؟

* -- *

1100. Alice Roosevelt Longworth

Having a baby is like trying to push a grand piano through a transom.

1101. W. C. Fields: attributed

There's not a man in America who at one time or another hasn't had a secret desire to boot a child in the ass.

1102. Simon Gray

STEPHEN: What have you got against having children?
SIMON: Well, Steve, in the first place there isn't enough room. In the second place they seem to start by mucking up their parents' lives, and then go on in the third place to muck up their own. In the fourth place it doesn't seem right to bring them into a world like this. In the fifth place and in the sixth place I don't like them very much in the first place. Ok?

۱۱۰۳. فران لِبوویتس

فقط وقتی از فرزندت بپرس برای شام چه می‌خواهد که پولش را خودش بپردازد.

۱۱۰۴. جک لِولین ـ دیویس

(سیلویا، مادر جک ـ لِولین دیویس وقتی پسرش را دید که آن همه کیک و چای لمبانده است به او یادآوری کرد که: «اگر فردا مریض نشدی!» و او در جواب گفت:)

اگر همین امشب مریض نشدم!

۱۱۰۵. کاندیا مک ویلیام

با تولد هر بچه دو رمان از دست می‌دهی.

۱۱۰۶. هارولد اس. هالبرت

کودکان نیازمند عشق و محبت‌اند، به خصوص وقتی که سزاوار آن نیستند.

* -- *

1103. **Fran Lebowitz**

Ask your child what he wants for dinner only if he's buying.

1104. **Jack Llewelyn-Davies**

(Jack Liewelyn-Davies, stuffing himself with cakes at tea, was warned by his mother Sylvia, 'You'll be sick tomorrow.')

I'll be sick tonight!

1105. **Candia McWilliam**

With the birth of each child you lose two novels.

1106. **Harold S. Hulbert**

Children need love, especially when they do not deserve it.

۱۱۰۷. فرستنده: آر. جی. هانت
آدمهایی که می‌گویند مثل بچه آرام می‌خوابند معمولاً بچه ندارند.

۱۱۰۸. جوزف هلر
دلم می‌خواهد وقتی بزرگ شدم پسرک کوچولویی باشم.

* -- *

1107. **Contributed by R. G. Hunt**
People who say they sleep like a baby usually don't have one.

1108. **Joseph Heller**
When I grow up I want to be a little boy.

۱۱۰۹. مارک تواین

درست است که اینجا هتل خوبی بوده، اما این چیزی را ثابت نمی‌کند. من هم زمانی پسر خوبی بودم.

۱۱۱۰. لوئیس کارول

قاعده این است: فردا را نفله کن. دیروز را نفله کن. اما امروز را هرگز!

۱۱۱۱. جان مینارد کینز

نمی‌دانم کدامیک انسان را بیشتر محافظه کار می‌کند: بی‌خبری از همه چیز غیر از حال یا بی‌خبری از همه چیز جز گذشته.

1109. Mark Twain

It used to be a good hotel, but that proves nothing - I used to be a good boy.

1110. Lewis Carroll

The rule is, jam tomorrow and jam yesterday - but never jam today!381

1111. John Maynard Keynes

I do not know which makes a man more conservative to know nothing but the present, or nothing but the past.

۱۱۱۲. فران لبوویتس

متضاد کلمهٔ حرف زدن منتظر ماندن است نه شنیدن.

۱۱۱۳. ناشناس

اگر در مورد دیگران حرف بزنم می‌گویی دری وری است. از خودم حرف بزنم کسل‌کننده است اما اگر دربارهٔ تو حرف بزنم محشر است.

۱۱۱۴. اسکار وایلد

من از حرف زدن با دیوار آجری خیلی خوشم می‌آید چون در تمام دنیا این تنها چیزی است که با من مخالفت نمی‌کند.

* -- *

1112. Fran Lebowitz

The opposite of talking isn't listening. The opposite of talking is waiting.

1113. Anonymous

A gossip talks about others, a bore talks about himself - and a brilliant conversationalist talks about you.

1114. Oscar Wilde

I like talking to a brick wall, it's the only thing in the world that never contradicts me.

۱۱۱۵. اسکار وایلد

اگر می‌توانستیم به انگلیسی‌ها سخن گفتن و به ایرلندیها شنیدن را بیاموزیم حالا جامعه‌ای بهتر از این داشتیم.

۱۱۱۶. هیوبرت هامفری

حقِ شنیدنِ حرفهایتان شامل جدی گرفتنتان نمی‌شود.

* -- *

1115. Oscar Wilde

If one could only teach the English how to talk and the Irish how to listen, society here would be quite civilized.

1116. Hubert Humphrey

The right to be heard does not include the right to be taken seriously.

۱۱۱۷. فِرد آلن
خاموش ای گفتهٔ نغزِ کوچک
فریاد نزن.
به زودی
به خشکه عبارتی بدل خواهی شد.

۱۱۱۸. تام استاپارد
بگذار حرفهایت نُقلِ مجالس باشد. صداقت را می‌خواهی چه کار!

۱۱۱۹. رالف والدو اِمِرسون
مقام اول از آنِ گویندهٔ گفتهٔ نغز است و مقام دوم از آنِ اولین نقل‌کنندهٔ آن.

۱۱۲۰. جیمز ایگِت
حالا دیگر تیر برقی هستم که هیچ جُنگ‌نویسی لِنگش را به روی من بلند نمی‌کند.

* -- *

1096. **Fred Allen**
Hush little bright line,
Don't you cry,
You'll be a clichè
By and by.

1097. **Tom Stoppard**
It's better to be quotable than to be honest.

1098. **Ralph Waldo Emerson**
Next to the originator of a good sentence is the first quoter of it.

1099. **James Agate**
Today I am a lamppost against which no anthologist lifts his leg.

۱۱۲۱. هِسکت پیرسون

نقل‌قول نادقیق در واقع مایهٔ فخر و مباهات فضلاست. آدم پرمطالعه هیچ‌گاه نقل‌قول دقیق نمی‌کند آنهم به این دلیلِ روشن که زیاد مطالعه کرده است.

۱۱۲۲. اُ. داگلاس

من خروارها نقل‌قول می‌دانم بنابراین به راحتی می‌توانم تظاهر به دانایی کنم.

۱۱۲۳. دوروتی اِل. سیرز

برای هر چیز نقل‌قولی حاضر و آماده دارم. به همین دلیل از تفکر واقعی بی‌نیازم.

۱۱۲۴. جرج برنارد شا

من غالباً از خودم نقل قول می‌کنم. این کار لطف سخنم را بیشتر می‌کند.

* -- *

1121. Hesketh Pearson

Misquotation is, in fact, the pride and privilege of the learned. A widely - read man never quotes accurately, for the rather obvious reason that he has read too widely.

1122. O. Douglas

I know heaps of quotations, so I can always make quite a fair show of knowledge.

1123. Dorothy L. Sayers

I always have a quotation for everything - it saves original thinking.

1124. George Bernard Shaw

I often quote myself. It adds spice to my conversation.

۱۱۲۵. رودیارد کیپلینگ

او چون گدایی که جامهٔ ارغوانی امپراتورها را به تن می‌کند خود را در جامه‌ای از گفته‌های بزرگان می‌پیچید.

* -- *

1125. Rudyard Kipling

He wrapped himself in quotations - as a beggar would enfold himself in the purple of emperors.

۱۱۲۶. جرج اورول

قدیسان را باید همواره گناهکار گرفت مگر آنکه بی‌گناهی‌شان به اثبات برسد.

۱۱۲۷. جولز فیفر

مسیح به خاطر گناهان ما جانش را فدا کرد. چه طور جرأت می‌کنیم با گناه نکردن فداکاریش را بی‌اعتبار کنیم؟

* -- *

1126. George Orwell

Saints should always be judged guilty until they are proved innocent.

1127. Jules Feiffer

Christ died for our sins. Dare we make his martyrdom meaningless by not committing them?

۱۱۲۸. جان اسپارو

(گور نبشتهٔ موریس بورا)

بی تو فردوس برین کلبهٔ احزان من است
با تو دوزخ همگی روضهٔ رضوان من است

۱۱۲۹. مایکل جونز

(سنگ قبرِ یک غصه‌خور[۱۷] معروف)

نگفتم؟

۱۱۳۰. دبلیو. سی. فیلدز

(گور نبشتهٔ پیشنهادی برای خودش)

اینجا من دبلیو. سی. فیلدز آرمیده‌ام. ترجیح می‌دهم در فیلادلفیا زندگی کنم.

* -- *

1128. John Sparrow

Without you, Heaven would be too dull to bear
And Hell would not be Hell if you are there.

1129. Michael Jones

(Inscription on the tombstone of a notorious hypochondriac)

'See! See!'

1130. W. C. Fields

Here lies W.C. Fields. I would rather be living in Philadelphia.

۱۱۳۱. آیزاک باشویس سینگر

من برای سلامتی خود نیست که گیاهخوار شدم. این کار را برای سلامتی مرغها و خروسها کردم.

* -- *

1131. Isaac Bashevis Singer

I did not become a vegetarian for my health. I did it for the health of the chickens.

۱۱۳۲. کِن داد

الان ۱۸ ماه است که با مادرزنم حرف نزده‌ام. آخر دوست ندارم وسط حرفش بپرم.

۱۱۳۳. لِس داسون

مادرزنم فکر می‌کند من مرد نیستم. مهم نیست. چون در مقابل او واقعاً هم مرد نیستم!

۱۱۳۴. اچ.اِل. مِنکن

وجدان مادرزن (یا مادرشوهر) ی است که دید و بازدیدش پایانی ندارد.

۱۱۳۵. هیوبرت هامفری

پشت سر هر مرد موفقی مادرزنی انگشت به دهان ایستاده است.

* -- *

1132. **Ken Dodd**

I have'nt spoken to my mother - in - low for eighteen months. I don't like to interrupt her.

1133. **Les Dawson**

The mother - in - low thinks I'm effiminate: not that I mind that because, beside her, I am!

1134. **H. L. Mencken**

Conscience is a mother-in-law whose visit never ends.

1135. **Hubert Humphrey**

Behind every successful man stands a surprised mother - in - law.

۱۱۳۶. چارلز دیکنز

مثل مالیات واقعیت داشت و به راستی هیچ چیز واقعی‌تر از مالیات نیست.

۱۱۳۷. ویل راجرز

آنقدر که مالیات بر درآمد آمریکاییها را دروغگو کرده بازی گلف نکرده.

۱۱۳۸. میلتون فریدمان

تورم نوعی مالیات‌بندی است که بدون زحمتِ قانون‌گذاری بر مردم تحمیل می‌شود.

* -- *

1136. Charles Dickens

It was as true...as taxes is. And nothing's truer than them.

1137. Will Rogers

Income Tax has made more liars out of the American people than Golf.

1138. Milton Friedman

Inflation is one form of taxation that can be imposed without legislation.

۱۱۳۹. بنجامین دیزریلی

هوگو بوهون می‌گفت:

"آدم مورد قبول از نظر من کسی است که حرفهای مرا قبول داشته باشد."

۱۱۴۰. رینگ لاردنر

توضیحاً گفت: «خفه شو!»

* -- *

1139. **Benjamin Disraeli**

'My idea of agreeable person' said Hugo Bohun, 'is a person who agrees with me'.

1140. **Ring Lardner**

'Shut up,' he explained.

۱۱۴۱. منسوب به: **لرد سوپر**

مجلس اعیان[۱۸] هم بی‌خاصیت نیست... هر چه باشد مصداق بارز زندگی بعد از مرگ است.

* -- *

1141. **Lord Soper:** attributed

The House of Lords has a value... it is good evidence of life after death.

۱۱۴۲. مورت سال

محافظه‌کار کسی است که به اصلاحات اعتقاد دارد اما نه حالا.

۱۱۴۳. ناشناس

محافظه‌کار کسی است که اصول‌گرایان (رادیکالها) را مورد ستایش قرار می‌دهد، البته یک قرن بعد از مرگشان.

* -- *

1142. Mort Sahl

A conservative is someone who believes in reform. But not now.

1143. Anonymous

A conservative is someone who admires radicals a century after they're dead.

۱۱۴۴. جیمز لیور

صفات یک لباس واحد:
۱۰ سال قبل از زمان خود: قبیح
۵ سال قبل از زمان خود: شرم‌آور
۱ سال قبل از زمان خود: قشنگ اما جسورانه
۱ سال بعد از زمان خود: از مد افتاده
۱۰ سال بعد از زمان خود: زشت
۲۰ سال بعد از زمان خود: خنده‌دار
۳۰ سال بعد از زمان خود: بامزه
۵۰ سال بعد از زمان خود: قدیمی و زیبا
۷۰ سال بعد از زمان خود: فریبنده
۱۰۰ سال بعد از زمان خود: رؤیایی
۱۵۰ سال بعد از زمان خود: زیبا

* -- *

1144. James Laver

The same costume will be
Indecent ... 10 years before its time
Shameless ... 5 years before its time
Smart *Outré* (daring) ... 1 year before its time
Dowdy ... 1 years after its time
Hideous ... 10 years after its time
Ridiculous ... 20 years after its time
Amusing ... 30 years after its time
Quaint ... 50 years after its time
Charming ... 70 years after its time
Romantic ... 100 years after its time
Beautiful ... 150 years after its time

۱۱۴۵. هنریک ایبسن

وقتی برای مبارزه در راه آزادی و حقیقت از خانه بیرون می‌روی نباید بهترین شلوارت را بپوشی.

* -- *

1145. Henrik Ibsen

You should never have your best trousers on when you go out to fight for freedom and truth.

۱۱۴۶. هاری استانلی

از هر هزار مرد یکی رهبر مردهای دیگر می‌شود. بقیه همه دنباله رو زنها هستند.

۱۱۴۷. فرستنده: **اِم.اِم. اوئن**

مرد موفق مردی است که مداخلش بیش از مخارج همسرش باشد و زن موفق زنی است که چنین مردی را به چنگ می‌آورد.

۱۱۴۸. فرستنده: **اِف.جی.بنسون**

مردها به سه دسته تقسیم می‌شوند: خوش قیافه‌ها، باهوشها و اکثریت.

۱۱۴۹. تی. فولر

کسی که تمام چیزهایی را که می‌داند به زنش می‌گوید خیلی کم می‌داند.

* -- *

1146. **Harry Stanley**

One man in a thousand is a leader of men, the rest are followers of women.

1147. **Contributed by M. M. Owen**

A successful man is one who makes more money than his wife can spend. A successful woman is one who can find such a man.

1148. **Contributed by F. G. Benson**

Men fall into three classes - the handsome, the intelligent, and the majority.

1149. **T. Fuller**

He knows little who will tell his wife all he knows.

۱۱۵۰. ساموئل جانسون

اگر تخیل در کار نبود، مرد در آغوش خادمه‌ای همان قدر احساس سعادت می‌کرد که در آغوشِ اشرافزاده‌ای.

۱۱۵۱. ام. وان دورن

من دنبال مردی می‌گردم که فقط مهربان و باشعور باشد. شما بگویید، این توقع از یک آدم میلیونر زیادی است؟

۱۱۵۲. فرانسواز ساگان

دوست دارم مردها مردانه رفتار کنند، یعنی محکم و کودکانه.

۱۱۵۳. جان رابرت فاولز

مردها دوستدار جنگ‌اند چون جنگ به آنها ظاهری جدی می‌بخشد و این تنها چیزی است که نمی‌گذارد زنها به ریششان بخندند.

* -- *

1150. Samuel Johnson

Were it not for imagination, Sir, a man would be as happy in the arms of a chambermaid as of a Duchess.

1151. M. Van Doren

All I'm looking for is a man who is kind and understanding. Is that too much to ask of a millionaire?

1152. Francoise Sagan

I like men to behave like men. I like them strong and childish.

1153. John Robert Fowles

Men love war because it allows them to look serious; because it is the only thing that stops women laughing at them.

۱۱۵۴. شاهزاده فیلیپ

وقتی مردی دَرِ اتومبیل را برای همسرش باز می‌کند یا اتومبیل نو است یا خانم.

۱۱۵۵. جوزف ای. کاسمن

بهترین راه برای فراموش نکردن روز تولد خانمتان این است که یک بار فراموشش کنید.

۱۱۵۶. مورتیمر کالینز

هر مرد همان قدر پیر است که احساس می‌کند و هر زن همان اندازه که چهره‌اش نشان می‌دهد.

۱۱۵۷. فرستنده: **دبلیو. جی. کامر**

بیشتر مردها دو آرزوی بزرگ دارند. اول داشتن خانه و دوم داشتن ماشین برای فرار از خانه.

* -- *

1154. **Prince Philip**

When a man opens the car door for his wife, it's either a new car or a new wife.

1155. **Joseph E. Cossman**

The best way to remember your wife's birthday is to forget it once.

1156. **Mortimor Collins**

A man is as old as his feeling. A woman is as old as she looks.

1157. **Contributed by W. G. Comer**

Most men have two great ambitions: first to own their own home and second to own a car so that they can get away from home.

۱۱۵۸. جیمز کایاکوس

من دیگر به نومیدکننده‌ترین نقطهٔ زندگی‌ام رسیده‌ام. حالا زنم به من اعتماد می‌کند.

۱۱۵۹. فرستنده: **آندرو کراس**

آدم از روی روابطی شناخته می‌شود که خیال می‌کند هیچ کس از آنها باخبر نیست.

۱۱۶۰. آگاتا کریستی

باستان‌شناس بهترین شوهری است که زنها می‌توانند داشته باشند، چون هرچه سن‌شان بالا می‌رود علاقهٔ شوهرشان به آنها بیشتر می‌شود.

۱۱۶۱. کریستینا، ملکهٔ سوئد

مردها را دوست دارم اما نه به خاطر مرد بودنشان بلکه به خاطر زن نبودنشان.

* -- *

1158. **James Kayakos**

I've reached the most disappointing time of my life - my wife now trusts me.

1159. **Contributed by Andrew Cross**

A man is known by the company he thinks nobody knows he keeps.

1160. **Agatha Christie**

An archaeologist is the best husband a woman can have; the older she gets, the more interested he is in her.

1161. **Christina Queen of Sweden**

I love men, not because they are men but because they are not women.

۱۱۶۲. جیلی کوپر

انسان نرینه حیوانی است اهلی که اگر با قاطعیت و محبت با او رفتار کنیم خیلی کارها را یاد می‌گیرد.

۱۱۶۳. جو کوک

از میان تمام اقوام و بستگانِ زنم از خودم بیشتر از همه خوشم می‌آید.

۱۱۶۴. دانی کی

مرد عاقل کسی است که بعد از پیروزی در جرّ و بحث، از خانمش عذرخواهی می‌کند.

۱۱۶۵. آلن کینگ

بزرگترین معما برای مرد متأهل این است که آدم مجرد با پولش چه می‌کند.

* -- *

1162. Jilly Cooper

The male is a domestic animal which, if treated with firmness and kindness, can be trained to do most things.

1163. Joe Cook

Of all my wife's relations I like myself the best.

1164. Danny Kaye

After winning an argument with his wife, the wisest thing a man can do is to apologize.

1165. Alan King

The biggest mystery to a married man is what a bachelor does with his money.

۱۱۶۶. دوریس لسینگ
شما مردها چیزی نمی‌خواهید مگر همه چیز را آن هم البته تا وقتی که به آن احتیاج دارید.

۱۱۶۷. اسکار وایلد
مردان جوان می‌خواهند وفادار باشند و نیستند؛ پیرمردان می‌خواهند بی‌وفایی کنند اما نمی‌توانند.

۱۱۶۸. آنا هربرت
مرد مجرد کسی است که قبل از رفتن به سرکار یک صبحانه آماده می‌کند.

* -- *

1166. **Doris Lessing**
None of you (men) ask for anything ecxept everything, but just for so long as you need it.

1167. **Oscar Wilde**
Young men want to be faithful, and are not; old men want to be faithless, and cannot.

1168. **Anna Herbert**
A bachelor is a man who only has to make one breakfast before he goes to work.

۱۱۶۹. اِی. اِم. اِی نیوز

بهترین کار این است که مشکلتان را برای مردم تعریف نکنید. نیمی از آنها علاقه‌ای به شنیدنش ندارند و نیمی دیگر از شنیدن آن خوشحال می‌شوند.

۱۱۷۰. آن لاندرز

تلویزیون ثابت کرد که مردم حاضرند به هر چیزی نگاه کنند مگر به همدیگر.

۱۱۷۱. باب نیوهارت

ایب، اگر قلم و کاغذ داری لطفاً این گفته را یادداشت کن: "عده‌ای از مردم را برای همیشه می‌توان فریب داد اما همهٔ مردم را نمی‌توانی برای همیشه فریب بدهی." اما تو، ایب، جور دیگری عمل کن چون آخرین گفته‌ای که به دستم رسیده این طور بوده: "همهٔ مردم را می‌توان برای همیشه فریب داد..."

* -- *

1169. A. M. A. News

It is always best not to tell people your troubles. Half of them are not interested, and the other half are glad you're getting what's coming to you.

1170. Ann Landers

Television has proved that people will look at anything rather than each other.

1171. Bob Newhart

Abe - have you got a pencil and paper there? Would you take this down? 'You can fool all of the people some of the time and some of the people all of the time. But you can't fool all of the people all the time.'... Well, you keep doing it differently, Abe. The last quote I got was 'You can fool all the people all the time...'

۱۱۷۲. جین آستن

دکتر هال را چنان سوگوار دیدیم که انگار مادرش مرده بود یا همسرش یا خودش.

۱۱۷۳. وودی آلن

من نمی‌خواهم به خاطر آثارم جاودانه شوم؛ دوست دارم با نمردن به این مقصود برسم.

۱۱۷۴. وودی آلن

مسأله این نیست که از مرگ بترسم. چیزی که هست نمی‌خواهم در لحظهٔ وقوعش آنجا باشم.

۱۱۷۵. هیلر بلاک

کاش بعد از مرگم مردم بگویند: نامهٔ اعمالش سیاه بود اما کتابهایش پرخواننده.

1172. Jane Austen

We met...Dr. Hall in such very deep mourning that either his mother, his wife, or himself must be dead.

1173. Woody Allen

I don't want to achieve immortality through my work... I want to achieve it through not dying.

1174. Woody Allen

It's not that I'm afraid to die. I just don't want to be there when it happens.

1175. Hilaire Belloc

When I am dead, I hope it may be said: 'His sins were scarlet, but his books were read.'

۱۱۷۶. فرانسیس بومونت

فیلاستر: آه، تو نمی‌دانی مردن چیست؟

بلاریو: می‌دانم، سرورم، می‌دانم. مردن چیزی است کمتر از زادن؛ خوابی است ابدی، آسودنی است فارغ از همهٔ حسادتها و چیزی که ما همگی در پی آنیم؛ و ورای تمامی اینها، می‌دانم که مرگ باختنِ بازی‌یی است که باید باخت.

۱۱۷۷. برندان بیهان

وقتی به دوبلین برگشتم شنیدم که مرا غیاباً محاکمه و به مرگ محکوم کرده‌اند. من هم گفتم: «بسیار خوب، پس مرحمت فرموده غیاباً هم مرا اعدام کنند.»

۱۱۷۸. مارک تواین

در گزارش خبر مرگ من اغراق کرده‌اند.

* -- *

1176. Francis Beaumont

PHILASTER: Oh, but thou dost not know what 'tis to die?

BELLARIO: Yes, I do know, my Lord: 'Tis less than to be born; a lasting sleep; A quiet resting from all jealousy, a thing we all pursue; I know besides, it is but giving over of a game, that must be lost.

1177. Brendan Behan

When I came back to Dublin, I was courtmartialled in my absence and sentenced to death in my absence, so I said they could shoot me in my absence.

1178. Mark Twain

The report of my death was an exaggeration.

۱۱۷۹. مارک تواین

(دربارهٔ مرگ یکی از سیاستمداران)

من در مراسم تشییع جنازهٔ او شرکت نکردم اما با نامهٔ مؤدبانه‌ای موافقتم را اعلام کردم.

۱۱۸۰. دیوید لوید جرج

مرگ مناسب‌ترین زمان برای گرفتن مالیات از ثروتمندان است.

۱۱۸۱. ساکی

والدو از آن آدمهایی است که اگر بمیرد از این که هست خیلی بهتر می‌شود.

۱۱۸۲. نیل سایمون

حالا دیگر اندیشهٔ مرگ بخشی از زندگی‌ام شده، هر روز ستون مجالس ترحیم را می‌خوانم تا با ندیدن اسم خود در فهرست متوفیات احساس مسرت کنم.

* -- *

1179. **Mark Twain**

I did not attend his funeral; but I wrote a nice letter saying I approve of it.

1180. **David Lloyd George**

Death is the most convenient time to tax rich people.

1181. **Saki**

Waldo is one of those people who would be enormously improved by death.

1182. **Neil Simon**

The thought of death has now become a part of my life. I read the obituaries every day just for the satisfaction of not seeing my name there.

۱۱۸۳. بنجامین فرانکلین
در این دنیا هیچ چیز قطعی نیست. مگر مرگ و مالیات.

۱۱۸۴. ساموئل تیلور کالریج
قوها پیش از آنکه بمیرند آواز می‌خوانند. کاش بعضی‌ها پیش از آنکه آواز بخوانند می‌مردند.

۱۱۸۵. نوئل کاوارد
یک چیز مرا از بابت مردنم واقعاً غصه‌دار می‌کند و آن اینکه بعد از مرگ دیگر اینجا نیستم تا مزخرفاتی را که راجع به من می‌نویسند بخوانم... چه لطیفه‌هایی که به من نسبت داده خواهد شد. چه گفته‌های بهجت اثری که از قول من نقل خواهد شد که من به عمرم نگفته‌ام. واقعاً خیلی حیف است که از لذت شنیدن این چیزها محروم می‌شوم!

* -- *

1162. **Benjamin Franklin**
In this world nothing can be said to be certain, except death and taxes.

1163. **Samuel Taylor Coleridge**
Swans sing before they die: 'twere not bad thing should certain persons die before they sing.

1164. **Noël Coward**
The only thing that really saddens me over my demise is that I shall not be here to read the nonsense that will be written about me... There will be lists of apocryphal jokes I never made and gleeful misquotations of words I never said. What a pity I shan't be here to enjoy them!

۱۱۸۶. منسوب به: نوئل کاوارد

روزنامهٔ تایمز را می‌خوانم و وقتی می‌بینم اسمم در ستون درگذشته‌ها نیست بقیهٔ روز را کیف می‌کنم.

۱۱۸۷. جان مینارد کینز

در درازمدت همهٔ ما مرده‌ایم.

۱۱۸۸. هاری گراهام

آقای جونز را گفتند: «خدمتکارتان در تصادف دونیم گشته.»
آقای جونز گفت: «جداً! مرده؟
پس لطفاً آن نیمه را که کلیدهای مرا دارد برای من بفرستید.»

۱۱۸۹. مولیر

آدم فقط یک بار می‌میرد آن هم برای مدتی چنین طولانی!

* -- *

1186. Noël Coward: attributed

I read the Times and if my name is not in the obits I proceed to enjoy the day.

1187. John Maynard Keynes

In the long run we are all dead.

1188. Harry Graham

'There's been an accident,' they said,
'Your servant's cut in half; he's dead!'
'Indeed!' said Mr Jones, 'and please,
'Send me the half that's got my keys.'

1189. Moliere

One dies only once, and it's for such a long time!

۱۱۹۰. مارگارت میچل

برای سه چیز هیچگاه وقت مناسبی وجود ندارد: مرگ و مالیات و زایمان.

۱۱۹۱. فریدریش نیچه

زمان من هنوز فرا نرسیده. هستند کسانی که از پسِ مرگ زاده می‌شوند.

۱۱۹۲. اسکار وایلد

(بعد از شنیدن مبلغ گزاف جراحی)

آه، بسیار خوب. این‌طور که پیداست باید فوق استطاعتم بمیرم.

۱۱۹۳. اسکار وایلد

این روزها انسان از دست هر چیزی می‌تواند جان سالم بدر ببرد جز مرگ و هر چیز را می‌تواند به دست فراموشی بسپرد جز نام نیک را.

* -- *

1190. Margaret Mitchell

Death and taxes and childbirth! There's never any convenient time for any of them.

1191. Friedrich Nietzsche

My time has not yet come either; some are born posthumously.

1192. Oscar Wilde

(At the mention of a huge fee for a surgical operation)

Ah, well, then. I suppose that I shall have to die beyond my means.

1193. Oscar Wilde

One can survive everything nowadays, except death, and live down anything except a good reputation.

۱۱۹۴. لرد هلند

(در بستر آخرین بیماری)

اگر آقای سیلوین دوباره آمدند راهنماییشان کنید بالا: اگر زنده بودم، من از دیدن او خوشحال خواهم شد و اگر مرده باشم او از دیدن من.

۱۱۹۵. هوراس

من به کلی نخواهم مرد.

* -- *

1194. **Lord Holland**

(During his last illness)

If Mr Selwyn calls again, show him up: if I am alive I shall be delighted to see him; and if I am dead he would like to see me.

1195. **Horace**

I shall not altogether die.

۱۱۹۶. توماس راسل ایبارا

مسیحی کسی است که:

از کرده‌های شنبه توبه می‌کند یکشنبه، تا از سر بگیردشان دوشنبه.

* -- *

1196. Thomas Russell Ybarra

A Christian who feels repentance on a Sunday for what he did on Saturday and is going to do on Monday.

۱۱۹۷. توماس شَش

معلم باید بیشترین اقتدار و کمترین قدرت را در اختیار داشته باشد.

۱۱۹۸. جرج بی. لئونارد

معلم‌ها زیاد کار می‌کنند و کم حقوق می‌گیرند. از حق نگذریم، مهار کردن سیلاب استعداد انسانها کار پرمشقت و طاقت‌فرسائی است.

* -- *

1197. Thomas Szasz

A teacher should have maximal authority and minimal power.

1198. Jeorge B. Leonard

Teachers are over worked and under paid. True, it is an exacting and exhausting business, this damming up the flood of human potentialitief.

۱۱۹۹. فرانک لوید رایت

پزشکان می‌توانند اشتباهات خود را زیر خاک کنند اما معمارها فقط می‌توانند به مشتریان خود توصیه کنند پیچک بکارند.

۱۲۰۰. استیفن فرای

هنر معماری فرصتهای کم نظیری در اختیار هر معمار قرار می‌دهد تا به جامعهٔ خود کمک کند، بر زیبایی چشم‌انداز بیفزاید، به محیط زندگی رونق و صفا ببخشد و خلاصه به نوع بشر خدمت کند. حالا فکرش را بکنید که معمار موفق باید از چه مخاطره‌هایی بگذرد تا پول درست و حسابی به چنگ بیاورد.

* -- *

1199. Frank Liyod Wright

The physician can bury his mistakes, but the architect can only advise his client to plant vines.

1200. Stephen Fry

Architecture offers quite extraordinary opportunities to serve the community, to enhance the landscape, refresh the environment and to advance mankind - the successful architect needs training to overcome these pitfalls however, and start earning some serious money.

۱۲۰۱. آلن بِنِت

فرانکلین: آقای مدیر، هیچ فکر کرده‌اید که ملاکها (استانداردها)ی شما ممکن است اندکی کهنه باشند؟

مدیر مدرسه: همین طور است. ملاکها همیشه کهنه‌اند. اگر نبودند که ملاک نمی‌شدند.

* -- *

1201. Alan Bennet

FRANKLIN: Have you ever thought, Headmaster, that your standards might perhaps be a little out of date?

HEADMASTER: Of course they're out of date. That is what makes them standards.

۱۲۰۲. آلبرت اینشتین

اگر نظریه نسبیتِ من به اثبات برسد آلمان مدعی آلمانی بودنم می‌شود و فرانسه اعلام می‌کند من شهروند جهان‌ام. اما اگر نظریه‌ام درست نباشد فرانسه مرا آلمانی و آلمان یهودی‌ام خواهند خواند.

۱۲۰۳. منسوب به: آندره ژید

برای فرانسویها غیرقابل تصور است که به میانسالی برسند و سیفلیس و نشان لژیون دونور نگیرند.

۱۲۰۴. جرج مور

ایرلند بیماری مهلکی است، مهلک برای انگلیسیها و دوچندان برای ایرلندیها.

۱۲۰۵. مریان مور

گرفتارم. ناراضی‌ام. ایرلندی‌ام.

* -- *

1202. **Albert Einstein**

If my theory of relativity is proven correct, Germany will claim me as a German and France will declare that I am a citizen of the world. Should my theory prove untrue, France will say that I am a German and Germany will declare that I am a Jew.

1203. **André Gide:** attributed

It is unthinkable for a Frenchman to arrive at middle age without having Syphilis and the Croix de la Légion d'honneur.

1204. **George Moore**

Ireland is a fatal disease; fatal to Englishmen and doubly fatal to Irishmen.

1205. **Moore Marianne**

I'm troubled. I'm dissatisfied. I'm Irish.

۱۲۰۶. ناشناس

اولی: چرا یهودیها سؤال را با سؤال جواب می‌دهند؟

دومی: چرا یهودیها نباید سؤال را با سؤال جواب بدهند؟

۱۲۰۷. دوکِ ولینگتون

(در انکار اصل و نسب ایرلندی خود)

هر که در طویله به دنیا آمده باشد الزاماً خر نیست.

* -- *

1206. **Anonymous**

Q: Why do Jews answer a question with a question?

A: Why shouldn't Jews answer a question with a question?

1207. **Duke of Wellington**

(Denying that he was Irish)

Because a man is born in a stable, that does not make him a horse.

۱۲۰۸. الکساندر دوما

هر حکم کلی خطرناک است حتی همین حکم.

۱۲۰۹. جرج برنارد شا

آدم منطقی خود را با دنیا سازگار می‌کند. اما آدم غیرمنطقی می‌خواهد دنیا را با خود سازگار کند. بنابراین تمام پیشرفتهای جهان را مدیون آدمهای غیرمنطقی هستیم.

۱۲۱۰. آلدوس هاکسلی

عذر که بیشتر از یکی شد چندان قانع‌کننده نیست.

* -- *

1208. **Alexandre Dumas**

All generalizations are dangerous, even this one.

1209. **George Bernard Shaw**

The reasonable man adapts himself to the world: the unreasonable one persists in trying to adapt the world to himself. Therefore all progress depends on the unreasonable man.

1210. **Aldous Huxley**

Several excuses are always less convincing than one.

۱۲۱۱. سر ادوارد آپلتون

وقتی از زبان اپرا چیزی سر درنمی‌آورم دیگر برایم مهم نیست به چه زبانی خوانده می‌شود.

۱۲۱۲. لوئیس آرمسترانگ

تمام موسیقی‌ها موسیقی مردمی‌اند. من که تا به حال نشنیده‌ام خرها هم آواز بخوانند.

۱۲۱۳. آرتور اشنابل (نوازندهٔ پیانو)

من دو نوع شنونده بیشتر نمی‌شناسم: آنها که سرفه می‌کنند و آنها که سرفه نمی‌کنند.

۱۲۱۴. آرتور اونگر

تردیدی نیست که نخستین شرط آهنگساز بودن مرده بودن است.

* -- *

1211. Sir Edward Appleton

I don't mind what language an opera is sung in so long as it is a language I don't understand.

1212. Louis Armstrong

All music is folk music, I ain't never heard no horse sing a song.

1213. Arthur Schnabel

I know two kinds of audiences only: one coughing, and one not coughing.

1214. Arthur Honegger

There is no doubt that the first requirement for a composer is to be dead.

۱۲۱۵. جرج اِید

معلم موسیقی هفته‌ای دو بار می‌آمد تا شکاف هولناک میان شوپن و دوروتی را پر کند.

۱۲۱۶. شارل بودلر

من موسیقی واگنر را بسیار دوست دارم اما موسیقی‌یی که به آن ترجیح می‌دهم موسیقی پنجه‌های گربه‌ای است که پشت پنجره از دُم آویزان شده و پنجه‌هایِ خود را به شیشه می‌کشد.

۱۲۱۷. توماس بیچام

در کار هر ارکِستر دو اصل خدشه‌ناپذیر هست: با هم شروع کنید و با هم تمامش کنید. مردم چه کار دارند بین این دو چه می‌گذرد.

* -- *

1215. George Ade

The music teacher came twice each week to bridge the awful gap between Dorothy and Chopin.

1216. Charles Baudelaire

I love Wagner, but the music I prefer is that of a cat hung up by its tail outside a window and trying to stick to the panes of glass with its claws.

1217. Thomas Becham

There are two golden rules for an orchestra: start together and finish together. The public doesn't give a damn what goes on in between.

۱۲۱۸. آرتورو توسکانینی

(خطاب به اعضای ارکستر خود ضمنِ یک تمرین سخت)

وقتی مُردم دوباره به زمین برمی‌گردم و از لج شما هم که شده دربان روسپی‌خانه می‌شوم و آن وقت هیچ کدامتان را به آنجا راه نمی‌دهم.

۱۲۱۹. جیمی دورانت

از موسیقی بیزارم. مخصوصاً هنگام نواخته شدنش.

۱۲۲۰. هوارد دیتس

من از آهنگسازی که فکر می‌کند خوشم نمی‌آید. این کار مانع سرقت هنری‌اش می‌شود.

۱۲۲۱. استیو ریس

وقتی آدم سی و پنج ساله می‌شود همیشه اتفاق بدی برای موسیقی می‌افتد.

* -- *

1218. **Arturo Toscanini** to his orchestra during a difficult rehearsal.

After I die, I shall return to earth as the doorkeeper of a bordello and I won't let one of you in.

1219. **Jimmy Durante**

I hate music, especially when it's played.

1220. **Howard Dietz**

I don't like composers who think. It gets in the way of their plagiarism.

1221. **Steve Race**

When you are about thirty-five years old, something terrible always happens to music.

۱۲۲۲. جرج سانتایانا
موسیقی اساساً بی‌فایده است، عین زندگی.

۱۲۲۳. آندرس سگوویا
هنرمندانی که می‌گویند روزانه هشت ساعت تمرین می‌کنند یا خرند یا دروغگو.

۱۲۲۴. ادیت سیتوِل
ای کاش دولت بر پیانوی نوازندگان ناشی مالیات می‌بست.

۱۲۲۵. جرج برنارد شا
جهنم پر از نوازندگان آماتور است. موسیقی کنیاک دوزخیان است.

* -- *

1222. **George Santayana**
Music is essentially useless, as life is.

1223. **Andres Segovia**
Artists who say they practise eight hours a day are liars or asses.

1224. **Edith Sitwell**
I wish the Government would put a tax on pianos for the incompetent.

1225. **George Bernard Shaw**
Hell is full of musical amateurs. Music is the brandy of the damned.

۱۲۲۶. نویل کاردوس

در حال حاضر بدترین نوازندگان پیانو در دنیا سه نفرند. یکی خودم هستم و دیگری جیمز ایگِت است. از بردن نام سومی معذورم چون او نوازندهٔ بسیار مشهوری است.

۱۲۲۷. ژول گنکور

در مورد موسیقی چیزی که بیش از هر چیز دوست می‌دارم زن‌هایی هستند که به موسیقی گوش می‌دهند.

۱۲۲۸. اسکار لِوانت

لئونارد برنشتاین رازهایی از موسیقی را برملا کرده که چهارصد سال است آشکار بوده.

۱۲۲۹. فردریک لووه

من از موسیقیِ خودم خوشم نمی‌آید. ولی نظر من در برابر نظر میلیونها نفرِ دیگر چه ارزشی دارد.

* -- *

1205. **Neville Cardus**

I am one of the three worst pianist in the world at the present time. The others are James Agate and somebody whose name I am not at liberty to mention - he is a very famous pianist.

1206. **Jules Goncourt**

What I love best about music is the women who listen to it.

1207. **Oscar Levant**

Leonard Bernstein has been disclosing musical secrets that have been known for over four hundred years.

1208. **Frederick Loewe**

I don't like my music, but what is my opinion against that of millions of others.

۱۲۲۹. نیچه

زندگی بدون موسیقی اشتباهی بیش نیست.

۱۲۳۰. اسکار وایلد

موسیقی واگنر را بیش از موسیقی هر کس دیگری دوست دارم چون آن قدر صدایش بلند است که از اول تا آخرش می‌توانید حرف بزنید بی آنکه مردم بشنوند چه می‌گویید.

۱۲۳۱. اسکار وایلد

چقدر منطق اهل موسیقی مضحک است. درست در لحظه‌ای که آرزو می‌کنید کر باشید آنها انتظار دارند مطلقاً لال بشوید.

* -- *

1229. **Friedrich Wilhelm Nietzsche**

Without music, life would be a mistake.

1230. **Oscar Wilde**

I like Wagner's music better than anybody's. It is so loud that one can talk the whole time without people hearing what one says.

1231. **Oscar Wilde**

Musical people are so absurdly unreasonable. They always want one to be perfectly dumb at the very moment when one is longing to be absolutely deaf.

۱۲۳۲. فرانک مک کینی هابارد
موسیقی کلاسیک موسیقی‌یی است که هر لحظه فکر می‌کنی به آهنگ تبدیل خواهد شد.

۱۲۳۳. جرج هربرت
موسیقی از پس دندان درد برنمی‌آید.

* -- *

1232. **Frank Mckinney Hubbard**
Classic music is th'kind that we keep thinkin'll turn into a tune.

1233. **George Herbert**
Music helps not the toothache.

۱۲۳۵. وودی آلن

پاسخ اصلی عشق است اما در همان حال که منتظر پاسخ هستی، جنسیت مسائل بامزه‌ای پیش می‌کشد.

۱۲۳۶. جو اورتون

مایک: برای کارهایی که از شما سرزده در زبان ایرلندی واژه‌ای پیدا نمی‌شود.
ویلسون: در زبان لاپلندی هم واژه‌ای برای برف نداریم.

۱۲۳۷. یوبی بلیک

(وقتی از بلیک در سن نود و هفت سالگی پرسیدند میل جنسی در چه سن و سالی فروکش می‌کند در جواب گفت:)

باید از کسی که مسن‌تر از من است بپرسید.

* -- *

1235. Woody Allen

Love is the answer, but while you are waiting for the answer, sex raises some pretty good questions.

1236. Joe Orton

MIKE: There's no word in the Irish language for what you were doing.
WILSON: In Lapland they have no word for snow.

1237. Eubie Blake

(At the age of ninety-seven, Blake was asked at what age the sex drive goes:)

You'll have to ask somebody older than me.

۱۲۳۸. شارل بودلر

آنچه در مورد عشق انسان را آزار می‌دهد این است که عشق جنایتی است که احتیاج به شریک دارد.

۱۲۳۹. راجر پروبرت

مقصود از تدریس همهٔ موضوعات ایجاد علاقه است. جای تعجب خواهد بود اگر در مورد موضوعات جنسی چنین نباشد.

۱۲۴۰. منسوب به: **گلندا جکسون**

مسألهٔ مهم در بازیگری این است که آدم بتواند گریه کند و بخندد. من هر وقت می‌خواهم گریه کنم به زندگی جنسی خود فکر می‌کنم و هر وقت هم می‌خواهم بخندم باز به زندگی جنسی‌ام فکر می‌کنم.

* -- *

1238. **Charles Baudlaire**

What is irritating about love is that it is a crime that requires an accomplice.

1239. **Roger Probert**

All teaching in all subjects aims to stimulate interest. It would be odd if this were not true of sex lessons.

1240. **Glenda Jackson:** attributed

The important thing in acting is to be able to laugh and cry. If I have to cry, I think of my sex-life. If I have to laugh, I think of my sex-life.

۱۲۴۱. ویلیام شکسپیر

جای شگفتی نیست که اشتیاق به یک کار سالیان سال بعد از انجام آن کار باقی بماند؟

۱۲۴۲. سوفوکل

بس شادمانم که از چنگ شهوت رهایی یافته‌ام چونان که از دست ارباب دیوانه و بی‌مروتی.

۱۲۴۳. کریستوفر مارلو

بارنارداین: جرم تو ارتکاب...
باراباس: زناست؟ آخر، در این ولایت که نبوده. آن ضعیفه هم که مرده.

1241. William Shakespeare

Is it not strange that desire should so many years autlive performance?

1242. Sophocles

Most gladly indeed am I rid of it all (sex) as though I had escaped from a mad and savage master.

1243. Christopher Marlowe

BARNARDINE: Thou hast committed...
BARABAS: Fornication? But that was in another country: and besides, the wench is dead.

۱۲۴۴. جرج برنارد شا

هر مردِ بالایِ چهل سال نابکار است.

۱۲۴۵. ناشناس

میانسالی وقتی است که چون بر سر دو راهی وسوسه قرار می‌گیری، راهی را انتخاب می‌کنی که زودتر تو را به خانه برساند.

۱۲۴۶. فرستنده: **آر. اِن. هارگرو**

از دل‌خوشی‌های بعد از چهل سالگی یکی این است که دیگر جوانمرگ نمی‌شوی.

* --- *

1244. George Bernard Shaw

Every man over forty is a scoundrel.

1245. Anonymous

Middle age is when you have a choice of two temptations and choose the one that will get you home earlier.

1246. Contributed by R. N. Hargrove

One consolation of being over 40 is that you can no longer die young.

۱۲۴۷. السا ماکسوِل

بعد از اختراع روغن کرچک، بدون شک بدترین اختراع کوکتل پارتی است.

۱۲۴۸. چارلز مریل اسمیت

کوکتل پارتی وسیله‌ای است برای از سر وا کردن کسانی که علاقه‌ای نداریم به شام دعوتشان کنیم.

* -- *

1247. Elsa Maxwell

The cocktail party is easily the worst invention since castor oil.

1248. Charles Merrill Smith

The coctail party - a device for paying off obligations to people you don't want to invite to dinner.

۱۲۴۹. آلبرت اینشتین
ناسیونالیسم بیماری دوران کودکی و سرخکِ نژاد بشر است.

۱۲۵۰. برتراند راسل
وطن‌پرستی یعنی آمادگی برای کشتن و کشته شدن به دلایل ناچیز.

۱۲۵۱. اسکار وایلد
وطن‌پرستی فضیلتِ بدکاران است.

* -- *

1249. **Albert Einstein**
Nationalism is an infantile sickness. It is the measles of the human race.

1250. **Bertrand Russell**
Patriotism is the willingness to kill and be killed for trivial reasons.

1251. **Oscar Wilde**
Patriotism is the virtue of the vicious.

۱۲۵۲. بلِز پاسکال

این نامه از حد معمول طولانی‌تر شد. دلیلش این است که وقت کوتاه کردنش را نداشتم.

۱۲۵۳. لی پاول

از اقامت یک شبهٔ شما سپاسگزارم.

۱۲۵۴. ماکس ریجر

(در پاسخ به نقد تندی که رودالف لوئیس نوشته بود)

هم‌اکنون که در کوچکترین اتاق منزلم نشسته‌ام، مقالهٔ شما جلوِ من است. تا چند لحظهٔ دیگر در جهت مخالف خواهد بود.

* -- *

1252. Blaise Pascal

I have made this **(letter)** longer than usual, only because I have not had the time to make it shorter.

1253. Lee Powell

THANK YOU FOR THE ONE- NIGHT STAND.

1254. Max Reger

(Responding to a savage review by Rudolph Louis in Münchener Neueste Nachirch 7 Februay 1906:)

I am sitting in the smallest room of my house. I have your review before me. In-a moment it will be behind me.

۱۲۵۵. توماس ادیسون
نبوغ نود و نه درصد کار و کوشش است و یک درصد قریحه و جوشش.

۱۲۵۶. رابرت جی. اینگرسال
داشتن نبوغ در جمهوریِ کم مایگان خطرناک است.

۱۲۵۷. اسکار وایلد
تحمل عامهٔ مردم شگفت‌انگیز است. همه چیز را بر تو می‌بخشند جز نبوغت را.

۱۲۵۸. اسکار وایلد
(در گمرک نیویورک)
برای اظهار کردن چیزی ندارم، جز نبوغم.

---

*

1234. **Thomas Alva Edison**
Genius is one per cent inspiration, ninety-nine per cent perspiration.

1235. **Robert G. Ingersoll**
In the republic of mediocrity, genius is dangerous.

1236. **Oscar Wilde**
The public is wonderfully tolerant. It forgives everything except genius.

1237. **Oscar Wilde**
(At the New York Custom House)
I have nothing to declare except my genius.

۱۲۵۹. ایگناسی یان پادرفسکی

(دربارهٔ موسیقی جاز)

چه انتقام وحشتناکی فرهنگ سیاه‌پوستان از فرهنگ سفیدپوستان گرفت!

۱۲۶۰. منسوب به: **مارتین لوترکینگ**

من می‌خواهم برادر سفیدپوستان باشم نه برادرزنشان.

* -- *

1259. **Ignacy Jan Paderewski**

What a terrible revenge by the culture of the Negroes on that of the whites!

1260. **Martin Luther King:** attributed

I want to be the white man's brother, not his brother-in-law.

۱۲۶۱. منسوب به: **سیریل کانولی**

(جنگ میان نسلها) تنها جنگی است که در آن همه جا عوض می‌کنند.

۱۲۶۲. **لوئیس مامفورد**

هر نسلی بر پدرانش می‌شورد و با اجدادش دوست می‌شود.

* -- *

1261. Cyril Connolly: attributed

It is the one war in which everyone changes sides.

1262. Lewis Mumford

Every generation revolts against its fathers and makes friends with its grandfathers.

۱۲۶۳. آندره‌ای وُژنشنسکی
تف کرد روزگار به من، من به روزگار.

* -- *

1263. Andrei Voznesenksy
The times spat at me. I spit back at the times.

۱۲۶۴. هربرت بیربام‌تری

آقای عزیز،
نمایشنامهٔ جنابعالی را خواندم. آه، آقای عزیز!
ارادتمند شما.

۱۲۶۵. منسوب به: **چانینگ پالوک**

منتقد آدم چلاقی است که تعلیم دویدن می‌دهد.

۱۲۶۶. بنجامین دیزریلی

می‌دانید منتقدین چه کسانی هستند؟ کسانی که در هنر و ادبیات شکست خورده‌اند.

* -- *

1264. **Herbert Beerbohm Tree**

My dear Sir. I have read your play. Oh, my dear Sir! Yours faithfully.

1265. **Channing Polock:** attributed

A critic is a legless man who teaches running.

1266. **Benjamin Disraeli**

You know who the critics are? The men who have failed in literature and art.

۱۲۶۷. اریک ساتی

موضوع سخنرانی‌ام در سال گذشته «هوش و درک موسیقی در حیوانات» بود. امروز می‌خواهم دربارهٔ «هوش و درک موسیقی در منتقدان» صحبت کنم. این موضوع شباهت زیادی با موضوع سال قبل دارد.

۱۲۶۸. ژان سبیلیوس

به حرف منتقدان هرگز اعتنا نکنید. تا به حال هیچ مجسمه‌ای به افتخار منتقدی برپا نشده!

۱۲۶۹. دودلی فیلدمالون

در زندگی هرگز از آنکه با من موافق بوده چیزی نیاموخته‌ام.

۱۲۷۰. جرج مور

منتقد جماعت را از روی چیزهایی که نتوانسته‌اند بفهمند بشناسیم.

* -- *

1267. **Erik Satie**

Last year I gave several lectures on 'Intelligence and the Appreciation of Music Among Animals'. Today I am going to speak to you about 'Intelligence and the Appreciation of Music Among Critics.' The subject is very similar.

1268. **Jean Sibelius**

Never pay any attention to what critics say...A statue has never been set up in honour of a critic!

1269. **Dudley Field Malone**

I have never in my life learned anything from any man who agreed with me.

1270. **George Moore**

The lot of critics is to be remembered by what they failed to understand.

۱۲۷۱. اسکار وایلد

وایلد: من همیشه شما را به چشم بهترین منتقد نمایشنامه‌هایم نگاه می‌کنم.
تری: من که هیچ وقت نمایشنامه‌های شما را نقد نکرده‌ام.
وایلد: برای همین می‌گویم.

۱۲۷۲. منسوب به: **اسکار وایلد**

آدم باید دلی از سنگ خارا داشته باشد که مرگِ نِل کوچولو را بخواند و خنده‌اش نگیرد.

۱۲۷۳. اِی. ای. هاوسمن

نوآوریهای آقای اوئن تا آنجا که من می‌بینم با توجه به کیفیتشان از یک ارزش بزرگ و مسلّم برخوردارند و آن اندک بودنشان است.

* -- *

1271. Oscar Wilde

WILDE: I shall always regard you as the best critic of my plays.
TREE: But I have never criticized your plays.
WILDE: That's why.

1272. Oscar Wilde: attributed

One must have a heart of stone to read the death of Little Nell without laughing.

1273. A. E. Housman

Mr Owen's innovations, so far as I can see, have only one merit, which certainly, in view of their character, is a merit of some magnitude: they are few.

۱۲۷۴. کارول بِرنِت
کمدی همان تراژدی است ـ به علاوهٔ زمان.

۱۲۷۵. پیتر یوستینوف
کمدی شیوه‌ای مضحک برای جدی بودن است.

* -- *

1274. Carol Burnet
Comedy is tragedy - plus time.

1275. Sir Peter Ustinov
Comedy is simply a funny way of being serious.

۱۲۷۶. کینگزلی آمیس

اگر آدم نتواند با نوشتن کسی را ناراحت بکند، به نظر من بی‌خود می‌نویسد.

۱۲۷۷. جرج اید

بعد از آنکه تعداد زیادی از ناشران نوشته‌هایش را قبول نکردند تصمیم گرفت برای آیندگان بنویسد.

۱۲۷۸. رابرت بنچلی

دوازده سال وقتم گرفته شد تا کشف کردم که در نویسندگی استعدادی ندارم اما دیگر نتوانستم از این کار دست بکشم چون بیش از اندازه مشهور شده بودم.

۱۲۷۹. جک بِنی

(در مراسم دریافت جایزه)

من سزاوار این جایزه نیستم. اما سزاوار آرتروزی هم که گرفته‌ام نبودم.

* -- *

1276. **Kingsley Amis**

If you can't annoy somebody with what you write, I think there's little point in writing.

1277. **George Ade**

After being turned down by numerous publishers, he decided to write for posterity.

1278. **Robert Benchley**

It took me fifteen years to discover that I had no talent for writing, but I couldn't give it up because by that time I was too famous.

1279. **Jack Benny**

I don't deserve this, but then I have arthritis and I don't deserve that either.

۱۲۸۰. الکساندر پوپ

داوری مردم در حق نویسندگان عجیب و بی‌ضابطه است: بزرگانشان را دیوانه می‌خوانند و خردترانشان را ابله.

۱۲۸۱. چریل تیگز

عیب نویسندگی این است که چندان پولی در آن نیست.

۱۲۸۲. ساميوئل جانسون

هرچه بی‌زحمت نوشته شود بی‌لذت خوانده می‌شود.

۱۲۸۳. ساميوئل جانسون

تنها ابلهان هستند که فقط برای پول می‌نویسند.

* -- *

1280. **Alexander Pope**

Authors are judged by strange capricious rules. The great ones are thought mad, the samall ones fools.

1281. **Cheryl Tiegs**

The problem with writing is that there's not much money in it.

1282. **Samuel Johnson**

What is written without effort is in general read without pleasure.

1283. **Samuel Johnson**

No man but a blockhead ever wrote, except for money.

۱۲۸۴. اسکات فیتس جرالد

به من قهرمانی نشان بدهید تا برای شما تراژدی بنویسم.

۱۲۸۵. جیمز جویس

(هنگامی که یکی از ستایندگانِ جوانِ جیمز جویس از او اجازه خواست تا بر دستی که اولیس را نوشته، بوسه زند جویس گفت:)

نه این دست خیلی کارهای دیگر هم کرده.

۱۲۸۶. ریموند چاندلر

اگر کتابهایم بدتر از این بودند به هالیوود دعوت نمی‌شدم و اگر بهتر بودند خودم (به هالیوود) نمی‌آمدم.

* -- *

1284. F. Scott Fitzgerald

Show me a hero and I will write you a tragedy.

1285. James Joyce

(A young admirer had asked if he might kiss the hand that wrote Ulysses:)

No, it did lots of other things too.

1286. Reymond Chandler

If my books had been any worse, I should not have been invited to Hollywood, and if they had been any better, I should not have come.

۱۲۸۷. آنتون چخوف

طبابت همسر قانونی و ادبیات معشوقهٔ من است. وقتی از یکی خسته می‌شوم شب را با آن دیگری می‌گذرانم.

۱۲۸۸. وینستون چرچیل

نوشتن هر کتاب ماجرایی است که با تفریح و سرگرمی به انسان نزدیک می‌شود، سپس معشوقه آدم می‌شود، آنگاه ارباب و دست آخر به صورت یک خودکامهٔ تمام عیار در می‌آید.

۱۲۸۹. بنجامین دیزریلی

کار نویسنده‌ای که از کتابهای خود حرف می‌زند کم و بیش همان اندازه ناخوشایند است که مادری از فرزندان خود تعریف کند.

* -- *

1287. **Anton Chekov**

Medicine is my lawful wife and literature is my mistress. When I get tired of one I spend the night with the other.

1288. **Sir Winston Churchill**

Writing a book is an adventure: it begins as an amusement, then it becomes a mistress, then a master, and finally a tyrant.

1289. **Benjamin Disraeli**

An author who speaks about his own books is almost as bad as a mother who talks about her own children.

۱۲۹۰. برتون راسکو

چیزی که زن هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند بفهمد این است که وقتی شوهرش از پنجره به بیرون خیره شده مشغول کار است.

۱۲۹۱. ژول رونار

نویسندگی تنها حرفه‌ای است که اگر با آن پول در نیاورید کسی مسخره‌تان نمی‌کند.

۱۲۹۲. منسوب به: **جرج برنارد شا**

پولِ جایزهٔ نوبل ریسمان نجاتی است که برای شناگری پرتاب می‌شود که خود دیگر به ساحل نجات رسیده است.

۱۲۹۳. فرانسوا رنه شاتوبریان

نویسندهٔ نوآور آن نیست که از تقلیدِ دیگران سرباز می‌زند بلکه آن است که هیچ کس نمی‌تواند از او تقلید کند.

* -- *

1290. **Burton Rascoe**

What no wife of a writer can ever understand is that a writer is working when he's staring out of the window.

1291. **Jules Renard**

Writing is the only profession where no one considers you ridiculous if you earn no money.

1292. **George Bernard Shaw:** attributed

Nobel Prize money is a lifebelt thrown to a swimmer who has already reached the shore in safety.

1293. **Francois René Chateaubriand**

The original writer is not he who refrains from imitating others, but he who can be imitated by none.

۱۲۹۴. کوئنتین کریسپ

نویسنده شدن سه دلیل دارد: نخست اینکه به پول احتیاج داری؛ دوم آنکه چیزی برای گفتن داری که به نظر خودت عالَم و آدم باید از آن باخبر شود و سوم اینکه نمی‌دانی با شبهای بلند زمستان چه کنی.

۱۲۹۵. ئی‌ین مک‌اِوان

به نویسندگان نباید اعتماد کرد اما آثارشان را باید خواند.

۱۲۹۶. مُنتسکیو

بیماری من نوشتن کتاب است و شرمنده شدن بعد از آن.

۱۲۹۷. منسوب به: **سامرست موام**

برای نوشتن رمان سه قانون هست. بدبختانه هیچ کس نمی‌داند این سه قانون چیست.

* -- *

1294. Quentin Crisp

There are three reasons for becoming a writer. The first is that you need the money; the second, that you have something to say that you think the world should know; and the third is that you cant't think what to do with the long winter evenings.

1295. Ian McEwan

We shouldn't trust writers, but we should read them.

1296. Montesquieu

I suffer from the disease of writing books and being ashamed of them when they are finished.

1297. Somerset Maugham: attributed

There are three rules for writing the novel. Unfortunately, no one knows what they are.

۱۲۹۸. جان مورتیمر

وقتی نویسنده‌ای کار مادام‌العمر نویسندگی را آغاز می‌کند چیزی که فکرش را آزار می‌دهد یافتن سبک و سیاق مخصوص به خود است.

۱۲۹۹. فِرنک مولنار

(وقتی از او پرسیدند چگونه نویسنده شد)

درست همان طور که زنی به راه بد می‌افتد: اول این کار را به خاطر دل خودم کردم چون خودم خوشم می‌آمد. بعد برای خوشایند دوستانم و دست آخر به خاطر پول.

۱۳۰۰. ویلسون میزنر

دزدیدن از یک نویسنده سرقت ادبی است اما اگر از چند نویسنده بدزدید اسمش می‌شود تحقیق.

* -- *

1298. John Mortimer

What obsesses a writer starting out on a lifetime's work is the panic-stricken search for a voice of his own.

1299. Ferenc Molnar

(Asked how he became a writer:)

In the same way that a woman becomes a prostitute. First I did it to please myself, then I did it to please my friends, and finally I did it for money.

1300. Wilson Mizner

If you steal from one author, it's plagiarism; if you steal from many, it's research.

۱۳۰۱. ولادیمیر ناباکوف

من مثل نوابغ فکر می‌کنم، مثل نویسندگان سرشناس می‌نویسم و مثل کودکان حرف می‌زنم.

۱۳۰۲. وی. اس. نایپول

من از شمار نویسندگانی هستم که مردم خیال می‌کنند سایرین آثارشان را می‌خوانند.

۱۳۰۳. منسوب به: اِولین وا

هرگز نفهمیدم چه طور دو نفر می‌توانند با هم کتاب بنویسند. از نظر من این کار به این می‌ماند که سه نفر بخواهند با هم بچه‌دار شوند.

۱۳۰۴. اِولین وا

هر کسی می‌تواند رمان بنویسد، کافی است شش هفته وقت و قلم و کاغذ در اختیارش بگذارید و زن و تلفنش را از او بگیرید.

* -- *

1301. Vladimir Nabakov

I think like a genius, I write like a distinguished author, and I speak like a child.

1302. V. S. Naipaul

I am the kind of writer that people think other people are reading.

1303. Evelyn Waugh: attributed

I never could understand how two men can write a book together; to me that's like three people getting together to have a baby.

1304. Evelyn Waugh

Anyone could write a novel given six weeks, pen, paper, and no telephone or wife.

۱۳۰۵. اولین وا

دیدن استیون اسپندر و کاری که با زبان ظریف ما می‌کند همان‌قدر وحشت‌آفرین است که گلدان چینی عتیقه‌ای را در دست میمونی ببینی.

۱۳۰۶. اسکار وایلد

(نویسنده: این طور که پیداست نام من با توطئهٔ سکوت مواجه شده. به نظر شما در مقابل این توطئه چه باید بکنم)

اسکار وایلد: به آن ملحق شوید.

۱۳۰۷. اسکار وایلد

او (برنارد شا) نه در تمام عالم دشمنی دارد و نه کسی از دوستانش دوستش می‌دارد.

* -- *

1305. Evelyn Waugh

To see him **(Stephen Spender)** fumbling with our rich and delicate language is to experience all the horror of seeing a sévres vase in the hands of a chimpanzee.

1306. Oscar Wilde

(Lewis Morris: had asked for advice in dealing with the conspiracy of silence surrounding his name in connection with after the laureateship Tennyson's death)

Join it.

1307. Oscar Wilde

He **(Bernard Shaw)** hasn't an enemy in the world, and none of his friends like him.

۱۳۰۸. اسکار وایلد

آقای هنری جیمز طوری قصه می‌نویسد که گویی وظیفهٔ مشقت‌باری انجام می‌دهد.

۱۳۰۹. اسکار وایلد

و اما جرج مِردیت. سبک او سبکی است آشفته که گهگاه با صاعقه‌ای روشن می‌شود. او در مقام نویسنده بر همه چیز احاطه دارد جز زبان؛ در مقام رمان‌نویس همه کاری از او ساخته است جز قصه‌گویی و به عنوان هنرمند همهٔ صفات در او جمع است اِلاّ قدرت بیان.

۱۳۱۰. منسوب به: اسکار وایلد

تمام صبح نمونهٔ چاپی یکی از شعرهایم را تصحیح می‌کردم. حاصل این شد که یک ویرگول آن را برداشتم و بعدازظهر همان ویرگول را سرجایش گذاشتم.

* -- *

1308. Oscar Wilde

(Henry) James writes fiction as if it were a painful duty.

1309. Oscar Wilde

George Meredith. His style is chaos illuminated by flashes of lightning. As a writer he has mastered everything except language: as a novelist he can do everything except tell a story: as an artist he is everything except articulate.

1310. Oscar Wilde: attributed

I was working on the proof of one of my poems all the morning, and took out a comma. In the afternoon I put it back again.

۱۳۱۱. پیتر دو وریس

من عاشق نویسندگی‌ام. چیزی که هست از کارهای نوشتنی خوشم نمی‌آید.

۱۳۱۲. اچ. جی. ولز

در دنیا هیچ احساسی نمی‌تواند با شور و هیجان انسان هنگام دستکاری در دست نوشتهٔ دیگران برابری کند.

۱۳۱۳. ویلیام چهارم

بدعنق‌تر و حتی خطرناک‌تر از نویسنده کسی را سراغ ندارم.

۱۳۱۴. اِی. ای. هاوسمن

این قطعاً چیزی نیست که او قصد گفتنش را داشت اما چه می‌توان کرد، قلم زورش از مچ آدم بیشتر است.

* -- *

1311. Peter de Vries

I love being a writer. What I can't stand is the paperwork.

1312. H. G. Wells

No passion in the world is equal to the passion to alter someone else's draft.

1313. William IV

I know no person so perfectly disagreeable and even dangerous as an author.

1314. A. E. Housman

This of course is not what he was trying to say, but the pen is mightier than the wrist.

۱۳۱۵. هاینریش هاینه

هیچ نویسنده‌ای از نظر ناشرش نابغه نیست.

۱۳۱۶. لیلیان هلمن

هر نوشته‌ای که به خوب بودنش امید بسته باشید باز آن طور که انتظار داشته‌اید از کار درنمی‌آید.

* -- *

1315. Heinrich Heine

No author is a man of genius to his publisher.

1316. Lillian Hellman

Nothing you write, if you hope to be any good, will ever come out as you first hoped.

۱۳۱۷. دیزی آشفورد

برنارد که بفهمی نفهمی مؤمن و خداترس بود همیشه می‌آمد توی هال، قدری دعا می‌خواند و پشت بندش یک گیلاس ویسکی می‌زد اما آقای سالتینا معتاد به ذکر و دعا نبود برای همین راهش را می‌کشید و می‌رفت می‌خوابید.

۱۳۱۸. رابرت فراست

پروردگارا، از شوخیهای کوچکم در حق خود درگذر من نیز از شوخی بسیار بزرگ تو در حق خود خواهم گذشت.

* -- *

1317. Daisy Ashford

Bernard always had a few prayers in the hall and some whisky afterwards as he was rather pious but Mr Salteena was not very addicted to prayers so he marched up to bed.

1318. Robert Frost

Forgive, O Lord, my little jokes on Thee. And I'll forgive Thy great big one on me.

۱۳۱۹. هاری اس. ترومن

(بعد از کنارگذاشتن ژنرال مک آرتور فرماندهٔ کل نیروهای مسلح آمریکا در کره، ۱۹۵۱)

من ژنرال مک آرتور را به این دلیل از کار برکنار کردم که به اختیارات رئیس جمهور احترام نمی‌گذاشت. علت همین است. بنابراین دلیل برکناریش این نبود که آدم حرامزاده و بی‌شعوری است. (حالا بگذریم که هست) چون برای ژنرالها(ی ما) این موضوع از نظر قانونی اشکالی ندارد. اگر می‌داشت حالا نصف آنها یا سه چهارمشان در زندان بودند.

۱۳۲۰. جرج دوم

(در پاسخ به دوکِ نیوکاسل که به شِکوه گفته بود که ژنرال وولف هار است.)

هار است؟ پس خدا کند چند تای دیگر از ژنرالهای مرا هم گاز بگیرد.

۱۳۲۱. جرج برنارد شا

من هیچگاه از سرباز توقع فکر کردن ندارم.

* -- *

1319. Harry S. Truman

(on his sacking of General Mac Arthur as Chief of the US forces in Korea, Commander - in - 1951)

I fired him because he wouldn't respect the authority of the President. That's the answer to that. I didn't fire him because he was a dumb son of a bitch, although he was, but that's not against the law for generals. If it was, half to three quarters of them would be in jail.

1320. George II

(Replying to the Duke of Newcastle, who had complained that General Wolfe was amadman:)

Mad, is he? Then I hope he will *bite* some of my other generals.

1321. George Bernard Shaw

I never expect a soldier to think.

۱۳۲۲. جوزف هِلِر

من خودم را حسابی معاینه کرده بودم و فهمیده بودم که به دردِ خدمتِ نظام نمی‌خورم.

۱۳۲۳. جوزف هِلِر

سرهنگ کاتکارت آدم شجاع و جسوری بود. او در جلو انداختن سربازانش لحظه‌ای تردید نمی‌کرد.

* -- *

1322. Joseph Heller

I had examined myself pretty thoroughly and discovered that I was unfit for miltary service.

1323. Joseph Heller

Colonel Cathcart had courage and never hesitated to volunteer his men for any target available.

۱۳۲۴. لرد پالمرستون

بمیرم، دکترجان؟ نه این آخرین کاری است که خواهم کرد.

۱۳۲۵. او هنری (ویلیام سیدنی پورتر)

چراغها را روشن کنید؛ دوست ندارم در تاریکی به خانه بروم.

۱۳۲۶. بنجامین دیزریلی

(در بستر مرگ از دیدار ملکه امتناع کرد و گفت:)

نه، بهتر است نیاید. او فقط می‌خواهد پیغامش را به آلبرت برسانم.

۱۳۲۷. منسوب به: **ولتر**

(وقتی از او می‌خواهند در بستر مرگ از شیطان تبّری جوید.)

حالا دیگر وقت دشمن‌تراشی تازه نیست.

* -- *

1324. **Lord Palmerston**

Die, my dear doctor? That's the last thing I shall do.

1325. **O'Henry**

(William Sydney Porter)

Turn up the lights; I don't want to go home in the dark.

1326. **Benjamin Disraeli**

(On death bed, declining a visit from the Queen:)

No, it is better not, she would only ask me to take a message to Albert'.

1327. **Voltaire** : attributed

(on being asked to renounce the Devil, on his deathbed.)

This is no time for making new enemies.

۱۳۲۸. وودی آلن

وقتی مرا دزدیدند پدر و مادرم بی‌معطلی دست به کار شدند و اتاقم را اجاره دادند.

۱۳۲۹. بیلی هالیدی

وقتی بابا و مامانم ازدواج کردند بچه‌سال بودند. بابا هیجده سال داشت و مامان شانزده سال. من هم سه ساله بودم.

* -- *

1328. Woody Allen

When I was kidnapped, my parents snapped into action. They rented out my room.

1329. Billie Holiday

Mom and Pop were just a couple of kids when they got married. He was eighteen, she was sixteen, and I was three.

۱۳۳۰. ریچارد برینسلی شِریدان
وجدان همان قدر با سیاست‌پیشگان سر و کار دارد که با عشرت‌پیشگان.

۱۳۳۱. اچ.اِل. منکن
وجدان ندایی است درونی که به ما هشدار می‌دهد کسی مراقب ماست.

۱۳۳۲. اسکار وایلد
وجدان و بزدلی در حقیقت یک چیزند. وجدان نام تجارتی بزدلی است.

* -- *

1330. **Richard Brinsley Sheridan**
Conscience has no more to do with gallantry than it has with politics.

1331. **H. L. Mencken**
Conscience: the inner voice which warns us that someone may be looking.

1332. **Oscar Wilde**
Conscience and cowardice are really the same things. Conscience is the trade name of the firm.

۱۳۳۳. تام استاپارد

داریم راجع به اخلاق لاتی فوتبالیست‌های حرفه‌ای بحث فلسفی می‌کنیم.

۱۳۳۴. تام استاپارد

شاید ناپلئون اشتباه می‌کرد که می‌گفت کشور ما، کشور دکاندارهاست. انگلستان امروز به کشور دروازه‌بانها شباهت دارد.

۱۳۳۵. جان اسناگ

(در مسابقهٔ قایق‌رانی بین آکسفورد و کمبریج)

نمی‌تونم ببینم کی جلوتره. یا آکسفورده یا کمبریج.

۱۳۳۶. ام. بِل

گلف‌باز: این دور خیلی عجیب بود! تا به حال این قدر افتضاح بازی نکرده بودم.
حریف: جداً؟ پس قبلاً بازی کرده بودی؟

* -- *

1333. Tom Stoppard

We're having a philosophical discussion about the job ethics of professional footballers.

1334. Tom Stoppard

Maybe Napoleon was wrong when he said we were a nation of shop-keepers ... Today England looked like a nation of goalkeepers ...

1335. John Snagge

I can't see who's in the lead but it's either Oxford or Cambridge.

1336. M. Bell

GOLFER: 'Absolutely shocking round! I've never played so badly before.'
CADDIE: 'Oh? You have played before, then?'

۱۳۳۷. فِردی پاچکو

مسخره است. نوار ویدیوئی بازی محمدعلی کلی و اسپینکز را ۸۹/۹۵ دلار می‌فروشند. با این پول اسپینکز خودش خانهٔ آدم می‌آید.

۱۳۳۸. بیل شانکلی

بعضی از مردم گمان می‌کنند فوتبال مسئلهٔ مرگ و زندگی است... مطمئن باشید موضوع جدی‌تر از این حرفهاست.

۱۳۳۹. تام کانتربوری

عیب داورها این است که برایشان مهم نیست کدام طرف برنده می‌شود.

۱۳۴۰. دبلیو. جِی گریس

(از نصایح همیشگی‌اش به بازیکنان خود)

هیچ‌وقت مطالب چاپی را نخوانید. چشم را برای دیدن توپ ضعیف می‌کند.

* -- *

1337. Ferdie Pacheco

They're selling video cassettes of the Ali-Spinks fight for $ 89.95. Hell, for that money Spinks will come to your house.

1338. Bill Shankly

Some people think football is a matter of life and death... I can assure them it is much more serious than that.

1339. Tom Canterbury

The trouble with referees is that they just don't care which side wins.

1340. W. G. Grace

Never read print, it spoils one's eye for the ball.

۱۳۴۱. اِس. لی

گلف‌باز دست و پاچلفتی: کسی که با رئیس‌اش بازی می‌کند.

۱۳۴۲. اچ. ال. منکن

من به همان شدت از ورزش بیزارم که دوستداران ورزش از عقل سلیم.

۱۳۴۳. فرانک موران

(وقتی تئودور روزولت از دندانپزشکی که مشت‌زن شده بود پرسید: "چرا تغییر شغل دادی؟" در جواب گفت:)

چون شکستن دندان درآمدش بیشتر از گذاشتن آن است.

* -- *

1341. S. Lee

Handicapped golfer: one who is playing with the boss.

1342. H. L. Mencken

I hate all sports as rabidly as a person who likes sports hates common sense.

1343. Frank Moran

(A dentist turned boxer, asked by Theodore Roosevelt why he had changed professions:)

It pays me better to knock teeth out than put them in.

۱۳۴۴. اریک مورکامب و ارنی وایز

ارنی: مسابقه چطور بود؟

اریک: میدونی، یکی دو دقیقهٔ اول شانس با من بود. بعد که مسابقه شروع شد مثل شیر از گوشهٔ رینگ حرکت کردم رفتم جلو. اول یک ضربهٔ چپ، باز یک ضربهٔ دیگر به چپ و بعد یک هوک راست.

ارنی: چه عالی!

اریک: آن وقت حریفم از گوشهٔ خودش جلو آمد. اما تو همان یک دقیقهٔ اول چنان حالش را گرفتم که نگو.

ارنی: چطوری؟

اریک: هیچی. فکر کرد منو کشته.

* -- *

1344. Eric Morecambe and Ernie Wise

ERNIE: How did the fight go?

ERIC: Well, for a minute or two I was in with a great chance. Then it started. The bell went - I raced out of my corner tried a left, then another left, then a right hook!

ERNIE: Fantastic!

ERIC: Then my opponent came out of *his* corner. But within a minute, I really had him worried.

ERNIE: Why?

ERIC: He thought he'd killed me.

۱۳۴۵. رینار بانهام

بزرگراه جایی است که لوس‌آنجلسی‌ها روزی دو ساعت از آرامترین و مسرت‌بخش‌ترین اوقات زندگی خود را در آن می‌گذرانند.

۱۳۴۶. دی. بِنِت

تاکسی: وسیله‌ای که در باران آب می‌شود و به زمین فرو می‌رود.

۱۳۴۷. رابرت بنچلی

یک شب وقتی بنچلی از کاباره بیرون آمد، روی شانهٔ اونیفورم‌پوشی که دم در ایستاده بود زد و گفت: «برام یک تاکسی بگیر.» مرد اونیفورم‌پوش با عصبانیت برگشت و گفت: «من دربان نیستم، آقا. دریادارم.» بنچلی (با خونسردی) گفت: «بسیار خوب، عصبانی نشید. برام یک کشتی جنگی بگیرید.»

* -- *

1345. Reynar Banham

The freeway is the place where they **(Angelenos)** spend the two calmest and most rewarding hours of their daily lives.

1346. D. Bennett

Taxi: vehicle that always seems to dissolve in the rain.

1347. Robert Benchley

He **(Benchley)** came out of a night club one evening and, tapping a uniformed figure on the shoulder, said, 'Get me a cab.' The uniformed figure turned around furiously and informed him that he was not a doorman but a rear admiral. 'O.K.' said Benchley, 'Get me a battleship.'

۱۳۴۸. اِی. دیکی

تعمیرکار تعویض روغنی به صاحب اتومبیل: اگر نظر منو می‌خواین روغنو نگه‌دارین، ماشینو عوض کنین.

۱۳۴۹. نانسی میتفورد

(در سفر از هلسینکی به مسکو)

هواپیمای نقلی خوشگلی بود عین یک کلبهٔ سفید و آبی با پرده‌های مخملی. از «کمربند ایمنی را ببندید» و این جور مزخرفات هم خبری نبود. اصلاً کمربندی در کار نبود.

۱۳۵۰. اِی. ای. هاوسمن

بعد از سانحهٔ هوائی دیروز دیگر مصمم شدم با هواپیمائی ایرا کسپرس مسافرت کنم چون لااقل تا چند روزی احتیاط خواهند کرد.

* -- *

1348. A. Dickey

'My advice, sir,' said the mechanic to the car owner, 'is that you keep the oil and change the car.'

1349. Nancy Mitford

(Nancy was flying from Helsinki to Moscow)

It was a pretty little plane rather like a cottage all blue and white with plush curtains. No nonsense about fasten your safety belt - and no safety belt either.

1350. A. E. Houseman

My inclination to go by Air Express is confirmed by the crash they had yesterday, which will make them careful in the immediate future.

۱۳۵۱. اسکار وایلد

من در برابر همه چیز می‌توانم مقاومت کنم جز وسوسه.

۱۳۵۲. مِی وِست

من معمولاً زیر بار وسوسه نمی‌روم مگر اینکه وسوسه پرزور باشد.

1351. **Oscar Wilde**

I can resist everything except temptation.

1352. **Mae West**

I generally avoid temptation unless I can't resist it.

۱۳۵۳. جرج برنارد شا

آدم احمق وقتی کاری، می‌کند که از آن شرمسار است همیشه می‌گوید مأمورم و معذور.

۱۳۵۴. اسکار وایلد

وظیفه چیزی است که انجامش را از دیگران انتظار داریم نه از خودمان.

* -- *

1353. **George Bernard Shaw**

When a stupid man is doing something he is ashamed of, he always declares that it is his duty.

1354. **Oscar Wilde**

Duty is what one expects from others, it is not what one does oneself.

۱۳۵۵. تی. اس. الیوت

به گمان من برخی از ویراستاران نویسندگانی هستند شکست‌خورده ـ گو اینکه بیشتر نویسندگان نیز چنین‌اند.

* -- *

1355. T. S. Eliot

I suppose some editors are failed writers - but so are most writers.

۱۳۵۶. ارنست بون

آدم وقتی می‌فهمد مرغ همسایه غاز است که دیگر بالا رفتن از دیوار همسایه ازش ساخته نیست.

۱۳۵۷. فرستنده: **آنجلا رابینسون**

چیز تجملی زمانی به صورت چیز ضروری درمی‌آید که همسایه‌تان آن را داشته باشد و شما نداشته باشید.

* -- *

1356. Ernest Boone

By the time a man finds greener pastures, he can't climb the fence.

1357. Contributed by Angela Robinson

A luxury becomes a necessity when the neighbours have it.

۱۳۵۸. رالف ریچاردسون

هنر بازیگران فقط در این است که جلوِ سرفهٔ عدهٔ زیادی از مردم را می‌گیرند.

۱۳۵۹. جوزفین هال

شکسپیر کارهایش خیلی خسته‌کننده است. تا شاه نباشی امکان نشستن پیدا نمی‌کنی.

* -- *

1358. **Ralph Richardson**

Acting is merely the art of keeping a large group of people from coughing.

1359. **Josephine Hull**

Shakespeare is so tiring. You never get a chance to sit down unless you're a king.

۱۳۵۹. ژان آنوی

زندگی زیباست اما شکل ندارد. کار هنر شکل دادن به زندگی است.

۱۳۶۰. جان هیت استابز

بد نیست به یاد داشته باشیم که برای مردم نام بردن ده هنرمند هر قرن آسان‌تر از ده سیاستمدار آن است.

۱۳۶۱. بقراط

زندگی کوتاه است و هنر طولانی.

۱۳۶۲. جان سینگر سارجنت (نقاش)

هربار که چهره‌ای می‌کشم دوستی را از دست می‌دهم.

* -- *

1359. **Jean Anouilh**

Life is very nice, but it lacks form. It's the aim of art to give it some.

1360. **John Heath Stubbs**

It's always good to remember that people find it easier to name 10 artists from any century than 10 politicians.

1361. **Hippocrates**

Life is short, the art long.

1362. **John Singer Sargent**

Every time I paint a portrait, I lose a friend.

۱۳۶۴. منسوب به: **آرتور شوپنهاور**
با اثر هنری چنان رفتار کنید که با شهریاران رفتار می‌کنید. بگذارید نخست او با شما آغاز سخن کند.

۱۳۶۵. جان ماری گیبون
من همواره به هنرمندی که قبل از مردن به موفقیت دست می‌یابد سوءظن دارم.

۱۳۶۶. اسکار وایلد
هیچ هنرمند بزرگی چیزها را چنان که واقعاً هستند نمی‌بیند. اگر چنین می‌دید دیگر هنرمند نبود.

۱۳۶۷. اسکار وایلد
آنچه می‌خواهم بگویم این است که اصولاً زندگی بسیار بیشتر از هنر تقلید می‌کند تا هنر از زندگی.

* -- *

1364. **Arthur Schopenhauer:** attributed
Treat a work of art like a prince: let it speak to you first.

1365. **John Murray Gibbon**
I always suspect an artist who is successful before he is dead.

1366. **Oscar Wilde**
No great artist ever sees things as they really are. If he did he would cease to be an artist.

1367. **Oscar Wilde**
All that I desire to point out is the general principle that Life imitates Art far more than Art imitates Life.

۱۳۶۸. جیمز مک نیل ویسلر

(در قضیهٔ اقامهٔ دعوی علیه راسکین و در پاسخ به این سؤال که: شما در ازای دو روز کار دویست و ده پوند مطالبه می‌کنید؟)

خیر. من این مبلغ را در ازای عمری دانش‌اندوزی مطالبه می‌کنم.

* -- *

1368. James McNeill Whistler

(In his case against Ruskin, replying to the question: 'For two days' labour, you ask two hundred guineas?')

No, I ask it for the knowledge of a lifetime.

۱۳۶۹. لوگان پیرسال اسمیت

خدا را شکر که خورشید غروب کرد و من دیگر ناچار نیستم بیرون بروم تا از تماشای آن لذت ببرم.

۱۳۷۰. لرد بایرون

زمستان انگلیس در مرداد پایان می‌یابد تا دیگر بار در شهریور آغاز شود.

۱۳۷۱. ناشناس

هوا چنان سرد بود که گرگها گوسفندان را به خاطر پشمشان می‌خوردند.

* -- *

1369. **Logan Pearsall Smith**

Thank heavens, the sun has gone in, and I don't have to go out and enjoy it.

1370. **Lord Byron**

The English winter - ending in July, to recommence in August.

1371. **Anonymous**

It was so cold, the wolves were eating the sheep just for the wool.

یادداشتها

۱. Greta Garbo (۱۹۰۵–۱۹۹۰) هنرپیشهٔ آمریکایی.

۲. در انگلیسی live in a fool's paradise اصطلاحاً به مفهوم تو ابرها بودن و الکی خوش بودن است و تحت‌اللفظی آن به معنی در بهشت ابلهان زندگی کردن است.

۳. مقایسه شود با داستان منظوم «دید موسی یک شبانی را به راه–کاو همی گفت ای خدا و ای اِله»

۴. قیاس شود با گفتهٔ حافظ:

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس   که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن

و باز به گفتهٔ حافظ:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
چون به خلوت می‌روند آن کارِ دیگر می‌کنند

یا به قول سعدی:

عالمی را که گفت باشد و بس   هر چه گوید نگیرد اندر کس

نتیجهٔ استقرایی: معلوم می‌شود که در گذشته‌های دور و نزدیک هم واعظ بی‌عمل وجود داشته است. با این حال، تحقیق بیشتر لازم است.

۵. در زبان انگلیسی واژهٔ Indian هم به معنای هندی و هم به معنای سرخپوست به کار می‌رود و تنها در موارد لزوم و به قصد رفع ابهام از اصطلاح American Indian برای مفهوم «سرخپوست» استفاده می‌شود.

۶. جرالد فورد رئیس جمهور آمریکا بود که بعد از رسوایی واترگیت (۱۹۷۴) و استعفای نیکسون به ریاست جمهوری رسید.

۷. گویا سعدی علیه‌الرحمهٔ خود ما شیرین‌تر فرموده است که:

خر عیسی گرش به مکه برند   چون بیاید هنوز خر باشد

۸. ظاهراً ماجرای رابطهٔ کلینتون و مونیکا مورد نظر است.

۹. مقایسه شود با: خداوند جهان را آفرید و آسود
مرد را آفرید و آسود
آنگاه زن را آفرید
و دیگر نه خود روی آسایش دید، نه مرد.

God created the world and rested.
He made man and rested,
Then He made Woman, after which
neither God nor man rested.

۱۰. ظاهراً نویسندهٔ محترم به این شعر فارسی برنخورده است که می‌گوید:

ز اغکی قالب پنیری دید   به دهان برگرفت و زود پرید

۱۱. واترگیت: رسوایی سیاسی اوایل دههٔ هفتاد که منجر به استعفای رئیس جمهور نیکسون در سال ۱۹۷۴ گردید. در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد که نیکسون و حزب جمهوری‌خواه به اسناد حزب رقیب خود یعنی حزب دموکرات در ساختمان هتل واترگیتِ واشنگتن دستبرد زده‌اند. از آن پس این ماجرا به عنوان یکی از مظاهر سوء استفاده از قدرت زبانزد شده است.

۱۲. این کار علاوه بر صرافت به جرأت هم نیاز داشته است.

۱۳. شاید دندانهای طرفین را شمرده باشد اما هیچکدامشان دندان عقل نداشته‌اند.

۱۴. مترجم این بار، از روی احتیاط و بر پایهٔ آخرین دستاوردهای علمی اضافه می‌کند که دندان یاد شده غالباً مایهٔ دردسر است و از این رو به جرأت می‌توان گفت که ندارندگان این دندان احتمالاً خوش به حال‌ترند.

۱۵. مکاشفهٔ یوحنّای رسول: بخش آخر کتاب مقدس است که حاکی از هشدارها و غضب‌های الهی است.

۱۶. Prohibition: دورهٔ میان سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ که ساخت و فروش و حمل و نقل مشروبات الکلی در آمریکا غیرقانونی اعلام شد و طی این سالها جرائم و تخلفات زیادی صورت گرفت.

۱۷. hypochondriac: معادل واژگانی دقیق آن «بیمار خیالی» است.

۱۸. مجلس اعیان انگلیس چیزی در ردیف مجلس سنای شاهنشاهی قبل از انقلاب است. اعضای این مجلس که تعداد آنها از مجلس عوام کمتر است انتخابی نیستند بلکه بر اساس منصب و مقام خود انتصاب می‌شوند.

نمایهٔ گویندگان

منابع

1. **The Oxford Dictionary of Homorous Quotations,** Ned Sherrin, 1995.
2. **The Oxford Dictionary of Quotations.**
3. **The penguin Dictionary of Modern Humorous Quotations,** Fred Metcalf, 1987.
4. **Quote and Unquote,** Perter and Josie Holton, 1970.
5. **The Worth Book of Humorous Dictionary,** Connie Robertson, 1998.

FARHANG MOASER

DICTIONARY OF HUMOROUS QUOTATIONS

Razi Hirmandi

PERSIAN
ENGLISH

پشت سر هر مرد موفق زنی انگشت به دهان ایستاده.
بی.دبلیو.آلور

زندگی بسیار بسیار مهمتر از آن است که دربارهٔ آن جدی صحبت کنیم.
اسکار وایلد

شکاکیت سرآغاز ایمان است.
اسکار وایلد

این مرد (هیتلر) آدم خطرناکی است. به هر چه می‌گوید اعتقاد دارد.
منسوب به جوزف گوبلز

عشق توهمی است که گویا یک زن با زنی دیگر فرق می‌کند.
اچ. ال. منکن

ISBN 964-5545-78-1

9789645545787

۷۰۰۰ تومان